مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

زیستن با پیامبر

محوریابی سخنان حضرت رسول (ص)

مهدی رضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

زیستن با پیامبر : محوریابی سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله

نویسنده:

مهدی رضایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

زیستن با پیامبر : محوریابی سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله ----- ۹

مشخصات کتاب ----- ۹

اشاره ----- ۹

فهرست مطالب ----- ۱۱

دیباچه ----- ۱۸

۱. ارتباط و معاشرت ----- ۲۰

۲. گشاده رویی ----- ۲۵

۳. مدارا کردن، رفق و ملایمت ----- ۲۷

۴. پرهیز از سخت گیری ----- ۲۸

۵. قرض دادن و قرض گرفتن ----- ۳۱

۶. سَلام ----- ۳۴

۷. عذرپذیری ----- ۳۷

۸. مهربانی با زیردستان ----- ۳۸

۹. قدردانی و سپاس ----- ۴۰

۱۰. پرهیز از حسادت ----- ۴۲

۱۱. حفظ آبروی افراد ----- ۴۶

۱۲. راز پوشی و کتمان ----- ۴۸

۱۳. هدیه ----- ۵۱

۱۴. شادمان ساختن ----- ۵۳

۱۵. ضیافت و میهمانی ----- ۵۴

۱۶. صداقت و راستی ----- ۵۸

۱۷. تواضع و فروتنی ----- ۶۳

۱۸. خیرخواهی و دل سوزی ----- ۶۷

۱۹. ویژگی های انسان بد در روابط اجتماعی ---------- ۷۰
رابطه مقامات معنوی و پاداش های اخروی با چگونگی ارتباط با مردم ---------- ۷۳
۱. بهشت تضمینی ---------- ۷۳
۲. محبوبیّت الهی ---------- ۷۶
۳. افضل الاعمال ---------- ۷۸
۴. آمرزش الهی ---------- ۸۰
۵. حسنه، کار نیک ---------- ۸۰
۶. عدالت ---------- ۸۱
۷. عقل ---------- ۸۱
۸. شکر و سپاس از خداوند ---------- ۸۲
۹. مقامات معنوی ---------- ۸۳
روابط اجتماعی ـ دیدار با خویشان (صله رحم) ---------- ۸۶
اشاره ---------- ۸۶
۱. آثار صله رحم ---------- ۸۶
۲. مراتب صله رحم ---------- ۸۷
۳. آثار قطع رحم ---------- ۸۷
بنیاد مقدس ازدواج و زندگانی مشترک ---------- ۸۹
اشاره ---------- ۸۹
۱. ازدواج و وظایف دیگران ---------- ۹۱
۲. حقوق، اختیارات و وظایف مرد ---------- ۹۲
۳. حقوق، اختیارات و وظایف زن ---------- ۹۶
راهکارهای ایجاد زمینه جلب اعتماد دیگران ---------- ۱۰۴
۱. انتخابِ خوب برای مردم ---------- ۱۰۴
۲. اصلاح میان مردم ---------- ۱۰۵
۳. آسان گرفتن بر مردم ---------- ۱۰۶
۴. تصدیق مردم ---------- ۱۰۷

۵. حمایت از آبروی دیگران ----- ۱۰۸
۶. چشم پوشی از دارایی مردم ----- ۱۰۸
۷. سپاس گزاری از مردم ----- ۱۰۹
۸. امانت دار بودن ----- ۱۱۰
حقوق همسایه ----- ۱۱۱
جایگاه زن ----- ۱۱۷
پاکیزگی و آراستگی ظاهر ----- ۱۲۲
عزّت نفس ----- ۱۲۹
اعتدال و میانه روی ----- ۱۳۳
جوانی و جوانان ----- ۱۳۶
محیط زیست ----- ۱۴۱
نژادها و ملیت ها ----- ۱۴۷
تفریحات سالم ــ ورزش ----- ۱۵۰
تقوا محوری ----- ۱۵۵
اشاره ----- ۱۵۵
۱. آثار تقوا ----- ۱۵۶
۲. موارد رعایت تقوای الهی ----- ۱۵۹
علم و دانش ----- ۱۶۲
اشاره ----- ۱۶۲
۱. ارزش عالم ----- ۱۶۶
۲. وظایف و مسئولیت های عالم ----- ۱۷۰
۳. وظایف و مسئولیت های دانش پژوه ----- ۱۷۵
آسیب های اجتماعی ــ جامعه دینی ----- ۱۷۸
مُردگان ----- ۱۹۰
فرهنگ برخورد با گرفتاران ----- ۱۹۳
حق محوری ----- ۱۹۶

مستمندان و مستضعفان ---------- ۱۹۹
وجدان کاری ــ کار و تلاش ---------- ۲۰۲
مشاوره ---------- ۲۰۷
وسیله نقلیه ــ مرکب سواری ---------- ۲۱۱
مسکن ---------- ۲۱۳
مسافرت ---------- ۲۱۷
عوامل غم و اندوه ---------- ۲۲۱
حقوق حیوانات ---------- ۲۲۶
دنیا و آخرت ---------- ۲۲۹
آسیب شناسی گناهان ---------- ۲۳۷
درباره مرکز ---------- ۲۴۴

زیستن با پیامبر : محوریابی سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

زیستن با پیامبر (محوریابی سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله)

کد: ۷۹۱

نویسنده: مهدی رضایی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۳۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۰-۲۵-۸۶۰۶-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۲۵-۰

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه... ۱

۱. ارتباط و معاشرت... ۳

۲. گشاده رویی... ۸

۳. مدارا کردن، رفق و ملایمت... ۱۰

۴. پرهیز از سخت گیری... ۱۱

۵. قرض دادن و قرض گرفتن... ۱۳

۶. سَلام... ۱۶

۷. عذرپذیری... ۱۹

۸. مهربانی با زیردستان... ۲۰

۹. قدردانی و سپاس... ۲۲

۱۰. پرهیز از حسادت... ۲۴

۱۱. حفظ آبروی افراد... ۲۸

۱۲. راز پوشی و کتمان... ۲۹

۱۳. هدیه... ۳۲

۱۴. شادمان ساختن... ۳۴

۱۵. ضیافت و میهمانی... ۳۵

۱۶. صداقت و راستی... ۳۹

۱۷. تواضع و فروتنی... ۴۳

۱۸. خیرخواهی و دل سوزی... ۴۷

۱۹. ویژگی های انسان بد در روابط اجتماعی··· ۵۰

ص: ۳

رابطه مقامات معنوی و پاداش های اخروی با چگونگی ارتباط با مردم··· ۵۲

۱. بهشت تضمینی··· ۵۲

۲. محبوبیّت الهی··· ۵۵

۳. افضل الاعمال··· ۵۷

۴. آمرزش الهی··· ۵۸

۵. حسنه، کار نیک··· ۵۹

۶. عدالت··· ۵۹

۷. عقل··· ۶۰

۸. شکر و سپاس از خداوند··· ۶۰

۹. مقامات معنوی··· ۶۱

روابط اجتماعی ـ دیدار با خویشان (صله رحم)··· ۶۴

۱. آثار صله رحم··· ۶۴

۲. مراتب صله رحم··· ۶۵

۳. آثار قطع رحم··· ۶۵

بنیاد مقدس ازدواج و زندگانی مشترک··· ۶۷

۱. ازدواج و وظایف دیگران··· ۶۹

۲. حقوق، اختیارات و وظایف مرد··· ۷۰

۳. حقوق، اختیارات و وظایف زن··· ۷۳

راهکارهای ایجاد زمینه جلب اعتماد دیگران··· ۸۰

۱. انتخابِ خوب برای مردم··· ۸۰

۲. اصلاح میان مردم… ۸۱

۳. آسان گرفتن بر مردم… ۸۲

۴. تصدیق مردم… ۸۳

۵. حمایت از آبروی دیگران… ۸۳

۶. چشم پوشی از دارایی مردم··· ۸۴

۷. سپاس گزاری از مردم··· ۸۵

۸. امانت دار بودن··· ۸۶

حقوق همسایه··· ۸۷

جایگاه زن··· ۹۳

پاکیزگی و آراستگی ظاهر··· ۹۸

عزّت نفس··· ۱۰۵

اعتدال و میانه روی··· ۱۰۸

جوانی و جوانان··· ۱۱۱

محیط زیست··· ۱۱۶

نژادها و ملیت ها··· ۱۲۱

تفریحات سالم ــ ورزش··· ۱۲۴

تقوا محوری··· ۱۲۹

۱. آثار تقوا··· ۱۳۰

۲. موارد رعایت تقوای الهی··· ۱۳۲

علم و دانش··· ۱۳۵

۱. ارزش عالم··· ۱۳۸

۲. وظایف و مسئولیت های عالم··· ۱۴۳

۳. وظایف و مسئولیت های دانش پژوه··· ۱۴۷

آسیب های اجتماعی ــ جامعه دینی··· ۱۵۰

مُردگان··· ۱۶۱

فرهنگ برخورد با گرفتاران··· ۱۶۳

حق محوری··· ۱۶۶

مستمندان و مستضعفان··· ۱۶۹

وجدان کاری _ کار و تلاش··· ۱۷۲

مشاوره··· ۱۷۶

وسیله نقلیّه _ مرکب سواری··· ۱۸۰

مسکن··· ۱۸۲

مسافرت··· ۱۸۶

عوامل غم و اندوه··· ۱۸۹

حقوق حیوانات··· ۱۹۳

دنیا و آخرت··· ۱۹۶

آسیب شناسی گناهان··· ۲۰۳

دیباچه

شناسایی آموزه های مکتب تعالی بخش اسلام ناب، ضرورتی است که هر مسلمان شیفته هدایت، به ویژه در شرایط عصر حاضر آن را احساس می کند. بهترین راه آشنایی با این مقوله، استمداد از قرآن و عترت بر محوریت سخنان هدایتگرانه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. بیست و سه سال زندگی آمیخته با وحی و هدایت آسمانی انسان ها، از مجموعه سخنان حضرت، گنجینه ای بی نظیر و دریایی بی کران برای دست یابی به حقایق و معارف توحیدی به یادگار گذاشته است. پرداختن به برخی از دغدغه های انسانی و اخلاقی و اجتماعی، در عصر حاکمیت ماشین و تجدد و انفجار اطلاعات، ضرورت نگاهی جدید به اندیشه های حضرت را محسوس تر می کند. براین اساس، با انتخاب سی موضوع متنوع در زمینه های گوناگون، نگاهی دوباره به کلمات رسول خدا داشتیم و توانستیم با محوریت کتاب نهج الفصاحه [که هرچند جامع همه سخنان حضرت نیست، ولی از منابع بسیار متعدد و معتبری فراهم آمده است] مجموعه ای را کنار هم قرار دهیم و با توضیحی مختصر و گویا، ارتباط منطقی و چینش لازم را میان آنها برقرار کنیم. آنچه پیش روی شماست، مجموعه ای از مواد خام و اولیه ای است که هر فرد و گروه و صنفی، با توجه به میزان و نوع نیاز و نگاه خود

ص: ۷

می توانـد از آن برداشت کنـد و با پردازش و اسـتفاده بهینه از آنها، برای دست یابی به هدف مهم و مقدسـی که در نظر دارد، بهره بگیرد. بـدیهی است پیـامبری که به تصـریح قرآن جز وحی سـخنی نداشـته است و آیین آسـمانی اش، جامع ترین ادیان و پایـان بخش آنهـا و پاسـخ گوی نیازهـای واقعی انسان ها تا روز قیامت و تأمین کننـده سـعادت و هـدایت راستین همه هـدایت جویـان و سـعادت خواهـان است؛ سـخنان و انـدیشه هـای نورانی و والا-یش، تشـریح کننـده قرآن و آموزگار حکمت عملی و الفبـای درس زنـدگی فردی و اجتمـاعی بر محـور حـق و حقیقت خواهـد بود. امیـد است این مجموعه که قطره ای از اقیـانوس ژرف دانش و حکمت وحیـانی و آسـمانی پیـامبر خـاتم است، بتوانـد دریچه ای هرچنـد کوچـک به سوی معارف اسـلام ناب محمـدی بگشایـد و گامی باشد برای پیمودن مسـیر راستی و درستی و مورد رضایت محور ولایت الهی، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

از جناب حجت الاسلام مهدی رضایی که در گردآوری و تدوین این اثر تلاش ورزیدند، کمال سپاس را داریم.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل خدمات رسانه ای

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

۱. ارتباط و معاشرت

جامعیّت دین اسلام، آخرین آیین الهی، در برنامه ها، سفارش و راهکارهای آن نمایان است. پای بندی و التزام به دین اسلام، تضمین کننده سعادت و نیک بختی همه انسان هاست، هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حاکمیت صمیمیت و دوستی در جامعه، رهنمودهای کاربردی و تضمین شده ای در سخنان خویش به یادگار گذاشته که عمل به هر یک از آنها، عاملی مؤثر برای دست یابی به زندگی سعادتمندانه و سالم است. ارتباط و معاشرت افراد در جامعه انسانی اسلامی جایگاه ویژه ای در اندیشه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد. گاهی رسول گرامی ارتباط با یکدیگر را عامل مهربانی معرفی کرده و فرموده است: «با یکدیگر برابر شوید تا دل هایتان برابر شود و با یکدیگر ارتباط و معاشرت داشته باشید تا نسبت به هم مهربان باشید»(۲۸۹).(۱) و گاهی دوستی با مردم را بسیار ارجمند می شمارد و می فرماید: «دوستی با مردم، پس از ایمان به خداوند بهترین کارهاست»(۳۸۷). همین دوستی با مردم را در سخن دیگر، این گونه ستوده است: «دوستی با مردم، نیمی

۱- ۱. شماره های داخل پرانتز به شماره حدیث در نهج الفصاحه اشاره دارد که از این پس تنها به ذکر شماره بسنده می شود.

از عقل است»(۱۰۵۷).

این سخن بیانگر این نکته است که آدمی هر چند اهل فهم و دانایی باشد، اگر در برقراری ارتباط با دیگران نتواند طرح دوستی بریزد، از عقل عملی محروم است و گویا نیمی از عقل را ندارد.

پس اسلام با تأکید بر اصل ایجاد ارتباط با دیگران و پسندیده و ارزشمند شمردن ارتباط دوستانه با افراد، انتخاب دوست را ضروری دانسته است. این انتخاب، گذشته از آثار و فواید فراوان دنیوی، در آخرت نیز اثرگذاراست؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «دوست بسیار، انتخاب کنید؛ زیرا خداوند شما با حیا و کریم است و شرم دارد که روز قیامت بنده خود را در حضور دوستانش عذاب کند»(۴۴۵). باید حریم دوستان را پاس داشت و از آنچه مایه رنجش و تحقیر آنان می شود، دوری ورزید و در حفظ آنها کوشش کرد. رسول گرامی می فرماید: «هر یک از شما آینه برادر خویش است. پس هرگاه عیبی بر او دید، آن را بزداید»(۵۸۰، ۳۱۱۱). تکریم دوست، گاهی به عیب زدایی است و گاهی به احترام و شخصیت بخشی به او. به این سخن از پیامبر توجه کنید: «بهترین کارهای نیک، تکریم هم نشینان است»(۳۹۶).

اگر ایجاد ارتباط با دیگران برای دست یابی به دوستی و مهربانی است، باید برای افزایش این دوستی با تدبیر و درایت تلاش کرد. گاه برنامه ریزی و رعایت اعتدال در دید و بازدید، عامل افزایش دوستی است؛ همان گونه که حضرت می فرماید: «دیدار و بازدید را با اعتدال و منظّم انجام بده تا بر محبوبیّت خود بیفزایی»(۱۷۰۲).

ارتباط و معاشرت با دیگران ضوابطی دارد که در موقعیت ها و شرایط

مختلف باید رعایت شوند. برای نمونه، در مجلسی که پدری در کنار فرزندش نشسته است، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «نباید مرد در مجلس میان پدر و فرزندش بنشیند»(۲۵۲۳). و در سخن دیگر فرموده است: «میان دو نفر جز با اجازه آنها منشینید»(۲۴۳۹). این دو توصیه، شاید به نظر، ابتدایی و بی اهمیت جلوه کند، ولی چون هدف اسلام از ارتباط افراد با یکدیگر، برقراری صمیمیت بیشتر و مهربانی گسترده تر است، از هر عاملی که این هدف را آسیب پذیر کند، پرهیز می دهد؛ هر چند موضوعی جزئی و بی اهمیت به نظر آید.

نکته دیگر در ارتباط با دیگران، استفاده از ابزارهای مشروع و معقول برای کسب محبوبیت است. گاهی گذشتن از مال، در تثبیت دوستی ها و موقعیت اجتماعی مؤثر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «اگر می خواهی خداوند تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار و اگر می خواهی مردم تو را دوست بدارند، آنچه از زواید دنیا داری، پیش آنها بریز»(۱۷۰).

نکته ای که از گفتار پیامبر برداشت می شود، رابطه محبوبیت انسان در پیشگاه الهی و محبوبیت او نزد مردم، به نوع برخورد او با دنیا بستگی دارد؛ زیرا دنیا مبغوضیت؛ یعنی دل نبستن به دنیا که نتیجه اش محبوبیّت الهی است و نشانه دل نبستن به دنیا، ارزانی داشتن آن به مردم است که نتیجه اش، محبوبیت نزد مردم خواهد بود. به طور کلی، بریدن تعلق از دنیا عاملی است برای کسب محبوبیّت در پیشگاه خدا و مردم. عامل دیگر برای کسب محبوبیت، سلام و نیز احترام متقابل و شخصیت دادن به افراد است. به این حدیث از پیامبر خدا توجه کنید: «سه چیز محبت و دوستی برادرت را برای

تو خالص می کند: ۱. سلام کردن به او هنگام ملاقات ۲. جا دادن به او در مجالس ۳. صدا زدن او به بهترین نام هایش»(۱۲۹۳). و در گفتاری دیگر، نقش مصافحه (دست دادن با یکدیگر) را این گونه بیان می فرماید: «با یکدیگر دست بدهید تا کینه از دل های شما برود»(۱۱۵۰).

ارتباط افراد در جامعه ایمانی، آن چنان اجتناب ناپذیر است که حضرت آن را این گونه بیان کرده است: «مؤمنان در مهربانی و دوستی و ارتباط عاطفی با یکدیگر همچون اعضای یک پیکرند که وقتی عضوی به درد آید، اعضای دیگر آرام نگیرند (مشکل یک عضو در بدن به همه اعضا سرایت می کند و با او همدرد می شوند یا با تب و گرما و یا با بیداری و نخفتن)»(۱۱۳۹). در سخن دیگر، این رابطه را چنین بیان کرده است: «مؤمنان باید از رنج یکدیگر احساس درد کنند؛ همان گونه که تن از رنج سر دردمند می شود»(۸۴۹).

باید با شناسایی آفاتی که ارتباط و معاشرت با افراد را تهدید می کند، در برابر آنها با آگاهی عمل کرد. رسول گرامی اسلام در سخنی می فرماید: «هر کس بیش از سه روز از برادر خویش دوری گزیند و با او قهر کند و بمیرد، به دوزخ خواهد رفت»(۲۷۷۲). و نیز می فرماید: «روا نیست که مسلمانی بیش از سه روز با برادر خود قهر کند»(۲۰۸۵). هر چه زمان جدایی و قهر بیشتر شود، عوارض آن بیشتر و سنگین تر است؛ تا آنجا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس یک سال از برادر خویش قهر کند، چنان است که خون او را ریخته است»(۲۸۹۵).

آفت دیگر ارتباط و معاشرت، زمینه سازی برای بی اعتماد شدن دیگران است. هر کاری که سوءظن افراد را برانگیزد و آنان را به سوی بی اعتمادی بکشاند، آفتی است برای روابط دوستانه. رسول گرامی در این زمینه

می فرماید: «وقتی سه تن با هم هستند، دو نفر از آنها درگوشی با هم سخن نگویند»(۲۳۵). و در گفتاری دیگر فرموده است: «وقتی سه نفر با هم هستید، دو نفر از شما درگوشی و به صورت آهسته با هم سخن نگویید _ تا اینکه به میان مردم روید و اجتماع سه نفره شما به هم بخورد _ زیرا سخن گفتن درگوشی شما دو نفر مایه غم و اندوه نفر سوم می شود»(۲۳۶). و در حدیثی دیگر می فرماید: «وقتی دو تن آهسته سخن می گویند، میان آنها داخل مشو»(۲۳۰).

آفت دیگر ارتباط و معاشرت، عیب جویی و طعنه و زخم زبان زدن است. رسول خدا در حدیثی نسبت به آن چنین هشدار داده است: «بندگان خدا! با هم برادر باشید و عیب جو و ستایشگر (بدون دلیل) و طعنه زن مباشید»(۲۴۴۲).

یکی از موارد منع ستایش، هنگام درخواست از دیگران است. رمز ممنوعیت این کار، شاید این باشد که اسلام نخواسته است کسی بی دلیل در برابر دیگران، تحقیر شود. شاید هم به این دلیل است که اگر از فردی که از او درخواستی شده، ستایش شود، وی دیگر نمی تواند به راحتی تصمیم بگیرد و انتخاب را برای او مشکل می کند. پس او را به خاطر جبران این ستایش و تعریف، در برابر کار انجام شده قرار می دهد و دیگر کارش اقدامی از روی اختیار و اراده نیست.

رسول گرامی می فرماید: «هرگاه کسی از شما از برادر خویش حاجتی را طلب می کند، گفتار خود را با ستایش آغاز نکند و پشت او را گران بار نکند»(۲۱۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هدف از بعثت خویش را تکمیل مکارم اخلاق و بزرگواری های اخلاقی بیان کرده است، در حدیثی می فرماید: «هرگاه کسی تو را به آنچه از تو می داند، دشنام دهد، تو او را به آنچه از او می دانی، دشنام مده تا اجر این کار

از آن تو شود و وبال آن بر گردن او باشد»(۲۱۳). این برخورد کریمانه در زندگی، مصادیق متنوعی دارد که محور همه آنها پرهیز از مقابله به مثل است؛ زیرا انسان مؤمن در برخورد اخلاقی، معامله اقتصادی نمی کند، بلکه با خدا معامله می کند و از او نیز پاداش می خواهد. بر این اساس، نگاه نمی کند که طرف مقابل چگونه برخوردی داشته و دارد، بلکه به وظیفه اخلاقی خویش می نگرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «از کسی که تو را عیادت نمی کند، عیادت کن و به آن کس که به تو هدیه نمی دهد، هدیه بده»(۱۹۳۵).

نکته دیگر در ارتباط با دیگران، تکریم بزرگان هر گروه و جمعیتی است. این سفارش، بیانگر پای بندی اسلام به رعایت حریم افراد و پاسداشت شخصیت آنهاست. رسول گرامی می فرماید: «هرگاه بزرگ طایفه ای پیش شما آمد، او را تکریم کنید و بزرگ شمارید»(۱۳۲).

جمع بندی سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ارتباط و معاشرت با دیگران، معیار کلّی و ضابطه ای است که خود آن بزرگوار این گونه بیان فرموده است: «هر چه برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند و هر چه برای خود دوست داری، برای برادرت دوست بدار»(۲۷۰۰). در حدیثی دیگر پای بندی به این معیار و ضابطه را مایه دست یابی به درجات عالی عدالت می داند و می فرماید: «عادل ترین مردم آن است که آنچه برای خود می پسندد و بدان راضی گردد، برای مردم بپسندد و آنچه را بر خود روا ندارد، بر مردم نیز روا ندارد»(۳۴۰).

۲. گشاده رویی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که رحمتی است از سوی خداوند متعال برای همه جهانیان، در قالب گفتار و رفتار خود در پی تربیت افراد و جامعه بر محور

دوستی و صمیمیّت است. این هدف مهم، در لابه لای گفتارهای نورانی و حکیمانه آن پیامبر بزرگ با تعبیرهای گوناگون وجود دارد: گاهی با هدف طرح کلی موضوع و تبیین ارزشمندی دوستی و صمیمیت؛ زمانی در قالب ارائه مصادیق و راهکارها و گاه به صورت معرفی آفات و راه های مقابله با آن و یا راه های تحکیم و ترویج آن و گاهی به صورت تبیین نقطه مقابل آن و عوارض مخرّب و منفی آن موضوع. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبیین اهمیت و ارزش دوستی، در بیان نقطه مقابل آن می فرماید: «منفورترین شخص در پیشگاه خدا شخص لجوج و ستیزه جو است»(۱۸).

چون نوع برخورد انسان ها می تواند پیام آور محبت یا بیانگر بی مهری و کینه باشد، بر این مهم تأکید کرده است که در برخوردها از بی مهری و برخورد عبوسانه پرهیز شود؛ زیرا خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد، دشمن دارد (۷۴۰).

در کلمات حضرت با نهی از برخوردهای تهی از مهر و دوستی، بر ارزشمندی برخورد محبت آمیز با تعبیرهای گوناگون بسیار تأکید شده تا آنجا که برخورد با روی گشاده با دیگران، نمونه کار نیک [معروف]معرفی(۳۴) و در کنار تقوا، بر برخورد با اخلاق خوش با مردم و نیکو رفتاری با آنان بسیار سفارش شده است (۴۶). اگر شخص لجوج و ستیزه جو در پیشگاه الهی منفور است، طبیعی است که صاحب اخلاق نیکو باید در پیشگاه حق از محبوبیّت بهره مند باشد(۸۴).

در همه آموزه های دینی و به صورت یک اصل کلی آمده است که اخلاق نیک و برخورد شایسته، سرمایه ای است زمان و مکان ناپذیر که برای

هر فردی و نسبت به هر فردی و در هر شرایطی امری است ممکن و مؤثر. پیامبر فرموده است: «شما هیچ گاه نمی توانید با اموال و دارایی خویش همه مردم را پوشش دهید و آنان را فرا بگیرید، ولی با اخلاق خود همه را فرا بگیرید (و خرسندشان سازید)».

برای حاکمیت دوستی و صمیمیّت باید فواید، آثار و پی آمدهای آن به صورت دقیق و کاربردی ارائه شود تا افراد، با بصیرت و آگاهی کامل به آن ترغیب شوند.

بر این اساس، پیامبر در گفتاری می فرماید: «گشاده رویی، کینه را می برد و نیک خویی، دوستی را تثبیت می کند و استوار سازد»(۱۳۷۰، ۱۳۷۵). و لبخندی که انسان از شوق دیدار به روی برادرش می زند، خنده ای است که خداوند آن را دوست دارد(۱۸۹۲) و سلام کردن با گشاده رویی مصداق صدقه در راه خدا معرفی شده است (۳۰۶۸).

۳. مدارا کردن، رفق و ملایمت

راهکار دیگری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دست یابی به حاکمیت صمیمیّت و دوستی ارائه می فرماید، مدارا و رفق و ملایمت است.

مدارا دارای خاستگاه عقلانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «عاقل تر از همگان، کسی است که مدارایش با مردم بیشتر باشد»(۳۵۸). و آن را اساس عقل و حکمت معرفی کرده است (۱۶۳۵، ۱۶۹۷). ایشان در بیان رابطه مدارا با ایمان و مؤمن می فرماید: «دانش، دوست مؤمن و بردباری، پشتیبان او و عقل، راهنمای او و عمل، مایه استواری و ارزش او و مدارا، پدر و ملایمت، برادر و صبر، امیرِ سپاه وی به شمار می رود»(۴۶۵). حضرت در بیانی دیگر، مدارا کردن با مردم را نیمی از ایمان و ملایمت با آنان را نیمی از زندگی خوش معرفی کرده

است(۲۷۳۵) و چون مـدارا در زنـدگی اجتماعی به طور طبیعی باعث جـذب دیگران می شود، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در سخنی می فرماید: «مدارا قرین فزونی و برکت است و هر که از مدارا بی بهره باشد، از خوبی بی بهره است»(۱۶۹۷).

در فرهنـگ اسـلامی، صـدقه تنهـا شامـل بخشـش هـای مـادی و مـالی نیسـت و مـدارا کردن بـا مردم نیز صـدقه معرفی شـده است(۲۷۳۶)؛ زیرا مـدارا از نمونه های برجسـته رفتار نیک با مردم است. مـدارا با اعضای خانواده در بیان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ارزشـمند و نیـک دانسته شـده است. رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله در سـخنی می فرمایـد: «وقـتی خداونـد برای خانواده ای نیکی و خیر اراده کند، رفق و مدارا را در بین آنها قرار می دهد»(۱۵۱).

برای پی بردن بیشتر به جایگاه ارزشـمند رفق و مدارا، در مجموعه دین اسـلام، این جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار گویاست که می فرمایـد: «خداونـد به من مأموریت داده که با مردم به مدارا رفتار کنم؛ همچنان که مرا به اقامه فرایض و انجام واجبـات مأمور ساخته است»(۶۷۷) و در کلامـی دیگر فرمود: «خداونـد رفیق است (اهـل رفق و مـدارا است) [رفیق از نـام های پروردگـار است] و رفق و ملایـمت را دوست دارد و به واسـطه رفق، بهره ای نصـیب انسان می سازد که انسان اهل خشونت از آن محروم است»(۷۰۱) «و خشونت مایه بی ارزشی و شومی و رفق و مدارا مایه میمنت و زینت است»(۱۵۴۰، ۱۶۹۸).

۴. پرهیز از سخت گیری

آموزه هـای دین اسـلام، آخرین و جـامع ترین برنـامه آسـمانی هـدایت و سـعادت انسـان هـاست. بر همین اساس، در مجموعه معارف دینی، به ویژه در مسائل اخلاقی و تربیتی و آداب معاشـرت، اگر موضوعی بیان شده، هر دو بُعد سـلبی و ایجابی آن به دقت ارزیابی شده است. برای نمونه، اگر رفق و

ملایمت و مدارا و آسان گرفتن بر دیگران را یک موضوع ارزشی بدانیم، نقطه مقابل آن؛ یعنی سخت گیری و اشکال تراشی و بهانه جویی نقد و بررسی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخت گیری را مایه شومی دانسته(۱۷۸۱) و فرموده است: «خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش [بهانه گیر و بهانه جو] مبعوث نکرده است، بلکه مرا آموزگار و آسان گیر مبعوث کرده است» (۷۲۵) و وظیفه امّت را در این زمینه این گونه تبیین کرده است: «تعلیم دهید و آسان گیرید و سخت مگیرید و گشاده رویی کنید و خشونت مکنید و چون یکی از شما خشمگین شود، خاموشی برگزیند» (۱۹۵۷)و در سخنی دیگر فرموده است: «تعلیم دهید و خشونت مکنید؛ که آموزگار، بهتر از خشونتگر است»(۱۹۵۸). معیار و محور اصلی در ارتباط و معاشرت با دیگران خود انسان است و انسان باید آنچه را بر خود نمی پسند، بر دیگران روا ندارد. در این زمینه نیز گفتار حضرت این است که: «از آنان مباش که بر مردم سخت گیرند و بر خویش آسان می گیرند»(۲۴۸۳).

پیامبر از سخت گیری در بعضی از امور نهی فرموده است. از جمله از سخت گیری در تربیت و یادگیری، چنانکه می فرماید: «تعلیم دهید و سهل گیرید و سخت مگیرید و با گشاده رویی و اخلاق خوش به دیگران بشارت و مژده دهید و آنان را جذب کنید و مایه گریز و روی گردانی دیگران نشوید» (۱۹۵۷)نیز فرموده است: «تعلیم دهید و خشونت مکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است» (۱۹۵۸)و فرمود: «خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش مبعوث نکرده است، بلکه مرا به عنوان آموزگار و آسان گیر برانگیخته است»(۷۲۵).

یکی دیگر از موارد سخت گیری بی مورد و نامعقول که از آن نهی شده، سخت گیری در امور مالی، مانند قرض دادن یا ادای بدهی است. رسول خدا

صلی الله علیه و آله می فرماید: «سخت گیری انسان دارا و بهره مند (کسی که توانایی پرداخت بدهی خویش را دارد) آبروی او را بازیچه و عقوبت و تنبیه او را روا و آسان می کند»(۲۴۲۵).

بر حفظ حرمت و شخصیت افراد در جامعه اسلامی تأکید شده است و این مهم، سفارشی فراگیر است که همگان را شامل می شود، ولی برخی از افراد در جامعه از موقعیت ممتاز و جایگاه اجتماعی ویژه ای برخوردار هستند. این افراد که در فرهنگ روایات، گاهی به کِرام (بزرگواران) و گاهی جوان مردان یاد می شوند، بیشتر باید مورد توجه و احترام باشند؛ زیرا چنین انسان هایی معمولاً ـ از روی عمد و آگاهی مرتکب خطا و گناه نمی شوند، بلکه در برخی شرایط، لغزش هایی ناخواسته از آنان صادر می شود که باید از سخت گیری درباره آنان پرهیز شود. در همین زمینه، پیامبر خدا می فرماید: «وقتی تردید پیش آمد، مجازات ها را باز دارید و لغزش های بزرگان را ببخشید، مگر در مورد حدود الهی»(۱۲۰) و در گفتاری دیگر می فرماید: «برای گناهان جوان مردان و لغزش های آنان عذرتراشی کنید»(۹۶۵).

پاداش اخروی انسانی که نسبت به دیگران سخت گیری نمی کند، در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «بر کسی که نرم و ملایم و آسان گیر و نزدیک به مردم باشد، آتش دوزخ حرام است» (۱۳۶۳)و در گفتاری دیگر، درباره آسان گرفتن بر تنگ دست می فرماید: «هر کس بر تنگ دستی آسان گیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد»(۲۷۵۶). نقطه مقابل چنین انسانی، کسی است که بر مردم سخت می گیرد و دارای حسابی سخت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر که زیان به دیگران برساند، خداوند زیانش رساند و هر که سخت گیری کند، خداوند با وی سخت گیرد»(۳۰۳۰).

۵. قرض دادن و قرض گرفتن

جامعه انسانی، مجموعه ای است که در آن تمام افراد ناگزیر از ارتباط و تعامل با یکدیگرند. این ارتباط در زمینه های مختلف تحقق می یابد. یکی از زمینه های مناسب تحقق این ارتباط، مسائل مالی به ویژه مسئله قرض دادن و قرض گرفتن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ساختن جامعه ای بر محور توحید و دوستی و مهربانی درباره ابعاد گوناگون این مسئله سفارش های فراوانی دارند. آن حضرت در سخنی درباره ارزشمندی پرداخت قرض به یکدیگر می فرماید: «سه چیز مایه برکت است: فروش به صورت نسیه (غیر نقدی) و قرض دادن به یکدیگر و آمیختن گندم به جو برای خوراک، نه برای فروش»(۲۰۸۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزون بر اینکه می کوشد میان افراد جامعه دوستی و صمیمیت را حاکم کند، نمی پسندد که برخی در پرتو این خصلت های انسانی، از کار و تلاش بایستند و پیوسته به دیگران متکّی باشند. براین اساس، در سخنی می فرماید: «چیزی را به قرض دادن بهتر است تا آنکه به صدقه داده شود» [قرض دادن از صدقه دادن بهتر است].

پیام این سخن، آن است که انسان مقروض در تلاش است که قرض خویش را بپردازد و روحیه تلاش و کار در او زنده می ماند، ولی انسانی که به استفاده از صدقه و کمک های بلاعوض عادت کرده باشد، انگیزه کار و تلاش در او کم کم رو به افول می گذارد و این روحیه، پی آمدهای منفی و مخربی برای او و جامعه دارد. پیامبر در تأکید ارزشمندی قرض در مقایسه با صدقه در گفتار دیگری فرموده است: «دو بار قرض دادن از یک بار صدقه دادن بهتر است»(۲۰۸۱).

ص: ۲۰

در گفتار پیش، سخن در انتخاب صدقه نسبت به قرض بود که اگر انسان چیزی را قرض بدهد، بهتر است، ولی در گفتار اخیر، سخن در این است که اگر انسان دوبار قرض بدهد و خواهان پس گرفتن آن از مقروض باشد، بهتر است که یک بار صدقه به او دهد و عوضی را طلب نکند. اهمیت قرض و جایگاه ارزشی آن در اندیشه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که اگر صدقه، کار نیکی در حق گیرنده صدقه به شمار می رود و بخشی از کاستی های زندگی او پر می شود، قرض نیز این گونه است. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر قرضی، صدقه است»(۲۱۵۸).

در فرهنگ اسلامی و اندیشه والای نبوی، افزون بر قرض دادن، کمک به پرداخت بدهی برادران ایمانی دارای فضیلت است و مصداق افضل الاعمال (بهترین کارها) معرفی شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «بهترین کارها آن است که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا بدهی او را بپردازی»(۳۸۶) و در گفتاری دیگر، ادای بدهی بدهکار را بهترین کارها در پیش خداوند معرفی کرده است(۷۶).

در اندیشه پیامبر بزرگوار اسلام، رعایت حال مقروض و مهلت دادن به او و حتی در صورت امکان، بخشیدن بدهی او دارای ارزش و پاداش اخروی معرفی شده است. براین اساس، آن حضرت فرموده است: «هر کس به بدهکار خویش مهلت دهد یا از بدهی او بگذرد [و قرض او را قلم گیرد]، روز قیامت در سایه عرش باشد»(۲۸۹۴، ۱۴۰۱). در گفتاری دیگر از پیامبر می خوانیم: «به بهشت در آمدم، بر در آن نوشته ای این گونه دیدم: صدقه را ده برابر پاداش است و قرض را هجده برابر پاداش است. گفتم: ای جبرئیل! چگونه صدقه را ده برابر و قرض را هجده برابر پاداش دهند. جبرئیل پاسخ داد: این برای آن است که صدقه در دست بی نیاز و نیازمند قرار می گیرد، ولی

قرض جز در دست نیازمند قرار نمی گیرد»(۱۵۵۷).

در کلمات پیامبر برای دریافت کننده قرض وظایف و تکالیفی ذکر شده است که باید رعایت شود تا انگیزه انسانی ـ الهی قرض الحسنه، همواره در جامعه زنده بماند و با واکنش های ناصحیح زمینه های بی اعتمادی افراد به همدیگر پدید نیاید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «بهترین شما کسانی هستند که به بهترین وجه و نیکوترین شیوه، قرض خود را ادا کنند»(۱۴۷۴).

دریافت کننده قرض باید در این اندیشه باشد که بدهی خویش را بپردازد حتی اگر با این نیت از دنیا برود، گناهکار نیست، ولی کیفر اخروی آن که در فکر پرداخت بدهی خویش نیست، سخت است. به این سخن پیامبر بنگریم: «قرض دو گونه است. هر کس بمیرد در حالی که نیت پرداخت قرض خویش را داشته، من ولیّ او هستم و هر که بمیرد در حالی که قصد و نیت پرداخت بدهی خویش را نداشته است، در قیامت در برابر بدهی او، از کارهای خوبش برداشته می شود؛ زیرا در قیامت دینار و درهمی نیست»(۱۶۰۹). اهمیت پرداخت بدهی به اندازه ای است که انسان بی توجه و بی اعتنا به آن را در حدّ دزد کاهش می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کسی قرضی بگیرد و در خاطر داشته باشد که آن را نپردازد، مانند دزدان محشور می شود»(۱۰۳۰). و نیز در گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی که در ادای حق مردم تأخیر می کند، یک انسان بد (و غیر قابل اعتماد) معرّفی شده(۱۷۱۷) و آن حضرت تأخیر در پرداخت بدهی را نوعی ستم دانسته است(۳۱۱۶). آخرین نکته در تبیین وظایف گیرنده قرض، توجه به این مسئله است که همان گونه که قرض گیرنده خویش را دارای شخصیت و حریم می داند و خواهان آن است که در بهترین شرایط، به سرعت و در فضایی

آمیخته به صـدق و صـفا وام بگیرد، بایـد به هنگام پرداخت، از هر گونه مسامحه، سـهل انگاری، اشـکال تراشـی و بهانه جویی خودداری کند و آبرویی را که برایش مهم به شـمار می آمد، بازیچه قرار ندهد. بنگرید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه زیبا فرموده است: «سـخت گیری انسان دارا و متمکّن (کسـی که بتوانـد بدهی خویش را بپردازد)، ولی سـخت گیری می کند)، آبروی او را بازیچه ی و عقوبت و تنبیه او را بر صاحب حق آسان و روا می سازد»(۲۶۲۵).

۶. سَلام

یکی از دسـتورهای اسلام در راستای ایجاد حاکمیت صمیمیّت و دوستی، سلام است. فرهنگ سلام، آن چنان اهمیت و ارزش دارد که شـعار رسـمی ملّت مسـلمان در دیـدار با یکـدیگر معرفی شـده است. رسول خدا صـلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «سلام درود ملّت ماست»(۱۷۷۷).

اهمیت این موضوع آن گـاه بیشتر و بهتر فهمیـده می شود که بـدانیم پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله بخیل ترین مردم را کسـی معرفی کرده است که در ادای سلام بخل ورزد(۳۳۷، ۵۷۰).

برنامه های دین اسـلام به گونه ای تنظیم شده است که افراد در جامعه اسلامی آداب اسلامی را ناگزیر باید رعایت کنند؛ زیرا گاهی تخلّف از یک دستور دینی پی آمدهای تحمل ناپذیری برای فرد در پی دارد. برای نمونه، دستور دین این است که آغاز سخن گفتن و شـروع ایجاد ارتباط باید با سلام باشد و هر کس این دستور را رعایت نکند، از برخورد مناسب و شایسته محروم می شود. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در سـخنی می فرماید: «سلام مقدم بر سؤال و درخواست است. پس هر کس پیش از سلام، درخواستش را مطرح کرد، پاسخش

را ندهید»(۱۷۷۴، ۲۹۳۴). سلام، حق متقابل میان دو مسلمان دانسته شده است که در دیدار با یکدیگر وظیفه دارند به هم سلام کنند(۱۳۹۲).

بـدیهی است که در هر کار نیکی، آن کس که پیشتاز باشـد، فضـیلت بیشتری را کسب می کنـد. درباره سـلام نیز همین گونه است. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «آن که سـلام آغـاز می کنـد، از تکبر برکنار است»(۱۱۰۲). و در گفتـاری دیگر می فرماید: «مرد مسلمان هر گاه بر گروهی گذر کند و بر آنها سلام کند و جوابش را دهند، وی را بر آنها فزونی مرتبت است که سلام را به یادشان آورده است و اگر جوابش ندهند، کسی که از آنها بهتر و پاکیزه تر است، جوابش دهد»(۱۷۷۶).

اگر موضوعی، حق متقابل میان دو مسـلمان شـناخته شود، روشن است که هر دو طرف وظیفه ای بر عهـده دارنـد. به این معنی که اگر یکی از دو طرف زودتر از دیگری سـلام گفت، دیگری موظف است پاسخ سلام او را بدهد و این جواب دادن لازم و الزامی اسـت. در سـخنی پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آلـه می فرمایـد: «جـواب نـامه نیز ماننـد جـواب سـلام، واجـب و لازم است»(۱۶۶۱). و در اهمیت جواب سـلام این سـخن پیامبر گویاست که می فرماید: «سلام کردن از روی میل و به دلخواه است (واجب و الزامی نیست)، ولی جواب سلام، واجب است»(۱۷۷۵).

در فرهنگ سـخنان پیامبر رحمت، با نگاهی دیگر به برخی از گفتارهای آن حضـرت، با آثار و پی آمدهای مثبت سـلام آشـنا می شویم. پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله دربـاره نقش گسترده سـلام در ایجاد دوستی و الفت عمومی می فرمایـد: «سـلام را آشـکار کنید تا دوستی و محبت در میان شـما اسـتوار گردد»(۳۸۱). و «سـلام را آشـکار کنید تا در پرتو آن به سـلامتی دست یابید»(۳۸۲). رمز این گفتار پیامبر از سخن دیگرش به دست می آید که می فرماید: «سلام نامی از نام های خداوند

است که آن را در زمین نهاده است. پس سلام را در میان خودتان بگسترانید»(۱۷۷۶). این سخن رسول گرامی به آیه ۲۲ از سوره حشر اشاره دارد که سلام در این آیه، یکی از نام های خداوند معرفی شده است.

در گفتاری دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حسادت و دشمنی را عامل دین زدایی معرفی فرموده و راه ورود به بهشت را ایمان و شرط ایمان را دوستی همگانی و فراگیر دانسته است و آن گاه راهکار دوستی را گسترش سلام در میان افراد جامعه معرفی کرده است(۱۵۵۵). در سخنی دیگر، گسترش سلام را در کنار اطعام دیگران و صله ارحام و نمازشب، از راه های ورود به بهشت معرفی کرده است(۳۸۳).

آمرزش و مغفرت الهی، موهبتی است که نصیب هر کس نمی شود؛ زیرا آمرزش خداوند آنجا محقق می شود که بنده با اعمال خویش رضایت حق تعالی را به دست آورده باشد. یکی دیگر از آثار و فواید سلام در گفتار نبوی این است که می فرماید: «از جمله لوازم آمرزش، ادای سلام و نیکی کلام است»(۹۲۸).

رهایی از تکبر و خارج شدن از خودبینی و کبر، از فضایل مهم اخلاقی است که راهکارها و نشانه هایی دارد. در اندیشه الهی پیامبر بزرگوار اسلام، آن که سلام آغاز می کند، از تکبر برکنار است(۱۰۲)؛ زیرا آغاز کردن به سلام، نشانه آن است که انسان برای خود نسبت به دیگران، امتیاز و برتری قایل نیست.

بر این اساس، در فرهنگ دینی نه تنها آغاز به سلام به دوری از تکبر می انجامد، نشانه تواضع و خاکساری است و تواضع جز رفعت مقام و

والایی موقعیت، رهاوردی ندارد(۶۱۵).

در گفتاری دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام کردن را در کنار صدقه دادن در تنگ دستی و رعایت انصاف، هر چند به زیان انسان باشد، از عوامل کامل کننده ایمان شمرده است(۲۵۴۴). سرّ این سخن آن است که عمل از ارکان ایمان است و سلام، نمونه روشن یک عمل ایمانی در قلمرو روابط اجتماعی است.

سخن پایانی در این بخش اینکه هر چند سلام خود پیام آور دوستی و محبت و امنیت است، اگر همراه با گشاده رویی و برخورد محبت آمیز و آمیخته به عاطفه باشد، از فضیلت بیشتری برخوردار است تا آنجا که چنین سلامی، صدقه به شمار می آید. به این گفتار پیامبر بنگریم که فرموده است: «سلام کردن به مردم با گشاده رویی صدقه است»(۳۰۶۸).

۷. عذرپذیری

دیگر از راهکارهای حاکمیت صمیمیّت و دوستی در اندیشه تابناک رسول گرامی اسلام، عذرپذیری است. به جز انسان های معصوم، همگان در معرض اشتباه و خطا هستند و امکان اشتباه، همیشه وجود دارد. در چنین بستری، همه انسان ها باید در برابر اشتباه دیگران عذرپذیر باشند؛ زیرا عذرخواهی فرد خطاکار، بیانگر توجه او به اشتباهی است که مرتکب شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرکس، برادرش به عذرخواهی پیش وی آید، باید عذر وی را حق باشد یا باطل بپذیرد و اگر نپذیرد، بر سر حوض به نزد من نیاید»(۱۹۴۵، ۱۹۴۶).

اهمیت و ارزش عذرپذیری به اندازه ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

سخنی، انسان عذرناپذیر را در ردیف انسان های بد معرفی کرده است. حضرت می فرماید: «بدترین مردم کسی است که تنها غذا می خورد و رسیده خود (کسی که بر انسان وارد می شود) را بی نصیب کند و بنده خویش را بزند و بدتر از او کسی است که خطایی را نبخشد و عذری نپذیرد و بدتر از او کسی است که به خیرش، امید و از شرش امانی نیست»(۱۸۰۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پیام آور رحمت و خیرخواه امّت است، در فردای قیامت، شفاعتش را نصیب کسی می کند که بهتر و بیشتر از دیگران دستورها و ارشادهای او را در زندگی به کار بسته است. عذرپذیری نیز یکی از دستورهای اخلاقی آن حضرت است. بر این اساس در گفتاری می فرماید: «هر کس عذر عذرآورنده ای را چه راست باشد یا دروغ، نپذیرد، از شفاعت من محروم است»(۲۷۵۷).

۸. مهربانی با زیردستان

از دیگر برنامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایجاد حاکمیت صمیمیّت و دوستی، مهربانی با زیردستان است. انسان در روابط اجتماعی به دلیل نیازی که به انسان های هم سطح خویش دارد، معمولاً برنامه زندگی خود را به گونه ای تنظیم می کند که میان او و دیگران روابط دوستانه ای حاکم باشد و ظاهر این دوستی را حفظ می کند و می کوشد که هیچ زمینه و بستری برای پیدایش کدورت و کینه و دشمنی به وجود نیاید. البته در برابر رعایت حقوق انسان هایی که در سطح پایین تری قرار دارند و به نوعی کارگزار و فرمانبر او هستند، صعوبت و سختی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری این گروه از انسان ها را برادر معرفی و بر

یاری کردن آنان تأکید کرده و فرموده است: «بندگان شما، برادران شما هستند. با آنها نیکی کنید. آنها را در کارهای مشکل خود به کمک گیرید و در کارهای سخت به آنان کمک کنید»(۲۶۶). در سخنی دیگر، پیامبر گرامی اسلام به صورت روشن تر و دقیق تر نمونه هایی از رعایت عدالت و انصاف در حق زیردستان را این گونه بیان می کند: «بندگان شما، برادران شمایند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده است. هر کس برادر وی زیر دستش باشد، باید از غذای خود به او بخوراند و از لباس خویش بر او بپوشاند و کاری بیش از طاقت وی بر او تحمیل نکند و اگر کار سختی از او خواست، یاری اش کند»(۱۱۳).

و در گفتاری دیگر می فرماید: «وقتی خدمتکار شما غذایی می آورد که آن را تهیه کرده و دود آن را خورده، باید او را هم غذای خود قرار دهد و اگر او را ننشاند، دست کم یک یا دو لقمه به او بدهد»(۱۲۷).

نه تنها درباره خوراک و پوشاک زیردستان، باید حق و عدالت و انصاف را رعایت کرد، در زمینه چگونگی سخن گفتن با آنها نیز باید خدا را در نظر گرفت و از هر گونه سخنی که بوی بی مهری و خشونت می دهد، پرهیز کرد. به این سخن پیامبر بنگرید: «در رفتار با بندگان خود، خدا را در نظر داشته باشید. اندامشان را بپوشانید و شکمشان را سیر کنید و با آنها با نرمی و ملایمت سخن بگویید»(۴۸۴).

پیامبر درباره معاشرت با زیردستان سفارش های دیگری نیز کرده است؛ چنانکه می فرماید: «خدمتکاران (کنیزان) خویش را برای شکستن ظرف هایتان مزنید؛ زیرا ظرف ها همانند مردمان دارای عمر معیّنی هستند»(۲۴۶۳).

از آن رو که فرجام پیروی از دستورهای دینی، پاداش اخروی است، مهربانی با زیردستان جزو کارهایی است که سبب ورود انسان به بهشت

ص: ۲۸

می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «سه چیز است که در هر کس باشد، خداوند وی را پناه دهد و به بهشت خویش واردش سازد: ۱. مدارا با ناتوان ۲. مهربانی با پدر و مادر ۳. نیکی با زیردست»(۱۲۸۲). در گفتاری دیگر برای سبک کردن کار خدمتکار و آسان گرفتن بر او نیز پاداش اخروی معرفی کرده و فرموده است: «هر چه از کار خدمتکار خویش سبک کنی، پاداشی است که روز قیامت در میزان عمل تو قرار می دهند»(۲۶۳۷).

۹. قدردانی و سپاس

در فرهنگ دینی، سپاس گزاری از مردم، معیاری برای سنجش میزان سپاس گزار بودن انسان معرّفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «سپاس گزارترین مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می گزارد»(۵۹۳). رابطه سپاس از خداوند با سپاس از مردم، آن گونه است که اگر کسی در برابر مردم سپاس گزار نباشد، در حقیقت، در برابر خداوند هم سپاس گزار نیست؛ زیرا توفیق و مقدّمات و ابزارهای هر کار خیر و نیکی را که از سوی انسان ها برای دیگران انجام می شود، خداوند متعال فراهم و تأمین کرده است. در نتیجه، انسان ها جز نقش واسطه گری در انجام و ارائه کارهای نیک، مأموریتی ندارند. بر این اساس، سپاس از کارهای خوب انسان ها سپاس از خداوند است و در مقابل، ناسپاسی در برابر کارهای خوب، ناسپاسی در برابر خداوند است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر که در برابر مردم شکرگزار نباشد، خداوند را سپاس نگفته است»(۲۵۴۷).

در گفتار دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می گوید: «وقتی خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و آن شخص سپاس گزاری نکند، در حقیقت، نسبت به خداوند

سپاس گزار نبوده است»(۶۶۸).

رابطه شکرگزاری از مردم با شکرگزاری از خداوند را در گفتاری دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه می نگریم: «گفت وگو از نعمت های خداوند شکر است و ترک آن کفر (کفران و ناسپاسی نعمت) است و هر کس در برابر نعمت کم، سپاس گزار نباشد، در برابر نعمت بسیار، سپاس گزار نخواهد بود و هر کس در برابر مردم سپاس گزار نباشد، در برابر خداوند سپاس گزار نخواهد بود»(۱۲۰۱).

سپاس گزاری در برابر کارهای خوب دیگران، آن چنان اهمیت دارد که اگر کسی جز با زبان، توان ستایش نداشته باشد، باید از همان توان خویش برای سپاس گزاری استفاده کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس نیکی ببیند و بر پاداشی جز ستایش زبانی توانمند نباشد با همان ستایش زبانی می تواند شکرگزاری کند و اگر این کار را نکرد و کار نیک را پنهان کرد، کفران و ناسپاسی کرده است»(۲۷۵۳).

ستایش زبانی که کمترین ستایش هاست، می تواند در قالب های مختلف ارائه شود. در گفتاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هر کس در حق شما کار نیکی انجام داد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، برایش دعا کنید تا مطمئن گردید که کار نیک او را تلافی کرده اید»(۲۷۹۳). یکی دیگر از راه های استفاده از زبان برای قدردانی از کار نیک، یادآوری کار نیک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس نیکی بیند، آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یاد کند که اگر آن را یاد کند، شکرگزار آن کار بوده است»(۲۸۲۷).

از آن رو که میان سپاس گزاری از مردم و سپاس گزاری از خداوند رابطه ای دقیق وجود دارد، آثار شکر از خداوند بر شکر از مردم نیز مترتب می شود. بر این اساس، آن حضرت در سخنی می فرماید: «هر کس مبتلا شود و

صبر کنـد و عطایش دهند و شـکر کند و سـتم ببیند و ببخشد و سـتم کند و آمرزش بخواهد، این افراد از کسانی هسـتند که در امنیت (امان از عذاب الهی) هستند و از هدایت یافتگانند»(۲۹۹۰).

در گفتاری دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سپاس گزاری در برابر بخشش را در کنار امور دیگر از عوامل ورود انسان به بهشـت و بهره منـدی از رحمت الهی معرفی کرده و فرمـوده است: «سه چیز است که در هر کس باشـد، خداونـد او را در پنـاه خود جای دهـد و رحمت خویش را بر او بگستراند و او را داخل بهشت کند: آنکه وقتی عطا بیند، شـکر گزارد و وقتی قدرت دارد، عفو کند و وقتی به خشم آید، سستی پیشه کند(۱۲۷۴) (آرام باشد و واکنش شدید و خشونت بار نداشته باشد)».

نکته پایانی این بخش، آن است که قدردانی از نیکی و سـتایش از نیکوکار، اصلی فراگیر و استثناناپذیر است. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری با توصـیه به فروتنی در برابر نیکوکار فرموده است: «در برابر آن کس که با تو نیکی کنـد، متواضع و فروتن باش؛ اگرچه شخص نیکوکار، برده حبشی (غلام سیاه پوست) باشد»(۱۱۸۴).

۱۰. پرهیز از حسادت

حسادت؛ یعنی اینکه انسان، آرزومند محرومیت کسـی باشد که از نعمتی (مادی یا معنوی) بهره مند است و برای دست یابی به این آرزو تلاش کند و حسود کسـی است که بهره مندی دیگران را بر نمی تابد. طبیعی است که این خصـلت، با کینه، دشمنی و بی مهری ایجاد می شود و رشد می کند. جامعه ای که خواسـتار اسـتحکام پایه های دوستی و صـمیمیّت در پرتو آموزه های اسـلام است، بایـد از چنین خصـلت ناشایستی پرهیز و با آن مبارزه جدّی کند. بر این اساس، رسول خدا صـلی الله علیه و آله با تعبیرهای گوناگون، افراد را از این خصلت

ص: ۳۱

ناشایست نهی کرده است: «از سه خصلت دور باش؛ حسد و حرص و تکبر»(۹۶۲). و از اینکه حسادت به امری رایج و متقابل در میان افراد جامعه تبدیل شود، این گونه نهی کرده است: «نسبت به یکدیگر حسادت نورزید. کینه و دشمنی با همدیگر نداشته باشید و پیوند خویشاوندی را قطع نکنید. بندگان خداوند! چنان که خداوند فرمان داده، با یکدیگر برادر باشید»(۱۹۷۶). و در سخنی دیگر افزون بر این سفارش ها، به مردم دستور داده است: «اهل عیب جویی و ستایش بی مورد و طعنه زدن نباشید»(۲۴۴۲).

عوارض منفی یک خصلت ناپسند، ممکن است در قلمرو امور عادی و فیزیکی باشد و تنها جسم و بدن و زندگی دنیایی انسان را تهدید کند و گاه ممکن است در قلمرو امور معنوی باشد و به روح و جان و زندگی اخروی انسان آسیب بزنند و گاهی ممکن است در هر دو اثرگذار باشد. آفت حسادت، در هر دو زمینه تأثیر دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آثار سوء حسد می فرماید: «لذت حسود از همه کس کمتر است»(۴۳۱). آن کس که زندگی و امکانات دیگران را زیر نظر دارد و از بهره مندی دیگران رنج می برد، زندگی دیگران پیوسته برای او موجب آزردگی روح و خستگی جان می شود. حضرت درباره پی آمدهای منفی حسادت در امور معنوی می فرماید: «از حسد بپرهیزید؛ زیرا حسد کارهای نیک را می خورد چنان که آتش هیزم را می خورد»(۹۸۷، ۱۴۱۰، ۲۰۴۰). نقش تخریبی حسادت از تشبیه پیامبر به روشنی فهمیده می شود؛ زیرا همان گونه که آتش به سرعت و به راحتی در هیزم خشک نفوذ و آن را تبدیل به خاکستر می کند، تأثیر حسادت هم در کارهای نیک افراد همین گونه است. انسان حسود با آلوده شدن به خصلت حسادت، هیچ بهره ای از کارهای نیک خود نمی برد. در سخن دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تأثیر

منفی حسادت در ایمان را بیان می کند: «حسد، ایمان را فاسد می کند؛ چنان که صبر (گیاهی بسیار تلخ) عسل را فاسد می کند». سرّ گفتار حضرت این است که خیرخواهی برای دیگران از آثار ایمان است و آنچه این اثر را از بین می برد، از بین برنده ایمان است(۱۴۱۱).

نه تنها حسادت، نابود کننده نیکی ها و از بین برنده ایمان است، بلکه اصل دین را نیز مورد هجوم قرار می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی، با یادآوری این مطلب، حسادت را بیماری روحی امّت های پیشین معرفی کرده که در امت اسلام نیز نفوذ کرده است. آن گاه راهکار مبارزه با این بیماری روحی اجتماعی را تثبیت ایمان از راه گسترش دوستی همگانی و گستراندن سلام در جامعه معرفی کرده است: «بیماری امت های گذشته در شما نفوذ کرده است. حسد و دشمنی از بین برنده و زایل کننده است، ولی نه زایل کننده مو، بلکه زایل کننده دین. سوگند به خدایی که جان محمّد به دست اوست، وارد بهشت نمی شوید مگر ایمان بیاورید و مؤمن نمی شوید تا این که همدیگر را دوست بدارید. آیا می خواهید شما را به چیزی خبر دهم که اگر انجام دهید یکدیگر را دوست دارید؟ سلام را در میان خود بگسترانید»(۱۵۵۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری، حسادت را در کنار کبر و حرص، از عوامل اصلی هر گناهی معرفی کرده است و حسادت را دلیل نخستین خون به ناحق ریخته شده در زمین دانسته است: «از تکبّر پرهیز کنید؛ که شیطان به واسطه تکبّر بر آدم سجده نکرد. و از حرص بپرهیزید؛ که آدم به سبب حرص از درخت بخورد. و از حسادت دوری گزینید؛ که یکی از دو پسر آدم (قابیل)، دیگری را (هابیل) به دلیل حسادت کشت. بنابراین، تکبر و حرص و حسد، سرچشمه و ریشه همه گناهان و اشتباه ها است»(۹۹۷).

حسادت، گاهی در حد یک بیماری روحی فقط در قلب انسان پیدا می شود و هیچ ظهور خارجی ندارد. در این حالت، انسان در عمل کاری انجام نمی دهد و تنها آرزومند محرومیت دیگران از نعمت ها و موهبت هایی است که در اختیار دارند؛ بدون اینکه در گفتار یا رفتار، این خواسته قلبی اش را نشان دهد، ولی همین مقدار از آلودگی انسان به حسادت نیز ممکن است زمینه ساز مراحل خطرناک بعدی باشد و بستری برای تحقق رفتارهای نامعقول و نامشروع شود. برای مبارزه با همین مرتبه حسادت نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله راهکاری ارائه کرده است تا جان انسان باایمان، لانه شیطان و خصلت های شیطانی نشود.

پیامبر برای مبارزه با حسادت در سطح آرزوی قلبی، به استغفار و آمرزش سفارش می کند؛ زیرا با استغفار در پیشگاه الهی، روح انسان لطیف و نورانی می شود و تاریکی هایی که از پدیده هایی مانند حسادت در جان آدمی نفوذ کرده اند، از بین می روند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سه چیز همراه امت من است؛ بدگمانی و حسد و فال بد زدن. پس هر گاه گمان بد بُردی، آن را حتمی و قطعی مدان و هرگاه احساس حسد کردی، استغفار کن (از خدا آمرزش بخواه) و هرگاه فال بد زدی، ترتیب اثر مده و به راهی که در پیش داری، برو»(۱۲۶۲).

بر اساس آنچه بیان شد، «حسادت» آن گاه گناه به شمار می آید و انسان را در برابر آن بازخواست می کنند و کیفر می دهند که از درون به بیرون سرایت کند. خواه این آشکار ساختنِ حسادت با گفتار باشد یا با رفتار. هر چند پیش از رسیدن به این مرحله (آشکارسازی حسادت در گفتار و رفتار) نیز استغفار و آمرزش خواستن از خداوند، مطلوب و اثرگذار است و

موجب پیش گیری از آلودگی انسان به مراتب بالاتر حسادت می شود. پس نکته مهم، این است که انسان تلاش کند با زبان و عمل، کار و سخنی از روی حسادت از او سر نزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «همه فرزندان آدم حسودند و حسد حسود تا زمانی که با زبان از آن سخن نگوید و با دست اقدامی انجام ندهد، زیانی برایش ندارد»(۲۱۶۹).

با توجه به احادیث بیان شده که تمام آنها در نکوهش حسادت و توبیخ حسود بود، اگر در موردی، استثنایی برای حسادت مطرح شده باشد، بیانگر آن است که منظور از حسادت، آرزومندی زوال نعمت از دیگران و اقدام عملی برای رسیدن به این آرزو نیست، بلکه به معنای رقابت و تلاش برای دست یابی به چیز باارزشی است که دیگران دارند. بر این اساس، این گفتار نبوی معنی می دهد که: «تملق و حسادت، از اخلاق مؤمن نیست، مگر در طلب علم»(۲۴۱۰).

۱۱. حفظ آبروی افراد

از اموری که انسان ها باید نسبت به آن حساس و مراقب باشند، آبرو و شخصیت فردی، خانوادگی و اجتماعی یکدیگر است. اسلام برای حاکمیت صمیمیّت و دوستی بر حفظ آبروی افراد تأکید دارد.

یکی از زمینه هایی که آبروی افراد در آن به راحتی دچار آسیب و گزند می شود، عیب جویی و طعنه زدن افراد به یکدیگر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سفارش به ایجاد فضای برادری، فرموده است: «حسد نورزید و در معامله بالا دست هم نزنید (بازار سیاه درست کردن و وارد معامله شدن و قیمت کاذب گذاشتن برای فریب دادن افراد) و دشمنی نکنید و به یکدیگر پشت نکنید. بندگان خدا، با همدیگر برادر

باشید و عیب جو و ستایشگر (ستایش نامعقول و بدون دلیل) و طعنه زن مباشید»(۲۴۴۲).

یکی از نمونه های آشکار تعرض به آبروی دیگران، فحش و ناسزا گفتن به افراد است. بر این اساس، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جمله ای می فرماید: «جنگ با مسلمان، کفر است و ناسزا و فحش گفتن به او، گناه و فسق است»(۲۰۸۵).

به طور کلی، در جامعه اسلامی مسلمان نباید با زبان خود، باعث اذیت و آزار مسلمان دیگر شود و باید از هر کاری که مایه رنجش خاطر او می شود پرهیز کند. حتی اگر شخص مسلمانی از دنیا رفت، اسلام اجازه بدگویی از او را نمی دهد و نه تنها سفارش می کند که پشت سر مردگان بدگویی نشود، بلکه به خیر و خوبی گفتن درباره آنان دستور می دهد. پیامبر فرمود: «زبان خود را از بدگویی مسلمانان باز دارید و اگر کسی از آنان مُرد، درباره او به نیکی سخن گویید»(۲۶۴).

از نمونه های روشن زشتی بدگویی و زبان درازی، شکستن حریم ناموس دیگران با زبان است. ناپسندی این عمل چنان زیاد است که در سخنی، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده است: «آسان ترین رباها همانند آن است که کسی با مادر خود هم بستر شود و بدترین رباها آن است که مرد درباره عرض (حریم ناموسی) برادر دینی خود زبان درازی کند»(۹۶۷). این گفتار حضرت می فهماند که زشتی شکستن حریم ناموس دیگران، از هم بستر شدن با مادر بیشتر و شدیدتر است.

پاسداری از آبروی افراد، کار خیری است که پاداش اخروی دارد؛ به ویژه اگر این حمایت و دفاع در غیاب او باشد. پیامبر رحمت در این زمینه

ص: ۳۶

فرموده است: «هر که در غیاب برادرش از آبروی او دفاع کند، بر خدا واجب است که او را از آتش دوزخ در امان نگه دارد»(۳۰۰۷).

۱۲. راز پوشی و کتمان

در زندگی همه انسان ها، رازهایی هست که هیچ انسانی مایل نیست آشکار شود و اگر در برخی از شرایط، ناخواسته، فردی به سرّی از اسرار کسی آگاهی یابد، آن شخص دوست ندارد که با بازگویی و افشاگری، دیگران از آن سرّ آگاه شوند. این حق طبیعی و مشروع هر انسانی است که خواهان مخفی بودن اسرار زندگی شخصی اش باشد و وظیفه شرعی و عقلی دیگران است که به این حق، احترام بگذارند.

آموزه های اسلام، به ویژه دستورهای اجتماعی اش که برخاسته از فطرت و منطبق با آن است، بر این موضوع مهم تأکید فراوان دارد. نخستین گام در این زمینه، پیش گیری است؛ یعنی هر کاری که زمینه آگاهی به اسرار دیگران و در نتیجه، افشای آنها را فراهم کند، از نظر اسلام ممنوع و ناشایست است. کنجکاوی و تفحص در زندگی افراد برای عیب جویی و پیدا کردن ضعف، از مسائلی است که زمینه ساز ورود به حوزه اسرار مردم است. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «بندگان خدا، با هم برادر باشید و عیب جو و ستایشگر (غیر منطقی) و طعنه زن مباشید»(۲۴۴۲).

راه دیگر پیش گیری از افشای اسرار و عیوب دیگران، یک توصیه اخلاقی است؛ چون انسانِ غیر معصوم، خود در خطر اشتباه و گناه است و به طور طبیعی عیوبی در زندگی دارد که نمی خواهد دیگران آگاه شوند و آنها را همچون اسراری مخفی نگه می دارد، باید متوجه باشد که اگر امروز

زبـان به عیب دیگران گشـود و راز مگـوی آنـان را بر ملاـ کرد، دیر یـا زود دیگران نیز همین برخورد را بـا او خواهنـد داشت. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتـاری حکیمـانه می فرمایـد: «هرگـاه تصـمیم گرفـتی عیوب دیگران را یـاد کنی، عیوب خویش را به یاد آور»(۱۷۲).

پاسـداری از آبروی افراد و پرهیز از پرده دری و افشـاگری، از اصـول جـامعه انسـانی اسـت که مشـروط به ملیت و آیین و نژاد مخصوصـی نیست. بر این اسـاس، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به صورت قانون کلی فرموده است: «پرده هیـچ کس را پاره نکن»(۲۴۳۱). این سخن گویای آن است افشاءکننده عیوب و اسرار دیگران از هر گونه موازین اخلاقی و انسانی بی بهره است و متجاوزانه اقـدام به پرده دری می کند. عیب زدایی و ترمیم و بازسازی آبروی افراد، به گونه ای که ضـعفی به دست دیگران داده نشود، در جامعه اسـلامی یک وظیفه عمومی است. به این سـخن پیامبر بنگریـد: «هر یک از شـما آینه برادر خویش است، وقتی عیبی بر او دیـد باید بزداید»(۵۸۰). و در جمله ای دیگر می فرمایـد: «مسـلمان آینه مسـلمان است. وقتی چیزی در او دید، بگیرد»(۳۱۱۱).

هر چند حس کنجکاوی، انسان را تحریک می کند که با هر بهانه و توجیهی از اسـرار دیگران آگاه شود، ولی تربیت اسـلامی با شـیوه های مختلف او را از این کار باز داشـته است. پیامبر می فرمایـد: «هرگاه دو تن آهسـته (به صورت نجوا و در گوشـی) سخن می گوینـد، میـان آنهـا داخل مشو»(۲۳۰). دخـالت در زنـدگی خصوصـی افراد، محـدود به حرف های خصوصـی آنان نیست، بلکه از دخالت در هر صـحنه و کار و چیزی که خصوصـی و شخصـی شمرده می شود، باید به شدت پرهیز کرد. پیامبر فرمود: «هر کس بدون اجازه برادرش به نامه او نگاه کند،

گویـا در آتش دوزخ نگریسـته است»(۲۸۴۶). ایـن تعـبیر بیـانگر زشـتی این کـار و عقـوبت و کیفری است که برای آن در نظر گرفته شـده است. همـان گونه که نگـاه به هر صـحنه حرامی چون کیفرش دوزخ است، در حقیقت، نگاه به آتش جهنم است؛ نگـاه مخفیـانه و بـدون اجازه به نامه دیگران نیز نگاه به صـحنه حرامی است که در واقع، نگاه به آتش جهنم است. همان گونه که افشاگری و پرده دری، گناه است و دارای کیفر، رازپوشـی و کتمان امری است ارزشـمند و دارای پاداش در دنیا و آخرت. پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آلـه می فرمایـد: «هر کس رازپـوش مسـلمانی شـود، خداونـد در دنیـا و آخرت رازپـوش وی می شود»(۲۷۵۶). در گفتاری دیگر فرموده است: «هر که در دنیا راز برادر مسـلمان خویش را بپوشاند و او را رسوا نکند، خدا روز قیامت راز او را بپوشاند»(۳۰۲۰).

سخن پایانی در این زمینه آن است که هر چند رازپوشی و پرهیز از عیب جویی، ارزشمند و مورد تأکید است، یادآوری عیوب دیگران با انتخاب بهترین شیوه، آن هم به منظور اصلاح و تنها از روی دل سوزی و خیرخواهی، نه تنها کار نکوهیده ای نیست که بسـیار شایسـته و روا و از وظـایف هر مسـلمانی در برابر دیگری است. رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله یـادآوری عیوب را بهترین هدیه می داند و روشن است که در هدیه دادن، هدیه دهنده قصدش خوشحال کردن هدیه گیرنده است و تنها بر محور دوستی و محبت این کار را کرده است و گیرنـده هـدیه هم ارزشـمندی هدیه را در اصل آن می داند، نه در میزان ارزشـی که شی ء هدیه شده دارد؛ به ویژه اگر هدیه، امور معنوی و تربیتی و تأثیرگذار در زندگی انسان باشد. سخن زیبا و دل نشین پیامبر در این باره چنین است: «بهترین برادر شما آن است که عیوب شما را

به شما هدیه دهد»(۱۵۰۹).

۱۳. هدیه

نقش و جایگاه هدیه در راستای ایجاد حاکمیت صمیمیت و دوستی روشن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پایه گذار جامعه ای بر اساس مهر و محبت و دوستی است، در گفتاری می فرمایـد: «هدیه، چیز خوبی است؛ زیرا کینه ها و دشـمنی ها را از دل ها بیرون می کند».(۱) نکته ای که در سـخنان پیامبر گرامی به چشم می خورد، توجه حضـرت به همگانی بودن هدیه و فراگیر بودن آن است؛ یعنی در جامعه اسـلامی نبایـد گروهی هـدیه دهنـده و گروهی نیز هدیه پذیر باشـند، بلکه تمام افراد در شرایط مختلف به تناسب امکانات و توانایی های خود باید به اصل هدیه دادن پای بند باشند. به این سخن بنگرید: «به یکدیگر هـدیه دهیـد تا دوستی در میان شـما فراگیر شود؛ زیرا هدیه دوستی و محبت را می افزاید و کینه ها و کدورت های قلبی را می زداید» (۱۱۸۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۰). پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله که خـود، مردم را به هـدیه دادن به یکـدیگر تشویق می کنـد، برای پـای بنـدی بیشتر آنان به این موضوع، آمادگی اش را برای پـذیرش هـدیه اعلام کرده و چنین فرموده است: «به یکـدیگر هـدیه دهیـد کـه هـدیه دلگیری را از میـان می برد. اگر مرا بـه خـوردن کتـف گوسـفندی دعـوت کننـد، می روم و اگر کتف گوسـفندی به من هـدیه شود، می پذیرم»(۱۱۹۲). از این گفتـار پیـامبر اهمیت پـذیرش هـدیه هم برداشت می شود؛ زیرا همان گونه که دادن هـدیه اصـلی اخلاـقی و اجتمـاعی است و مـایه افزایش محبت و دوستی می شود، به پـذیرش هـدیه نیز به عنوان اصل

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۵، باب ۳۸، شماره ۴، ص ۴۵.

اخلاقی سفارش شده است. آنچه مهم است، اصل تبادل هدیه در زندگی اجتماعی افراد است، نه میزان ارزش و بهایی که هدیه دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین ارزشمندی هدیه و ضرورت پذیرش آن، در تعبیری می فرماید: «هدیه روزی خداست. هر که چیزی به او هدیه شد، بپذیرد»(۳۱۷۰). و در سخنی دیگر، به صورت صریح از رد کردن هدیه نهی کرده است: «دعوت را بپذیرید و هدیه را ردّ نکنید و مسلمانان را نزنید»(۶۹).

چون هدیه یک اصل اجتماعی است، دو سویه و متقابل خواهد بود؛ یعنی هم باید انسان پذیرنده هدیه باشد و هم در صورت امکان به آن پاسخ مناسب بدهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هیچ کس نباید هدیه برادرش را رد کند و اگر توانست عوض آن را بدهد»(۲۵۳۶).

قابل تأمل این است که در فرهنگ دینی، هدیه تنها در محدوده مادیات نیست، بلکه امور معنوی نیز می تواند به صورت هدیه تقدیم شود. از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی یادآوری عیوب دیگران می تواند هدیه باشد. در این صورت، نه تنها یادآوری عیوب دیگران ویرانگر دوستی و صمیمیّت نیست، بلکه مایه تثبیت دوستی می شود؛ زیرا نقش هدیه تثبیت دوستی ها و صمیمیّت هاست. به این حدیث نبوی بنگریم که فرموده است: «بهترین برادران شما آن است که عیوب شما را به شما هدیه کند»(۱۵۰۹). در اندیشه تابناک پیامبر گرامی اسلام، گفتار حکیمانه ای که مایه هدایت دیگران شود، برترین هدیه ای دانسته شده است که انسان می تواند به دیگری تقدیم کند: «مرد مسلمان به برادر خویش هدیه ای بهتر از سخن حکمت آمیزی که خداوند به وسیله آن بر هدایتش بیفزاید یا او را از سقوط و هلاکت برهاند، نتواند داد»(۲۶۲۴).

در گفتاری دیگر حضرت می فرماید: «چه نیکو هدیه ای است یک کلمه از گفتار حکمت آموز»(۳۱۳۲).

یکی از موارد کاربرد هدیه آن است که انسان از کسی درخواستی دارد. این کار افزون بر اینکه بیانگر شخصیت انسان است، سپاس و قدردانی از کسی است که به درخواست ما پاسخ مثبت می دهد و برای حلّ مشکل ما اقدام می کند. البته این قدردانی و سپاس پیشاپیش صورت می پذیرد تا فرهنگ دوستی و صمیمیّت به صورت دو جانبه در روابط اجتماعی حاکم شود و طرف مقابل احساس نکند که فقط یک طرفه باید اقدام کند و پاسخ گو باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «چه نیکوست هدیه به هنگام درخواست و نیاز»(۳۱۲۶).

هر چند هدیه دادن اصلی اجتماعی و متقابل و همگانی و فراگیر است، ولی این گونه نیست که انسان در این صحنه برای داد و ستد و معاوضه حضور یابد که اگر هدیه ای دریافت کرد، هدیه ای بدهد، بلکه بالاتر از این سطح مطرح است؛ یعنی هدیه دادن به آن که هدیه ای به انسان نداده است که بی شک تأثیر این نوع هدیه در برقراری صمیمیّت و دوستی قابل تردید نیست. به این جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنگریم: «از آن که تو را عیادت نمی کند، عیادت کن و به آن کس که به تو هدیه نمی دهد، هدیه بده»(۱۹۳۵).

۱۴. شادمان ساختن

یکی از نشانه های جامعه اسلامی که براساس دوستی و صمیمیّت شکل گرفته، این است که افراد از خودخواهی و خودبینی و خودمحوری خارج شوند و براساس دستور کلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «آنچه برای خود

دوسـت داری، برای مردم دوست بـدار»(۷۵)، در زمینه شـادی و خوشـحالی نیز، شادمـان کردن دیگران را یـک اصـل و وظیفه تلّقی کننـد. جایگاه این اصل در فرهنگ دینی و انـدیشه پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله تا بدان پایه است که پس از واجبات، محبوب ترین کارها در پیشگاه خداوند، خوشحال کردن مسلمان است(۷۷). و در سخنی دیگر، بهترین کار آن است که برادر مؤمن خویش را خوشحال کنی(۳۸۶).

شـاد کردن دیگران می توانـد نمونه هـای گوناگونی داشـته باشـد، گاه با یک کمک مادی شادی را تقـدیم می کنیم و گاه با یک راهنمایی فکری و گره گشایی. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتاری، سه نمونه از خوشحال کردن مؤمن را یادآور شده است: «از بهترین کارها خوشحال کردن مؤمن است؛ به این وسیله که قرض او را بپردازی و حاجتی را از او برآوری یا غم و محنـتی را از او بزدایی»(۳۰۴۰). پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله پـاداش اخروی غم زدایی از مـؤمن را بیـان کرده است: «هر کس غمی از غم های دنیا را از مؤمنی بردارد، خداوند غمی از غم های روز قیامت را از او بردارد»(۲۷۵۶، ۲۷۶۴).

۱۵. ضیافت و میهمانی

هرچنـد پی آمـد طبیعی برخی از کارهای اجتماعی چون پـذیرایی و تکریم مهمان، تأثیر مثبت در برقراری صـمیمیت و دوستی دارد و جامعه از آن بهره می برد، در رتبه نخست، خود شخص شاهد آثار و پی آمدهای مثبت و سازنده کار خویش است.

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله میهمانی دادن را در کنار پرداخت زکات و بخشـش هنگام تنگ دستی از عوامل از بین برنـده بخل دانسته و فرموده است: «هر کس

زکـات خود را بپردازد و مهمـان به خـانه برد و هنگـام سـختی بخشـش کنـد، از بُخـل برکنار است»(۱۰۸۵، ۱۲۸۴)؛ زیرا بخیل خودخواه و خودمحور است و چیزی را برای خیر خودش نمی خواهـد و به دیگران اجـازه اسـتفاده از امکاناتش را نمی دهـد و نشاندن مهمان بر سر سفره؛ یعنی ایستادگی در برابر خصلت ناپسند بخل.

گاهی اوقات پی آمدهای مثبت یک کار در سطح گسترده ای و فراتر از آثار فردی آشکار می شود. فایده میهمانی دادن نیز فراگیر و گسترده تر از خود فرد است. پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله در سـخنی می فرمایـد: «وقتی میهمـانی بر گروهی وارد شود، روزی خود را همراه می آورد و هنگامی که بیرون می رود، با آمرزش گناهان آنان بیرون می رود»(۲۰۴). و در گفتاری دیگر می فرمایـد: «مهمـان، روزی خویش بیاورد و گناهان گروهی را که بر آنان وارد شـده می برد و گناهان آنها را پاک می کند»(۱۸۹۴). همان گونه که زکات مایه برکت و افزایش مال و نیز مصونیتی برای آن معرفی شده است، اتاق مهمانخانه نیز در هر خـانه ای همین نقش را دارد. به این حـدیث از پیامبر خـدا بنگریـد: «هر چیزی را زکاتی است و زکات خانه، اتاق پـذیرایی (مهمانخانه) است»(۲۲۸۵).

در مسائلی که به صورت روابط متقابل میان افراد مطرح است، طرفین وظایف مخصوص خود را دارند. در موضوع میهمانی نیز هم میزبان و هم مهمان بایـد آداب و وظایفی را رعایت کننـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در سـخنان خویش به جنبه های مختلف این وظایف اشاره کرده است. نخستین مسـئله، توجه به اهمیت پـذیرش مهمان و ارزشـمندی پذیرایی از اوست. روشـن است که اگر موضوعی مهم باشد، نقطه مقابل آن یک ضد ارزش و امری ناشایست به شمار می آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بدترین مردم آن است

که تنها غذا خورد و تازه وارد بر خویش را بی نصیب گذارد»(۱۸۰۰). و در سخنی دیگر می فرماید: «چه بدند مردمی که مهمان به خانه نمی آورند»(۱۰۸۱) و در گفتاری دیگر می فرماید: «آن که مهمان نپذیرد، خیری در او نیست»(۲۴۹۵).

افزون بر آنچه بیان شد، میزبان در برابر مهمان باید آدابی را رعایت کند که نخستین آنها تکریم اوست که مهمان احساس سربار بودن و مزاحم بودن نکند. به این سخن پیامبر بنگرید: «وقتی کسی به ملاقات شما آمد، وی را گرامی بدارید»(۱۹۲). تکریم مهمان آن چنان بااهمیت است که نشانه ایمان به خدا و معاد دانسته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد، مهمان خویش را گرامی دارد»(۲۹۱۵). تکریم مهمان، شکل های مختلف و گونه های متنوعی دارد که یک نمونه بسیار روشن آن، این است که میزبان نباید مهمان را به کار بگیرد؛ زیرا می تواند پیام این کار این باشد که چون مهمان می خواهد مفت بخورد، پس با به کار گرفتن او قدری تلافی و جبران شده باشد. هر چند ممکن است میزبان چنین نیّتی نداشته باشد، ولی خردمندی و عقل اقتضا می کند که از هر کاری که مایه رنجش مهمان می شود، پرهیز کند. رسول گرامی صلی الله علیه و آله چه زیبا فرموده است: «سبک عقلی مرد آن است که مهمان خویش را به خدمت گیرد»(۱۷۳۸).

از دیگر آداب مهمانی که میزبان باید رعایت کند و به نحوی تکریم مهمان به شمار می آید، همراهی با مهمان در خوردن غذاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «همراه مهمان خویش غذا بخور؛ زیرا مهمان شرم دارد که تنها غذا بخورد»(۳۱۷۷). اصل دیگری که باید به آن توجه داشت، پرهیز از تکلّف و خود را به زحمت انداختن برای مهمان است. اهمیت این اصل بدین خاطر است که هدف مهمانی، تثبیت دوستی و صمیمیت در میان افراد جامعه

است. حال اگر قرار باشد افراد به دلیل تکلّف های غیر معقول، نه تنها مهمانی را مایه دوستی نبینند، بلکه به شدت از آن روی گردان و گریزان باشند؛ هیچ گاه چنین میهمانی نقش مثبتی در برقراری صمیمیّت و دوستی ندارد. از همین رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک دستور کلی می فرماید: «برای مهمان، خود را به تکلّف (زحمت و مشقّت غیر ضروری) نیندازید»(۲۴۸۲). و در گفتاری دیگر این گونه می فرماید: «هیچ کس نباید آنچه را قدرت ندارد، با تکلّف برای مهمان فراهم کند»(۲۵۲۰).

نکته دیگری که در مسئله مهمانی باید رعایت شود و شاید بیشتر وظیفه مهمان باشد تا میزبان، این است که مهمان تا سه روز مهمان است و پس از آن باید جابه جا شود. البته این هم می تواند به گونه ای با پرهیز میزبان از تکلّف در ارتباط باشد؛ زیرا اگر قرار است بیشتر از سه روز مهمانی دادن، فشاری بر میزبان وارد شود و او را در تنگنا قرار دهد، باید بدون رعایت هیچ مصلحت اندیشی به مهمان اعلام شود؛ زیرا مهمانی دادن برای دست یابی بهتر و بیشتر به دوستی و مهربانی است و اگر قرار باشد به چنین هدفی آسیب وارد شود، باید از آن جلوگیری کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «مهمانی سه روز است و هر چه بیشتر شد، صدقه است و مهمان باید پس از سه روز تغییر جا بدهد»(۱۸۹۳). از اینکه پیامبر خدا فرموده است پذیرایی از مهمان بیشتر از سه روز صدقه است، شاید بتوان برداشت کرد همان گونه که می توان به نیازمند صدقه داد، به مهمانی هم که بیشتر از سه روز مانده است می توان از منبع صدقه پذیرایی کرد. احتمال دارد که پس از سه روز، افزون بر پاداش مهمانی دادن، پاداش صدقه نیز برای میزبان حساب شود.

نکته پایانی در زمینه وظایف میزبان نسبت به مهمان، مسئله بدرقه مهمان تا در خانه است که شاید سرّ آن همان تکریم مهمان باشد که هم استقبال از او هنگام وارد شدن شخصیت دادن به اوست و هم بدرقه او هنگام وداع تکریم اوست. اهمیت این کار آن چنان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را سنّت و سیره و روش عملی خویش معرفی کرده و فرموده است: «همانا از سنّت است که میزبان همراه با مهمان خود تا در خانه برود»(۹۱۹).

همان گونه که میزبان در برابر مهمان وظایفی دارد، مهمان نیز باید مسائلی را رعایت کند. نخستین مسئله آن است که حضور در خانه دیگران و نشستن بر سر سفره آنان باید با دعوت و اذن باشد. رعایت این نکته، هم تکریم شخصیت خود انسان است و هم دقت در پای بندی به رعایت حقوق افراد. پیامبر خدا می فرماید: «هر کس بدون دعوت برای خوردن غذایی رهسپار شود، ورودش، ورودی دزدی است و خارج شدنش همراه با عار و ننگ (۲۷۶۷).

از دیگر آداب مربوط به حقوق میزبان که مهمان باید رعایت کند، این است که رسول خدا می فرماید: «هر کس مهمان گروهی شد، بدون اجازه آنان روزه مستحبی نگیرد»(۲۸۵۱). این مسئله یا به دلیل آن است که میزبان دوست دارد از مهمانش پذیرایی کند و نمی خواهد او روزه دار باشد، یا اینکه روزه مستحبی مهمان چون زمینه ساز به هم خوردن برنامه غذایی میزبان و در نتیجه مایه زحمت او می شود، باید با اجازه او باشد.

۱۶. صداقت و راستی

راهکار دیگری که در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برقراری صمیمیت و دوستی مشاهده می شود، صداقت و راستی در معاشرت است. حضرت

فرموده است: «محبوب ترین گفتار نزد من آن است که راست تر باشد»(۸۱). این محبوبیت نزد او محبوبیت نزد خداوند است؛ زیرا اگر پیامبر چیزی را دوست بدارد، دوستی اش از روی هوس و جنبه های غیرخدایی نیست، بلکه دوستی او بیانگر محبوبیت آن چیز در پیشگاه الهی است. در گفتاری دیگر، حضرت سخن راست و راست گویی را از مکارم اخلاق دانسته است: «مکارم اخلاق ده چیز است که در مرد هست، ولی در پسرش نیست و یا در پسر هست، ولی در پدرش نیست و یا در بنده هست، ولی در آقای او نیست؛ خداوند هر که را سعادتمند خواهد آنها را قسمت او کند: ۱. راستی گفتار ۲. پایمردی در جنگ ۳. بخشیدن به مسائل ۴. نیکی در برابر نیکی ۵. حفظ امانت ۶. پیوند خویشان (صله رحم) ۷. حمایت همسایه ۸. حمایت دوست ۹. مهمانداری ۱۰. حیا که سر سلسله این مکارم است»(۲۷۴۰).

نه تنها سخن راست ارزشمند است که راست گو نیز به دلیل صداقت و راستی دارای ارزش است و صداقت شخصی، معیاری برای اعتماد به اوست. به این گفتار پیامبر توجه کنید: «هرگاه در برادر خود سه خصلت مشاهده کردی، به او امیدوار باش؛ حیاء، امانت و راستی و اگر آنها را در او ندیدی به او امیدی نداشته باش»(۲۰۵). صداقت و راستی آثاری دارد. هر چه درجه راستی انسان بیشتر باشد، تحقق آن آثار بیشتر است. برخی از آثار راستی در روابط اجتماعی خودنمایی می کند، مانند تصدیق مردم و اعتماد به درستی سخن آنان. در حدیث نبوی آمده است: «هر کس راست گوتر باشد، بیشتر از دیگران مردم را تصدیق می کند و هر که دروغ گوتر باشد، بیشتر از دیگران مردم را تکذیب می کند»(۵۹۱).

برخی از آثار و پی آمدهای صداقت و راستی، به راحتی قابل هضم و درک نیست. برای نمونه، برخی از انسان ها می پندارند رهایی و نجات در

گرو دروغ گویی است و احساس می کننـد همیشه و همه جا راست گویی نجات بخش نیست. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله برای مقـابله بـا این انـدیشه، در گفتـاری فرمـوده است: «راسـتی کنیـد (راست گو و راست کردار باشـید)، اگرچه بپنداریـد که راستی مـایه هلاـکت است؛ زیرا این گونه نیست، بلکه راستی مـایه نجـات است و از دروغ بپرهیزیـد، اگرچه به نظر شـما دروغ مایه نجات باشد؛ زیرا دروغ در واقع مایه هلاکت و نابودی است»(۱۱۲۷).

از سـخن پیـامبر می توان فهمیـد که نجـات واقعی بر محور راستی و صـداقت است؛ زیرا راست گو و راست پیشه هیـچ گـاه بر خلاف واقع و آنچه هست و آن را یافته و بـدان ایمان دارد، سـخن نمی گویـد و اقدام نمی کند و احترام به حقیقت و واقعیت، احترام به شخصـیت انسانی است و نجات یعنی همین. در مقابل، دروغ گو سـخنی می گویـد که واقعیّت ندارد و خودش آن را بـاور نـدارد و این در حقیقت، اهـانت به خویش و تحقیر شخصـیت خود است و هلاکت؛ یعنی همین. در سـخنی دیگر، رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید: «از آنچه شـبهه ناک است، بگذر و آنچه را شـبهه ناک نیست، بر گیر که همانا راستی مایه نجات است»(۱۵۶۷). راسـتی آثـار متنـوعی دارد که برخی از آنهـا به بهـداشت روانی فرد راست گـو مربـوط می شـود. به این حدیث نبوی توجه کنید: «راستی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش»(۱۸۶۴).

فرجـام هرکـار نیـک و هر دسـتور و سـفارش دینی، سـعادت انسـان و راه یافتن او به بهشت است. راستی نیز این گونه است که پیامبر فرموده است: «راستی پیشه کنیـد که راستی، قرین نیکی است و هر دو در بهشت انـد و از دروغ بپرهیزید که دروغ، قرین بدکرداری و فجور است و هر دو در جهنم اند»(۱۹۷۶). همین مضمون در

گفتـاری دیگر از پیامبر خـدا این چنین مطرح شـده است: «راستی پیشه کنیـد که راستی دری از درهای بهشت است و از دروغ گویی بپرهیزید که دری از درهای جهّنم است»(۱۹۷۸). تمرین و ممارست در هر کاری، انسان را به درجات بالای آن کار می رسانـد؛ خواه آن کار خوب باشد یا بد. بر این اساس، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «راستی پیشه کنید که راستی به سوی نیکی هـدایت می کنـد و نیکی به سوی بهشت رهبری می کند و مرد پیوسـته راست می گوید و راستی می جوید تا در پیشـگاه الهی صدّیق (راست پیشه) به شـمار می آید. و از دروغ گویی بپرهیزید که دروغ به سوی بدکاری هدایت می کنـد و بـدکاری و فجور به سوی جهنم می کشانـد و مرد پیوسـته دروغ می گویـد تـا نزد خداونـد کـذّاب (دروغ پیشه) به حساب می آید»(۱۹۷۷).

مسـلمان حتی در شوخی و مزاح بـا دیگران، بایـد صـداقت و درستی داشـته باشـد تـا هم انسان با شوخی و مزاح مرتکب گناه نشـده باشـد و هم به دوستی و صـمیمیّت حاکم میان افراد آسـیب وارد نشود. به این سـخن از پیامبر توجه کنید: «خداوند انسان شوخی را که در شوخی خود راست گو باشد، بازخواست نمی کند»(۷۸۴). منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که مزاح نیز باید بر محور صداقت باشد، نه اینکه با هر وسـیله ای هر چند دروغ کسی قصد مزاح و شوخی داشته باشد، مانند مزاح هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می کرده است که مطلب راستی را به صورتی بیان می فرمود که طرف مقابل برداشت دیگری می کرده است و پس از فهم آن، مزاح بودن سخن روشن می شده است.

نه تنها انسان باید پای بند به صداقت و راستی باشد که باید از نقطه مقابل آن، که دروغ است به شدت پرهیز کند. پیامبر دروغ گویی در قالب

شوخی را هم مجاز نمی داند، چنان که می فرماید: «از دروغ بپرهیزید که دروغ، نه به شوخی و نه به جدّی، روا و شایسته نیست. انسان نباید به کودک خود وعده دروغ دهد و به آن وفا نکند»(۹۹۹).

با تمام ارزش و اهمیت راستی و صداقت، چنانچه نتیجه راستی، منفی، تباهی آور و فسادانگیز باشد که به آن راست مفسده انگیز می گویند، دروغ مصلحت آمیز از چنین راستی بهتر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «خداوند دروغ مصلحت آمیز را دوست دارد و از راست فتنه انگیز بیزار است»(۷۸۲). و در حدیثی دیگر می فرماید: «همه دروغ ها بر فرزند آدم ثبت می شود؛ مگر سه دروغ: ۱. مرد در جنگ دروغ می گوید؛ زیرا جنگ خُدعه کردن است ۲. مرد به زن خود دروغ می گوید که او را خشنود کند ۳. مرد با دو کس دروغ می گوید تا میان آنان را اصلاح دهد»(۲۱۶۵). نه تنها دروغ در چنین مواردی جایز است، آن کس که نیتّش برقراری صلح میان دو نفر یا میان جمعی است، با اقدام خویش در جرگه دروغ گویان وارد نشده است. حضرت در این زمینه می فرماید: «هر کس میان دو تن سخن گوید که اصلاحشان دهد، دروغ نگفته است»(۲۲۸۱).

دروغ با هر شکل و قالبی ممنوع است؛ زیرا هر چه نشان از صداقت و درستی نداشته باشد، نشانی از دروغ دارد و عوارض و پی آمدهای منفی آن را خواهد داشت. تقلب و حیله و نیرنگ در ارتباط با دیگران نیز می تواند از نمونه های ناراستی باشد و در نتیجه از عوامل آسیب پذیری صمیمیّت و دوستی حاکم در میان افراد جامعه است. پیامبر خدا می فرماید: «هر که با مسلمانی تقّلب کند یا به او ضرر رساند یا با وی حیله کند، از ما نیست»(۲۴۱۴). و در گفتار دیگر می فرماید: «با برادر خویش حیله گری مکن».(۲۴۳۷، ۲۴۸۵) تملق و ستایش

بی جا(۱۰۰۰) و چاپلوسی نیز چون نمونه های برخورد غیرصادقانه و به نوعی دروغ به شمار می آیند، در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی شده اند و حتی برخی از این خصلت ها را از شأن یک انسان با ایمان دور دانسته است. به این سخنان بنگرید: «تملق از اخلاق مؤمن نیست»(۲۴۱۲) . «تملّق و حسد بر مؤمن روا نیست؛ مگر در طلب علم»(۲۴۱۰). «بندگان خدا، با یکدیگر برادر باشید و عیب جو و ستایشگر و طعنه زن مباشید»(۲۴۴۲).

۱۷. تواضع و فروتنی

از راهکارهای مؤثر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برقراری صمیمیّت و دوستی، تواضع و فروتنی است. از عوامل گریز انسان ها از یکدیگر، سرکشی و تکبر و خودخواهی و خودبینی است. بر این اساس، فروتنی، خاکساری و تواضع، مایه دوستی و مهر و صمیمیّت است.

نخستین نکته در تواضع آن است که انسان گمان نکند با تواضع، خود را تحقیر کرده و شخصیت خویش را خوار شمرده است، بلکه تواضع مایه سربلندی و عزّت در پیشگاه الهی است؛ زیرا عمل کردن به فرمان اوست. در نظر مردم نیز همین گونه است به این دلیل که آنها تواضع را نشانِ عظمت و بزرگی شخصیت و بلندی روح انسان می دانند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «همانا تواضع مایه رفعت و بلندی مقام است. پس تواضع کنید تا خداوند شما را رفعت دهد»(۶۱۵، ۱۲۰۷). در فرهنگ اسلامی، هر کار خیری باید برای خدا و با نیّت خالص باشد تا پی آمدهای لازم و مثبت را داشته باشد. تواضع نیز چنین است. پیامبر خدا فرموده است: «هر که برای خدا تواضع کند، خداوند او را رفعت دهد»(۲۶۹۸). در گفتاری دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره

تواضع می فرماید: «کرامت به تقوا و شرف به تواضع و بی نیازی به یقین است»(۲۱۹۴).

در مقابل تواضع که مایه رفعت است، تکبّر مایه افتادگی و پستی است. در حدیث نبوی آمده است: «هر که برای خدا فروتنی کند، خدایش او را رفعت دهد و هر که تکبر کند و گردن افرازد، خدایش او را پست کند»(۲۷۹۹). نقطه مقابل تواضع، گاهی تکبر (گردن کشی و خودبزرگ نمایی) و گاهی تجبّر (بزرگی فروختن و اعمال قهر و زور) است. خداوند هیچ یک از این دو بر خورد را از بنده اش نمی پذیرد و چنین بنده ای را کیفر می دهد. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر کس فروتنی کند، خدایش رفعت و بلندی مقام دهد و هر کس بزرگی فرو شد، خدایش درهم شکند»(۲۹۳۹). در شرایط نابرابر اجتماعی که برخی احساس برتری دارند و خود را حاکم بر دیگران می پندارند، محصول طبیعی این شرایط، فخرفروشی و تکبر و خود بزرگ بینی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم راه درمان و هم راه پیش گیری را ارائه کرده است: «خداوند به من وحی فرستاد که فروتنی کنید تا کسی بر کسی افتخار و کسی بر کسی تعدّی نکند»(۶۷۸).

یکی دیگر از آثار مثبت تواضع، در امان بودن از حسادت دیگران است؛ زیرا انسان متکبر و خودخواه به طور طبیعی مورد کینه و بی مهری و دشمنی دیگران است و به دلیل خصلت ناپسند تکبر، همگان آرزومند محرومیت او از امکانات هستند. شخص متواضع، با بهره مندی از خصلت تواضع، هر چند از نظر مالی چیزی به مردم ندهد، ولی ارتباط فروتنانه او با دیگران، زبان آنان را نگه می دارد و اخلاق خوب که به صورت تواضع نمایانگر شده است، سپری می شود تا او را از گزند حسادت دیگران مصون بدارد. آنچه گفته شد در این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشکار است که فرمود: «هر انسانی

که از نعمتی بهره مند است، در معرض حسادت است؛ مگر آنکه اهل تواضع باشد»(۲۱۷۶).

نکته دیگر در زمینه ارزشمندی تواضع آن است که نباید کاربرد تواضع و فروتنی فقط در شرایطی باشد که انسان نتواند اهل تکبر و اعمال زور باشد، بلکه در موقعیّتی که زمینه و ابزار مناسب برای اعمال زور و تکبّر وجود دارد، تواضع بسیار ارزشمند است. به بیان دیگر، تواضع گاهی اضطراری و قهری است و آن زمانی است که انسان گزینه ای غیر از فروتنی ندارد؛ مانند مواردی که انسان دستش از همه چیز و همه جا کوتاه است و چون هیچ راهی برای تکبر ندارد، به ناچار اهل تواضع می شود. گاهی تواضع اختیاری و انتخابی است و آن در شرایطی است که انسان با بهره مندی از زمینه و ابزار و امکانات مناسب برای تکبر، خودش از روی اختیار تواضع را انتخاب می کند. اینجاست که این عمل، برترین کارهاست؛ همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «بهترین کارها سه چیز است: تواضع به هنگام دولت (یعنی هنگام بهره مندی از قدرت و موقعیت و امکانات) عفو و بخشش به هنگام قدرت و بخشش بدون منّت»(۳۸۵).

از آنچه گفتیم روشن شد که تواضع، این خصلت ارزشمند انسانی، مراتب و درجاتی دارد و بهترین آنها آن است که انسان در اوج بی نیازی و قدرت و موقعیت و با بهره مندی از امکانات، متواضع باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «با فضیلت ترین مردم کسی است که در حال رفعت و بلندی مقام، تواضع کند و در حال ثروتمند بودن، زاهد باشد و در موقعیت توانمندی، اهل انصاف باشد و در حال قدرت، بردباری پیشه کند»(۴۱۹). در کلام دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که بدون هیچ کاستی، اهل تواضع باشد»(۱۹۱۱).

ص: ۵۴

در کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواردی به صورت خاص به تواضع سفارش شده است؛ از این موارد، تواضع در برابر کسی است که در حق انسان نیکی کرده است. پیامبر خدا می فرماید: «هر که با تو نیکی کند، با وی متواضع باش، هر چند برده حبشی باشد»(۱۱۸۴). مورد دیگر، تواضع در فضای آموزشی است. هم معلم در برابر شاگرد و هم شاگرد در برابر معلم باید تواضع کند. تواضع دانش پژوه در برابر آموزگار چندان نیاز به سفارش ندارد؛ زیرا استاد و معلّم حقی بر گردن دانش آموز دارد و گوشه ای از این حق با فروتنی جبران می شود، ولی تواضع استاد در برابر دانش آموز، یک تواضع انتخابی است و جز با معیارهای اخلاقی در سطح بالاـ نمی توان توجیه کرد که انسان به دیگری چیزی بیاموزد و در برابرش فروتن و خاکسار نیز باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «با استاد و یا شاگرد خود متواضع باشید و دانشمندان سرکش مباشید»(۱۱۸۵).

مورد دیگری که انسان شایسته است اهل تواضع باشد، در برابر فقیران و تهی دستان است. پیامبر اسلام می فرماید: «فروتنی کنید و با مسکینان هم نشین شوید تا در پیشگاه خدا بزرگ باشید و از کبر خارج شوید»(۱۱۸۶).

تواضع مانند هر خصلت و ویژگی اخلاقی نشانه هایی دارد. این نشانه ها هر یک بیانگر تواضع در بخشی از زندگی است؛ برای نمونه، در ارتباط با زیردستان، گاهی تواضع خود را با هم غذا شدن با آنان نشان می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «غذا خوردن با خدمتکار، از فروتنی است»(۱۰۶۱). و گاهی هم نشینی با مسکینان نشانه تواضع است؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «فروتنی کنید و با مسکینان هم نشین گردید تا در پیش خداوند

بزرگ باشید و از کبر رها شوید»(۱۱۸۶). و در گفتاری دیگر فرموده است: «هم نشینی با فقیران از تواضع است»(۱۳۲۲).

برخی خصلت های نیکو، علّت و زمینه ساز خصلت های نیک دیگر است. زهد از خصلت هایی است که در پرتو تواضع به دست می آید، همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «تا متواضع نباشی، زاهد نباشی»(۲۴۸۴). شاید سرّ این گفته پیامبر خدا این باشد که انسان متواضع در حقیقت، دنیا و تعلّقات آن را مایه افتخار و فخر نمی بیند و به تعلقات دنیایی بی اعتناست و این در واقع همان زهد و دل نبستن به دنیاست. پس در دل تواضع، زهد نهفته است. در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تواضع را از نشانه های عقل دانسته و فرموده است: «عاقل آن است که با سبک سر، بردباری کند و از ستمگر در گذرد و با زیردستان تواضع کند و از بالادستان در راه نیکی سبقت جوید»(۱۸۳۶).

۱۸. خیرخواهی و دل سوزی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به تصریح قرآن کریم در اوج خیرخواهی و دل سوزی به امت است، به آنان نیز این مهم را دستور داده است. آن حضرت در یک تقسیم بندی، مردم را به دو گروه تقسیم کرده و چنین فرموده است: «بعضی از مردم، کلیدهای خیر و قفل های بدی و شرند و برخی دیگر، کلیدهای بدی و شر و قفل های خیرند؛ خوشا به حال آن که خداوند کلیدهای خیر را به دست او قرار داده و بدا به حال آن کس که خدا کلیدهای شر را در دستش قرار داده است»(۹۲۰). ارزشمندی خیرخواهی و کار نیک، چنان زیاد است که نه تنها انجام کار خیر در حق دیگران مطلوب و ارزشمند است، راهنمایی دیگران به کار خیر نیز ارزشمند و مانند انجام کار خیر است. به این حدیث نبوی

بنگرید: «راهنمایی کننده به کار نیک، چون انجام دهنده آن است»(۱۵۷۷، ۱۵۸۴). این سخن در ایجاد انگیزه خیرخواهی برای دیگران بسیار مؤثر است که هر انسانی هر مقدار که توان دارد در این میدان هزینه کند، حتی اگر به اندازه راهنمایی باشد.

از آن رو که آموزه های دینی هدفی جز تربیت فرد و جامعه بر محور ارزش های واقعی ندارد، بر این اساس هر کاری که زمینه ساز تحقق این هدف باشد، کاری دینی و ارزشمند است. همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اساس دین، خیرخواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان مسلمانان و همه مسلمانان است»(۱۶۳۴).

خیرخواهی گونه های مختلفی دارد؛ گاهی به صورت وساطت در حل مشکلات دیگران است و تمام اقسام آن مورد تأیید و توصیه پیامبر اکرم و دارای پاداش اخروی است. حضرت فرمود: «هر کس پیش صاحب قدرتی برای برادر مسلمان خویش در موضوع خیری یا در گشودن مشکلی واسطه خیر شود، خداوند او را بر گذر از صراط یاری کند، روزی که قدم ها در آن می لغزند»(۲۷۹۱).

نه تنها انسان باید خیرخواه دیگران باشد، باید از هر کاری که نشانی از تنگ نظری و کوته بینی دارد، پرهیز کند؛ یعنی هم انسان باید تلاش کند تا خیری به دیگران برساند و هم مواظب باشد که با برخورد و اقدامش دیگران را از خیری که از آن بهره مند هستند، محروم نکند. گاهی اوقات یک چشم زدن و یک نگاه تند و تیز، هر چند ناخواسته، مایه محرومیت افراد از خیر می شود. در چنین موقعیتی انسان باید با درخواست از خداوند، برای افراد افزونی برکت درخواست کند؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده

است: «چرا برادر خود را می کشید؟ هرگاه یکی از شما از برادر خویش چیزی دید که جالب و شگفت انگیز بود، برای او برکت بخواهد»(۱۹۵۲).

همان گونه که خیرخواهی برای دیگران، کار خیر و دارای پاداش اخروی است، کوته بینی و سخت گیری و تنگ نظری که زمینه ساز زیان رساندن به دیگران شود، پی آمدهای منفی و مجازات و کیفر اخروی دارد. پیامبر خدا در این زمینه می فرماید: «هر کس به دیگران زیان رساند، خداوند به او زیان رساند و هر کس سخت گیری کند، خداوند با وی سخت گیرد»(۳۰۳۰). همان گونه که خیرخواهی پاداش اخروی دارد، نقطه مقابل آن، بدخواهی برای دیگران و دشمنی با آنان نیز پی آمدهای منفی دارد که محرومیت از آمرزش الهی، یکی از آن پی آمدهاست. به این حدیث از رسول اللّه صلی الله علیه و آله توجه کنید: «هر روز دوشنبه و پنج شنبه درهای آسمان گشوده می شود و در آن روز، گناهان هر کس را که برای خدا شریک قایل نباشد، ببخشند؛ مگر آن کس که با برادر خویش دشمنی داشته باشد»(۱۱۶۵). نقطه مقابل این فرد کسی که به برادر خویش کینه نورزد، در نتیجه مورد آمرزش الهی قرار می گیرد: «سه چیز است که در هر کس باشد، خداوند همه گناهان او را می بخشد؛ هر کس بمیرد در حالی که مشرک نباشد و جادوگر نباشد و پیرو جادوگران نباشد و به برادر خویش کینه نورزد»(۱۲۷۸). پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر می فرماید: «هر کس به چشم مهربانی به برادر خویش بنگرد، در حالی که در دلش کینه ای نباشد، پیش از آنکه از او دیده برگیرد، خداوند تمام گناهان گذاشته اش را بیامرزد»(۲۷۸۱).

ص: ۵۸

۱۹. ویژگی های انسان بد در روابط اجتماعی

نقطه مقابل دوستی و مهربانی، دشـمنی و کینه ورزی است و هر عاملی که پدید آورنده آن باشد، در فرهنگ اسـلامی محکوم و ناپسـند است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ویژگی های انسان های بـد را معرفی کرده است تا جامعه اسـلامی با شـناسایی آنهـا، با بصـیرت و آگاهی با آفات درخت دوستی و محبت مبارزه کنـد و زمینه مساعـدی را برای رشـد بهتر آن درخت فراهم کنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در سـخنی می فرمایـد: «بـدترین مردم کسـی است که مردم را دشـمن دارد و مردم او را دشمن دارند»(۱۷۹۶). دوستی و تکریم و احترام بایـد بر محور انتخاب افراد و به صورت طبیعی باشد؛ چون در غیر این صورت هیـچ ارزشـی نـدارد. اگر احترام به شـخص به خاطر ترس از او باشد، چنین شخصـی مصداق بدترین مردم است. به این حدیث نبوی بنگرید: «بدترین مردم آن کسی است که مردم از بیم شرّش گرامی اش دارند»(۱۷۹۷). بد بودن چنین انسانی تنها در دنیا نیست، بلکه در روز قیامت نیز کیفر این بدی را خواهد دید؛ همان گونه که رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرموده است: «روز قیامت موقعیت آن کس از همه بدتر است که مردم از زبانش بترسند یا از شرش بیم کنند»(۱۸۱۳).

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتـاری، برخی از معیارهـا و ویژگی هـای انسـان بـد را معرّفی کرده است و این گونه می فرماید: «بدترین مردم کسی است که تنها غذا خورد و تازه وارد بر خویش را بی نصیب گذارد و بنده خویش را بزند و بدتر از او کسـی اسـت که خطـایی را نبخشـد و عـذری را نپـذیرد و بـدتر از او کسـی است که به خیرش امیـد نیست و از شـرش امـان نیست»(۱۸۰۰). از این سـخن پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می توان فهمیـد که افراد بـد، درجات مختلفی دارنـد؛ برای نمونه کسی که اعتنایی به مهمان ندارد و از او پذیرایی نمی کند و خدمتکار خویش را می زند، دارای

درجه ای از بدی است، ولی بدتر از او انسانی است که لغزش افراد را نادیده نمی گیرد و عذرناپذیر است. سرّ بدتر بودن او آن است که پـذیرایی نکردن از مهمان و زدن خـدمتکار در یک مقطع زمانی معین است، ولی عذرناپذیر بودن و نبخشودن خطای افراد، امری مستمر و ادامه دار است؛ یعنی اگر انسان عذر کسی را نپذیرد و خطایش را نبخشد، پیوسته او را شخصی خطاکار و منفی می داند و در پی اقدام و واکنش بر می آید. در نتیجه، چنین انسانی با این چنین روحیه ای از کسـی که تنها به مهمان بی اعتناست یا خـدمتکار خویش را می زنـد، بـدتر است. بـدتر از گروه دوم، کسانی هسـتند که امیدی به خیر آنان و امانی از شـر آنان نیست. از چنین افرادی هر لحظه ممکن است شـرّی سـر زند، چه با زبان یا عمل یا فکر و اندیشه و احتمال هیچ کار خیری نیز از آنان وجود ندارد.

نمونه ای دیگر از بدترین مردم در سـخنان رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله کسـی است که مقدسات برایش ارزشمند نیسـتند؛ زیرا انسانی که حتی نام مقـدس پروردگار در او اثر گـذار نباشـد و روحش را لطیف نکنـد، بی شک از خیر محروم و مصداق آشـکار بدترین انسان است. به این گفتار پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بنگرید: «بدترین مردم کسـی است که به نام خـدا از او چیزی بخواهند، ولی او چیزی نبخشد»(۱۸۱۱). کاربرد این حـدیث بیشتر در روابط اجتماعی و ارتباط متقابل افراد با یکدیگر است. نمونه ای دیگر از بدترین مردم در سـطح روابط خانوادگی است و او انسانی است که با بهره مندی از امکانات، به خانواده خویش سـخت گیر باشد. پیامبرخدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بدترین مردم کسی است که بر خانواده خویش سخت گیرد». البته این سخت گیری هم می تواند در امور

مادی و مالی باشـد که مرد خانواده رفاه و آسایش آنها را تأمین نکنـد و هم می توانـد در امور معنوی باشد که بدون دلیل مایه رنجش آنها شود و هم می تواند هر دو قسمت را شامل شود(۱۸۱۲). نمونه دیگری از بدترین مردم در حدیث دیگری از پیامبر چنین آمده است: «ذلیل ترین مردم کسی که مردم را خوار شمارد»(۲۵۰).

ص: ۶۱

رابطه مقامات معنوی و پاداش های اخروی با چگونگی ارتباط با مردم

۱. بهشت تضمینی

بهشت از بزرگ ترین نعمت های خداوند برای بندگان شایسته و با تقوا و مظهر رحمت و لطف پروردگار متعال است و در پرتو اعمالی دست یافتنی است که بیشتر آن در روابط اجتماعی انسان با دیگران شکل می گیرد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی تعهد داده که بهشت را برای کسانی که شش کار را انجام دهند، تضمین کند. این شش کار در صحنه های مختلف زندگی اجتماعی و در روابط متقابل نمایان می شود. حدیث پیامبر این است: «شش چیز را از طرف خود برای من تعهد کنید تا من بهشت را برای شما تعهد کنم: ۱. هنگامی که سخن می گویید، راست بگویید؛ ۲. هنگامی که وعده می دهید، وفا کنید؛ ۳. هنگامی که امانت به شما سپردند، آن را بازپس دهید؛ ۴. دامان خویش را از روابط حرام، پاک کنید؛ ۵. چشمان خویش را از نگاه های حرام فرو بندید؛ ۶. دستان خویش را از کارهای ناپسند نگهدارید»(۳۲۱، ۱۱۷۴).

بسیاری از ناهنجارهای اخلاقی و اجتماعی، به دلیل رعایت نکردن این تعهدات شش گانه است. صادق نبودن، زمینه ساز بی اعتمادی افراد به یکدیگر و در نتیجه تلاش های پنهانی هر یک علیه دیگری است. بی وفایی نسبت به وعده ها نیز مخرّب و دارای عوارض منفی فراوانی است که خود

معلول عدم صداقت است؛ زیرا عمل به وعده، خود مصداق راست گویی و صداقت است و اگر صداقت فراگیر و گسترده بر زندگی حاکم باشد، تخلّف از وعده جایی ندارد و نیز بازگرداندن امانت، خود مصداقی برای صداقت است؛ یعنی شخص امین باید به امانتداری خویش پای بند باشد و اعتمادی را که دیگران به او کرده اند پاس بدارد. پاکدامنی نیز تعهدی است سازنده که رعایت نکردن آن عاملی برای پیدایش ناهنجاری اخلاقی است و همچنین فرو بستن چشمان از گناه و نگهداشتن چشم و زبان از آنچه نباید بدان نگاه کرد و بدان دست یازید، تعهداتی است که پای بندی بدان بهشت تضمینی را در پی خواهد داشت.

این نکته شایان ذکر است که در فرهنگ معارف دینی، هر گاه برای سخن یا کاری در زندگی فردی یا اجتماعی، پاداش اخروی و بهشت در نظر گرفته شده است، یعنی فرد و جامعه با عمل به آن توصیه، زندگی فردی و اجتماعی را بهشت می کنند و بدون آن، فضای حاکم بر زندگی فرد و جامعه فضایی دوزخی است. در همین توصیه های شش گانه پیامبر اسلام آشکارا می توان دید که تخلّف از هر کدام، یعنی محرومیت از فضای زندگی معنوی و با صفای بهشتی و حاکم کردن فضای دوزخی بر زندگی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر، شش ویژگی را یادآور شده و در برابر عمل به آنها، بهشت را تضمین کرده است، این شش خصلت به روابط اجتماعی مربوطند، ولی در صحنه های دیگر زندگی مشاهده می شوند: «شش خصلت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تضمین کنم: ۱. هنگام تقسیم ارث به یکدیگر ستم نکنید؛ ۲. با مردم به انصاف رفتار کنید؛ ۳. هنگام جنگ با دشمن ترسان مباشید؛ ۴. در غنایم

خیانت نکنید؛ ۵. ظالم را از مظلوم دفع کنید»(۳۲۲).

دستورهای مطرح در این حدیث نیز به نوعی به قلمرو روابط اجتماعی مربوط است. معمولاً ـ طمع انسان ها در امور مالی خودنمایی دارد، به ویژه در موقعیت هایی چون تقسیم ارث که بیشتر آسیب پذیر است. به همین دلیل، رسول گرامی از ستم به یکدیگر در این زمینه پرهیز داده و نیز به رعایت انصاف با دیگران که بسیار مشکل است، سفارش فرموده است؛ زیرا منصف واقعی آن است که خودش را جای طرف مقابل بگذارد. در چنین فرضیه ای، بهترین گزینه را انتخاب می کند؛ زیرا هیچ کس راضی نیست که به خود ضرر برساند. همچنین پرهیز از خیانت در غنایم جنگی، به رعایت حقوق دیگران برمی گردد و نیز ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم که اصلی است فراگیر و حاکم و تعطیل ناپذیر و در هر شرایطی باید از مظلوم واقعی، حمایت و دست ظالم کوتاه شود. این دستورها نشان می دهد که تخلّف از هر کدام آنها؛ یعنی دور ساختن جامعه از زندگی آمیخته به صفا و معنویت و در نتیجه، قرار گرفتن جامعه در خطر هلاکت و آسیب.

عامل دیگر در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دست یابی به بهشت و نعمت هایش، اطعام مسلمان گرسنه است. حضرت فرمود: «هرکس مسلمان گرسنه ای را غذا دهد، خداوند از میوه های بهشت به او می خوراند»(۲۹۵۱). این دستور نیز یک توصیه اجتماعی و تمرینی است برای رهایی از خودمحوری و خودخواهی؛ زیرا آن که برای سیر کردن دیگران تلاش می کند، درد آنان را درد خود می داند و چنین انسانی ظرفیت روحی خود را توسعه داده است. بهشت ارزانی کسانی است که از تعلّقات و خودخواهی ها رسته اند و به

خـاطر رضـای دوست، همه کس را چون خویشـتن دوست دارنـد. همین توصـیه اخلاقـی درباره بیمار هم سـفارش شـده است. رسول خدا می فرماید: «هر کس غذای دلخواه مریضی را به او بخوراند، خدا از میوه های بهشت به او می خوراند»(۲۹۴۴).

قرار گرفتن بهشت برای پاداش این گونه کارها، بیانگر جایگاه مهم روابط اجتماعی در فرهنگ اسلامی است.

۲. محبوبیّت الهی

چگونگی ارتباط خداوند متعال با بندگانش، به چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر برمی گردد. دست یابی به بسیاری از مقامات معنوی و پاداش های اخروی در پرتو این نوع ارتباط است. محبوب بودن در پیشگاه خداوند نیز به عوامل متعددی بستگی دارد که در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تعبیرهای گوناگون مطرح شده است.

گاهی محبوبیت در پیشـگاه الهی به میزان سودمنـدی انسان ها برای یکدیگر بسـتگی دارد. رسول خدا در جمله ای می فرماید: «محبوب ترین بنـدگان در پیش خدا کسـی است که برای بندگان خدا سودمندتر است»(۸۶). و در حدیثی دیگر فرموده است: «مردم همه عیال خدایند و محبوب ترین آنها در پیشگاه خداوند کسی است که برای مردم سودمندتر باشد»(۱۵۴۳).

سرّ محبوبیت چنین کسـی روشن است؛ زیرا هر کس برای دیگران سودمند باشد، به طور طبیعی در فکر آنان است و کسـی که در فکر دیگران باشـد، از دایره خودخـواهی و خودمحـوری و خـودبینی خـارج شـده اسـت. عامـل دیگر محبـوبیت در پیشـگاه خداوند، در سخنان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله خُلق

نیکو معرفی شده است. آن حضرت در گفتاری می فرماید: «محبوب ترین بندگان خدا در پیشگاه او، کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد»(۸۴). صاحب اخلاق نیکو به دلیل بهره مندی از این خصلت در روابط اجتماعی، برخورد اخلاقی و جذّاب دارد و حُسن خلقش به او اجازه برخورد منفی و مخرّب با افراد را نمی دهد. در نتیجه مایه رنجش کسی را فراهم نمی کند و هیچ دلی را نمی شکند و از لطافت روحی برخوردار می شود و چنین انسانی بی شک محبوبیت الهی دارد.

عامل دیگر محبوبیت در پیشگاه حق، در سخنان پیامبر گرامی اسلام، آسان گرفتن در معاملات است. خداوند دوست دارد که بندگانش در روابط متقابل با هم از هر نوع سخت گیری بی دلیل بپرهیزند. به این حدیث از پیامبر خدا بنگرید: «خداوند بنده ای را که به هنگام خرید و فروش و پرداخت و دریافت، آسان گیر است دوست دارد»(۸۵).

آسان گرفتن در معاملات، به ویژه به تنگ دست، پاداش اخروی را نیز در پی خواهد داشت. پیامبر خدا می فرماید: «مردی بود که با مردم معامله داشت و به خدمتکار خود می گفت: چون به تنگ دستی برخورد کردی از او درگذر، شاید خدا از ما درگذرد، وی پس از اینکه به پیشگاه خدا رفت خداوند از او در گذشت»(۲۱۱۷).

عامل دیگر محبوبیت الهی در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خیرخواهی برای بندگان خداست. حضرت می فرماید: «محبوب ترین بندگان خدا در پیشگاه او کسی است که خیرخواهی اش برای بندگان خدا بیشتر باشد»(۵۷۹).

در فرهنگ روایات و قرآن کریم، واژه نصیحت به معنای خیرخواهی است. در خیرخواهی، خواه با زبان یا عمل، صلاح طرف مقابل در نظر

ص: ۶۶

گرفته می شود و هیچ گونه ناخالصی در آن راه ندارد. به عسل خالص نیز عسل ناصح می گویند و اگر کسی خالصانه خیر و صلاح بندگان خداوند را بخواهد و برای آن تلاش کند، بی شک به محبوبیت در پیشگاه حق خواهد رسید. در سخنی دیگر از رسول گرامی اسلام، سه عامل محبوبیت در پیشگاه الهی این گونه معرفی شده است: «اگر دوست دارید که خداوند و رسولش شما را دوست بدارند، وقتی امانتی به شما سپردند آن را برگردانید و هنگامی که سخن می گویید راست گو باشید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید»(۵۵۴). این سه عامل نیز به چگونگی ارتباط انسان با دیگران مربوط و بیانگر آن است که دست یابی به محبوبیت الهی، ارتباط تنگاتنگی با نوع برخورد انسان با دیگران دارد. به عبارت دیگر، قضاوت مردم در امور اجتماعی و تأیید یک فرد به وسیله اجتماع و امضای کارهای اخلاقی اش، عاملی برای محبوبیت او در پیشگاه خداوند متعال است.

۳. افضل الاعمال

«افضل الاعمال» (بهترین کارها) معرفی کردن کاری، اهمیّت و ارزش ویژه آن کار را نشان می دهد. در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، برخی از کارها در روابط اجتماعی با چنین عنوانی معرّفی شده اند. قسمتی از این کار به اصل دوستی با مردم برمی گردد که در این زمینه حضرت می فرماید: «بهترین کارها پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است»(۳۸۷)؛ یعنی اگر ایمان به خدا در زندگی اجتماعی جلوه گر نشود، ایمانی حقیقی نیست؛ زیرا مرتبه بعد از ایمان به خدا، کار ایمانی و توحیدی است و اساس ایمان برای تحقق زندگی سالم و همراه با معنویت در زندگی فردی و اجتماعی است. طرح

دوستی با مردم اگر با محوریت خدا و توحید باشد، بی شک «افضل الاعمال» است. بر این اساس، پیامبر خدا در سخنی دیگر، جهتِ دوستی با مردم را این گونه بیان فرموده است: «بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست»(۳۹۰). دوستی با دیگران که افضل الاعمال است، در صحنه های مختلف باید به نمایش گذاشته شود تا فقط یک شعار و ادّعای بدون عمل نباشد. رسول گرامی در گفتاری، در این باره چنین می فرماید: «بهترین کارها آن است که برادر مؤمن خویش را شاد کنی یا قرض او را بپردازی»(۳۸۶).

گاهی دست یافتن به «افضل الاعمال» (بهترین کارها) به عملکرد انسان در صحنه های دیگر زندگی اجتماعی مربوط می شود. صحنه هایی که اقدام مناسب و شایسته برای رسیدن به افضل الاعمال را مشکل می کند و با تمرین و سرکوبی هوای نفس محقق می شود. به این گفتار از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنگرید: «بهترین کارها سه چیز است: تواضع به هنگام دولت و عفو و بخشش به هنگام قدرت و بخشش بدون منّت»(۳۸۵). شاید انسان در شرایط عادی که بهره مند از قدرت و موقعیتی نیست، راحت تر بتواند اهل بخشش و تواضع و فروتنی باشد. ولی معمولاً ـ انسان ها به هنگام توانمندی و دولتمندی کمتر سراغی از تواضع و عفو می گیرند. همچنین هر بخشنده ای، خواسته یا ناخواسته، کم رنگ یا پر رنگ، جدّی یا شوخی، مستقیم یا غیر مستقیم، بخشش خود را آمیخته به نوعی منّت می کند که مبارزه با این آسیب و آفت نیازمند تلاش است. به همین دلیل، در این سه کار (تواضع، بخشش و عفو)، نوعی فضیلت وجود دارد، ولی هرگاه این سه کار در شرایط ویژه انجام پذیرند، به اوج فضیلت می رسند و انسان به «افضل الاعمال» دست می یابد.

ص: ۶۸

۴. آمرزش الهی

آمرزش و غفران الهی، موهبتی است که هر کسی سعادت بهره مندی از آن را ندارد. این موهبت گران قدر و تحفه معنوی در پرتو پای بندی به برخی از آداب اجتماعی دست یافتنی است. ارتباط آمرزش الهی با پای بندی به پاره ای از آداب معاشرت، بیانگر اهمیت و ارزش آنها در فرهنگ دینی است. شادمان ساختن برادر دینی، آن چنان ارزشمند است که خداوند متعال آن را با اسماء حسنای خویش پاداش می دهد. همان گونه که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «همانا از اسباب آمرزش الهی، این است که برادر مؤمن خویش را شادمان کنی»(۹۲۷). همچنین، سلام کردن یا خوب سخن گفتن با دیگران زمینه دریافت آمرزش الهی می شود. به این حدیث از پیامبر توجه کنید: «همانا از اسباب آمرزش الهی، ادای سلام و نیکی کلام است»(۹۲۸). از جمع بندی سخنان پیامبر استفاده می شود، جامعه محروم از سلام و سخن نیك و جامعه ای که اعضای آن در فکر شاد ساختن همدیگر نیستند، از بندگی خدا دور است و افراد در آن، به نوعی مرتکب گناه می شوند و در نتیجه، از آمرزش خداوند متعال بی بهره اند.

۵. حسنه، کار نیک

رعایت حقوق افراد در روابط اجتماعی، آن چنان در فرهنگ دینی با اهمیت است که برای برخی از آنها «حسنه» در نظر گرفته شده است؛ زیرا انسان عادل در پرتو ملکه عدالت با کاربرد صحیح گفتارها و رفتارها آشنا می شود. رسول گرامی اسلام می فرماید: «بهترین کارهای نیك آن است که هم نشینان را تکریم کنی»(۳۹۶). در دیدگاه پیامبر اکرم، تکریم شخصیت انسان ها

همچون عبادت و بندگی خدا، مایه کسب حسنه است، بلکه برترین حسنه در پرتو این کار، دست یافتنی است. گاهی دست یابی به کار نیک و افزایش آن در گرو یک خدمت به جامعه است. برای نمونه، به این حدیث از پیامبر بنگرید: «مانع را از راه مسلمانان دور کن تا حسنات (کارهای نیک) تو فزونی یابد»(۵۴۵). در سخنی دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس سنگی را از راه بردارد، برایش حسنه ای نوشته شود»(۳۰۱۸).

۶. عدالت

عدالت از فضایل مهم اخلاقی است که پایه و اساس بسیاری از فضایل است؛ زیرا انسان عادل در پرتو ملکه عدالت با کاربرد صحیح گفتارها و رفتارها آشنا می شود و گاه با یک انتخاب صحیح می تواند به مقام عادل ترین افراد دست یابد. رسول گرامی اسلام، در این زمینه می فرماید: «عادل ترین مردم آن است که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران می پسندد و برای آنان ناخوش دارد، آنچه را برای خود ناخوش می دارد»(۳۴۰).

با دقت در سخن پیامبر خدا، رمز این گفتار حکیمانه فهمیده می شود؛ با چنین انتخابی، هیچ گونه ستمی نمی توان در حق مردم روا داشت؛ زیرا انسان، آگاهانه هیچ ستمی بر خود روا نمی دارد. در نتیجه، چنین انسانی، عادل ترین افراد است و اگر هر کس درباره دیگری چنین انتخابی داشته باشد، جامعه سراسر عدل و داد می شود.

۷. عقل

عقل از بزرگ ترین نعمت های خداوند بر انسان است؛ زیرا در پرتو این حجت و راهنمای درونی، انسان راه سعادت و نیک بختی را می یابد و

می پیماید. نشانه های مختلفی می توانند بیانگر وجود عقل در انسان باشند. چگونگی رابطه انسان با دیگران، یکی از نشانه های عقل است؛ زیرا عقل است که به انسان نحوه ارتباط مثبت و صحیح و سازنده را با دیگران می آموزد. از همین روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از این ارتباطات مثبت را نه تنها نشانه عقل، بلکه نشانه عاقل تر بودن انسانی دانسته که از آن ارتباط مثبت بهره مند است. حضرت می فرماید: «عاقل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند»(۳۵۸). در مفهوم مدارا نوعی برخورد ملاطفت آمیز و آمیخته به لطف و مهربانی نهفته است. بر این اساس، تحمّل کردن سلیقه های مختلف و پرهیز از واکنش های ناشایست و منفی، ویژگی انسانی است که از عقل عملی بهره مند است و نعمت عقل، او را به انتخاب بهترین گزینه در ارتباط با مردم هدایت کرده است.

۸. شکر و سپاس از خداوند

شکر و سپاس از خداوند متعال در برابر نعمت های بی شمار او از وظایف اصلی هر بنده ای است، ولی چون در نظام زندگی دنیا، فیض پروردگار و نعمت های او بر پایه سنّت های الهی، طبق برنامه ای معین در میان خلق تقسیم و توزیع می شود، گاهی بندگان خداوند واسطه رسیدن خیر و نعمتی به دیگران می شوند. بدیهی است که بخشنده اصلی نعمت، خداوند است و صاحب اصلی همه مواهب نیز خود اوست، ولی چون ذات اقدس پروردگار، خود بندگان را واسطه دریافت نعمت ها از یکدیگر کرده است، خواسته که ادب سپاس و شکر در میان خود آنها حاکم باشد و در روابط اجتماعی، روحیّه سپاس گزاری از یکدیگر را زنده نگه دارند. این

موضوع، آن چنان دارای اهمیت است که حتی دست یابی به مقام شکر و سپاس از خداوند، در پرتو سپاس از بندگان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه چنین فرموده است: «همانا خداوند هرگاه خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و او را سپاس نگزارد، خدا را نیز سپاس نگفته است»(۶۶۸). و در سخنی دیگر می فرماید: «از همه مردم سپاس گزارتر آن کسی است که بیشتر از همه شکرگزار مردم است»(۳۱۲).

۹. مقامات معنوی

ارزشمندی کمک به دیگران و حل مشکلات آنان در فرهنگ دینی آن چنان است که گاهی آثار مثبت و سازنده آن، از عبادت های بسیار مهم بیشتر است. بنابراین، یک مسلمان نباید تنها در بُعد زندگی فردی اهل عبادت باشد، بلکه هم زمان با آن، باید در بُعد زندگی اجتماعی و در روابط متقابل با افراد، انسانی مثبت و سازنده و سودمند و خیرخواه باشد و بداند که مقامات معنوی و پاداش های اخروی تنها در پرتو عبادت های فردی مانند نماز و روزه نیست. به این حدیث از پیامبر بنگرید: «کسی که یک روز به برادر خویش کمک کند، از اعتکاف یک ماه بهتر است»(۱۹۹۵). این جمله می فهماند که اگر کسی بتواند برای رضای خدا یک روز به برادر دینی خویش کمک کند، در مدت زمان کمتری به نتیجه ارزشمند اعتکاف دست یافته است.

خداوند متعال، به انسانی که در زندگی خویش نسبت به دیگران بی تفاوت نیست، عنایت می کند. این حقیقت را رسول خدا این گونه بیان کرده است: «هر کس به دنبال حاجت برادر خود باشد، خدا در پی حاجت او خواهد بود». این (۲۸۶۱)تأکید به این دلیل است که انسان نپندارد اگر وقت خود را برای

رفع نیـاز دیگران هزینه کرد، در دسـتگاه ربوبی حق جایگـاهی نـدارد، بلکه خداونـد بیشتر از آنچه او برای نیـاز دیگران تلاش کرده است، برای نیاز او اقـدام می کنـد. پاداش رفع نیاز دیگران معادل عبادت بزرگی همچون حجّ و عمره معرفی شـده است. رسول گرامی صـلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس حاجت برادر مسـلمان خویش را برآورد، پاداش او همانند کسـی است که حجّ و عمره انجام داده است»(۲۹۰۷).

در حـدیثی دیگر، خـدمت خالصانه به خلق مسـلمان، خـدمت به خداونـد به شـمار آمده است: «هر کس حاجت برادر مسـلمان خویش را بر آورد، پاداش او همچون کسی است که همه عمر خویش را خدمت خدا کرده باشد»(۲۹۰۸).

پیامبر گرامی اسـلام، در آموزه های خویش، با یادآوری پاداش اخروی کمک به دیگران، انگیزه کار خیر را در انسان ها زنده و تقـویت می کنـد و می فرمایـد: «هرگـاه خداونـد برای بنـده ای خیر خواهـد، حـاجت هـای مردم را در دسـت او قرار می دهد»(۱۴۴). با این معیار، خوب بودن و صالح بودن یک انسان، تفسیر دیگری پیدا می کند و خیر بودن شخص منحصر به خیر بودن او در قلمرو کارهای فردی نمی شود، بلکه میزان سودمنـدی او برای دیگران بر صالح بودن او مؤثر است؛ همان گونه که پیامبر خدا فرموده است: «صالح ترین مردم کسی است که برای مردم بیشتر از همه صلاح و خیر بخواهد»(۳۱۷).

افزون بر پـاداش هـای اخروی که به برخورد سازنـده و نیـک انسـان با دیگران بسـتگی دارد، مصونیت از آتش قهر الهی هم به چگـونگی ارتبـاط انسـان بـا دیگران مربوط می شود. آن کس که آبروی افراد را چون آبروی خویش پـاس می دارد، در برابر آتش دوزخ مصون است. رسول خدا

می فرمایـد: «هر کس در غیـاب برادرش از آبروی او دفـاع کنـد، بر خداونـد اسـت کـه او را از آتش جهنـم در امـان نگه دارد»(۳۰۰۷). در سـخنی دیگر فرمـوده اسـت: «هر کس از آبروی برادر خـویش دفـاع کنـد، خداونـد آتش را از چهره او دور سازد»(۳۰۱۴).

صـدقه ــ که بخشـیدن مـال در راه خـداست ــ پـاداش برخی از برخوردهـای اجتمـاعی انسان در ارتباط با دیگران، قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی، چهار کار را صدقه معرفی کرده است: «لبخند تو به روی برادرت صدقه است، امر به معروف و نهی از منکر صـدقه است، راهنمایی کسـی که راه را گم کرده است، صـدقه است، دور کردن سـنگ و خار و اسـتخوان از راه صـدقه است»(۱۱۱۹). تمـام ایـن چهـار نمـونه، از کارهـایی اسـت کـه یـک انسـان تهی دست و فقیر هم بر آن توانـاست. بر این اسـاس، یک انسان فقیر هر چنـد خود نیازمنـد صـدقه و کمک مالی دیگران است، در بُعـد دیگر می توانـد با چنین کارهایی خود اهل صدقه باشد.

روابط اجتماعی _ دیدار با خویشان (صله رحم)

اشاره

در زمینه روابط اجتماعی، توصیه های متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است. دیدار با خویشان (صله رحم) یکی از آنهاست. صله رحم مانند بسیار از دستورهای اجتماعی دارای آثار و فوایدی است که ربطی به جامعه ایمانی و انسان های با ایمان ندارد، بلکه از آثار وضعی صله رحم است؛ همانند اینکه دو لبه قیچی اگر روی هم قرار بگیرد، قطع می کند. هر کسی این کار را بکند، همین نتیجه را خواهد دید. البته اگر انسان های با ایمان به صله رحم پای بند باشند، به دلیل بهره مندی از خصایل ایمانی، از آثار صله رحم بیشتر و بهتر بهره مند می شوند.

۱. آثار صله رحم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری، سه اثر از آثار نیکی و دیدار با خویشان را این گونه بیان می فرماید: «نیکی و صله رحم، عمرها را طولانی و شهرها را آباد و اموال را فراوان می کنند؛ هر چند کسانی که این دو کار را انجام می دهند از بدکاران باشند»(۶۱۴، ۲۶۷۱).

پیامبر گرامی در گفتاری دیگر، در کنار نقش صله رحم در افزایش عمر، اثر دیگر آن را این گونه بیان می فرماید: «صله رحم [پیوند با خویشان] عمر را افزایش می دهد و از مرگ بد جلوگیری می کند»(۱۸۳۸، ۱۸۴۰). در سخنی دیگر، خوش خلقی

و برخورد خوب با همسایه را در کنار صله رحم، مایه آبادانی شهرها و افزایش عمرها دانسته است.(۱۸۳۹) در حدیثی دیگر، پیامبر می فرماید: «صله رحم، بدبختی را به نیک بختی و سعادت تبدیل می کند».

محبوبیت(۱۸۶۹) در میان خویشان از دیگر آثار و فواید صله رحم است که در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدان تصریح شده است: «پیوند با خویشان مایه فراوانی مال و محبوبیت در میان فامیل و تأخیر در اجل [مرگ]است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (۱۸۴۱، ۲۶۵۲) در سخنی می فرماید: «پاداش هیچ اطاعتی سریع تر از پیوند با خویشان نیست و عقوبت و کیفر هیچ کار سریع تر از ستم و بریدن از خویشان [در قطع رحم] نیست»(۲۳۹۸، ۲۶۷۱، ۶۰۰).

۲. مراتب صله رحم

صله رحم، مانند بسیاری از کارهای دیگر، دارای مراتبی است و اگر کسی موفق به انجام مرتبه ای از آن نشد، نباید مراتب دیگر را رها کند. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «با خویشان خود نزدیکی جویید، اگرچه به وسیله سلام کردن باشد»(۱۰۹۴). گاهی سلام کردن نشانه پیوند با خویشان است و گاهی یاد کردن از آنها. رسول گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «با نزدیکان خویش به وسیله زیاد یاد کردن از آنها ارتباط برقرار کن»(۳۱۸۲).

۳. آثار قطع رحم

همان گونه که محرومیت از هر کار خیری پی آمدها و عوارض مخصوص به خود دارد، محرومیت از صله رحم نیز عوارضی خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از عوارض آن را این گونه بیان فرموده است: «رحمت خدا بر مردمی که در میان آنها کسی باشد که از خویشان بریده است، فرود

نمی آید»(۶۲۹). از این سخن حضرت می توان فهمید که بین رحمت الهی با مهربانی و رحمت انسان ها به یکدیگر، ارتباط وجود دارد و دست کم بخشی از رحمت الهی شامل کسانی می شود که به صله رحم و پیوند با خویشان پای بند هستند. در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند آفریده ها را آفرید و چون از خلقت فارغ شد، خویشاوندی (رَحِمْ) برخاست. خدا فرمود: چیست؟ گفت: از قطع رشته خویش (قطع رحم) به تو پناه می برم. خداوند فرمود: خوب، آیا راضی نیستی که هر که تو را پیوند دهد، با او پیوند گیرم و هر که تو را ببرد، از او ببرم؟ گفت: آری. خداوند فرمود که این کار را خواهم کرد»(۶۹۶). در گفتاری دیگر، پیامبر اسلام همین مطلب را این گونه بیان فرموده است: «خویشاوندی (رحم) روز قیامت کنار میزان (یکی از مواقف قیامت برای سنجش اعمال انسان ها) می گوید: ای پروردگار من، هر که مرا برید، از او ببر و هر کس مرا پیوند داد، با او بپیوند»(۲۲۶۷).

صله رحم مانند همه فضایل اخلاقی آن گاه در اوج اثر گذاری است که از حالت معامله و داد و ستد خارج شود و به صورت یک کرامت اخلاقی و بزرگواری روحی در آید و آن، هنگامی است که انسان حتی با کسانی که از او بریده اند، پیوند برقرار کند و از تلافی بپرهیزد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «با آن که از تو بریده، پیوند برقرار کن و به آن که تو را محروم ساخته ببخش و از آن که به تو ستم کرده در گذر»(۱۸۳۷).

بنیاد مقدس ازدواج و زندگانی مشترک

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ــ که آورنـده آخرین و کامل ترین دین از سوی خداونـد متعال است ــ برای تمام جنبه های زندگی انسان، برنامه ای دقیق و قابل اجرا و سعادت آفرین ارائه کرده است. پاسخ گویی صحیح و مناسب به نیازهای جنسی نیز از برنـامه های دین اسلام است. تشکیل زنـدگانی مشترک در پیشگاه خداونـد و رسول گرامی اسلام آن چنان با اهمیت است که آن حضرت در گفتاری می فرماید: «در پیشگاه خداوند ــ در مکتب اسلام ــ دوست داشتنی تر از بنیاد ازدواج و نهاد زنـدگانی مشترک، هیچ بنیاد و بنایی پایه گـذاری نشده است».(۱) در حدیثی دیگر ازدواج را سنت و روش خویش معرفی کرده و روی گردانی از آن را هماننـد قطع ارتباط با خویش می دانـد.(۲) در گفتاری دیگر می فرمایـد: «هر کس دوست دارد که پیرو سنّت من باشد، ازدواج یکی از سنّت های من است».(۳) زنده نگهداشتن این سنت، آن گاه معنی و مفهوم پیدا می کند که به تمام آداب آن توجه شود. اینجاست که چنین ازدواجی، محبوب ترین بنیاد و

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۳، ح ۴ .
۲- ۲. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰، ح ۲۳.
۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶، ح ۱۴.

بنای الهی می شود و دل و خانه ای که بر این اساس پیوند ازدواج برقرار سازند، کانون رحمت و مودت خواهد شد.

در برخی سخنان رسول گرامی اسلام، تأکید بر تشکیل زندگی مشترک دیده می شود که البته رسول خدا صلی الله علیه و آله به افزایش جمعیت امت اسلام نیز توجه داشته است مانند اینکه می فرماید: «ازدواج کنید که من از فزونی شما تفاخر می کنم»(۵۶۸). در سخنی دیگر، حضرت با تأکید بر ازدواج، افزوده است که: «مانند راهبان مسیحی نباشید»(۱۱۴۵). [راهبان مسیحی کسانی بودند که برای دوری از دنیا، از ازدواج نیز خودداری می کردند.]

اهمیت تشکیل زندگانی مشترک به اندازه ای است که تأخیر در آن روا نیست و دیگران نیز موظّف اند در این زمینه تلاش و اقدام کنند. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در سخنی می فرماید: «سه چیز را نباید به تأخیر انداخت ۱. نماز، همین که وقت آن رسید. ۲. برداشتن جنازه، همین که آماده شد. ۳. شوهر دادن زن، زمانی که کفوی برایش پیدا شد»(۱۲۶۱).

اهمیت ازدواج و ضرورت تشکیل زندگانی مشترک در سخنان رسول گرامی با تعبیرهای مختلف مطرح گشته و گاهی نقطه مقابل ازدواج که مجرد زندگی کردن است، نکوهش شده است. به این حدیث بنگرید: «بدترین شما کسانی هستند که مجردند و بدترین و پست ترین مردگان شما کسانی هستند که مجرد بوده اند»(۱۸۰۵).

اگر ازدواج با هدف پاکدامنی و مصونیت از گناه باشد، خداوند متعال با عنایت خویش همسران را یاری می کند. این پیام، بشارتی است برای آنان که از ترس امور مالی تن به ازدواج نمی دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«سه نفر هستند که یاری خداوند بر آنها لازم است: ۱. آن که در راه خدا جهاد کند ۲. بنده ای که برای آزادی خود قرار داد بسته و می خواهد قیمت آن را بپردازد ۳. کسی که به منظور عفّت و پاکدامنی زن می گیرد»(۱۲۱۹).

نه تنها عنایت الهی در ازدواج محسوس است، ازدواج عاملی است برای دست یابی به روزی. پیامبر گرامی می فرماید: «به وسیله ازدواج روزی بیابید». و در حدیث (۴۸۱) دیگر می فرماید: «زن بگیرید که زنان آورنده مال و توانگری هستند»(۱۱۴۳). سرّ گفتار پیامبر این است که با تشکیل زندگی مشترک، حس مسئولیت در انسان زنده می شود و همین، زمینه ای مناسب می شود برای تلاش و فعالیت و در پی این تلاش، روزی انسان گسترش می یابد.

از حریم ازدواج باید پاسداری شود و باید آن را از هر آفتی که آن را تهدید می کند، نگهداری کرد. رسول گرامی اسلامی می فرماید: «سه چیز است که شوخی در آن روا نیست طلاق و نکاح و آزاد کردن بنده»(۱۲۶۳). جدیت در ازدواج، اقتضا می کند که از هر عاملی که پایه های آن را سست می کند، پرهیز شود و در برابر، از هر عاملی که آن را تقویت می کند یاری گرفته شود. رسول گرامی می فرماید: «عقد ازدواج را محکم کنید و آن را علنی سازید»(۳۱۳).

۱. ازدواج و وظایف دیگران

برخی از وظایف مربوط به بستگان طرفین ازدواج است. آنان نیز برای التزام جدی تر به سنت نبوی، باید این وظایف را رعایت کنند. نخست اینکه، از سخت گیری های بی مورد و بدون دلیل پرهیز شود. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «هرگاه کسی برای خواستگاری آمد و اخلاق و دین او را پسندیدید، به او زن بدهید؛ زیرا اگر چنین نکنید، فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد»(۱۳۰). در این

ص: ۸۰

سخن، افزون بر معرفی و معیار اخلاق و دین برای تشکیل زندگی مشترک، به پی آمد منفی بی اعتنایی به ازدواج؛ یعنی پیدایش فتنه و فساد در زمین اشاره شده است.

در گفتاری دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هنگامی که اشخاص هم شأن به خواستگاری، پیش شما آمدند، دختران خود را به شوهر بدهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید»(۱۹۳). آسان گرفتن تشکیل زندگی مشترک و پرهیز از سخت گیری و بهانه جویی از دیدگاه پیامبر گرامی اسلام دارای اهمیت است، به گونه ای که آن را نشانه میمنت زن و مبارکی آن دانسته است(۹۲۹). این سخن پیامبر خدا، یا به این معناست که زنی که خواستگاری اش آسان باشد، مبارک و خوش یُمن است یا اینکه نشان از آن دارد که دیگر امور زندگی مشترک را نیز متمیّن و مبارک می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر می فرماید: «بهترین ازدواج ها آن است که آسان تر انجام گیرد»(۱۵۰۷).

۲. حقوق، اختیارات و وظایف مرد

نخستین نکته در ازدواج، تشکیل زندگی مشترک بر محور دین است؛ زیرا اگر دین محور بودن، مبنای زندگی شد، دیگر امور در پرتو دین، دست یافتنی می شود، ولی اگر مال و زیبایی به تنهایی عامل انتخاب همسر باشند، کاربرد چنین ازدواجی در قلمرو مال و زیبایی است که این دو غیر قابل اعتماد هستند. پیامبر گرامی می فرماید: «با زن برای دین و مال و زیبایی اش ازدواج می شود، ولی بر تو باد که زن دین دار بگیری»(۸۲۲).

دقت در انتخاب همسر شایسته نیز از اموری است که مرد نباید فراموش کند. رسول گرامی اسلام می فرماید: «برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید؛ زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می آورند»(۱۱۳۲). از این گفتار پیامبر خدا

می توان فهمید که نه تنها دقت در ویژگی های خود زن لازم است، بلکه چون فرزندان از ویژگی دایی ها و خاله های خود ارث می برند، انسان باید به هنگام ازدواج، برادران و خواهران همسر آینده اش را نیز در نظر بگیرد. نکته دیگر در انتخاب مرد، این است که یکی از اهداف مهم ازدواج در فرهنگ اسلام، تولید نسل صالح و تربیت فرزندان صالح است. بر این اساس، باید با مطالعه و دقت، تا آنجا که ممکن است، همسری برگزیده شود که فرزندآور باشد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «زن مهربان فرزندآور بگیرید؛ زیرا من به زیادی شما بر دیگر پیامبران افتخار می کنم».(۱۱۴۴) رسول گرامی اسلام سفارش می کند: «زیبای عقیم [نازا] را رها کنید و با سیاه چهره فرزندآور ازدواج کنید که من روز رستاخیز به فزونی شما بر امّت های دیگر تفاخر می کنم»(۱۵۷۰، ۱۶۱۸).

نکته دیگر، در تشکیل زندگی مشترک این است که از آغاز تا پایان باید بر محور صداقت باشد و زمینه ای برای بی اعتمادی و فریب و نیرنگ پدید نیاید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ می زند، باید به او خبر دهد که موی خود را رنگ می زند»(۲۰۲). پیام این حدیث آن است که از هرکاری که نوعی مکر و فریب و ناراستی در آن است، باید پرهیز کرد. آنچه را که حق طبیعی و مشروع و قانونی مرد است که پیش از ازدواج از آن آگاهی پیدا کند، باید در معرض دید قرار بگیرد تا اقدام برای ازدواج از روی بصیرت و آگاهی و اعتماد باشد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «وقتی خداوند خواستگاری زنی را به دل کسی انداخته باشد، مانعی نیست که او را بنگرد»(۱۸۵).

پرداخت مهریّه در ازدواج، بیانگر صداقت مرد است. هر چند زندگانی

مشترک نباید با عواملی همچون مهریه تثبیت شود، ولی اگر مرد در آغاز تشکیل زندگی مشترک تعهدی کرد، باید به آن پای بنـد باشد. اهمیت پای بندی به پرداخت مهریه به اندازه ای است که رسول اکرم صـلی الله علیه و آله می فرماید: «هر مردی که با زنی ازدواج کند و تصمیم داشته باشد که مهریه او را نپردازد، هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد»(۱۰۳۱).

نکته دیگر در زنـدگانی مشترک این است که هر چنـد طلاق زن و جدا ساختن پیوند زندگی مشترک در مواردی از اختیارات قـانونی و مشـروع مرد است ــ برای نمونه، زنی که بـد اخلاـقی اش جـبران پـذیر نباشـد و مرد نتوانـد ادامه زنـدگی مشترک را تحمـل کنـد ــ ولی این دلیـل بر آن نیست که مرد در هر شـرایط و بـا هر بهـانه ای می توانـد گزینه طلاـق را انتخاب کنـد. در فرهنگ اسـلام، طلاق، آخرین راه حل است و تا ممکن است نباید پیوند زندگی مشترک از هم گسسته شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله دربـاره طلاق فرموده است: «منفورترین چیزهای حلال در پیشـگاه خداونـد طلاق است» (۲۶۰۹۱۶. ۲۵۷۵) و در سخنی دیگر می فرماید: «خداوند طلاق را دشمن دارد»(۷۳۸). وقوع بیشتر طلاق ها بر پایه صـحیحی نیست و در موارد زیادی، ریشه در هوس هـای زودگـذر و خواسـته هـای نفسـانی غیرمعقول دارد. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتاری این گونه طلاق ها را از سوی هر یک از مرد یا زن، خطا دانسـته است: «زن بگیرید و طلاق ندهید؛ زیرا خداوند مردانی را که پیوسته زن می گیرنـد و طلاـق می دهنـد و زنـانی را که مکرر ازدواج می کننـد ــ و طلاـق می گیرنـد ــ دوست نـدارد»(۱۱۴۶، ۲۴۶۶). تعبیری که در کلاـم رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به کار رفته، ذوّاقین و ذوّاقات است. ریشه این دو کلمه واژه «ذوق» اسـت که در زبان عربی به معنای چشیدن است و چشیدن،

زمانی مصـداق دارد که انسان، تنها طعم مختصـری از غذا را احساس کند. چشـیدن در ازدواج و زندگی مشترک؛ یعنی هوس بازی و به بازی گرفتن زندگی مشترک که مورد رضایت پروردگار نیست.

در سـخنی دیگر، پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله دقت در طلاـق را یـادآور شـده و تصـریح فرموده است که نمی توان درباره طلاق و ازدواج شوخی کرد و حتی شوخی در آنها جـدّی به شـمار خواهـد آمد. حضـرت می فرماید: «سه چیز است که جدّی آن جدّی است و شوخی آن نیز جدّی است: ازدواج، طلاق، رجوع»(۱۲۵۴، ۱۲۶۳). [منظور رجوع مرد به زن است هنگامی که او را طلاق رجعی داده است؛ یعنی طلاقی که مرد می تواند به همسرش مراجعه کند و زندگی مشترک را ادامه دهد.]

نکته دیگر که مربوط به وظـایف مرد در زمینه تثبیت زنـدگی مشـترک است، اهمیت دادن به مسـئله پاکـدامنی و عفت است. حاکمیت عفت در زنـدگی مشترک آن چنان اهمیت دارد که کیفر بی اعتنایی به آن، دوزخ است. رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله می فرماید: «سه نفر هستند که خداوند بهشت را بر آنها حرام کرده است: ۱. شراب خوار ۲. کسی که پدر و مادر از او ناراضـی باشـند ۳. دیّوث؛ یعنی کســی کـه بی ناموســی و بی عفــتی را در خــانواده خـود نادیــده می گیرد»(۱۲۲۱ و ۱۲۳۹۱۲۲۸). معنای سـخن پیامبر این است که انسان بی عفت و ناموس فروش در دنیا هر چنـد به پندار غلط خویش زندگی را برای خود، بهشت آرزوهـا کرده است، در حقیقت، در دوزخی سوزان و ویرانگر به سـر می برد. رسول گرامی در این باره می فرمایـد: «با پـدران خود نیکی کنیـد تا فرزنـدانتان با شـما نیکی کنند و عفت و پاکدامنی را رعایت کنید تا زنان شـما عفیف و پاکدامن باشند»(۱۰۸۹).

ص: ۸۴

نکته دیگر، مربوط به نوع نگرش مرد به اداره خانواده و همسر و خدماتی است که مرد به همسرش می کند. ارزشمندی این کارها را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین بیان فرموده است: «خدمتی که به زن خود می کنی، صدقه است»(۱۴۳۵).

۳. حقوق، اختیارات و وظایف زن

زن در زندگی مشترک همچون مرد دارای اختیارات و وظایفی است که استفاده از آنها و پای بندی به آنها پیش از شروع زندگی مشترک و پس از آن، در تقویت بنیاد مقدس ازدواج مؤثر خواهد بود. نخستین نکته که بیانگر شخصیتی است که زن در فرهنگ اسلامی دارد، حق انتخاب اوست و هیچ کس نباید هیچ گونه تحمیل و تکلیفی در زندگی مشترک برای زن پدید آورد. حرف آخر را زن می زند و تصمیم گیرنده نهایی نیز باید خود او باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کار زنان به دست پدرهای آنهاست و رضایت آنها ــ زنان ــ سکوت است»(۵۴۲ ــ ۱۲۹۷). معنای سخن حضرت این است که رضایت نهایی برای انتخاب قطعی همسر در اختیار خود دختران است و لازم نیست سخنی بگویند، بلکه همین که سکوت کردند، بیانگر رضایت آنان است.

نکته دیگر که مربوط به وظایف زن در زندگی مشترک است، به چگونگی ارتباط او با شوهر و ارزشمندی خدمات او در زندگی مشترک برمی گردد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «حج، جهاد ضعیفان است و جهاد زن، شوهرداری خوب است»(۱۴۰۳). رسول گرامی در حدیثی دیگر فرموده است: «تلاش و اشتغال هر یک از شما زنان در خانه خویش ــ اگر خدا بخواهد ــ ثواب مجاهدان را خواهد داشت»(۲۸۹۲).

ص: ۸۵

نکته ای که به پیش از شروع زندگی مشترک مربوط می شود، موضوع مهریه است. در فرهنگ اسلام بسیار تأکید شده است که مهریه کم باشد؛ زیرا مهریه را عاملی برای تثبیت زندگی مشترک نمی داند، بلکه عوامل دیگری باید پایه های زندگی مشترک را تثبیت کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین زنان آنانند که خوش روتر و مهرشان کمتر باشد»(۳۵۶، ۱۵۳۳). و در گفتاری دیگر، کمی مهریه را نشان میمنت زن دانسته و فرموده است: «همانا نشان میمنت و مبارکی زن این است که خواستگاری اش، آسان و مهریه اش، سبک باشد»(۹۲۹).

نکته دیگر که به وظایف زن در زندگی مشترک مربوط می شود، موضوع آرایش و آراستگی زن در منزل است. در فرهنگ اسلام، خودآرایی زن تنها برای شوهر و به منظور جذابیّت و تقویت پایه های دوستی و عشق است. این کار با این هدف، برای هر کس حتی محارم زن، ناروا و غیرمجاز است. به همان اندازه که خوش بو بودن زن و آرایش او برای همسر، سازنده و مثبت و تقویت کننده پایه های زندگی مشترک است، برای غیرشوهر، مخرّب، ویرانگر و سست کننده پایه های زندگی است. بی گمان چنین کاری در قیامت، به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه تجسّم پیدا می کند: «حکایت زنی که در زینت درون خانه دامن کشان می رود، در روز قیامت چون ظلمتی است که نور ندارد»(۲۷۲۱). زشتی این کار زن که خود را برای غیرشوهر خوش بو و معطر کند تا بدان حد است که رسول گرامی فرموده است: «هر چشمی زناکار است و زن هنگامی که خود را خوش بو کند و عطر استعمال کند و بر انجمنی بگذرد، زناکار است»(۲۱۵۷). از این گفتار حضرت به دست می آید که زنا تنها ارتباط و

آمیزش نامشروع نیست، بلکه هر کاری که مقدمه ای برای ارتباط و معاشرت نامشروع باشد و هر کاری که اجازه تصرف به دیگران را در حریم اختصاصی شوهر بدهد، زنا محسوب می شود؛ هر چند در حد در معرض گذاشتن بوی خوش و آرایش ظاهر و زیبایی های اندام باشد.

هشدار دیگر پیامبر درباره عوارضی است که خوش بو کردن زن برای غیر شوهر در دنیا و در آخرت دارد: «وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش به کار برد، مستوجب آتش و عار و ننگ است»(۱۸۸). البته اگر منظور زن از خوش بو کردن، جلب نظر نامحرم نباشد و نشانی از مواد خوش بوکننده در او به چشم نخورد، می تواند خود را خوش بو کند. شاید سخن رسول گرامی که می فرماید: «بهترین عطر زنان آن است که رنگش آشکار و بویش نهان باشد»(۱۵۶۱) اشاره به این نکته است.

نکته دیگر در حوزه وظایف زن در زندگی مشترک در ارتباط با شوهر، فرمان برداری و حرف شنوی اوست. البته قانون کلی این است که اطاعت هیچ کس در زمینه معصیت خدا، مجاز نیست و تنها بر محور حق و بندگی است که اطاعت و فرمان برداری تحقق پیدا می کند و نکته دیگر، اینکه تمام ارتباطات متقابل زن و شوهر باید بر محور مودّت و رحمت و دوستی و مهربانی باشد و اطاعت از یکدیگر نیز چنین است؛ یعنی خدمت عاشقانه و مهربانانه به یکدیگر. رسول گرامی اسلام در سخنی می فرماید: «بهترین زنان آن است که وقتی به او بنگری، تو را شاد کند و وقتی فرمانی دهی، اطاعت کند و خویشتن و مالت را در غیاب تو نگهدارد»(۱۵۰۶). اهمیت این فرمان برداری در فرهنگ اسلام، آن چنان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر به کسی دستور می دادم

که برای کسی سجده کند، به زنان دستور می دادم که شوهران خویش را سجده کنند از بس که خداوند برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است»(۲۳۴۸، ۲۳۴۹).

نکته دیگر که آن هم از وظایف زن در زندگی مشترک است، تصرف در دارایی مرد با اجازه اوست که البته این به معنای اجازه گرفتن برای هر اقدام و تصرف جزئی نیست، بلکه همین مقدار که زن بداند از سوی شوهر مجاز به تصرف است و او راضی است، می تواند تصرف کند، ولی اگر این رضایت و اجازه نباشد یا بداند که شوهر راضی به تصرف نیست یا در برخی از موارد اجازه نمی دهد، بی گمان باید با اجازه او اقدام کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «زن حق ندارد چیزی از مال شوهر و از خانه او به دیگران بدهد، مگر اینکه او اجازه دهد»(۱۳۸۸).

نکته دیگر در محدوده وظایف زن در زندگی مشترک مربوط به انتخاب واژه هایی است که در سخن گفتن با شوهر به کار می برد. هرگونه سخن منفی و مخرّب که از بین برنده صفا و صمیمیت و دوستی باشد، در فرهنگ دینی ممنوع است و پی آمدهای منفی در دنیا و آخرت دارد. رسول گرامی فرموده است: «هرگاه زنی به شوهر خود بگوید: از تو هیچ خیری ندیدم ــ با گفتن این سخن ــ کارهای نیکش بی اثر می شوند و هیچ بهره ای برایش نخواهند داشت»(۲۲۶). برخوردهای محبت آمیز زبانی، شاه کلید نفوذ در دل مردان است. هر چه این برخوردها در قالب کلمات اثرگذار و جذّاب ارائه شود، کاربرد بیشتری دارد. رسول گرامی توصیه می فرماید: «آیا می خواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم، زن مهربان و فرزندآور که زود آشتی می کند و همین که بدی کرد، به شوهر می گوید: این دست من در دست تو است؛ چشم بر هم نمی گذارم تا اینکه از من راضی

شوی»(۴۶۰).

نکته ای که نقش بسیار مهمی در روابط زن و شوهر و تثبیت پایه های دوستی و صمیمیت در زندگی مشترک دارد، توجه به ارتباط ویژه و کام جویی های زن و شوهر از یکدیگر است. شاید تأکیدی که در فرهنگ اسلام بر این بخش شده است، بیشتر از دیگر بخش ها باشد و این به دلیل نقش تربیتی و آرامش بخشی و سازندگی این موضوع نسبت به دیگر موضوع ها است.

هر چه رغبت و تمایل زن در این زمینه بیشتر و عمیق تر باشد، ارزشمندتر و مؤثرتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «بهترین زنان شما، زن عفیف و پاکدامن و راغب در امور جنسی است که در ناموس خود عفیف و به شوهر خود رغبت داشته باشد»(۱۵۳۴). بی توجهی زن به نیاز جنسی مرد، آن چنان ناپسند و زشت است که حضرت در گفتاری می فرماید: «خداوند زنانی که اطاعت از شوهر را تأخیر می اندازند، لعنت کند؛ زنی که شوهرش او را به بسترش خواند و او بگوید: کمی بعد ــ و آن قدر کوتاهی کند و وعده بدهد ــ تا شوهرش به خواب رود»(۲۲۳۷).

نکته دیگر که در حوزه وظایف زن در زندگی مشترک مطرح است، پرهیز از بهانه جویی و کم صبری در برابر مشکلات زندگی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «من زنی را که برای شکایت از شوهرش از خانه خود بیرون می آید، دشمن دارم»(۹۶۰). بر این اساس، اگر زن خود را با شرایط زندگی وفق ندهد و بپندارد که شکایت تنها راه حل و آخرین چاره است، کم کم این روحیه، او را از زندگی دلسرد می کند و چه بسا باعث جدایی شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کیفر زنی را که بدون دلیل ــ معقول و مشروع ــ از

شوهرش تقاضای جدایی می کند، این گونه تبیین فرموده است: «هر زنی که بدون جهت و دلیل از شوهر خود طلاق بخواهد، بوی بهشت بر او حرام است»(۱۰۲۱).

جمع بندی وظایف زن آن است که او باید مددکار مرد باشد؛ هم در امور دنیایی و هم در امور اخروی. اگر زن این گونه باشد، بهترین زندگی در پرتو این تعاون و همدلی به دست می آید و چنین زنی بهترین سرمایه و گنجی است که نصیب مرد شده است. به این سخن از پیامبر خدا بنگرید: «دلی شکرگزار و زبانی گویای یاد خدا و زنی شایسته و پارسا که تو را در کار دنیا یاری کند، بهترین چیزی است که مردم ذخیره می کنند»(۲۰۹۴).

رسول خدا در میان جمعی از یارانش، بهترین زنان برای زندگی را چنین توصیف می کند: «بهترین زنان شما دارای این ویژگی هاست: فرزندآور، بسیار مهربان، پاکدامن، عزیز در میان فامیل، فروتن با همسر، زینت گر برای همسر، خود نگهدار در برابر نامحرم، حرف شنو از شوهر، فرمان بردار همسر، کاملاً در اختیار همسر به هنگام تنهایی با او».(۱)

در برابر وظایف متعددی که زن در زندگی مشترک دارد، دارای حقوقی است که شوهر در برابر آنها مسئول است و از وظایف او به شمار می آیند. نخستین حق زن در زندگی مشترک، حق سیادت و بزرگی در محیط خانه است و امور داخلی منزل و نظم حاکم بر آن، مربوط به زن و از اختیارات اوست. این به معنای نفی سرپرستی مرد و قوام بودن او نیست، بلکه به این معنی است که دخالت در برخی از امور مربوط به خانه، شأن مرد نیست.

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ح ۲.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «هر یک از فرزندان آدم، فرمان روایند است. مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است»(۲۱۷۷).

حقّ دیگر زن، حق خوراک و پوشاک است و مرد موظف است خوراک و پوشاک همسرش را تأمین کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «حق زن بر شوهر آن است که وقتی غذا خورد، به او بخوراند و وقتی لباس پوشید، به او بپوشاند»(۱۳۹۰). اهمیت بودن حق خوراک زن بر عهده شوهر به اندازه ای است که در فرهنگ اسلامی، یکی از صفات بد مرد این است که تنها غذا بخورد.(۱) حتی مؤمن این گونه معرفی شده است که برنامه غذایی خود را با میل و اشتهای خانواده اش تنظیم می کند که این بالاتر از مسئله حق است، بلکه یک مسئله عاطفی و تربیتی است که بر محور عشق و دوستی و مهربانی است. هر چند اداره معیشت زن، وظیفه مرد و خوراک و پوشاک و مسکن از حقوق زن است، ولی زن نیز باید اصل را بر قناعت و اعتدال قرار دهد و از خرج تراشی های بی دلیل خودداری کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «از همه زنان پر برکت تر کسی است که خرجش کمتر باشد»(۳۵۷).

حق دیگری که زن دارد و مرد موظف است آن را رعایت کند، بهره مندی از عدالت است. عدالت در همه شئون زندگی حق زن است. این حق آن گاه که مرد بیش از یک همسر داشته باشد، مهم تر است. بر این اساس، رسول گرامی می فرماید: «هرگاه مردی دو زن داشته باشد و میان آنها به

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸، ح ۲.

عدالت رفتار نکند، روز رستاخیز در حالی محشور می شود که یک نیمه اش افتاده است»(۲۳۴).

ص: ۹۲

راهکارهای ایجاد زمینه جلب اعتماد دیگران

۱. انتخابِ خوب برای مردم

اصلی ترین و محوری ترین راهکار در زمینه جلب اعتماد دیگران، این است که انسان در برخورد با دیگران، خود را محور قرار دهد و هر انتظاری که از دیگران دارد، همین انتظار را حق دیگران از خود بداند. هر چه برایش دوست داشتنی است و می پسندد که مردم در برخورد گفتاری یا رفتاری با او این چنین باشند، همین انتخاب را برای مردم داشته باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله این اصل را این گونه تبیین فرموده است: «نیک کردار باش و از کار بد بپرهیز و بنگر که دوست داری دیگران درباره ات چه بگویند ــ هنگامی که از مجلس آنان بر می خیزی و از جمعشان خارج می شوی ــ همان طور رفتار کن و از آنچه نمی خواهی درباره ات بگویند، بر کنار باش»(۳).

انتخابِ خوب برای مردم، از عواملی است که در جلب خوش بینی و اعتماد مردم مؤثر است. به این سخن از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله بنگرید: «آنچه برای خود می خواهی، برای مردم بخواه تا مؤمن باشی و با همسایگانت نیکی کن تا مسلمان باشی»(۷۵ ــ ۸۷). این انتخاب خوب برای مردم، معیار عدالت انسان معرّفی شده است و او را به رتبه عادل ترین افراد ارتقا می دهد. رسول گرامی می فرماید: «عادل ترین مردم آن است که برای مردم بپسندد آنچه را برای خود می پسندد و برای آنها روا

نـدارد آنچه را برای خود روا نمی دارد»(۳۴۰). ارزشـمندی این انتخابِ خوب برای مردم، آن چنان است که رسول گرامی آن را افضل الایمان ــ برترین ایمان ــ معرفی کرده است: «برترین ایمان آن است که برای خـدا دوست بداری و برای خدا دشـمن بـداری و برای مردم آن چیزی را دوست بـداری که برای خودت دوست می داری و برای آنان ناخوشاینـد داری آنچه را برای خود ناخوشایند می داری و اینکه سـخن نیک بگویی یا خاموش بمانی»(۳۹۲). در گفتاری دیگر این گونه می فرمایـد: «هر چه به خود نمی پسندی، برای غیر خودت مپسند و آنچه برای خود دوست داری، برای برادرت دوست بدار»(۲۷۰۰).

۲. اصلاح میان مردم

راهکار دیگر برای جلب اعتماد مردم، مسئله اصلاح میان آنهاست. این موضوع، آن چنان با اهمیت و ارزشمند است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله آن را این گونه معرفی کرده است: «بهترین صدقه آن است که میان دو نفر را اصلاح دهی»(۴۰۷). و در کلامی دیگر می فرماید: «آیا می خواهید شما را از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است، آگاه کنم؟ آن چیز اصلاح میان دیگران است؛ زیرا فساد و تباهی میان افراد مایه هلاکت و ویرانگری است»(۴۵۸).

بر اصـلاح میان مردم، آن چنان تأکید شده که گاهی با دروغ گفتن باید به آن دست یافت. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایـد: «میـان مردم اصـلاح کن اگرچه با دروغ باشـد»(۳۱۸). اگر دیگران متوجه بشونـد که انسـان جز اصـلاح قصـد دیگری ندارد، به او اعتماد کامل پیدا می کنند و اطمینان دارند که دروغ گفتن او نیز به منظور اصلاح است. حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه دروغی را دروغ نمی داند؛ زیرا سخنی که به قصد اصلاح دیگران باشد، هر چند به ظاهر

دروغ است، چون هدف مهمی دارد، نام دروغ واقعی بر آن نهاده نمی شود. رسول گرامی اسلام می فرماید: «هر کس میان دو تن سخنی گوید که اصلاحشان دهد ـ هر چند غیر واقعی باشد ـ دروغ نگفته است»(۲۲۸۱). در گفتاری دیگر می فرماید: «هر کس میان دو تن اصلاح دهد و خیری گوید یا خیری نسبت دهد، دروغ گو نیست»(۲۳۹۵).

۳. آسان گرفتن بر مردم

راهکار دیگر جلب اعتماد مردم، آسان گرفتن با آنها در برخوردها و روابط متقابل است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «ببخش و تنگ مگیر که بر تو تنگ گیرند»(۳۴۶). پرهیز از تنگ نظری و آسان گرفتن در معاملات و روابط اقتصادی با دیگران، آن چنان ارزشمند است که از عوامل دست یابی به محبوبیت الهی معرفی شده است. به این حدیث بنگرید: «خداوند بنده ای را که به هنگام خرید و هنگام فروش به هنگام پرداخت و هنگام دریافت سهل انگار است دوست دارد»(۸۵ ـ ۱۶۵۵). حتی در معاملات تأکید بر این است که نخستین پیشنهاد پذیرفته شود و از سخت گیری پرهیز شود؛ زیرا سود همراه تساهل و آسان گیری است»(۱۹۶۳). تجربه نشان داده است که انسان هایی که به ویژه در زمینه روابط مالی و معاملات آسان گیر هستند، بیشتر مورد اعتماد افراد و جامعه هستند و همین اعتماد سرمایه ای معنوی است که مردم بیشتر به چنین فردی مراجعه کنند و نتیجه چنین اعتماد و اقبالی، سود فراوان است.

نکته ای که در این قسمت قابل طرح است، آن است که حتی پس از انعقاد معامله اگر طرف مقابل از معامله پشیمان شد و خواهان فسخ معامله است، انسان به پشیمانی او احترام بگذارد و البته چنین اقدامی پاداش اخروی بزرگی خواهد داشت. رسول خدا می فرماید: «هر کس معامله پشیمانی را

فسخ کنـد، خداوند از گناهانش بگذرد(۲۸۶۰)». طـبیعی است که این نـوع برخـورد، تـأثیری فراوانی در جلب اعتمـاد دیگران دارد؛ زیرا انسانی که حتی برای خرسـندی دیگران و سودرسانی به آنان به زیان خویش اقـدام می کنـد، بی گمان، در ارزیابی دیگران شخصیتی قابل اعتماد و محبوب خواهد بود.

۴. تصدیق مردم

راهکـار دیگر برای جلب اعتمـاد مردم، تصـدیق سـخن و ادّعـای آنـان است، اگر این اصـل در روابط متقابل میان افراد رعایت نشـود، زنـدگی بر همگـان مشـکل می شود؛ زیرا تصـدیق نکردن دیگران؛ یعنی بـدگمانی و محصول بـدگمانی، بی اعتمـادی است. طبیعی است که اگر تصـدیق شوند، اعتماد پیدا می کنند و همین اعتماد، زمینه ساز برخورد صادقانه افراد می شود. پیامبر گرامی اسـلام در گفتاری می فرمایـد: «عیسـی بن مریم مردی را دیـد که دزدی می کنـد. به او فرمود: آیا تو دزدی کرده ای؟ گفت: سوگنـد به خـدایی که جز او خـدایی نیست، دزدی نکرده ام. حضـرت عیسـی فرمود: من به خدا ایمان دارم و چشم من خطا کرده است»(۱۶۳۹). در این صـحنه می نگریم که نه تنها حضـرت عیسـی علیه السلامطرف مقابل را تصدیق و ادّعای او را تأیید می کند، بلکه خود را نیز تخطئه می کند. راه رسیدن به این حالت روحی که انسان دیگران را تصدیق کند، این است که خود انسان صادق و درسـتکار باشـد. معمولاً انسان های دروغ گو و بـدکردار به همگان بدبین هسـتند ـ کافر همه را به کیش خود پنـدارد ـ ولی انسـان راست گو و دوست کردار، بیشتر از دیگران مردم را تصـدیق می کنـد. به این سـخن از پیـامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنگرید: «هر که راست گوتر است، سخن مردم را بیشتر تصدیق می کند و هر کس دروغ گوتر است، بیشتر مردم را دروغ گو می شمارد»(۵۹۱).

۵. حمایت از آبروی دیگران

راهکـار دیگر برای جلب اعتمـاد دیگران، دفـاع و حمـایت از آبروی آنـان است. مردم اگر بنگرنـد که انسان با تمام جـدیت و تلاش در میـدان پاسداری از آبروی آنها حضور پیدا می کند، اعتمادشان به او جلب خواهد شد. نه تنها حمایت از آبروی افراد در حضور آنان لازم است، در غیاب آنان نیز ضـروری است. به این حدیث نبوی توجه کنید: «وقتی در جمعی حاضر هستی که درباره مردی بدی می گویند، آن مرد را یاری کن و آن گروه را از بدگویی باز دار و از آنجا برخیز»(۲۴۷).

از مصادیق آشـکار حمایت از آبروی افراد، هنگامی است که از آنان غیبت می شود. اهمیت این حمایت به اندازه ای است که ترک آن، پی آمـدهای سـختی برای انسـان در دنیـا و آخرت دارد. پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آله می فرمایـد: «هر که برادر مســلمانش را در حضـور او غیبـت کننـد و او بتوانـد یـاری اش کنـد، ولی یـاری نکنـد، خداونـد او را در دنیـا و آخرت خـوار کند»(۲۹۴۹). همـان گونه که حمایت نکردن از آبروی دیگران، دارای کیفر است، اقـدام مثبت در این زمینه نیز پاداش اخروی دارد. رسول خدا می فرماید: «هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند، خداوند آتش را از چهره او باز دارد»(۳۰۱۴، ۳۰۰۷).

۶. چشم پوشی از دارایی مردم

راهکـار دیگر برای جلـب اعتمـاد مردم، چشم پوشـی از دارایی آنـان است. طـبیعی است که هر انسـانی به دست رنـج خـویش حسّاس است و طمع ورزی دیگران را بر نمی تابـد. بخش زیادی از بی اعتمادی حاکم میان افراد، معلول بدگمانی هایی اسـت که به یکدیگر در امور مالی دارند. اگر انسان به طور

کلی از آنچه دیگران در اختیار دارند و از آن بهره مند هستند، چشم بپوشد و به آنها بی رغبت باشد، دیگران به او اعتماد پیدا می کنند و نتیجه این اعتماد، محبوبیت او در نظر دیگران است. این واقعیت در گفتاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه تبیین شده است: «از دنیا چشم بپوش تا خدا تو را دوست بدارد و از آنچه در دست مردم است، چشم بپوش تا مردم تو را دوست بدارند»(۲۶۸). چشم پوشیدن از امکانات دیگران باید به مرز ناامیدی از امکانات برسد. اگر چنین شد، نتیجه اش این می شود که رسول خدا فرموده است: «نسبت به آنچه در دست مردم است، نا امید باش تا بی نیاز زندگی کنی»(۱۸۴۴). از این حدیث فهمیده می شود که حقیقت بی نیازی، استغنا از دیگران است؛ هر چند انسان فقیر باشد و انسانی که با داشتن امکانات فراوان، باز چشم طمع و دست نیاز به سوی دیگران دارد، بی نیاز نیست. رسول گرامی فرموده است: «بر تو باد که نسبت به آنچه در دست دیگران است، نا امید باشی و از طمع بپرهیز که فقر و ناداری آماده است»(۱۹۵۹).

۷. سپاس گزاری از مردم

راهکار دیگر برای جلب اعتماد دیگران، سپاس گزاری از آنان است. خداوند انسان را به گونه ای آفریده است که دوست دارد در برابر کار مثبتی که انجام می دهد، ستایش شود؛ به ویژه از سوی کسانی که کار مثبت برای آنان و به سود آنان بوده است. اهمیّت تشکر از دیگران آن چنان است که رسول خدا می فرماید: «از همه مردم سپاس گزارتر آن کسی است که بیشتر از دیگران سپاس گزار مردم باشد»(۳۱۲). و در سخنی دیگر می فرماید: «اگر خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و او سپاس گزاری نکند، در حقیقت، از خدا نیز سپاس گزاری نکرده است»(۶۶۸، ۱۲۰۲). کمترین مرتبه تشکر از مردم، یادآوری کار نیک آنان

است و در صورت امکان، تلافی و جبران کردن نیکی نیز پسندیده و ارزشمند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر کس نیکی بیند، آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یادآوری کند؛ زیرا یادآوری آن شکر و سپاس آن است»(۲۸۳۷). برخورد آمیخته به تشکر با مردم و سپاس گزاری از آنان، زمینه ساز جلب اعتماد آنان خواهد شد؛ زیرا انسان به کسی اعتماد می کند و به او خوش بین است که خوبی و بدی و زشتی و زیبایی برایش متفاوت باشد و در برابر آنها واکنش مناسب نشان دهد. کسی که در برابر خوبی سپاس گزار است و از کار نیک قدردانی می کند، از خود شخصیتی می سازد که محبوب و مورد اعتماد دیگران است.

۸. امانت دار بودن

راهکار دیگر جلب اعتماد مردم، امانت داری است. در فرهنگ دینی، امانت داری تنها در امور مالی مطرح نیست، بلکه در روابط اجتماعی هر چیزی که حفظ آن لازم و رعایت حریم آن ضروری باشد، امانت داری از آن لازم است. حتی اگر سخنی که انسان در مجلسی از کسی شنیده است و او تصریح نکرده که به دیگران گفته نشود، ولی از قرائن معلوم است که از افشای آن خرسند نیست، باید امانت درباره آن سخن رعایت شود. تأثیر امانت داری و امین بودن در جلب اعتماد افراد چنان است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «وقتی در برادر خود سه صفت دیدی، به او امیدوار باش: حیا و امانت و راستی. اگر این صفات را ندارد، به او امیدی نداشته باش»(۲۰۵).

ص: ۹۹

حقوق همسایه

زنـدگی اجتماعی، نیازمنـد پـذیرش ضـرورت هایی است. ارتباط با همسایگان و چگونگی معاشـرت با آنها از اموری است که مورد توجه جدی اسـلام است. رسول گرامی نیز در سـخنان خویش، ابعاد مختلف این مسـئله را بررسـی کرده است. نگاهی به اندیشه های آسمانی حضرت در این زمینه راه گشا و سازنده است.

* نخستین نکته در سـخنان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله ، توجه به حـدّ همسایگی است. رسول اکرم در حدیثی می فرماید: «حـدّ همسایگی چهل خانه است»(۱۳۵۰). البته پیـام سـخن رسول گرامی این نیست که مثلاًـ خـانه شـماره چهـل و یک از مرز همسـایگی خـارج است و حتمـاً تـا خـانه شـماره چهل جزو همسایگان انسان محسوب می شونـد، بلکه این یک معیار متعارف است که حـدود نسبی را تعیین می کند و در شـرایط مختلف زمانی و مکانی و اجتماعی و... ممکن است این مقدار کم یا زیاد شود. پیام اصـلی این حـدیث می توانـد این باشـد که نه تنها پذیرش اصل همسایگی ضـروری است، بلکه نباید به حداقل اکتفا کرد، بلکه بایـد به میزان متعارف توجه کرد که البته چهل خانه می توانـد از یک طرف باشـد که در مجموع تعداد زیادی خانه جزو همسایگان شمرده

ص: ۱۰۰

می شوند و این دارای پی آمدهای مثبت و سازنده و اثرگذار در روابط اجتماعی است.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی که بیانگر اهمیت مسئله همسایگی در فرهنگ اسلام است، موضوع تحقیق درباره همسایه است که حتی بر خرید خانه مقدم است؛ یعنی انتخاب انسان در خرید خانه را چگونگی همسایه شکل می دهد و هدایت می کند. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید انتخاب و تهیه کرد»(۱۳۱۶). در گفتاری دیگر می فرماید: «پیش از خریدن خانه همسایه را پیدا کنید و پیش از مسافرت، رفیق سفر را بیابید»(۴۸۰). پیام این دو حدیث نبوی آن است که بر خلاف روش عموم مردم که برای خرید منزل، نوع خانه و موقعیت مکانی آن را در نظر می گیرند، اسلام تحقیق درباره همسایه را اصل مؤثر در انتخاب می داند؛ یعنی آنچه می تواند به منزل انسان ارزش بدهد، همسایه یا همسایه هایی است که انسان می خواهد با آنها زندگی کند. این گذشته از جایگاه مهم روابط اجتماعی در فرهنگ دینی، بیانگر اصالتی است که اسلام به انسان های شایسته و خوب در زندگی می دهد و دقّت در انتخاب همسایه خوب، پای بندی عاقلانه انسان را به روابط اجتماعی سالم و سازنده نشان می دهد.

نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام در این زمینه، توجه به حقوق همسایه است. نخستین محور تأکید، بر حق همسایه است. حضرت در حدیثی می فرماید: «حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است»(۱۳۵۹). پیام این حدیث نبوی آن است که رعایت حریم همسایه چون مراقبت از جان او

و پرهیز از آنچه سلامتی او را تهدید می کند، لازم است. اهمیت حق همسایه را رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری دیگر این گونه تبیین می کند: «جبرئیل درباره همسایه آن قدر به من سفارش می کرد که من پنداشتم همسایه ارث خواهد برد»(۲۶۴۰).

پیش از آنکه مصادیق و نمونه هایی از حقوق متقابل همسایگان را در کلمات رسول گرامی اسلام بررسی کنیم، با توجه به حدیثی از حضرت، به اصل اثبات حق برای همسایه پی می بریم که می فرماید: «همسایه حقی دارد»(۲۲۶۶).

حقوق همسایه را نمی توان در مصادیق معینی محدود کرد، ولی با آشنا شدن با برخی از آنها می توان به کمیت و کیفیّت آنها پی برد. حضرت در حدیثی می فرماید: «حق همسایه آن است که اگر مریض شد، عیادتش کنی و اگر از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش حاضر شوی و اگر از تو قرض خواست، به او بدهی و اگر حادثه خوبی برای او رخ داد، به او تبریک بگویی و اگر مصیبتی دید، به او تسلیت بگویی و ساختمان خود را بالاتر از ساختمان او نسازی و با این کار جریان باد را بر او نبندی»(۱۳۸۷).

محور دیگر در حقوق همسایگان، رعایت عفت و پاکدامنی درباره آنان است. حضرت در حدیثی می فرماید: «آنکه با زن همسایه خود روابط جنسی حرام داشته باشد، روز قیامت خداوند به او نگاه مرحمت ندارد و او را پاک نمی کند و به او می گوید: همراه با دوزخیان به داخل آتش برو»(۱۷۰۸). سنگینی کیفر این کار زشت به این دلیل است که در دنیای همسایگی، نوعی اطمینان و اعتماد متقابل حکومت می کند و اگر کسی از این فضا سوءاستفاده کند و این حاکمیت را مخدوش سازد، مرتکب جرم سنگینی شده و باید در انتظار کیفر سنگین نیز

باشـد. زشتی این کـار را رسول گرامی در حـدیثی دیگر، این چنین ترسـیم می کنـد: «اگر مردی بـا ده زن روابط جنسـی حرام داشـته باشـد، جرمش کمتر است تا اینکه با زن همسایه اش چنین روابطی را برقرار کنـد و اگر از ده خانه دزدی کند، آسان تر است تـا اینکه از خـانه همسـایه اش دزدی کنـد»(۲۲۱۲). پیـام این دو حـدیث تـوجه به اهمیت ویژه حقوق همسـایه در مسـائل اخلاقی و اقتصـادی است؛ یعنی هر همسـایه ای موظف است که بـا عملکرد خود، نه تنهـا امنیّت اخلاقی و اقتصادی همسایه را مورد هجوم قرار ندهد، از آن پاسداری و از آسیب پذیری آن جلوگیری کند.

محور دیگر در حقوق همسایگان، رعایت حقوق انسانی و توجه به گرسـنگی و نیازهای اولیه آنهاست. حضرت در حدیثی می فرماید: «هر کس همسایه اش از شرّش درامان نیست، مؤمن نیست»(۲۳۸۳). پیام این حدیث آن است که حفظ امنیت همسایه و پرهیز از ایجاد مزاحمت و ناامنی برای او از لوازم ایمان است.

* محور دیگر در حقوق همسایگان، رعایت حقوق آنان نسبت به همسایگان جدیـد است؛ زیرا انسان با فروختن منزل یا ملک خویش آن را در تحت تصـرف دیگران قرار می دهـد. به همین دلیل، ابتـدا بایـد پیشـنهاد فروش را به همسایه اش بدهد؛ یعنی اولویت برای خریـدن بـا او است. رسول گرامی در این زمینه می فرمایـد: «هر کس خواست خـانه یا ملک خویش را بفروشـد، بایـد نخست به همسایه اش پیشـنهاد کنـد»(۱۶۸). در حـدیثی دیگر می فرمایـد: «همسـایه خـانه در خریـد خـانه همسایه مقـدّم است»(۱۲۹۸). گاهی رعایت حق همسایه در خرید منزل اهمیت بیشتری دارد. برای نمونه، هنگامی که دو همسایه از یک مسیر

مشترک برای رفتن به منزل عبور می کننـد، در این صورت حتماً باید هر کدام از آنها هنگام فروش به دیگری پیشـنهاد بدهد و در غیاب یکـدیگر معامله نکننـد. رسول خـدا در این باره می فرمایـد: «در معامله، سـهم همسایه مقـدم است؛ اگر راه آنها یکی است، باید منتظر او باشد اگرچه غایب باشد»(۱۳۱۵).

* محور دیگر در رعایت حقوق همسایگان در سخنان رسول گرامی اسلام، رعایت حق همسایه ای است که خانه اش به انسان نزدیک تر است. حضرت در گفتاری می فرماید: «وقتی دو نفر تو را با هم دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه اش نزدیک تر است؛ بپـذیر زیرا آن که خانه اش نزدیک تر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است، دعوت او را بپذیر»(۱۳۵).

* محور دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، توجه به آثار و پی آمدهای مثبت همسایه برای همسایه دیگر است. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید: «همانا خداوند به وسیله مسلمان پارسا و شایسته، بلا را از صد خانه از همسایگان او دفع می کند»(۷۲۸).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به آثار حسن هم جواری است. حضرت در گفتاری می فرماید: «حسن هم جواری مایه آبادی شـهرها و طولانی شـدن عمرهاست»(۱۳۷۱). و در حـدیث دیگری می فرمایـد: «اگر می خواهیـد که خدا و پیغمبر شـما را دوست بدارند، وقتی امانتی به شما سپردند، رد کنید و همین که سخن می گویید، راست بگویید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنیـد»(۵۵۴). و در گفتـاری دیگر می فرمایـد: «بهترین رفیقان در پیشـگاه الهی، کسـی است که برای رفیق خود بهتر باشد و بهترین همسایگان، کسی است که برای همسایه خود بهتر باشد»(۱۴۸۰).

نقش همسایه خوب در زندگی آن چنان است که حضرت در حدیثی

ص: ۱۰۴

می فرمایـد: «مسـکن و همسایه خوب و مرکب سواری مناسب و رام از سـعادت انسان است»(۲۷۶۱). یکی از نشانه های حسـن هم جواری، تکریم همسـایه است. رسول گرامی در روایتی، آن را نشـانه ایمـان دانسـته و فرموده است: «هرکس به خـدا و روز قیامت ایمان دارد، باید همسایه خویش را گرامی بدارد»(۲۷۷۴).

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، طبقه بندی همسایه ها از نظر نوع و میزان حقوق آنهاست. حضـرت در حدیثی می فرمایـد: «همسایگـان سه گروهنـد: همسایه ای که یک حق دارد که حق او از دیگر همسایگان کمتر است و همسایه ای که دو حق دارد و همسایه ای که سه حق دارد. آن همسایه ای که یک حق دارد، همسایه مشـرک است که خویشاونـدی نـدارد او فقـط حق همسایگی دارد. آن همسایه ای که دو حق دارد، همسایه مسـلمان است که هم حق اسـلام و هم حق همسایگی دارد. آن همسـایه ای کـه سـه حـق دارد، همسـایه مسـلمان اسـت کـه خویشاونـدی نیز دارد که حـق اسـلام و حـق همسـایگی و حق خویشاوندی دارد»(۱۳۳۹). پیام این حـدیث نبوی آن است که حق همسایگی منوط به هم کیشـی و هم عقیـده بودن و داشـتن روابـط خویشاونـدی نیست، بلکه خود عنوان همسایه عاملی است برای پای بنـدی به حقوق همسایگی. بر این اساس، حتی غیر مسلمانی که در همسایگی مسلمان زندگی می کند، دارای حق همسایگی بوده و رعایتش لازم است.

جایگاه زن

اسلام در فرهنگ تربیتی خود، نگاهی به جنسیّت انسان ها ندارد و روح و روان آنان را معیار رشد و کمال و فضیلت می داند. بر این اساس، نقطه مشترک میان زن و مرد همان، روح آنهاست که جنسیّت پذیر نیست. در این دیدگاه، زنان همان منزلتی را دارا هستند که مردان از آن بهره مندند و از این نظر، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. رسول گرامی اسلام که تبیین کننده حقیقی دین است، در سخنانش همین دیدگاه را محور قرار داده و با تعبیرهای گوناگون، جایگاه زن را ترسیم فرموده است.

* نخستین نکته در این زمینه، سفارش حضرت به رعایت تقوای الهی درباره حقوق زنان است. وی در حدیثی می فرماید: «تقوای الهی را نسبت به زنان رعایت کنید که آنان در دست شما و در اختیار شما هستند».

برخورد(۴۵) نیک با زنان می تواند نمونه ای از رعایت تقوای الهی در حق آنان باشد. حضرت در گفتاری می فرماید: «با زنان به نیکی رفتار کنید»(۲۸۲). و در حدیثی دیگر می فرماید: «خداوند شما را درباره زنان سفارش به نیکی می کند؛ زیرا زن ها، مادران و دختران و خاله های شما هستند»(۷۷۹).

تکریم زنان و احترام به آنها از دیدگاه رسول گرامی، آن چنان دارای

ص: ۱۰۶

اهمیّت است که احترام به آنان را معیار کرامت می داند و در گفتاری می فرماید: «بهترین شما کسی است که برای خانواده و اهل خویش بهتر است و من از همه شما برای خانواده ام بهترم. جز انسان کریم، زنان را تکریم نمی کند و جز فرومایه و پست آنان را اهانت نمی کند»(۱۵۲۰).

* نکته دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تأکید بر رعایت حق زنان است. حضرت در حدیثی می فرماید: «شما را از حق دو ناتوان به سختی برحذر می کنم: یتیم و زن»(۹۵۶). پیام این حدیث، آن است که در فرهنگ دینی، حقوق افراد باید محترمانه به آنان داده شود و از هرگونه تضییع حق خودداری شود و حقوق زنان از آن رو که شرایط ویژه اجتماعی، جسمانی و عاطفی ویژه ای دارند، باید رعایت شود تا جامعه دینی، گرفتار بی عدالتی و حق کشی نشود.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به جایگاه ویژه زن در محیط خانواده است. حضرت در حدیثی می فرماید: «به هنگام بخشش میان فرزندانتان مساوات را رعایت کنید. من اگر کسی را برتری بدهم زنان را برتری می دادم»(۱۷۲۸). پیام این حدیث آن است که شرایط ویژه روحی روانی زنان، اقتضا می کند که اگر باید امتیازی به کسی داده شود، این امتیاز در محیط خانواده به زنان و دختران تعلق می گیرد.

جایگاه ویژه زن در محیط خانواده را رسول گرامی اسلام در گفتاری، این گونه تبیین می فرماید: «هر یک از فرزندان آدم، فرمانروایی است. مرد فرمانروای خانواده است و زن فرمانروای خانه خویش است»(۲۱۷۷).

پیام این حدیث توجه به موقعیت زن در اداره خانه است که به طور معمول، نظارت بر چگونگی اداره خانه و نظم و انضباط حاکم بر آن بر

عهده زنان است و نباید این فرمانروایی و نظارت از آنان گرفته شود.

* نکته دیگر در سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، توجه به جایگاه ارزش زنان در مقام مادری و همسری است. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «آیا شما زنان، خشنود نیستید که وقتی هر یک از شما از شوهر خود باردار باشد و شوهرش نیز از او خشنود باشد، ثواب و پاداش کسی را دارد که روز را روزه بگیرد و شب برای عبادت خدا برخیزد و در راه خدا تلاش کند و هنگامی که زایمان کند، هر جرعه ای که از شیر او درآید و هر بار که سینه او مکیده شود، برای هر یک حسنه و کار نیک دارد و اگر برای مراقبت کودک خود، شبی بیدار بماند، پاداش او مانند کسی است که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد»(۵۳۴). از این حدیث می توان فهمید که زن با بهره مندی از این مقام در پیشگاه الهی نباید مورد بی مهری واقع گردد و حق او باید آن گونه که شایسته است، محترم شمرده شود.

در این زمینه، رسول گرامی در گفتاری دیگر می فرماید: «زنان باردار، فرزنددار و شیرده که با فرزندان خویش مهربانند، اگر رفتار _ نامناسب _ آنها با شوهران خود نبود، نمازگزارانشان به بهشت می رفتند»(۱۳۴۰).

* نکته دیگر در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، محبوبیت زنان در پیشگاه آن حضرت است. وی می فرماید: «من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و روشنی چشم من در نماز است»(۱۳۴۳).

پیام این حدیث نبوی، توجه به جایگاه ارزشی زنان در نزد رسول گرامی اسلام است؛ زیرا پیامبر اکرم که بهترین ها را بر می گزینند، از مجموعه دنیا دو چیز را دوست برگزیده است. قرار گرفتن زن در کنار عطر و بوی خوش، بیانگر آن است که برخورد و استفاده صحیح از زنان، نیازمند ظرافت، ظرفیت و تدبیر است همان گونه که روح غیر لطیف و روان نازیبا، رابطه

احساسی و ارزشی با بوی خوش ندارد، چنین کسی با زن نمی تواند رابطه ای صحیح و مثبت داشته باشد.

* نکته دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه به ارزشمندی زن پارسا و شایسته است. حضرت در حدیثی می فرماید: «دنیا متاعی است و بهترین متاع آن، زن نیکوکار و پارساست»(۱۶۰۱).

و در گفتاری دیگر می فرماید: «هر که را خداوند زنی پارسا روزی کرده است وی را بر نصف دین خویش یاری کرده است؛ پس درباره نصف دیگر آن باید تقوای الهی را رعایت کند»(۳۰۱۶). پیام این حدیث نبوی آن است که زن نیکوکار و پارسا در زندگی انسان همان نقش مثبت و سازنده تقوا را دارد؛ یعنی استفاده صحیح از نعمت زن می تواند در پاسداری از دین مؤثر باشد و این هنگامی است که به جایگاه برجسته زن در این زمینه توجه شود و از هرگونه برخورد غیرمنطقی و ارتباط ناصحیح با او خودداری شود.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی، توجه به حقوق زنان است. یکی از حقوقی که هر زنی در زندگی دارد، موضوع تشکیل زندگی مشترک است. حتی زنی که تا به حال ازدواج نکرده است، حق انتخاب دارد و پدر او با تحصیل رضایت او اقدام می کند و زنی که سابقه ازدواج داشته است، می تواند به طور مستقل تصمیم بگیرد و انتخاب کند. حضرت در این زمینه می فرماید: «زنی که سابقه ازدواج داشته است، در اظهار نظر نسبت به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک بر ولیّ خویش مقدم است، ولی دختر این گونه نیست، بلکه پدرش درباره ازدواج از او اجازه می گیرد و نظر او را می خواهد و البته سکوت او نشانه اجازه او است».»(۱۲۹۷).

ص: ۱۰۹

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به نقش زنان در مسائلی است که آنها آگاه تر هستند. به طور معمول، نیازهای خصوصی زنان را خودشان بهتر درک می کنند. حضرت در حدیثی می فرماید: «با زنان درباره دخترانشان مشورت کنید»(۷). پیام این حدیث نبوی آن است که پای بندی به اصل مشورت به هر میزان که اهمیت دارد، انتخاب صحیح مشاور و طرف مشورت نیز در خور اهمیت است. از این حدیث نه تنها مشروعیت مشاوره با زنان فهمیده می شود، بلکه انحصار برخی از موارد مشورت در آنها قابل استفاده است و چون مادران بهتر از هر کسی نیازهای گوناگون دخترانشان را می فهمند، لزوم مشورت با آنها در این زمینه احساس می شود.

پاکیزگی و آراستگی ظاهر

پاسخ گویی به نیازهای حقیقی انسان، از وظایف آیینی است که آخرین و جامع ترین دین آسمانی است. دین اسلام که توسط رسول گرامی اسلام، برای هدایت و سعادت انسان ها از سوی خداوند آمده است، پاسخ گوی نیازهای انسان در همه زمینه هاست. مسئله پاکیزگی و بهداشت از مسائلی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنان خود به آن توجه کرده است.

* نخستین نکته در این زمینه، توجه به اهمیت پاکیزگی در اسلام است. حضرت در سخنی می فرماید: «به درستی که اسلام پاکیزه است. شما نیز پاکیزه باشید؛ چرا که تنها پاکیزه به بهشت می رود»(۶۱۲، ۱۰۵۵). از این سخن پیامبر فهمیده می شود که عامل رفتن به بهشت تنها پای بندی به انجام عبادت نیست، بلکه رعایت پاکیزگی نیز از عوامل ورود به بهشت است. حضرت در حدیثی دیگر می فرماید: «همانا خداوند پاک و خوش بو است و بوی خوش و پاکی را دوست دارد و خداوند پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد»(۷۰۳، ۶۹۰).

جایگاه برجسته پاکیزگی در اسلام از این حدیث نبوی به روشنی فهمیده می شود:

«با هر وسیله ای که برایتان ممکن است، پاکیزگی را رعایت کنید؛ زیرا خداوند بنیان

اسلام را بر پاکیزگی نهاده است و جز انسان پاکیزه کسی وارد بهشت نمی شود»(۱۱۸۲).

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام توجه به رابطه پاکیزگی با ایمان است. حضرت در حدیثی می فرماید: «دندان ها را تمیز کنید؛ زیرا مایه پاکیزگی است و پاکیزگی باعث ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است»(۱۱۳۱). از این حدیث نبوی فهمیده می شود که پای بندی به پاکیزگی به تدریج زمینه ساز لطافت روح و جذب به خوبی ها می شود و می تواند عاملی برای دست یابی به ایمان شود. ارتباط پاکیزگی و ایمان در سخنان پیامبر اکرم، گاه در نمونه ای از پاکیزگی مطرح است؛ مانند اینکه حضرت می فرماید: «مسواک زدن نیمی از ایمان است»(۱۷۸۲).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، تأکید بر پاکیزگی دهان و مسواک زدن و توجه به آثار و فواید آن است.

نخستین نکته در این زمینه، توجه به نقش مسواک در عبادت است. حضرت در حدیثی می فرماید: «دو رکعت نماز با مسواک بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است»(۱۶۶۹، ۱۸۴۹). و در حدیثی دیگر می فرماید: «دهان های شما معبر قرآن است؛ آن را با مسواک پاکیزه کنید»(۶۰۲).

* نکته دیگر در سخنان حضرت، رابطه مسواک با رضایت الهی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «مسواک کردن موجب پاکی دهان و رضایت پروردگار و روشنایی چشم است»(۱۷۸۴). و در گفتاری دیگر می فرماید: «بر شما باد که مسواک کنید؛ زیرا مایه پاکیزگی دهان و رضایت خداست»(۱۹۷۴). شاید سرّ گفتار پیامبر این باشد که چون پاکیزگی محبوب پروردگار است و مسواک زدن نمونه ای از پای بندی به پاکیزگی است بر این اساس مسواک زدن، انجام دادن امری است که مورد رضایت الهی است».

* نکته دیگر در سخنان حضرت، توجه به پاکیزگی دندان هاست که می تواند با کارهایی غیر از مسواک زدن تحقق یابد؛ مانند خلال کردن دندان ها که پاک سازی دهان پیش از مسواک کردن است. حضرت در حدیثی می فرماید: «دندان ها را خلال کنید؛ زیرا مایه پاکیزگی است»(۱۱۳۱).

و در حدیثی دیگر می فرماید: «چه نیک اند کسانی که از امّت من در وضو و غذا دندان ها را تمیز می کنند»(۱۳۴۵).

و در گفتاری دیگر فرموده است: «خداوند رحمت کند افرادی از امت را که هنگام وضو و غذا دهان ها را تمیز می کنند»(۱۶۵۰).

* توجه به اهمیت ویژه مسواک در اسلام، از نکات دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام است. حضرت در حدیثی می فرماید: «مرا آن قدر به مسواک زدن فرمان دادند که ترسیدم مسواک زدن بر من واجب شود»(۵۴۳). در روایت دیگر حضرت اهمیت مسواک زدن را این گونه تبیین می فرماید: «سه چیز است که بر هر مسلمانی لازم است: ۱. غسل جمعه ۲. مسواک زدن ۳. مصرف بوی خوش».(۱۲۵۶) پای بندی پیامبران خدا به یک کار نشانه اهمیت ویژه آن است؛ زیرا پیامبران برای تربیت افراد جامعه با التزام عملی به یک برنامه، جایگاه برجسته آن را به مردم نشان می دهند و مسواک زدن نیز از اموری است که در زندگی پیامبران حضور پر رنگ دارد. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «پنج چیز از سنت پیامبران است: حیاء و حلم و حجامت و مسواک زدن و عطر زدن»(۱۴۶۳).

رسول گرامی برای ترغیب امت به مسواک زدن، آن را سنت معرفی کرده است و انجام آن را در هر زمانی توصیه کرده و فرموده است: «مسواک کردن سنّت است؛ هر وقت که خواستید مسواک کنید»(۱۷۸۵). اهمیت مسواک زدن با

تعبیرهـای گونـاگون در سـخنان پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله مشاهـده می شود. حضـرت در گفتاری می فرمایـد: «اگر مایه زحمت و مشـقت امتم نمی شـد، به آنـان دسـتور می دادم که هنگـام هر نمـاز مسواک کننـد»(۲۳۵۷) و در حــدیثی دیگر می فرماید: «اگر مایه رنج و مشـقت امتم نمی شد، دسـتورشان می دادم که سـحرگاهان مسواک کنند»(۲۳۵۹). و در حدیثی دیگر می فرمایـد: «هر وقت جبرئیل پیش من آمـد، مرا به مسواک کردن فرمان می داد تا آنجا که ترسـیدم با مسواک زدن زیاد، جلو دهـانم را از بین بـبرم»(۲۶۳۳). تمـام این تعبیرهـا نشـان دهنـده اهمیـتی است که اسـلام برای مسواک زدن قایـل است. هر چند مسواک زدن یـک واجب دینی نیست، ولی دین آنچه را تأمین کننـده سـلامت و بهـداشت انسان است و عقل به آن فرمان می دهـد، تأییـد و امضا می کنـد. مسواک کردن نیز یکی از آن اموری است که هرچند رسول گرامی به واسـطه شدّت مهربانی بر امتش واجب نکرده است، بی گمـان یـک واجب عقلی است. بر همین اسـاس، رسـول خـدا در حـدیثی می فرمایـد: «مسـواک کردن اقتضای فطرت است»(۱۷۸۶)؛ یعنی یـک فطرت سالم و ناآلوده خواهان بهـداشت و پاکیزگی است و مسواک کردن نیز پیام فطرت سالم است.

* محـور دیگر در سـخنان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله توجه به آثـار فراوان جسـمانی و روحـانی، مـادی و معنوی مسواک کردن است. حضـرت در سـخنان خویش برخی از آنها را یادآور شـده که دقت در آنها می تواند جایگاه مسواک کردن را در آیین اسلام نشان دهد. حضرت در حدیثی می فرماید: «بر شما باد که مسواک کنید؛ زیرا که مسواک کردن خوب چیزی است و دارای فوایـدی اسـت لثـه را محکـم می کنـد و بـوی دهـان را می برد و معـده را اصـلاح می کنـد و درجـات بهشت را برای مسواک کننده زیاد می کند و پروردگار را خشنود می سازد و شیطان را به خشم

می آورد»(۱۹۷۵، ۱۹۷۴). در گفتاری دیگر می فرماید: «در مسواک کردن هشت فایده است: ۱. دهان را پاکیزه می کند ۲. لثّه را محکم می کند. ۳. چشم را روشن می کند ۴. بلغم را از بین می برد ۵. فرشتگان را خوشحال می کند ۶. پروردگار را خشنود می کند ۷. کارهای نیک را افزایش می دهد. ۸. معده را اصلاح می کند». در حدیثی (۲۰۶۱، ۱۷۸۴) دیگر می فرماید: «مسواک کردن فصاحت مرد را افزون می کند»(۱۷۸۳). پاکی دهان نیز از آثار مسواک کردن است. حضرت در گفتاری می فرماید: «دهان های خویش را با مسواک کردن پاکیزه کنید»(۱۹۱۹).

* محور دیگر در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، توجه به بهداشت و پاکیزگی شخصی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «لباس های خود را بشویید و موهای خود را کوتاه کنید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید؛ زیرا یهودیان (بنی اسرائیل) چنین نکردند. در نتیجه، زنانشان به روابط جنسی نامشروع روی آوردند(۳۷۷)». پیام این حدیث نبوی، توجه به آثار و پی آمدهای منفی پای بندی نبودن به بهداشت و پاکیزگی است. حفظ کیان خانواده و پاسداری از حریم زندگانی مشترک و جلوگیری از نفوذ آفت های معنوی در گرو التزام به رعایت بهداشت و پاکیزگی است.

رسول گرامی در حدیث دیگری می فرماید: «لباس نو بپوش و نیک نام زندگی کن»(۴۷۹). از این حدیث نبوی می توان فهمید که میان نیک نامی و پوشیدن لباس نو نوعی ارتباط وجود دارد؛ یعنی اگر انسان در توان دارد لباسی بپوشد که درخور شأن او است، باید این کار را بکند تا از سخنان احتمالی دیگران پیش گیری کند. البته پوشیدن لباس نو به معنای اسراف و زیاده روی نیست، بلکه باید با رعایت همه موازین به گونه ای زندگی کرد که سیمای

ظاهری انسان بهانه ای به دست افراد ندهد تا شخصیت او را زیر سؤال ببرند. رسول گرامی در گفتاری دیگر می فرماید: «لباس خود را نیک کنید و لوازم خود را اصلاح کنید تا اینکه در میان مردم همچون خالی نمودار باشید»(۱۳۸۳). پیام این حدیث آن است که تلاش برای آراستگی ظاهر و نظم و انضباط در زندگی نه تنها محکوم نیست که توصیه شده و تا آنجا که در توان انسان است باید پای بندی خویش را در عمل به پاکیزگی و آراستگی به نمایش بگذارد تا دیگران او را نمونه بدانند. حضرت در حدیثی می فرماید: «از نشانه های کرامت مؤمن در پیشگاه الهی، پاکیزه بودن جامه اوست»(۳۰۳۴). نکته دیگر در سخنان رسول گرامی این است که سرمایه و ثروت تنها در انحصار پول و مال نیست، بلکه پاکیزگی و بهداشت و بهره مندی از سرمایه های معنوی نیز نوعی ثروت به شمار می آید. حضرت در حدیثی می فرماید: «نیکی مو سرمایه است، نیکی صورت دارایی است، نیکی زبان سرمایه است و مال و پول هم دارایی است»(۱۳۷۸). و در حدیثی دیگر می فرماید: «ریش های خود را شانه کنید و ناخن های خود را کوتاه سازید؛ زیرا شیطان میان گوشت و ناخن در حرکت است»(۱۴۵۶).

* محور دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، تأکید بر کار بردن بوی خوش است. حضرت در حدیثی می فرماید: «سه چیز است که برای هر مسلمانی ضروری است غسل جمعه و مسواک زدن و مصرف بوی خوش» و در(۱۲۵۶) حدیثی دیگر می فرماید: «من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و روشنی چشم من در نماز است»(۱۳۴۳). در گفتاری دیگر عطر زدن را از سنّت های پیامبران معرفی کرده و فرموده است: «پنج چیز است که از سنّت پیامبران است: حیا و حلم و حجامت و مسواک و عطر زدن»(۱۴۶۳). طبیعی است که اگر رسول گرامی به

چیزی علاقه منـد باشـد و آن کـار از برنـامه هـای پیـامبران باشـد، جایگـاه ویژه ای دارد و مصـرف بـوی خـوش یکـی از این کارهاست.

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به اهمیت شست وشوی هفتگی بدن است. حضرت در حدیثی می فرماید: «حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفته یک مرتبه بدن خود را شست وشو دهد و سر و تن خود را بشوید»(۱۳۹۸). البته این کمترین مقداری است که انسان بایـد در هفته به پاکیزگی و بهـداشت خود اختصاص دهـد و روشن است که در شـرایط مختلف زمانی و مکانی، مقدار و کیفیّت این شست و شو قابل تغییر است.

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، تأکید بر پاکیزگی محیط خانه است. حضرت در حدیثی می فرماید: «به راستی که خداونـد خوش بو است و بوی خوش را دوست دارد. پـاکیزه است و پـاکیزگی را دوست دارد، بزرگوار است و بزرگواری را دوسـت دارد، بخشــنده اسـت و بخشــش را دوسـت دارد پس جلـو خـانه هـای خـویش را پـاکیزه سازیـد وماننــد یهـودان نباشید»(۷۰۳).

در حدیث دیگر می فرماید: «شستن ظرف ها و پاکیزگی حیاط مایه بی نیازی است»(۲۰۳۱)

* نمونه ای دیگر از توجه به آراسـتگی ظاهر، اسـتفاده از انگشتر است. حضـرت در حـدیثی می فرماید: «انگشتری داشـته باش، اگرچه از آهن باشد»(۴۸۲).

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، توجه به ناپسـندی کثافت و ژولیـدگی است. حضـرت در گفتاری می فرمایـد: «خداوند، کثافت و ژولیدگی را دشمن می دارد»(۷۴۱).

عزّت نفس

کرامت انسان و حفظ جایگاه او از مهم ترین اهداف مکتب تربیتی و انسان ساز اسلام است. رسول گرامی اسلام نیز در سخنانش محورهایی از این هدف مهم را بازگو کرده است. توجه این هدف بزرگ، زندگی سالم انسانی را فراروی ما قرار می دهد. توجه به عزت نفس و پاسداری از این حریم از مصادیق روشن کرامت انسان است.

* نخستین نکته در سخنان رسول گرامی اسلام، پرهیز از خوار ساختن خویش است. حضرت در حدیثی می فرماید: «شایسته هیچ مؤمنی نیست که خویشتن را خوار کند»(۲۵۵۷). پیام این سخن آن است که ایمان هیچ گاه با ذلّت سازگاری ندارد و مؤمن نباید از روی اختیار و آگاهی کاری کند که زمینه خواری خویش را فراهم سازد.

* نکته دیگر در سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرهیز از اموری است که ممکن است زمینه ساز خواری و از بین برنده عزت و کرامت انسان شود. گاه در زندگی، یک درخواست کوچک پی آمد منفی بزرگی دارد که باید به آن دقت شود. حضرت در حدیثی می فرماید: «از مردم چیزی مخواه و حتی اگر تازیانه ات افتاد، خودت اگر سواره هستی فرود آی و آن را بردار»(۲۴۵۵). پیام این حدیث این است که حتی از درخواست برای برداشتن یک تازیانه از روی زمین،

چون ممکن است روحیه نیازمندی و درخواست را در انسان تقویت کند، باید پرهیز کرد. این نوع تربیت در فرهنگ اسلام تنها به خاطر حفظ روحیه بزرگ منشی و کرامت انسانی است. برای توجه به اهمیت این مسئله، به این روایت بنگرید که حضرت می فرماید: «اگر می دانستید در درخواست از دیگران چه چیزی نهفته است، هیچ کس سوی دیگری نمی رفت که از او چیزی بخواهد»(۲۳۲۷).

* گاهی درخواست کردن در حدّ متعارف و نیاز، ضرورت زندگی است، ولی گاهی به نوعی سربار دیگران شدن و بار خود را بر دوش مردم گذاشتن، تبدیل می شود. این روحیه، بسیار زشت و ناپسند است. رسول گرامی در این زمینه می فرماید: «بهترین شما آن کسی نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگذارد و یا آخرتش را برای دنیا رها کند، بهترین شما کسی است که دنیا و آخرتش را جمع کند؛ زیرا دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و شما خود را سربار مردم نکنید»(۲۵۹۸).

* نکته دیگر، توجه به پی آمدهای منفی درخواست از دیگران است. گاهی این کار، کم کم زمینه ساز تنبلی و کسالت و بی حوصلگی در اداره زندگی می شود و همین به پیدایش فقر و ناداری می انجامد. رسول خدا در حدیثی می فرماید: «هیچ کس دری از سؤال به روی خود نگشود مگر آنکه خدا دری از فقر به رویش گشود»(۲۵۹۸).

پی آمد منفی دیگر درخواست از دیگران بدون نیاز و ضرورت را رسول گرامی این گونه بیان می فرماید: «هر کس فقیر نباشد و چیزی درخواست کند، گویا شراب خورده است»(۳۰۰۳). نقطه مقابل درخواست کردن از مردم، برخوردار بودن از روحیه عزت نفس و احساس بی نیازی از دیگران است. این روحیه آن چنان ارزشمند است که رسول گرامی برای آن بهشت را تضمین کرده است و می فرماید: «کیست که به من تعهد بدهد که از مردم چیزی درخواست نکند و من

برای او بهشت را تعهد می کنم»(۲۸۸۸).

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به این موضوع است که انسان موظف است برای زندگی تلاش کند، ولی نباید برای دست یابی به آن عزت نفس خویش را درهم بشکند و به جنگ مقدّرات الهی برود، بلکه باید در کنار تلاش و فعالیت سازنده و منطقی اش اهل تسلیم و رضا نیز باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «نیازهای خود را با عزت نفس به دست بیاورید؛ زیرا کارهای دنیا براساس مقدرات الهی جریان دارند»(۳۲۵).

* نکته دیگر در سخنان حضرت، توجه به ارزشمندی تحمل کار سخت برای پاسداری از عزت نفس است. حضرت در حدیثی می فرماید: «اگر یک نفر از شما ریسمان خویش را برگیرد و با آن به پشت خود هیزم حمل کند، آسان تر است تا اینکه نزد مرد ثروتمندی رود و از او درخواست کند و معلوم نباشد که چیزی به او بدهد یا ندهد»(۲۳۶۷).

پیام این سخن آن است که نشستن در کنار زندگی که از دست رنج انسان فراهم شده؛ هرچند ناچیز و محقّر باشد بسیار بهتر است، از بهره مند شدن از کمک دیگران که با بهای ضربه زدن به آبرو و عزت نفس به دست آمده است. این برنامه نه تنها مربوط به شخص انسان است، درباره زندگی خانواده و افرادی که تحت سرپرستی انسان هستند نیز صدق می کند. ارزشمندی این کار را رسول گرامی در حدیثی چنین تبیین می فرماید: «جهاد آن نیست که مرد در راه خدای بزرگ شمشیر زند، بلکه جهاد را کسی می کند که پدر و مادر و فرزندش را اداره می کند و هر کس با تلاش زندگی خودش را تأمین می کند که از مردم بی نیاز شود، او نیز جهاد می کند»(۲۳۷۷).

رسول گرامی در حدیثی دیگر، ارزشمندی کار بدنی برای اداره زندگی

را این گونه بیان می فرماید: «هیچ کس غذایی بهتر از آنچه از عمل خویش خورد نخواهد خورد. داوود پیامبر نیز نان از عمل خویش می خورد»(۲۶۲۰). حضرت در حدیثی دیگر می فرماید: «هر یک از شما جامه ای از وصله های رنگارنگ بپوشد، برای او بهتر است که آنچه را که ندارد از دیگری بگیرد»(۲۲۱۴).

ص: ۱۲۱

اعتدال و میانه روی

رعـایت اعتـدال و میـانه روی از ویژگی های یک زنـدگی سالم و مفیـد است. در مکتب حیات بخش اسـلام که توسطّ رسول گرامی صـلی الله علیه و آله از سوی خداونـد متعـال تقـدیم بشـریت شـده است، به این موضوع مهم توجه شـده و در همه امور انسان ها را به رعایت اعتدال دعوت کرده است. در سـخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برخی از محورها یادآوری شده است. نخستین نکته در این زمینه، ارزشـمندی پای بنـدی به اعتدال و میانه روی است، حضـرت می فرماید: «راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه روی است»(۵۴۱، ۱۴۸۱).

نکته دیگر، توجه به مواردی است که رعایت اعتـدال در آن موارد توصـیه شـده است. نخستین مورد، رعایت اعتـدال در فقر و توانگری است. رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله در بخشـی از یک دعا، از خداوند این گونه درخواست می کند: «بار خدایا از تو درخواست می کنم میانه روی را در فقر و توانگری»(۵۲۴). و در حدیثی دیگر می فرماید: «سه چیز است که هر که داشته باشد، همان دارد که خاندان حضرت داوود، پیامبر خدا داشتند: ۱. عدالت به هنگام خشم و خرسندی ۲. اعتدال در فقر و توانگری ۳. ترسی از خدا در نهان و آشکار»(۱۲۶۹).

از این حـدیث، ارزشـمندی پای بندی به اعتدال در هنگام تهی دستی و بی نیازی فهمیده می شود؛ زیرا معمولاً انسان ها با بهره مندی از امکانات،

روحیه اعتـدال را از دست می دهنـد و زنـدگی را براسـاس خرد و منطـق صـحیح اداره نمی کننـد و چه بسـا که همین عملکرد بـاعث نـابودی آنها شود. بر همین اساس، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در گفتاری می فرمایـد: «سه چیز مایه هلاکت و سـه چیز عامـل نجـات است. عوامل هلاکت آفرین عبارتنـد از: ۱. بخلی اسـت که از آن اطـاعت شـود. ۲. هـوی و هـوس است که پیروی شود. ۳. خودبزرگ بینی و از خود راضی بودن. عوامل نجات بخش عبارتند از: ۱. ترس از خداوند در نهان و آشکار ۲. رعـایت اعتـدال در فقر و توانگری ۳. عـدالت در خشم و خشـنودی»(۱۶۵۲) ارزشـمندی رعـایت اعتـدال در هنگام بی نیازی و نیازمنـدی به اندازه ای است که رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «چه زیباست رعایت اعتدال در بی نیازی، چه نیکو اسـت پای بندی به اعتدال در تهی دستی»(۲۶۰۸).

* مورد دیگری که رعایت اعتـدال در آن توصـیه شـده، در زمینه خرج کردن است. حضـرت در گفتاری می فرماید: «خداوند رحمت کند کسـی را که در پی کسب پاک و حلال باشد و براساس اعتدال خرج کند و زیادی آن را برای روز تنگ دستی و نیازمندی اش ذخیره کند»(۱۶۵۲). از این گفتار حضـرت، می توان معنای اعتدال و فایده آن را فهمید. اعتدال در هزینه کردن؛ یعنی مصـرف کردن به اندازه ضرورت و نیاز و پرهیز از زیاده روی و اسراف و تبذیر و به فکر آینده بودن و ذخیره سازی برای حوادث پیش بینی نشـده در زنـدگی. نکته دیگری که از این حـدیث نبوی اسـتفاده می شود، این است که رحمت الهی تنها با عبادت دست یافتنی نیست، بلکه انجام هر کاری که عقل آن را تأیید کند و تأمین کننده نیازهای یک زندگی سالم باشد، مایه جلب رحمت الهی است. چنانچه در همین مورد نیز انسانی که در پی کسب حلال است و

ص: ۱۲۳

براساس اعتدال خرج می کند و در فکر آینده خویش است، مشمول رحمت الهی است.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام در این زمینه، توجه به آثار مثبت میانه روی و اعتدال است. حضرت در سخنی می فرماید: «هر کس میانه روی کند، فقیر نشود»(۲۶۰۱). از این حدیث نیز می توان فهمید که اعتدال در مصرف و هزینه، به طور طبیعی با فقر مبارزه می کند و از بروز مشکلات معیشتی جلوگیری می کند.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی، ارزشمندی رعایت اعتدال در عبادت است. حضرت در حدیثی می فرماید: «چه زیباست رعایت اعتدال در عبادت»(۲۶۰۸). طبیعی است که افراط و تفریط در هر کاری باعث بروز عوارض منفی و مخرّب می شود. از آن رو که هدف عبادت، تلطیف روح و تقرب به خداست، اگر آدمی در انجام آن دچار افراط و تفریط شود، نه تنها کارآیی ندارد که مخرّب و از بین برنده روحیه عبودیت است.

جوانی و جوانان

توجه به موقعیت جوانی و مسئولیت های جوانان، محوری است که در سخنان رسول گرامی اسلام به آن دقّت شده است. از آن رو که جوانی فرصتی است استثنایی، برای استفاده بهینه از آن نیاز به برنامه و تلاش بیشتر احساس می شود.

* نخستین نکته در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله ، لزوم بهره گیری و استفاده بهینه از فرصت جوانی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی ات را پیش از پیری، سلامتی ات را پیش از بیماری، بی نیازی ات را قبل از نیازمندی، فراغتت را پیش از اشتغال و زندگی ات را پیش از مرگت»(۳۷۲).

و در حدیثی دیگر، رسول گرامی به جای واژه غنیمت، از واژه مبادرت و سبقت گرفتن برای استفاده صحیح استفاده کرده است و چنین می فرماید: «به سوی چهار چیز پیش از چهار چیز مبادرت کن: جوانی ات پیش از پیری ات، سلامتی ات، پیش از بیماری ات، بی نیازی ات پیش از فقرت، زندگی ات قبل از مرگت»(۱۰۷۳).

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، لزوم پختگی جوان و بهره گرفتن از تجربه های مفید است. حضرت در حدیثی می فرماید: «خداوند، جوانی را که از خود سبکی و بی خردی نشان نمی دهد، به دیده نخستین می نگرد»(۷۲۹). و

ص: ۱۲۵

در گفتاری دیگر می فرمایـد: «بهترین جوانان شـما آن است که رفتار بزرگسالان را داشـته باشد و بدترین بزرگسالان شـما آن است که رفتار جوانان را داشته باشد»(۱۵۱۴). از این احادیث می توان فهمید که استفاده بهینه از فرصت جوانی و بهره مندی از تجارب بزرگسالان بایـد در حـدّی باشـد که در پرتو این تجارب نشانی از خامی و اقدام های نسـنجیده در رفتار جوان مشاهده نشود. پیام حدیث نبوی، تقلید جوان از رفتار ظاهری بزرگسالان نیست، بلکه منظور، برخوردهای پخته و سـنجیده و عاقلانه ای است که یک جوان می تواند در پرتو بهره وری از تجارب از خود نشان دهد.

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، اهمیّت احترام جوان به بزرگسال است که افزون بر پی آمدهای مثبت دنیوی و اخروی، زمینـه اسـتفاده از تجـارب او را فراهم می کنـد. حضـرت در حـدیثی می فرمایـد: «هر جـوانی که پیری را برای بزرگی سنش گرامی دارد، خداونـد هنگـام پیری او کسـی را بگمـارد که وی را تکریم کنـد»(۲۵۶۹). پیـام این حـدیث نبوی نیز توجه جـوان به یکی از وظـایفی است که بر عهـده دارد. بـا عمـل به این وظیفه که تکریم بزرگسالان است، جـوان به نـوعی خود را آمـاده دوران پیری و چگونگی برخورد دیگران بـا خود می کنـد و در پرتو عمل به این وظیفه، روح او به صورت غیرمسـتقیم، احساس لطافت و سبکی می کند و به طور طبیعی از بسیاری از امور نابخردانه و خشونت آمیز خودداری می کند.

* نکته دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، ارزشـمندی پای بندی جوان به فضایل زیبای اخلاقی است. حضرت در گفتاری می فرماید: «جوان سخاوتمند نیک خو در پیشگاه خداوند از پیر بخیل بدخو محبوب تر است»(۱۷۸۸).

ص: ۱۲۶

از این حدیث نیز می توان فهمید که معیار فضیلت، بهره مندی از اخلاق خوب است و جوانی یا بزرگسالی نقشی در فضیلت ندارد. البته اگر جوان در سنین جوانی پای بند به عبادت باشد، از ارزشمندی ویژه ای برخوردار است. رسول خدا در حدیثی می فرماید: «خداوند به جوان عبادت پیشه بر فرشتگان مباهات می کند و می گوید: بنگرید به بنده من که به خاطر من از شهوتش چشم پوشیده است»(۷۳۸). از این حدیث می توان فهمید که شرایط سنین جوانی اقتضای پیروی از تمایلات و شهوات را دارد و اگر جوانی در چنین شرایطی در مسیر بندگی خدا و اطاعت باشد، آن چنان ارزشمند است که خداوند به او مباهات می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری دیگر می فرماید: «همانا خداوند جوانی را دوست دارد که جوانی خود را در عبادت و اطاعت او سپری می کند»(۸۰۰). و در حدیثی دیگر حضرت می فرماید: «هفت نفرند که خداوند در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، آنها را در سایه خویش قرار می دهد. اول، پیشوای عدالت پیشه است و دوم، جوانی است که در عبادت خداوند رشد پیدا کند...»(۱۷۳۲) ارزشمندی عبادت در سنین جوانی را حضرت در سخنی دیگر این گونه تبیین می فرماید: «فضیلت جوان عابدی که از آغاز جوانی عبادت کند، بر پیری که وقتی سنّش زیاد شد، عبادت کند، هم چون فضیلت پیامبران بر سایر مردم است»(۲۰۵۰). از این حدیث می توان فهمید که موفقیت یک جوان در سنین جوانی و پیروزی او بر تمایلات نفسانی و بندگی او آن چنان ارزشمند است که موقعیت او را چون موقعیت ویژه پیامبران در میان افراد جامعه می کند.

* محور دیگر در سخنان پیامبر خدا، توجه به ارزشمندی توبه در سنین جوانی است. شرایط جوانی زمینه مناسبی برای سرکشی و طغیان و انحراف

است و معمولاً ـ انسان ها در چنین سنینی بیشتر گرفتار گناه و اشتباه هستند و به همین دلیل، نیاز آنها به توبه و بازگشت بیشتر است. بر همین اساس، رسول گرامی می فرماید: «خداوند جوان توبه کار را دوست دارد»(۷۴۹). پیام این حدیث، امیدوار ساختن جوان است که هرچند ممکن است لغزش هایی در دوران جوانی رخ دهند، توبه نه تنها راه مبارزه با این لغزش ها و جبران خطاهاست، بلکه آن چنان ارزشمند است که جوان توبه کننده محبوب پیشگاه الهی است. این واقعیت را رسول گرامی در حدیثی دیگر، این گونه بیان می کند: «توبه نیکو است، ولی از جوانان نیکوتر است»(۲۰۰۶). از این تعبیر استفاده می شود که اگر انسان در شرایطی باشد که زمینه اش برای رنگ پذیری و انفعال بیشتر است، اقدام و مقاومت و پایمردی نه تنها خوب و ارزشمند است، فضیلت بیشتری نیز دارد؛ زیرا خارج شدن از جو حاکم و گریز از شرایط فشار نه تنها ارزش که هنر است. در حدیثی دیگر، رسول گرامی می فرماید: «هیچ چیز نزد خداوند والاـ از جوان توبه کننده محبوب تر نیست و هیچ چیز نزد خداوند بزرگ از پیری که پایدار بر گناهانش باشد مبغوض تر نیست»(۲۶۷۹).

* محور دیگر در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، تأکید بر ازدواج در سنین جوانی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «هر جوانی در آغاز جوانی ازدواج کند، شیطان او بانگ برآرد که وای بر او، دین خود را از دستبرد من محفوظ نگهداشت»(۱۰۳۴). از این تعبیر می توان فهمید که ازدواج نقش بسیار تأثیرگذاری در دین داری جوان دارد و یکی از بهترین راه ها برای حفظ دیانت اوست. نکته دیگری که در این زمینه مطرح است، اقدام پدر برای ازدواج فرزند در سنین مناسب است. رسول گرامی می فرماید: «حق پسر بر پدر

است که نوشـتن و شـنا کردن و تیر انـداختن به او بیاموزد و جز غذای پاک و خوب به او نخوراند و همین که بالغ شد، برای او زندگانی مشترک تشکیل دهد»(۱۳۹۴، ۱۳۹۵). روشن است که سنین جوانی اوج خودنمایی غریزه جنسی است و شاید از تعبیر رسول گرامی که می فرماید: «جوانی شعبه ای از دیوانگی است و زنان دام شیطان اند»(۱۷۹۲) ـ به قرینه قسمت پایانی حدیث که زنـان را دام شـیطان معرفی فرمـوده است ـ بتوان فهمیـد که منظور از این حـدیث، سـنین ازدواج جوان است؛ یعنی در بلوغ جنسـی، جنون به وجود می آیـد و باید غرایز جنسـی کنترل شود. بهترین راه کنترل و هدایت این غرایز «ازدواج» است. از تعبیر رسول گرامی نیز می توان فهمیـد که عـدم اقـدام منـاسب در برابر این غریزه، جـامعه را از مسـیر عقـل و خرد خارج می کنـد و چنین جامعه ای در خطر آسیب های گوناگون است.

محیط زیست

جامعیّت و خاتمیت آیین آسمانی اسلام آن را پاسخ گوی تمام نیازهای واقعی انسان کرده است. چگونگی ارتباط انسان با طبیعت و بهره برداری او از مواهب طبیعی یکی از نیازهای حیاتی اوست که امروزه به نام محیط زیست مطرح است. در اندیشه های والای پیامبر گرامی اسلام در این زمینه توصیه های ارزشمند و حکیمانه ای به چشم می خورد که توجه به آنها راه گشا و هدایت گر است.

* نخستین نکته در ارتباط با محیط زیست، توجه به اهمیت زمین و بهره وری مثبت از آن است. رسول گرامی در جمله ای می فرماید: «زمین را مسح کنید که نسبت به شما نیکی کننده است»(۱۱۷۷). از تعبیر رسول خدا که می فرماید زمین را مسح کنید، ارتباط منطقی و خردمندانه با زمین و بهره وری و تعامل دو سویه میان انسان و زمین را می توان فهمید. طبیعی است که استفاده صحیح از زمین، منشاء همه خوبی هاست. خاک که خاستگاه اولین انسان و محل بازگشت دوباره او است، نقش بسیار مهمی در زندگی انسان ایفا می کند؛ مشروط به اینکه اصول ارتباط صحیح و منطقی رعایت شود. در حدیثی دیگر، حضرت می فرماید: «حرمت زمین را نگهدارید که

ص: ۱۳۰

چون مادر شماست و هر کس روی زمین کار خوب یا بد کند، زمین از آن خبر می دهد»(۱۱۳۰).

* نکته دیگر در زمینه ارتباط با زمین، احیای زمین های موات (بایر) است رسول گرامی در سخنی می فرماید: «زمین، زمین خداست و مردم بندگان خدا هستند، هرکس زمین مرده ای را احیای کند متعلق به او است»(۱۰۵۱، ۲۰۰۱). از این تعبیر رسول گرامی، می توان فهمید که زمین بر عهده انسان ها حقوقی دارد و زنده کردن آن یکی از آن حقوق است که البته نیازمند فکر و برنامه و تلاش و جدّیت است تا بازدهی مفیدی داشته باشد.

* نکته دیگر در ارتباط با زمین، نفع رسانی به دیگران و بهره مند شدن از پاداش اخروی است. پیامبر خدا در حدیثی می فرماید: «هر کس زمینی را احیا کند و در سایه آن تشنه ای از آن آب بنوشد، خداوند در قبال آن پاداش برایش مقرر فرماید»(۲۶۶۵).

از این حدیث نیز می توان استفاده کرد که در فرهنگ دینی، تلاش برای آبادانی دنیا و خدمت به بندگان خدا از آخرت و پاداش های اخروی جدا نیست. این فرهنگ، هم انگیزه تلاشگران و متصدیان پاسداری از طبیعت را تقویت می کند و هم روحیه نوع دوستی و دگراندیشی را در آنها زنده نگه می دارد.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به ارزشمندی تلاش در زمینه عمران و آبادانی است. حضرت در گفتاری می فرماید: «هفت چیز است که پاداش آن برای بنده، پس از مرگش نیز تداوم دارد. ۱. کسی که علم تعلیم دهد ۲. کسی که نهری را جاری سازد ۳. کسی که چاهی حفر کند ۴. کسی که درخت خرمایی

بکارد ۵. کسی که مسجدی بسازد ۶. کسی که کتاب قرآنی به ارث گذارد ۷. کسی که فرزندی به جا گذارد که پس از مرگش برایش آمرزش بخواهد»(۱۷۳۰).

با نگاهی دیگر به این حدیث، می توان فهمید که قرار گرفتن اموری چون جاری ساختن رود و حفر چاه و کاشتن درخت خرما در کنار تعلیم و ساختن مسجد و تربیت فرزند، بیانگر عنایت رسول گرامی اسلام به آنها و اهمیت این موضوع ها در آیین اسلام است.

به ویژه کاشتن درخت جایگاه ویژه ای در اسلام دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «اگر قیامت به پا شد و در دست یکی از شما نهالی بود اگر می تواند و در توان او است که آن را بکارد، باید این کار را بکند»(۵۶۷).

شاید همانند این تعبیر برای تبیین اهمیّت مسئله ای کمتر در سخنان رسول گرامی دیده شود. وقتی در شرایط تحقق قیامت که یکی از موقعیت های بی نظیر و بسیار سخت برای انسان هاست، به آنها سفارش کاشتن درخت شده، طبیعی است که در شرایط دیگر که بی گمان به سختی شرایط قیامت نیست، انسان موظف است به کاشت درخت بی توجه نباشد و در یک جمله، پیام این حدیث، تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کاشتن درخت در هر شرایطی است.

توجه دادن انسان ها به پاداش اخروی مسائلی چون کاشتن درخت از سوی رسول گرامی اسلام، بیانگر اهمیت این مسئله و تربیت انسان ها بر محور فرهنگ دینی است که دنیا و آخرت در آن باهم چنین ارتباط ناگسستنی دارند. حضرت در حدیثی می فرماید: «هر کس درختی بکارد، هر بار که انسانی یا یکی از مخلوقات خداوند از آن بخورد، برای وی صدقه ای محسوب

می شود»(۲۹۲۱). از این گفتار حضرت فهمیده می شود که زنده نگه داشتن طبیعت با کاشتن درخت و هر نوع گیاهی که به گونه ای قابل استفاده باشد، ارزشمند و دارای پاداش اخروی است. این دیدگاه، فرصت دیگری در اختیار انسان ها می گذارد که هر کس در هر شرایطی و با هر امکاناتی در این عرصه گام بردارد.

از آنجا که انسان به امید و آرزو زنده است، این موهبت الهی باید در راستای اهداف انسانی و ارزشمند به کار گرفته شود. کاشتن درخت نیز از اموری است که در پرتو امید و آرزو تحقق می یابد؛ زیرا بسیاری از درختان در میان مدت یا دراز مدت به بهره برداری می رسند و چه بسا کسی که آن را کاشته، نتواند، ثمره زحماتش را ببیند، ولی این بهانه ای برای بی تفاوتی به این مسئله نیست. رسول گرامی اسلام در زمینه نقش مثبت آرزو و امید در ایجاد انگیزه در انسان ها برای کاشتن درخت می فرماید: «همانا امید و آرزو رحمتی از سوی خداوند برای امّت من است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ کس درختی نمی کاشت»(۹۳۶).

کاشتن درخت در مسائل مربوط به محیط زیست، جایگاه ویژه ای دارد. در این میان کاشتن درخت خرما نسبت به دیگر درختان موقعیت برتری دارد. حضرت در حدیثی می فرماید: «چه نیکو سرمایه ای است درختان خرما که در گِل محکم گشته اند»(۳۱۳۵). در حدیثی دیگر حضرت درخت خرمایی را که انسان کاشته است از اموری می داند که پاداش آن پس از مرگ به انسان می رسد(۱۷۳۰).

* محور دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه به نقش مثبت فضای

سبز و طبیعت است. حضرت در حدیثی می فرماید: «سه چیز است که بینایی را تقویت می کند ۱. نگاه کردن به سبزه ۲. نگاه کردن به آب جاری ۳. نگاه کردن به چهره زیبا»(۱۲۹۱، ۳۱۶۰) و در سخنی دیگر می فرماید: «نگریستن به سبزه بینایی را زیاد می کند»(۳۱۵۸). از این سخنان رسول گرامی می توان فهمید که تلاش برای حفظ محیط زیست و بهره مندی از طبیعت سالم و زیبا، در جسم و روان انسان اثر مثبت دارد.

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به بسیج عمومی و تلاش همگانی برای پاک سازی مسیرهای عمومی است. رسول خدا در حدیثی می فرماید: «مانع را از راه مسلمانان دور کن»(۳۴۵). همان گونه که در بخش های دیگر پاداش اخروی مطرح بود، در این قسمت نیز رسول گرامی می فرماید: «مانع از راه مسلمانان دور کن تا نیکی های تو فزونی یابند»(۵۴۵). در حدیثی دیگر می گوید: «مردی که شاخه تیغی از راه بردارد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد»(۲۰۳۴). و در گفتاری دیگر می فرماید: «شاخه درختی در راه بود که مردم را آزار می داد، مردی آن را دور کرد به این جهت او را به بهشت بردند»(۲۱۱۸). و در حدیثی دیگر چنین می فرماید: «مردی را در بهشت دیدم که به این علت داخل بهشت شده بود که درختی را که مزاحم راه مردم بود، از راه برداشته بود»(۲۲۴۸).

همان گونه که پاک سازی مسیرهای عمومی دارای پاداش اخروی است، ایجاد مزاحمت در مسیرهای عمومی نکوهیده و دارای پی آمد منفی است. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «هر کس مسلمانان را در راه هایشان اذیت کند و موجب آزار آنان را فراهم سازد، لعنت کردن او بر آنان رواست»(۳۰۳۶).

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی، توجه به وظایف فردی انسان ها

ص: ۱۳۴

در زمینه رعایت بهداشت و پاکیزگی است. اهمیت این مسئله به اندازه ای است که اگر کسی به آن توجه نکند، مبغوض الهی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «خداوند کثافت و ژولیدگی را دشمن می دارد»(۷۴۱).

نمونه ای از پای بندی به این وظیفه که رعایت آن از سوی همگان نقش مثبتی در سلامت محیط دارد، توجه به پاکیزگی جلوی خانه هاست. حضرت در حدیثی می گوید: «خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد و پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد. بزرگوار و کریم است و بزرگواری را دوست دارد. بخشنده است و بخشش را دوست دارد. پس شما نیز جلوی خانه هایتان را پاکیزه سازید و به یهودیان شباهت پیدا نکنید»(۷۰۳).

آثار روانی و پی آمدهای مثبت پاکیزگی انکارناپذیر است، رسول گرامی در جمله ای به یکی از آثار آن اشاره می کند و می فرماید: «شستن ظرف ها و پاکیزگی حیاط مایه بی نیازی اند»(۲۰۳۱).

نژادها و ملیت ها

دینی که برپـایه توحیـد است، آمـاده است تا همه انسان ها را، از هر نژاد و ملیتی بپـذیرد. پیامبر گرامی اسـلام، که آورنـده این دین است در تعالیم حیات بخش خویش این واقعیت را تبیین کرده است که رنگ پوست و گویش و... معیار فضـیلت و برتری نیست و هیچ کس نمی تواند این ویژگی ها را دست آویزی برای برتری خود بر دیگران بداند.

* نخستین نکته در این زمینه، دیـدگاه رسول گرامی اسـلام دربـاره برابری بنـدگان خداونـد است. حضـرت در سـخنی، درباره برابری انسان ها می فرمایـد: «زمین، زمین خـداست و بندگان نیز بندگان خدایند. هرکس زمین مرده ای را آباد و زنده گرداند متعلق به خود او است»(۱۰۵۱، ۲۰۰۱). از این سـخن رسول خـدا برابری انسان ها در حق اسـتفاده از مواهب طبیعی فهمیده می شود. در این حق طبیعی، همه انسان ها، از هر نژاد و ملیتی که باشـند برابرند. نکته دیگر در سـخنان پیامبر اسلام برابری بندگان خدا در حق طبیعی اقامت در شـهرهاست هیچ کس نمی تواند مانع از اقامت دیگران در شهری یا محلّی شود. در فرهنگ نبوی شهرها نمی تواننـد اختصاص به نژاد و ملیتی خاص داشـته باشـند. رسول گرامی می فرماید: «شـهرها، شـهرهای خداوند است و بندگان نیز بندگان

خدا هستند هرکجا می توانی به نیکی و خیر دست یابی، همان جا اقامت کن.(۱۱۱۶)» از این گفتار رسول خدا فهمیده می شود که معیار انتخاب یک شهر برای زندگی، خیر و مصلحت افراد است و هیچ کس حق ندارد از آن جلوگیری کند. برابری انسان ها و یکسان بودن آنها در اصل آفرینش، نکته دیگری است که در سخنان رسول گرامی اسلام دیده می شود؛ حضرت در سخنی می فرماید: «مردم فرزندان آدم اند و آدم نیز از خاک است»(۳۱۴۴). از این تعبیر پیامبر اسلام می توان استفاده کرد که هیچ عاملی نمی تواند مایه تفاخر انسان ها شود، جز تقوا و عمل صالح که آن نیز فضیلت جسمانی برای کسی ثابت نمی کند؛ بلکه موجب ارتقاء روحانی و کمال معنوی است.

برابری انسان ها را رسول گرامی در سخنی دیگر این گونه بیان می فرماید: «مردم چون دندانه های شانه اند»(۳۱۴۹). از این تعبیر فهمیده می شود که باید میان انسان ها، به طور کامل، برابری حکم فرما باشد و همگان در اجرای هدفی مشترک، هماهنگ و همراه باشند؛ مانند شانه ای که با وجود دندانه های فراوان همگی برای یک مأموریت مشترک در حرکت هستند.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام نفی نژادپرستی و برتری یک رنگ بر دیگری است. حضرت در حدیثی می فرماید: «بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست برتر نیستی، جز آنکه در تقوای الهی بر او برتری یابی»(۵۶۲).

از این حدیث نبوی فهمیده می شود که جز تقوا، عاملی برای برتری انسان ها نیست و این عامل ویژه رنگ و ملیتی خاص نیست و شاید بنده ای سیاه پوست، در پرتو ایمان و تقوا از آقا و سیّدی سفیدپوست برتر باشد.

* نکته دیگر در سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، نفی برتری انسان در پرتو

زبان و ملیتی مخصوص است. رسول گرامی در گفتاری می فرماید: «ای مردم خدای شما یکی است و پدر شما نیز یکی است. همه شـما فرزنـدان آدم هستیـد و آدم از خاک است. همانا گرامی ترین شـما در پیشـگاه خدا با تقواترین شـماست. هیچ انسان عرب بر غیر عرب فضـیلت نـدارد، مگر در سـایه تقوا و پرهیزگاری»(۱۰۴۴). روشـن اسـت کـه این دو نژاد عربی و عجمی، در گفتـار رسول گرامی برای نمونه است و روح پیام سـخن حضـرت، نفی هرگونه امتیازی میان انسان هاست؛ از هر ملیتی و با هر نژادی و هر گویشی و یادآوری این نکته مهم که تنها تقوا، معیار فضیلت است.

* محـور دیگر در سـخنان رسـول گرامی اسـلام تـوجه به این نکته مهم است که هیـچ گـاه چهره هـا و ظـاهر افراد و امکانـات زنـدگی آنها؛ مانند سـرمایه های آنان، معیار ارزیابی نیست و تنها چیزی که در پیشـگاه الهی ارزشـمند است، دل پاک و عمل شایسـته ـ از هر کسـی که باشـد ـ است. رسول اکرم در این باره می فرمایـد: «خداونـد به صورت ها و اموال شـما نمی نگرد، بلکه به دل ها و اعمال شما می نگرد»(۷۱۹).

تفریحات سالم ـ ورزش

خاتمیت و جامعیت دین اسلام اقتضا می کند که پاسخ گوی تمام نیازهای انسان، در همه ابعاد، تا روز قیامت باشد. نیازهایی که هدایت و سعادت او در گرو آنهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، آخرین فرستاده الهی و آورنده چنین آیینی به همه نیازهای حقیقی انسان پاسخ مثبت داده و در سخنان خویش، ابعاد گوناگون این نیازها را بررسی کرده است. تفریحات سالم و ورزش نیز از نیازهای طبیعی هر انسانی است. رسول گرامی در سخنانش به این مهم توجه داشته و بر محورهایی تأکید کرده است.

* نخستین مسئله در این زمینه، اصل ضرورت تفریح و بازی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «تفریح کنید و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونتی دیده شود»(۵۳۱). از این سخن پیامبر می توان فهمید که زندگی خالی از تفریح و بازی ناخودآگاه به نوعی خشونت و بی مهری آمیخته خواهد شد و آدمی برای تعدیل غرایز و کنترل و هدایت آنها و تلطیف روان خویش نیازمند تفریح ها و سرگرمی های سالم است و هیچ دین داری نمی تواند با بهانه دین، زندگی اش را از تفریح ها و سرگرمی های مفید و خوب خالی کند. ضرورت استراحت دادن روان و روح را رسول

اکرم صلی الله علیه و آله ، در حدیثی دیگر این گونه بیان می فرماید: «دل ها را ساعت به ساعت استراحت دهید»(۱۶۷۷). از این حدیث نبوی فهمیده می شود که آرامش و استراحت نیاز همیشگی و دائمی دل و جان انسان است و باید با برنامه های متنوع و مفید و سازنده این استراحت برای دل تأمین شود.

* محور دیگر در سخنان پیامبر گرامی در این زمینه، مطرح شدن نمونه هایی برای سرگرمی و ورزش است. رسول اکرم در سخنی می فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که نوشتن و شنا کردن و تیر انداختن به او بیاموزد و جز غذای خوب به او نخوراند و هنگامی که به بلوغ رسید، برای او همسری بگیرد»(۱۳۹۴). از تعبیر حضرت فهمیده می شود که سرگرمی و تفریح و ورزش سالم از حقوق فرزندان است و در کنار خوراک جسم و غذای مناسب، خوراک روح و پاسخ گویی به نیاز روح نیز بر عهده پدر است. رسول گرامی در حدیث دیگری می فرماید: «به فرزندان خویش شنا و تیراندازی بیاموزید و به زنان نخ ریسی یاد دهید»(۱۹۵۴). و در گفتاری دیگر می گوید: «به فرزندان خویش شنا و تیراندازی بیاموزید و چرخ نخ ریسی برای زن با ایمان در خانه اش سرگرمی خوبی است»(۱۹۵۵). از این دو حدیث، می توان فهمید که باید در محیط خانواده، به تناسب موقعیت فرزندان دختر و پسر، برای آنها سرگرمی فراهم کرد و نخ ریسی در عصر حضرت، یک سرگرمی ساده و در عین حال مفید و سالم برای زنان بوده است و در هر عصری باید همین تناسب رعایت شود.

در حدیثی دیگر، رسول خدا می فرماید: «به فرزندان خویش تیراندازی آموزش دهید که مایه سرشکستگی و خواری دشمن است»(۱۹۵۶). از این حدیث نبوی می توان فهمید که ورزش های هدفمند و مفید باید محور و اصل در آموزش باشند و

آنچه افراد جامعه را در برابر دشـمنان، مسلّح و نیرومنـد می سازد، می توانـد به صورت نوعی ورزش آموزش داده شود و تمام ورزش های رزمی، می توانند هم نوعی تفریح و سرگرمی و هم ورزشی سودمند و هدفمند به شمار آیند.

* سوارکاری، نمونه دیگری از سـرگرمی هایی است که در سـخنان رسول گرامی مطرح است. حضـرت در سخنی می فرماید: «تیرانـدازی کنیـد و سواری کنیـد و اگر تیرانـدازی کنیـد، بیشـتر دوست دارم تـا اینکه سواری کنیـد و هر چیزی که مرد به آن سرگرم شود، بیهوده است جز آنکه مردی بـا کمـان خود تیرانـدازی کنـد یا اسب خود را تربیت کنـد یا با زن خود بازی کنـد. همه این هـا حـق است و هرکس تیرانـدازی فرا گیرد و آن را رهـا کنـد و کنـار بگـذارد، حق معلّم خود را که به او تیرانـدازی آموزش داده، ادا نکرده است»(۲۶۷).

از این حدیث نبوی اسـتفاده می شود که نه تنها برخی سـرگرمی ها و تفریح ها در زندگی جایگاه ویژه ای دارند، باید تداوم و اسـتمرار نیز بیابنـد. برهمیـن اسـاس، رسـول گرامی فرمـوده است که کنـار گذاشـتن تیرانـدازی پس از آمـوزش، کفران نعمت آموزش است. و در گفتاری دیگر می فرماید: «هرکس تیراندازی را پس از آنکه فرا گرفته باشد، رها کند و ترک کند، نعمتی است کـه کفران کرده است»(۲۹۳۵). در حـدیثی دیگر رسـول خـدا می فرمایـد: «ای فرزنـدان اسـماعیل، تیرانـدازی کنیـد که پدرتان تیرانداز بود»(۱۶۷۵).

از تأکیـد رسول گرامی بر تیراندازی و یادآوری این نکته که حضـرت اسـماعیل نیز تیرانداز بوده است، می توان به اهمیت این ورزش پی برد. ارزشـمندی تیراندازی و اهمیت فراگیری آن را حضـرت در سـخن دیگر این گونه بیان می فرماید: «بر شـما باد که تیراندازی کنید که آن از بهترین تلاش های شماست»(۱۹۷۲). در حدیثی دیگر

پیامبر خـدا می فرماید: «بازی در سه چیز است: ۱. اسبت را تربیت کنی ۲. با کمان خود تیراندازی کنی ۳. با همسر خویش هم بازی شوی»(۲۴۲۴).

* محـور دیگر، در سـخنان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله ، معرفی کردن برخی ورزش هـا و سـر گرمی هـا در پیشـگاه الهی است. حضرت در حدیث زیبایی می فرماید: «بهترین بازی در پیشگاه خداوند، اسب دوانی و تیراندازی است»(۸۳).

و در حـدیثی دیگر می فرمایـد: «تیرانـدازی بهترین سـر گرمی شـماست»(۱۶۹۹). در حــدیث دیگر، پیـامبر گرامی می فرمایـد: «تیرانـدازی کنید که آن از بهترین تلاش های شـماست»(۱۹۷۲). گذشـته از تیرانـدازی و اسب دوانی، شـنا نیز از ورزش هایی است که در سـخنان رسول گرامی مطرح شده است و حتی بهترین سـر گرمی معرفی شده است. حضرت در حدیثی می فرماید: «بهترین سـر گرمی مؤمن شـناست و بهترین سرگرمی زن دستگاه نخ ریسی است»(۱۵۲۷). از این حدیث نبوی اسـتفاده می شود که انسـان بـا ایمـان ـ مرد یا زن ـ نیازمنـد به سـر گرمی سالم و مفیـد است و شـنا، یک سـر گرمی مفیـد و سازنـده برای انسان باایمان است و همچنین اشتغال زن به نخ ریسی می تواند، سرگرمی خوبی برای او باشد. البته رعایت نیازهای هر عصر و نسل و تعیین گزینه ای که پاسخ گوی نیازهای واقعی انسان در شرایط متنوع زمانی و مکانی باشد، امری لازم و بسیار مهم است.

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی، در این زمینه، رعایت حقوق حیوانی است که می خواهد و می تواند وسـیله سرگرمی انسان باشد. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «نیکی تا قیامت به پیشانی اسـبان بسـته است. خرج اسب چون نفقه، ضـروری است و نباید از آن خودداری کنند»(۱۵۵۰). و در حدیثی دیگر

می فرماید: «نیکی و کامروایی تا روز قیامت به پیشانی اسبان بسته است و صاحبان اسبان در پرتو اسبانشان مدد خواهند یافت و کسی که برای اسب خرج کند، چنان است که صدقه داده است»(۱۵۵۲). از این دو حدیث، ضرورت اداره و تأمین هزینه های اسب به روشنی فهمیده می شود. در حدیث دیگر رسول گرامی حق اسب را این گونه بیان می فرماید: «به پیشانی اسبان دست بکشید و برای آنان برکت بخواهید و چیز بدان ها بیاویزید، ولی بر اسبان زه کمان نیاویزید»(۱۵۵۳).

* محور دیگری که در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح است، شرط بندی روی اسب است. حضرت در سخنی می فرماید: «شرط بندی روی اسب حلال است»(۱۶۷۶). انسان ها در عرصه های گوناگون نیازمند رقابتی سالم و سازنده هستند و این رقابت ها باید با شگردهای مختلف ایجاد شوند. شرط بندی و تعیین برنده و بازنده در مسابقات اسب سواری و بهره مند شدن برندگان از جوایز مختلف، یکی از شیوه های جذّاب ساختن این سرگرمی و ورزش است که می تواند انگیزه روی آوردن افراد جامعه به این ورزش را تقویت کند.

ص: ۱۴۳

تقوا محوری

اشاره

یکی از اهـداف مهم بعثت پیـامبر، تشـکیل جامعه ای بر محور تقوا و خـدا باوری است. تربیت انسان ها براساس تقوا، مأموریت اصلی رسـول گرامی است. در سـخنان آن حضـرت تأکیـد فراوانی در این زمینه به چشم می خورد که بررسـی آنهـا می تواند اندیشه های والای پیامبر را در زمینه تربیت انسان ها نشان دهد.

* نخسـتین مسـئله در این زمینه، تأکیـد حضـرت به رعـایت تقـوای الهی در همه شـرایط است. ایشـان در گفتـاری می فرمایـد: «هرکجا هستی، تقوای الهی را رعایت کن و به دنبال گناه، کار نیک انجام بده و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش»(۴۶).

* مسـئله دیگر، رعایت تقوای الهی به انـدازه توانایی است. طبیعی است که اسـتعداد انسان ها نسـبت به مسائل مختلف متفاوت است. در زمینه فضـیلت ها و پای بنـدی به خوبی ها نیز این تفاوت مشـهود است ولی هیـچ انسانی نمی تواند به این بهانه، نقش خـود را در این زمینه کم رنـگ کنـد. رسـول گرامی اسـلام می فرمایـد: «بر تو بـاد که تقوای الهی را به انـدازه ای که در توان داری، رعایت کنی و خدا را نزد هر سنگ و درخت یاد کن و اگر بدی کردی، در کنارش توبه ای کن. برای بدی پنهان، توبه ای پنهانی و برای بدی آشکار، توبه ای آشکار»(۱۹۶۵).

ص: ۱۴۴

۱. آثار تقوا

موضوع دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام درباره تقوا، آثاری است که برای آن مطرح شده است.

* نخستین اثر و فایده، همان است که در قرآن کریم مطرح شده؛ یعنی کرامت در پیشگاه الهی. حضرت در گفتاری می فرماید: «خدایا مرا به علم توانگر ساز و به حلم زینت بخش و به تقوا کرامت عنایت کن و به عافیت زیبایی عطا کن»(۵۰۲). در حدیثی دیگر، آن حضرت می فرماید: «هر که دوست دارد گرامی تر از همه مردم باشد، تقوای الهی را رعایت کند»(۲۸۵۲).

* نکته دیگر درباره آثار تقوا، این است که تنها تقوا معیار فضیلت و برتری است و نژاد، ملیت، گویش، رنگ پوست، وضعیت مالی و خانوادگی نمی توانند از عوامل فضیلت آفرین به شمار آیند. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «دقت کن و بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتر نیستی؛ جز آنکه به وسیله تقوا بتوانی بر آنها فضیلت و برتری پیدا کنی»(۵۶۲).

* فایده دیگر تقوا، دست یابی به آمرزش الهی در پرتو آن است. رسول گرامی می فرماید: «هر که روزش را آغاز کند در حالی که نیّت و هدفش تقوای الهی است، اگر در خلال روز گناهی از او سر زد، خداوند او را می آمرزد». از این سخن رسول گرامی فهمیده می شود که جهت گیری اصلی زندگی در پرتو تقوا، صحیح است و در چنین حالتی، اگر هم گناهی سرزند، شایسته بخشش است؛ مانند راننده ای که از مبدأ معینی به سوی مقصدی در حرکت است، ولی ممکن است به هنگام رانندگی و طی مسیر حوادث گوناگونی برای او روی دهد، ولی هیچ یک از این حوادث، مانع حرکت او به سوی آن مقصد

نیست و در نهـایت، هـدف او رسـیدن به مقصـد است. انسـان بـا تقوا نیز این چنین است که حرکت اصـلی اش به سوی خـدا و تحصـیل رضایت اوست، ولی ممکن است در طول مسیر و در خلال زندگی، لغزش هایی پیش بیاید که پای بندی او به هدف باعث آمرزش الهی او می شود.

* فایـده دیگر تقـوا، بهره منـدی از خیر دنیـا و آخرت است. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «هرکس تقوای الهی روزی اش گشـته است، خیر دنیا و آخرت را به او داده انـد»(۳۰۱۵). از آنجا که خیر در فرهنگ دینی، به معنای بهره منـدی از سعـادت راستین در دنیـا و آخرت است و در پرتو تقوای الهی، سـعادت نصـیب انسـان بـا تقوا می شود؛ پس خیر دنیا و آخرت روزی کسی است که تقوا روزی اش شده است.

* فایده دیگر تقوا، بهره مندی از بهترین توشه است. رسول گرامی اسلام می فرماید: «بهترین توشه ها تقوا است»(۱۴۸۶).

این سـخن دقیقـاً از قرآن کریم الهـام گرفته شـده است. از آن رو که توشه سـفر، شـرط پیمودن مسـیر مسافرت و سالم رسـیدن مسافر به مقصد است. بهترین توشه آن است که در مهم ترین و حساس ترین سـفر؛ یعنی سفر به آخرت و حرکت به سوی خدا کاربرد داشته باشد و توشه ای جز تقوای الهی برای سفر به سوی خدا مفید و مؤثر نیست.

* فایـده دیگر تقـوا دست یـابی به همه نیکی هـا در پرتـو آن است. رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «بر تو بـاد به رعـایت تقوای الهی که سرچشـمه همه خوبی هـاست»(۱۹۶۴). طـبیعی است که تقوا به دلیـل قـابلیتی که برای انسـان بـا تقوا به وجود می آورد، زمینه پای بنـدی به همه خوبی ها را در انسان پدیـد می آورد؛ در نتیجه، تقوای الهی بهترین راه دست یابی به همه خوبی ها

می شود.

* فایده دیگر تقوای الهی، مصونیت در برابر آفات و خطرات ثروت است. رسول گرامی می فرماید: «هرکس تقوای الهی را رعایت کند، ثروتمند شدن زیانی برایش ندارد و برای با تقوا صحت از ثروت بهتر است»(۲۴۳۰).

از آنجا که مال و ثروت زمینه طغیان و در نتیجه غفلت از یاد خدا را فراهم می کند، انسان با تقوا در پرتو تقوایش می تواند خود را در برابر این آفت حفظ کند و با عمل به وظیفه خویش، از تأثیرات منفی ثروت مصون بماند.

* فایده دیگر تقوای الهی، محبوبیت در پیشگاه الهی است. رسول گرامی در این زمینه می فرماید: «خداوند نیکوکاران گمنامِ با تقوا را دوست دارد»(۷۹۸). و در گفتاری دیگر می فرماید: «خداوند بنده با تقوای ثروتمند مهربان را دوست دارد»(۷۵۷). از آنجا که تقوا به معنای پای بندی به دستورهای الهی و رعایت حریم خداوند است، طبیعی است که چنین انسانی محبوب حضرت حق خواهد بود.

* فایده دیگر تقوای الهی، بهره مندی از نعمت بهشت است؛ زیرا خداوند متعال، پاداش اطاعت در برابر دستورهایش را بهشت مقرر کرده است و انسان باتقوا، پای بند به دستورهای الهی است. در نتیجه، در پرتو تقوایش می تواند از نعمت بهشت بهره مند شود. رسول گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: «بیشترین عاملی که باعث رفتن مردم به بهشت می شود، رعایت تقوای الهی و اخلاق نیکو است»(۶۰۸).

ص: ۱۴۷

۲. موارد رعایت تقوای الهی

* محور دیگر در سخنان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، توجّه به مواردی است که در آنها به رعایت تقوای الهی سفارش شده است. نخستین نکته در این قسمت، ضرورت رعایت تقوا در همه حالات زندگی است. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «در سختی و آسایش، تقوای الهی را رعایت کن»(۳۳). به طور معمول، انسان در شرایط رفاه و آسایش، زیاد به خداوند احساس نیاز نمی کند، ولی در شرایط سخت و دشوار، خود را به خداوند و یک کانون قدرت نیازمندتر می داند. بر این پایه، رسول گرامی برای هدایت انسان ها، به این واقعیت که نیازمندی به خداوند و پاسداری از حریم الهی، اختصاصی به شرایط ناگوار و سخت ندارد، به او سفارش می کند که در سختی و آسایش با تقوا باشد.

* مورد دیگری که در کلمات حضرت سفارش به تقوا شده، در زمینه اجرای عدالت میان فرزندان است. حضرت می فرماید: «تقوای الهی را رعایت کنید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید؛ همان طور که دوست دارید آنان در حق شما نیکی کنند»(۳۶). رعایت حریم الهی در همه زمینه ها لازم است؛ به ویژه در امور مهم مانند اجرای عدالت، نیازمندی به تقوا بیشتر احساس می شود. از آن رو که آسیب پذیری انسان در این موارد بیشتر است، به رعایت تقوای الهی نیز بیشتر نیاز دارد.

* مورد دیگری که رعایت تقوای الهی در آن لازم است، برخورد با زنان است. حضرت می فرماید: «تقوای الهی را نسبت به زنان رعایت کنید؛ زیرا آنان در دست شما و در اختیار شما هستند»(۴۵). یکی از زمینه های طغیان و تعدی انسان،

هنگامی است که او به چیزی یا کسی احساس برتری و تفوق کند. در چنین شرایطی، به طور طبیعی، پای بندی به تقوای الهی و رعایت حق کم رنگ تر می شود. زنان نیز به دلیل وابستگی های مختلف به مردان، به نوعی اسیر آنها به شمار می آیند و همین، می تواند زمینه ساز سرکشی و تعدی انسان در برابر حق آنها شود. بر این اساس، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره آنها به تقوا سفارش می فرماید.

* اصلاح خانوادگی، مورد دیگری است که در کلمات پیامبر گرامی سفارش به تقوا شده است. حضرت می فرماید: «تقوای الهی را رعایت کنید و میان خویش اصلاح برقرار کنید»(۴۹). از آن رو که اصلاح، از امور بسیار حساس بوده و به درایت، تدبیر، بی طرفی، حق محوری، ظرافت و عدالت نیازمند است، نیاز به تقوا در چنین زمینه ای بیشتر است و سفارش حضرت نیز بر همین اساس است.

* رعایت تقوای الهی در گفتار، از موارد دیگری است که در کلمات نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشاهده می شود. حضرت می فرماید: «خداوند ناظر و مراقب هر زبان گوینده است. پس هر بنده ای باید تقوای الهی را رعایت کند و دقت کند که چه می گوید»(۷۸۳). زبان به علت حساس بودن کاربردی که دارد، بیشتر در معرض آسیب و آفت است و هر لحظه ممکن است با یک بی توجهی و غفلت، پی آمدهای مخرّب و منفی از خود به جا بگذارد. در چنین شرایطی، جز استمداد از تقوای الهی، تکیه گاه قابل اعتمادی برای مصون ماندن از این آسیب ها و آفت ها وجود ندارد و سفارش رسول گرامی نیز بر همین اساس است.

ص: ۱۴۹

* رعـایت تقوای الهی در کـار نیـک، یکی دیگر از مواردی است که رسول اکرم به آن سـفارش کرده و فرموده است: «تقوای الهی را رعـایت کن و هیـچ کار نیکی را حقیر مشـمار؛ اگرچه کار نیک به این باشـد که دلو خویش را در ظرف لب تشـنه ای بریزی و برادرت را با روی گشاده دیـدار کنی»(۳۴). از این حـدیث نبوی می توان فهمیـد که معیار در کار نیک، این است که به خاطر خـدا باشـد و کوچکی و بزرگی کار به ظاهر آن مربوط نمی شود، بلکه یک کار خیر هرچنـد کوچک، بر محور تقوا می تواند با عظمت و بزرگ شود، مانند همین دو نمونه ای که حضرت بیان کرده است.

ص: ۱۵۰

علم و دانش

اشاره

یکی از مسائلی که در فرهنگ دینی ــ قرآن و روایات ــ بسیار بر آن تأکید شده، مسئله دانش پژوهی است. از آن رو که دین اسلام با امر به خواندن شروع شده، دینی است «علم محور» که همه افراد بشر را به فراگیری آن در همه سطوح فراخوانده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز ابعاد گوناگون دانش و دانش پژوهی را در سخنان خویش مطرح کرده است. نگاهی به اندیشه های آن حضرت در این زمینه، راه گشا و هدایت بخش خواهد بود. نخستین محور سخن، ارزشمندی دانش است که پیامبر خدا این واقعیت را با تعبیرهای مختلفی تبیین کرده است. اهمیت و ارزشمندی علم به اندازه ای است که حضرت، آن را فریضه (واجب) می داند و می فرماید: «دانش را بجویید اگرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. فرشتگان بال های خود را برای دانش پژوه می گسترانند؛ زیرا از آنچه وی در طلب آن است، خشنود هستند» (۱۹۰۱، ۱۹۰۵، ۳۲۴، ۱۹۰۴).

در گفتاری دیگر می فرماید: «دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع دانش یا دوستدار علم و غیر از این ها که گروه پنجم باشد، مباش که هلاک خواهی شد»(۳۷۵). و در حدیثی دیگر، ارزشمندی هرکس را به اندازه دانش او می داند و می فرماید:

«ارزشمندترین مردم آن است که علمش بیشتر است»(۴۴۲).

ارزشـمندی علم در زندگی چنان است که دوستِ انسان با ایمان معرفی شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «آیا می خواهی تو را از ویژگی ها و خصلت هایی آگاه سازم که به واسطه آنها سودمنـد شوی؟ بر تو باد که دانش بیاموزی؛ زیرا دانش دوست مؤمن است»(۴۶۵ _ ۲۰۲۱). معیـار زیادی و کمی یک کار، از نظر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ارتباطی است که آن کار با دانش دارد؛ به همین دلیل حضـرت می فرمایـد: «همانا کار انـدک که با بصـیرت و دانش همراه است، کار بسـیار است و همانـا کـار زیاد که با نادانی همراه است، کار کم است»(۸۷۳). از این گفتـار رسول گرامی اسـتفاده می شود که علم، نقش مؤثری در کیفیّت بخشیدن به کار دارد و بدون آن، کار از کیفیّت و ارزش برخوردار نخواهد بود.

ارزشـمندی علم از نظر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله ، تـا بـدان پـایه است که با عباداتی چون نماز و روزه مقایسه می شود. حضـرت در گفتـاری می فرمایـد: «فراگرفتن علم به میزان یـک سـاعت، از یـک شب نماز گزاردن بهتر است و یک روز دنبال دانش رفتن از سه ماه روزه گرفتن بهتر است»(۱۹۰۴). و در حدیثی دیگر می فرماید: «فراگرفتن علم در پیشگاه خداوند از نماز و روزه وحج و جهاد در راه خداوند عزّوجل بهتر است»(۱۹۰۲).

یکی از راه های شـناسایی ارزشمندی یک چیز، بررسی توجهی است که افراد مختلف به آن دارند. توجه خوبان و فرهیختگان به موضوعی، بیانگر ارزشـمندی آن است. دانش هم از مقوله هایی است که می توان از این راه ارزش و فضـیلت آن را فهمید. توجه حکیمان و فرزانگان و بزرگان هر عصر و نسل به گوهر دانش، نشان دهنده فضیلت آن است. رسول گرامی اسلام در

حدیثی می فرماید: «سلیمان پیغمبر را میان مُلک (حکومت و سلطنت) و دانش مخیّر کردند. او دانش را برگزید به خاطر این انتخاب مُلک و مال را نیز در اختیارش گذاشتند»(۱۵۳۸).

گاهی رهایی از فتنه ها و بحران های اجتماعی و مشکلات زندگی جز با دانش ممکن نیست. رسول خدا در این زمینه می فرماید: «در آینده، فتنه هایی خواهد بود که در آن شرایط، مردی صبحگاهان با ایمان است و شبانگاه کافر می شود و تنها، کسی از این فتنه ها رهایی می یابد که خداوند دلش را با علم زنده نگهدارد»(۱۷۳۴).

از این سخن حضرت استفاده می شود که حیات دل در پرتو علم است و بدون آن، انسان مرده ای زنده نماست. همان گونه که انسان در پی گمشده خویش می گردد و برای دست یابی به آن از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کند، علم برای انسان با ایمان، همانند گمشده ای است که پیوسته در تلاش برای دست یافتن به آن است و همچون گوهرهای ارزشمند از جمع آوری آنها سیر نخواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله ، این حقیقت را این چنین بیان می فرماید: «گمشده مؤمن علم است، هر زمان سخن و حدیثی فراگیرد حدیث دیگر مطلوب او شود و او را به دنبال خود می کشد»(۱۸۸۶).

هر چند عبادت در فرهنگ دینی، جایگاهی ممتاز دارد، عبادتی که پشتوانه اش علم نباشد، تأثیر لازم را در زندگی ندارد؛ از همین رو است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «علم از عبادت با فضیلت تر است و اساس دین، خدا ترسی است»(۲۰۱۶). و چون هرکاری باید براساس آگاهی باشد و عمل بدون علم، سودمند نیست. بر این اساس، حضرت در حدیثی دیگر می فرماید: «علم از عمل با فضیلت تر است و بهترین اعمال آن است که بر مرز اعتدال باشد»(۲۰۱۷). از

آنجا که حقیقت دین اسلام را جز با معرفت و آگاهی در ابعاد مختلف نمی توان درک کرد، می توان گفت که اسلام، بدون علم از حیات حقیقی محروم است و انسان مؤمن اگر اهل علم و دانش نباشد، تکیه گاهی قابل اعتماد ندارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «علم حیات اسلام است و نیز ستون ایمان است و هر کس علمی بیاموزد خدا پاداش او را کامل کند و هرکس فراگیرد و عمل کند، خداوند آنچه را نمی داند به او تعلیم دهد».

برای(۲۰۱۹) ارزشمندی علم همین بس که رسول خدا آن را میراث خود و همه پیامبران معرفی می کند و می فرماید: «علم میراث من و میراث پیامبرانِ پیش از من است»(۲۰۲۴). از آن رو که میراث هر کسی بیانگر خلاصه تلاش ها و زحمات دوران عمر اوست، میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نمادی است که مورد توجه و عنایت آن حضرت است و این بیانگر جایگاه برجسته علم در دیدگاه پیامبر است. یکی از راه های شناسایی ارزشمندی هرچیز، میزان کاربرد آن چیز در زندگی است. علم نیز از سرمایه هایی است که نقش کاربردی و مؤثری در زندگی دارد؛ زیرا در پرتو علم می توان به منزلت و جایگاهی دست یافت که همه افراد جز زیبایی و جذابیّت چیز دیگری نبینند. ممکن است انسانی از نظر ظاهری از زیبایی چهره محروم باشد، ولی زیبایی علم در جان او چنان نیرومند و قوی است که نازیبایی ظاهری را می پوشاند. در تاریخ زندگی عالمان مواردی متعددی دیده می شود که عالمان و دانشمندان در زمینه های مختلف علمی با وجود محرومیت از مزایای ظاهری و چهره های جذّاب توانسته اند جان های بی شماری را شیفته

مقـام علمی و گوهر گران بهـای جـان خویش کننـد. رسول گرامی صـلی الله علیه و آله در حـدیثی می فرمایـد: «علم و مال هر عیبی را می پوشانند و جهل و فقر هر عیبی را نمایان می کنند»(۲۰۲۵).

۱. ارزش عالم

محور دوم در ارتباط با ارزش و فضـیلت عالم از دیـدگاه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله است. شاید برترین فضـیلتی که برای دانشمندان در سخنان حضرت مطرح شد، عنوان «وارثان پیامبران» برای آنان است. به این حدیث بنگرید: «دانشمندان را گرامی بداریـد؛ زیرا آنان وارثان پیامبران هسـتند. پس هرکس آنان را تکریم کند، خداوند و رسولش را گرامی داشـته است»(۴۵۰ ـ ۶۵۷). اگر علم میراث پیـامبران است، طبیعی است که عـالم هم وارث حقیقی پیامبران است و احترام به میراث دار نوعی احترام به میراث گذار است. بهره مندی عالم از میراث پیامبران در صـحنه قیامت هم خودنمایی می کند. به همین دلیل، رسول گرامی در حـدیثی می فرمایـد: «هنگامی که عالم و عابـد بر صـراط گرد هم آیند، به عابد گویند به بهشت درآی و از عبادت خویش بهره مند شو و به عالم گویند اینجا بایست و برای هر که می خواهی شـفاعت کن؛ زیرا هر کس را که تو شفاعت کنی شفاعت تو پذیرفته خواهد شد. آن گاه عالم در صف پیامبران می ایستد»(۱۳۴ ـ ۲۰۵۵).

همان گونه که ستاره های آسمان، راه گشای انسان در تاریکی های خشکی و دریا هستند، دانشمندان نیز در پرتو دانش خود، چون سـتارگان درخشان، روشـنگر مسـیر زندگی انسان ها هسـتند. به این سخن از رسول خدا توجه کنیم: «همانا دانشمندان در زمین مانند سـتارگان در آسـمان هسـتند که به وسـیله سـتارگان تاریکی های خشکی و دریا برطرف می شود و چون ستارگان نهان شدند، ممکن است

ص: ۱۵۵

ره یافتگان دوباره گمراه شوند»(۹۲۲). از آن رو که تلاش عالم در دوران عمر، تلاشی مقدس و ارزشمند است و همانند رزمنده ای است که عمر خویش را در جبهه نبرد بر ضد تاریکی ها سپری کرده است، فرجام زندگی او نیز فرجام روشن و با شکوه شهادت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «زمانی که مرگ طالب علم فرا رسد؛ شهید می میرد»(۱۹۴). حرکت در مسیری که مورد رضایت خداوند است، پی آمدهای مثبت فراوانی دارد. تلاش عالم برای فراگیری علم از آن رو که تلاش در مسیری است که مایه خرسندی خداوند است، آثار معنوی فراوانی دارد که با عنایت خداوند این آثار از همه هستی تقدیم او می شود. به این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنید: «همه چیز، حتی ماهیان دریا، برای جویای علم طلب آمرزش می کنند»(۱۸۳۱۱۹۰۱). فضیلت عالم در نظر رسول خدا تا آنجاست که نوع برخورد مثبت با او را از لوازم ایمان معرفی کرده و فرموده است: «سه چیز از لوازم و نشانه های ایمان است ۱. بخشش به هنگام تنگ دستی ۲. سلام کردن به دانشمند ۳. رعایت انصاف بر ضرر خویش»(۱۲۶۸). معرفی کردن دانشمندان به عنوان برترین افراد فضیلت دیگری است برای عالمان. به این حدیث نبوی بنگرید: «بهترین امّت من دانشمندان هستند و بهترین دانشمندان امت من بردباران هستند»(۱۴۶۹).

فضیلت و ارزش عالم در همه ابعاد زندگی او نمایان و متبلور است. حتی عبادات عالم نیز با عبادت های دیگران تفاوت دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت نماز غیر دانشمند است»(۱۶۷۳). و در حدیثی دیگر می فرماید: «دو رکعت نماز کسی که عالم به خداست از هزار رکعت نماز کسی که از خدا غافل است، بهتر است»(۱۶۷۳). فضیلت

دیگری که در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عالم مطرح است این است که حضرت او را «امین خدا» در زمین معرفی کرده است(۲۰۱۳۱۹۹۷). طبیعی است که اگر کسی در پرتو علم خویش بخواهد دیگران را به سوی حق و حقیقت و معنویت دعوت کند، دقیقاً به خواسته خداوند از انسان ها توجه کرده است و چنین کسی شایستگی این را دارد که امین خداوند در زمین باشد. فضیلت دیگری که برای عالم مطرح است، بهره مندی او از خیر است و محرومیت دیگران از آن رسول گرامی اسلام در حدیثی می فرماید: «عالم و متعلّم در خیر شریکند و در دیگر مردم خیری نیست»(۱۹۹۸). از این سخن پیام می توان فهمید که زندگی بدون علم و جدا از فراگیری و تعلیم، منشأ خیر و خوبی و آمیخته به آن نیست؛ زیرا تشخیص هر خیر و شر و فضیلت و رذیلتی، در پرتو علم ممکن است و انسان محروم از این سرمایه و ابزار نمی تواند خوبی و خیر را شناسایی کند. در نتیجه، زندگی اش خالی از خیر و خوبی است.

فضیلت دیگری که برای عالم در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شده، این است که رسول خدا می فرماید: «عالمان چراغ های زمین و جانشینان پیامبران و وارثان من و وارثان پیغمبرانند»(۲۰۱۴). روشن است که کار چراغ، روشن کردن تاریکی هاست و عالم نیز با دانش خویش، تاریکی ها و مشکلات فکری و روحی جامعه را از بین می برد و مردم را به سوی هدف صحیح راهنمایی می کند. همانگونه که فرد و جامعه محروم از چراغ و روشنایی، در معرض خطرهای گوناگونی قرار دارند. جامعه محروم از دانشمند نیز همواره به دلیل آشنا نبودن به مسیر و هدف صحیح زندگی، بیراهه می رود و با خطرهای بی شماری روبه رو است.

ص: ۱۵۷

فضیلت دیگری که برای دانشمندان در اندیشه نبوی وجود دارد، این است که حضرت فرموده است: «دانشمندان پیشوایان هستند و پرهیزکاران سرورانند و هم نشینی با آنها مایه برکت و فزونی _ معنوی _ است». نقش (۲۰۱۵)پیشوایی برای دانشمند، نقشی است که با سرمایه ای که او در اختیار دارد، در ارتباط است؛ زیرا پیشوای فکری و عقیدتی یک جامعه باید کسی باشد که خود، راه را یافته و پیموده باشد تا بتواند دیگران را به آن، رهنمون سازد. از این گفتار حضرت می توان فهمید که حرکت بدون رهبری دانشمندان، حرکتی بی هدف و سردرگم و بی فایده خواهد بود.

فضیلت دیگری که برای عالم در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شده، این است که حضرت می فرماید: «فضیلت عالم بر غیر عالم، چون فضیلت پیامبر بر امت خویش است»(۲۰۵۲ _ ۲۰۵۶). همان گونه که جامعه، بدون حضور مؤثر پیامبری از سوی خدا نمی تواند راه صحیح و آمیخته به هدایت و سعادت را بیابد و زندگی اش همراه با نقاط ابهام و مشکلات بی شمار روحی و فکری است، جامعه بدون عالم نیز این گونه است و به طور کلی، همان گونه که یک پیامبر، برای هدایت جامعه کافی است و افراد جامعه بدون پیامبر چون صفرهای فراوانی هستند که عدد صحیح کنار آنها قرار ندارد و در نتیجه هیچ کاربردی ندارند، جامعه بدون عالم نیز نقش تعیین کننده ای برای دست یابی به هدایت و سعادت نخواهد داشت. فضیلت دیگری که برای عالم در اندیشه نبوی بیان شده، این است که حضرت می فرماید: «فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه شب چهاردهم بر دیگر ستارگان است»(۲۰۵۴). همان گونه که در صفحه زیبا و جذاب آسمان آبی، ماه شب چهاردهم با درخشندگی

خاص خود فرصت خودنمایی به دیگر ستارگان نمی دهد و نورانیت خویش را آشکارا به نمایش می گذارد، حضور عالم نیز در عرصه های مختلف چنین است که با درخشندگی معنوی او، گروه ها و افراد دیگر جامعه هر چند چون ستارگان بدرخشند، در کنار درخشش ماه، کمتر فرصت خودنمایی و اظهار وجود پیدا می کنند.

فضیلت دیگر عالم در سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بهره مندی او از ستایش و تمجید همه موجودات است. به این روایت از آن حضرت توجه کنید: «فضیلت عالم بر عابد، چون فضیلت من بر پست ترین شماست. خداوند عزوجل و فرشتگان او و آسمانیان و زمینیان حتی مورچه ای که در سوراخش است و حتی ماهی بر کسی که به مردم نیکی و خیر می آموزد، درود و ثنا نثار می کنند»(۲۰۵۳).

فضیلت دیگر عالم را رسول گرامی این گونه بیان می فرماید: «مرکّب دانشمندان را با خون شهیدان هم سنگ کردند؛ مرکب دانشمندان سنگین تر بود»(۳۱۸۱). شاید سرّ گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله این باشد که با تلاش علمی دانشمندان و هدایت و تربیت آنان، جامعه مسیر صحیح زندگی را می یابد و برای دست یافتن به اهداف مقدس و بزرگ آماده فداکاری می شود و فرجام زندگی خویش را با شهادت رقم می زند در نتیجه، شهادت شهیدان محصول طبیعی زحمات دانشمندان متعهد و دل سوزی است که در مسیر تربیت جامعه گام برداشته اند.

۲. وظایف و مسئولیت های عالم

محور دیگر سخن، درباره وظایف دانشمندان است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سخنان خویش نکات مهمی را مسئولیت های آنان دانسته است.

* نخستین وظیفه عـالم، همراه کردن دانش خویش با خصال مثبت اخلاقی است. رسول خـدا در این باره می فرمایـد: «چیزی با چیز دیگر کنار هم قرار نگرفته است که از دانش و بردباری بهتر باشـد»(۲۶۳۵). از آن رو که عالم در برخورد با افراد مختلف، اخلاق های متنوعی را مشاهده می کند و ممکن است برخی از افراد ناآگاه نوع برخورد صحیح با عالم را ندانند و مایه رنجش خاطر او شونـد یا دانش پژوهانی باشـند که ادب مجلس عالم را رعایت نکننـد. عالم نیازمند علم و بردباری ویژه است تا بتواند در سایه آن، نقش مؤثرتری را برای هـدایت افراد ایفا کنـد. بر همین اساس، رسول خـدا در گفتار دیگری می فرمایـد: «بهترین افراد امت من دانشمندان هستند و بهترین دانشمندان امّت من بردباران هستند»(۱۴۶۹).

* وظیفه دیگر عالم را رسول خـدا این گونه بیان می فرماید: «بهترین امت من دانشـمندان هسـتند و برترین دانشـمندان امت من مهربانان آنها هسـتند... بدانید که دانشـمند مهربان، روز رستاخیز می آید در نور خود، در حالی که فاصله میان مشرق و مغرب را چون ستارگان درخشان پر کرده است»(۱۴۷۰). برخورد مهربانانه با مردم زمینه تأثیرپذیری آنان را در فراگیری مسیر صحیح زنـدگی بیشتر می کند. دانشـمند در پرتو برخورد مهرآلود خویش، راحت تر می تواند برای هدایت انسان ها به درون دل های آنها نفوذ و نقش خویش را ایفا کند.

* وظیفه و مسـئولیت دیگری که بر عهـده عالم است، خـدا محور بودن در همه زنـدگی است. رسول گرامی می فرماید: «عالم اگر از علم خویش رضای خدا را بخواهد، همه چیز از او بترسد و اگر تصـمیم بگیرد که به وسیله علمش گنج هایی بیندوزد از همه چیز بترسد»(۱۹۹۹). از این سخن حضرت، می توان فهمید که تلاش برای

دست یـابی به رضـایت خداونـد آثار و پی آمـدهای فراوانی دارد که در پرتو آنها عالمِ خـدا محور بهتر می توانـد از علم خود برای هـدایت و خوشـبختی جـامعه بهره بگیرد. طبیعی است که اگر هر چیز، به صورت تکوینی متـأثر از عـالم باشـند و هیبت و عظمت او فراگیر و گسترده شود، بسـیاری از موانع مسـیر از بین خواهنـد رفت و در برابر، اگر دنیاطلبی و افزون خواهی و جمع کردن مال و ثروت، هـدف اصـلی عالم باشـد، در این راه از همه چیز هراسان است؛ زیرا هر کس و همه چیز را تهدیـدی برای دنیـا و سـرمایه اش می دانـد. طبیعی است که چنین عالمی فرصت پرداختن به رسالت و هـدف اصـلی خویش؛ یعنی هـدایت و سعادت جامعه را ندارد.

* وظیفه دیگر عالم، آموزش خیر و خوبی به جامعه است. چنین عالمی از دعا و سـتایش همه موجودات آسـمانی و زمینی بهره مند است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «همانا خداوند عزیز و بزرگ و فرشتگان او و اهل آسمان ها و زمین حتی مورچه ای که در سوراخش است و ماهی دریا، درود و ثنای خود را نثار کسـی می کننـد که به مردم خیر و نیکی می آموزد»(۲۰۵۳).

* وظیفه دیگر عـالم، گسترش دانش خویش و پرهیز از کتمـان است. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «خداونـد به هیچ عالمی علمی نداده است مگر آنکه از او پیمان گرفته که دانش خویش را پنهان نسازد»(۲۶۰۳).

دانشـمندان با عمل کردن به این توصـیه ارزشـمند می تواننـد بساط نادانی را از روی زمین برچینند و همگان را در کنار سـفره علم مهمان کننـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتاری دیگر می فرمایـد: «حکایت کسـی که علم آموزد و آن را بازگو نکند چون کسی است که گنجی ذخیره کند ولی آن را مصرف نکند»(۲۷۲۳).

* وظیفه دیگر عالم، عمل محور بودن و به کار بستن دانشی است که

می داند. از آن رو که تأثیر عمل قابل مقایسه با تأثیر سخن نیست، شاید به کار بستن دانش از مهم ترین مسئولیت های عالم به شمار آید. رسول گرامی در حدیثی فرجام عالم بی عمل را این گونه بیان می فرماید: «مردمی از بهشتیان به سوی گروهی از دوزخیان می نگرند و از آنها می پرسند: شما برای چه به دوزخ رفتید؟ به خدا سوگند، ما به کمک چیزهایی که از شما آموختیم، وارد بهشت شدیم. دوزخیان در پاسخ آنها می گویند: ما می گفتیم، ولی عمل نمی کردیم»(۵۹۷). در گفتاری دیگر می فرماید: «روز قیامت عذاب دانشمندی که خداوند او را از دانشش بهره مند نساخته است، از همه مردم سخت تر است»(۵۹۰).

ضرورت استفاده بردن از دانش در سخنی از رسول گرامی اسلام این گونه تبیین شده است: «دانشی که از آن سودی برده نشود، مانند گنجی است که مصرف نگردد»(۸۶۰). از آنجا که بهره بردن از علم عالم مایه هدایت و نجات جامعه ای می شود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی این گونه می فرماید: «دانشمندی که از علم او سود برده شود، از هزار عابد بهتر است»(۱۹۲۹).

* وظیفه دیگری که در بُعد سلبی متوجّه دانشمندان است، پرهیز از طمع است. از آن رو که عالم الگویی برای دیگر افراد جامعه است، باید که جانش را از صفات زشت و ناشایستِ اخلاقی پاک کند. چون عالم در معرض دید و قضاوت افراد مختلف جامعه است و به دلیل جایگاه برجسته ای که در جامعه دارد، می تواند مورد تکریم ها و ستایش های متنوع واقع شود. مردم نیز به دلیل نیازهای معنوی و روحی که به او دارند، خود را نیازمند به او می دانند. مجموعه این عوامل و شرایط می تواند بستر مناسبی را برای پیدایش بیماری و خصلت نازیبای طمع در او پدید آورد و عالم را از این

نظر آسیب پذیر کند. بر همین اساس، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی این گونه هشدار می دهد: «طمع، سنگ لغزانی است که گام های دانشمندان بر آن استوار نمی ماند»(۶۴۸).

* برخی از وظایفی که متوجه عالم است، وظایف سلبی است؛ یعنی کارهایی که عالم باید از آنها احتراز کند و آنها را از اهداف زندگی علمی و دانش پژوهی خویش قرار ندهد و به تعبیر دیگر، فرجام این اعمال دوزخ و عذاب الهی است. در نتیجه، این اعمال از اهداف دوزخی دانش پژوهی به شمار می آیند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «هر کس دانش بجوید که به وسیله آن با دیگر دانشمندان هم چشمی کند یا با سفیهان و نابخردان مجادله کند یا توجه مردمان را به سوی خود جلب کند، خدایش او را به جهنم داخل کند»(۲۹۲۴). از این حدیث نبوی می توان فهمید که کسب دانش به منظور رقابت با دانشمندان و مطرح ساختن خود انگیزه ای غیرخدایی است و فرجامش دوزخ است و نیز کسب دانش برای فخر فروشی در برابر نادانان و استفاده ابزاری از علم، نتیجه ای جز آتش ندارد و همین طور کسب دانش برای جلب نظر مردم و نفوذ در میان آنان بهره ای جز دوزخ ندارد. این سه انگیزه، معمولاً ـ دامن گیر دانشمندان است و تمرین برای رهایی از این انگیزه های غیر خدایی از وظایف مهم آنان به شمار می آید.

* وظیفه دیگری که متوجه عالم است، تعاون و خیرخواهی و پرهیز از خیانت در علم است. رسول گرامی اسلام در حدیثی می فرماید: «در کار دانش یار هم دیگر و خیرخواه هم باشید و دانش خود را از یکدیگر پوشیده ندارید؛ زیرا که خیانت در علم از خیانت در مال بدتر است»(۱۱۷۸). اصل خیرخواهی و دل سوزی، ابعاد

مختلفی از زنـدگی اجتماعی و روابط متقابل انسان ها را با یکدیگر، پوشـش می دهد. کوتاهی در انجام وظیفه و کم گذاشـتن از حق طبیعی افراد، نوعی خیـانت است. در موضوع تعلیم و یاددادن این مسـئله اهمیت بیشتری دارد. تا آنجا که رسول گرامی، خیانت در علم را از خیانت در مال بـدتر می دانـد؛ زیرا با خیانت در مال ممکن است انسان در زمینه معیشت و اقتصادی ضـربه ای را متحمل شود که چه بسا جبران پذیر است یا اندکی فشار مادّی بر او وارد شود، ولی با خیانت در علم و کوتاهی در آنچه یک انسان باید بداند و از آن آگاه شود، ممکن است سرنوشت او عوض شود و از هدایت به گمراهی کشیده شود و ضربه ای متوجه او شود که جبران پـذیر نباشـد؛ به همین دلیـل، اصـل خیرخواهی و دل سوزی در زمینه مسائـل علمی و آموزشـی اصـلی متقابل و عمومی است و همگان موظفنـد کمال خیرخواهی را در حق همـدیگر داشـته باشـند تا هـدایت و زندگی معنوی افراد دچار آسیب نشود.

۳. وظایف و مسئولیت های دانش پژوه

محور دیگر، در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وظایفی است که بر عهده دانش پژوه گذاشته شده است. آشنایی با این مسـئولیت هـا و نگـاه دوباره به آنها، ارتباط متقابل دانش و اخلاق و علم و فضـیلت را در فرهنگ دینی بهتر آشـکار می کنـد. نخسـتین وظیفـه دانش پژوه، رعـایت فروتنی است. پیـامبر گرامی می فرمایـد: «در پیشـگاه آن که از او فرا می گیریـد، متواضـع باشید»(۱۱۸۵). فروتنی در پیشـگاه اسـتاد گاهی در قالب تکریم و احترام او ظاهر می شود. رسول گرامی می فرماید: «کسـی را که علم از او می آموزید محترم دارید»(۳۱۸۴).

* وظیفه دیگر دانش پژوه، به کار بستن تمام توان برای فراگیری بهتر

ص: ۱۶۴

دانش است. یکی از مهارت های لازم برای دانش پژوه، توانایی در خوب پرسیدن است. خوب پرسیدن هم می تواند به محتوا مربوط شود و هم می تواند با ساختار ارتباط پیدا کند؛ یعنی از مطلب خوب پرسیدن و همین پرسش را به صورت خوب مطرح کردن. جایگاه خوب پرسیدن یا پرسش خوب کردن در فرهنگ دینی بدان اندازه است که حضرت در این زمینه می فرماید: «خوب پرسیدن یک نیمه دانش است»(۱۰۵۷).

شاید منظور این باشد که اگر خوبی آموزگار و استعداد دانش پژوه و شرایط جانبی دیگر از عوامل مؤثر در تحصیل دانش هستند، استفاده از مهارت خوب پرسیدن خود به تنهایی پنجاه درصد در کسب دانش نقش دارد؛ زیرا با طرح یک پرسش خوب، چه بسا دریچه هایی از دانش به روی ذهن دانش پژوه گشوده خواهند شد. اصولاً دانش پژوهی که می کوشد پرسش خوب طرح کند و پیوسته می خواهد از خوب ها بپرسد، همت و توان علمی اش را برای تقویت این مهارت هزینه می کند و غیر مستقیم روز به روز بر اندوخته های علمی اش می افزاید. شاید همین سرّ گفتار رسول گرامی باشد که خوب پرسیدن را نصف علم معرفی کرده است.

* وظیفه دیگر دانش پژوه، تداوم دانش پژوهی و استمرار حرکت علمی خویش است. در فرهنگ دینی، هیچ مقطعی از زمان و مکان را نمی توان از دوران دانش پژوهی استثنا کرد. پیامبر گرامی، برای فهماندن این مهم، در گفتاری می فرماید: «از گهواره تا گور دانش بجویید»(۳۲۷). روشن است که فراگیری دانش از گهواره تا گور که شروع و پایان زندگی انسان است ممکن نیست، ولی این اندیشه که انسان باید در سراسر عمر، در پی دانش

باشـد و مربیـان و معلّمـان و متصـدیان دانش و تربیت، برای پوشـش دادن همه مقاطع عمر انسان بایـد برنامه ریزی دقیق داشـته باشند، از این گفتار حکیمانه نبی اکرم صلی الله علیه و آله فهمیده می شود.

ارزشـمندی فراگیری دانش از مقطع کودکی از این حدیث نبوی اسـتفاده می شود که حضـرت می فرماید: «هر کودکی که در طلب علم و عبادت بزرگ شود، خداوند در قیامت، ثواب هفتاد و دو صدیق به او عطا کند»(۱۰۳۷).

* وظیفه و مسـئولیت دیگر دانش پژوه، توجه به حفظ انـدوخته های علمی است. از آن رو که انتقال آموزه های علمی به نسـل هـا و عصـرهای آینـده، یـک وظیفه است، دانش پژوه بایـد از مهـارت هـای مختلـف برای عمـل به این وظیفه مهم بهره بگیرد. نوشـتن یکی از راه های حفظ علم است. رسول گرامی صـلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «علم را به وسـیله نوشتن در بند کنید»(۲۱۰۵). از این حدیث نبوی فهمیده می شود که دانش بدون نوشتن و حفظ و نگهداری آن از دست رفتنی و گریزان است و نوشتن باعث حفظ آن می شود.

آسیب های اجتماعی _ جامعه دینی

شناخت آسیب ها و آفاتی که جامعه دینی را تهدید می کند، امری ضروری و حیاتی است؛ زیرا مقابله با آنها و پیش گیری از رشد و گسترش آنها آن گاه ممکن است که آگاهی به آنها عمیق و صحیح باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که طبیب روان اجتماع است، بهتر و دقیق تر از هر کس این آسیب ها را شناسایی کرده و راه های مقابله با آنها را تعلیم داده است. نخستین آفت برای هر جامعه، آن است که عقل و تدبیر و درایت بر آن حکومت نکند و در عوض، زمام اداره جامعه به دست سفیهان و نابخردان بیفتد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «هرگاه خداوند برای جمعیتی خیر و نیکی اراده کند، خردمندان آنان را بر آنها فرمانروا قرار دهد و دانشمندان آنان میان آنها قضاوت کنند و دارایی و مال را به دست بخشندگان بدهد و هرگاه برای گروهی بدی اراده کند، نابخردان و سفیهان آنان را بر آنها بگمارد و نادانان بر آنها قضاوت کنند و مال را در دست بخیلان آنان قرار دهد»(۱۵۰).

روشن است که در زمینه تحولات اجتماعی، اراده خداوند از اراده ملّت ها جدا نیست و تا خود آنان خواستار تغییر نباشند، خداوند تحولی برای شان ایجاد نخواهد کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این سخن دو جامعه خوب و بد را معرفی و ویژگی های آن دو را بیان فرموده است تا با

شناسایی این ویژگی ها، مردم آگاهانه برای تشکیل یک جامعه مثبت و خوب اقدام کنند و از نفوذ ویژگی های جامعه بد در اجتماع جلوگیری کنند. رسول گرامی اسلام در گفتاری دیگر، نشانه های جامعه خوب و بد را این گونه به تصویر می کشد: «هرگاه خداوند برای مردمی خیر اراده کند دانایان آنان را زیاد و نادان های آنان را کم کند. در چنین جامعه ای هرگاه دانا سخن گوید، یاورانی می یابد و هرگاه نادان سخن گوید، مغلوب گردد و هرگاه خداوند برای مردم، شر و بدی اراده کند، نادانان هایشان را زیاد و دانایان آنان را کم کند. در چنین جامعه ای هرگاه نادان سخنی گوید، یاری اش کنند و هرگاه دانا سخنی گوید، مغلوب گردد»(۱۶۳).

آسیب دیگری که جامعه دینی از زمامداران متحمل می شود، مربوط به گمراهانی است که زمام اداره امّت اسلام را به دست می گیرند. طبیعی است که هرجا نشانی از گمراهی باشد، از هدایت خبری و نشانی نیست و جامعه محروم از هدایت و گرفتار گمراهی، در معرض هرگونه آسیب مادی و معنوی است. هشدار پیامبر خدا را بنگرید: «من بر امت خویش از انبوه جمعیت غوغای سالاری که آنها را بکشند یا از دشمنانی که امت را پامال کنند بیم ندارم بلکه از پیشوایان گمراه کننده بر امت خویش بیمناکم که اگر امت؛ آنان را اطاعت کنند، فریفته شوند و اگر نافرمانی کنند، کشته شوند»(۵۸۷ _ ۲۲۲۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چگونگی برخورد جامعه دینی با زمامداران خودمحور و پرتوقعی که از امّت انتظار تأیید مطلق دارند، فرموده است: «در آینده پیشوایانی بر شما حکومت می کنند که روزی های شما را در اختیار خود می گیرند و با شما به دروغ سخن می گویند و بدکردار هستند. از شما راضی نمی شوند تا این که شما کار زشت آنان را نیکو شمارید و سخن دروغشان را تصدیق کنید. در چنین شرایطی، اگر این پیشوایان بدکار به حق رضایت دادند، مطابق آن با آنها رفتار کنید، ولی اگر از حق تجاوز

کردند ــ شما نپذیرید و مقاومت کنید ــ و هرکس در این راه کشته شود، شهید است»(۱۷۳۷).

* آسیب دیگری که جامعه دینی را تهدید می کند، پیروی از هوس ها و بلندآرزویی است. رسول گرامی می فرماید: «بر امت خویش بیش از هرچیز از هوس و آرزوی دراز بیم دارم»(۱۱۴). و در گفتاری دیگر می فرماید: «پس از خودم بر امتم از سه چیز بیمناکم: گمراهی هوس ها، پیروی خواهش های شکم و شهوات جنسی و غفلت پس از معرفت».(۱۰۵)

* آسیب دیگری که پیامبر برای جامعه دینی بیان کرده، شکم پرستی و شکم بارگی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بر امّت خویش بیشتر از هر چیز از شکم پرستی و پر خوابی و کسالت و کمی یقین بیمناکم»(۱۰۹). و در حدیثی دیگر می فرماید: «پس از خودم بر امتم از سه چیز بیم دارم: ۱. گمراهی هوس ها ۲. پیروی خواهش های شکم و شهوات جنسی ۳. غفلت پس از معرفت»(۱۰۵). و در حدیثی دیگر می فرماید: «یک نیمه از قبرها که برای امت من حفر می شود، از چشم بد و پرخوری است»(۱۰۵).

* آسیب دیگر جامعه دینی، از راه شهوات جنسی و نیز انحراف های جنسی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری، پیروی از شهوات جنسی را از اموری می داند که نسبت به آنها بر امّت بیمناک است»(۱۰۵). و در حدیثی دیگر پی آمد منفی برخی از آفتات و آسیب های اجتماعی را بیان فرموده و درباره آفت بی عفتی می فرماید: «در هیچ گروه و جمعیتی، بی عفتی و انحرافات جنسی رواج نیابد؛ مگر آنکه مرگ ناگهانی میان آنان زیاد شود»(۱۴۵۷ ــ ۲۶۱۱). در سخنی دیگر، انحراف جنسی و آمیزش های نامشروع را آفتی دیگر برای امت معرفی کرده است.(۵۸۸)

* آسیب دیگر جامعه دینی، بی رونق شدن ایمان و مظاهر آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آسیب را ضعف یقین می نامد و می فرماید: «بر امت خویش بیم ندارم مگر از ضعف یقین»(۲۶۱۱). در گفتاری که ذکر آن رفت می فرماید: «بر امت خویش بیشتر از هر چیز از شکم پرستی و پرخوابی و کسالت و ضعف یقین ــ بی ایمانی ــ بیمناکم».(۱۰۹)

* آسیب دیگر جامعه دینی، بلندآرزویی است. از سخنان پیامبر خدا در این زمینه فهمیده می شود که منظور، بلندآرزویی در امور دنیایی است که نتیجه اش غفلت از آخرت و سرای جاودان است. به این حدیث بنگرید: «از اهمال و تأخیر انداختن بدون دلیل کارها و بلند آرزویی بپرهیزید که مایه هلاکت امّت ها بوده است»(۹۸۵). در گفتاری دیگر می فرماید: «بر امّت خویش پیش از هرچیز از هوس و آرزوی دراز بیم دارم». در سخنی (۱۱۴) دیگر می فرماید: «گذشتگان این امت با یقین و زهد نجات یابند و آیندگانش با بخل و آرزو هلاک شوند»(۳۱۲۱).

نتیجه بلندآرزویی، گاهی به صورت حرص و طمع خود را نشان می دهد که هر دو از آفات جامعه اند. رسول گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: «از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند. حرص آنها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند و به بریدن از خویشاوندان وادار کرد و از خویشاوندان بریدند و آنها را به بدی فرمان داد و آنان نیز بدکار شدند»(۹۹۲). بلندآرزویی و حرص و طمع، زمینه را برای افزون خواهی فراهم می کنند و زیاده خواهی، خود از آفات جامعه دینی است. به این حدیث نبوی توجه کنید: «از فقر بر شما نمی ترسم بلکه از اینکه افزون طلب و زیاده خواه شوید و به کثرت اموال تفاخر کنید، بر شما بیمناکم»(۲۶۱۲). و در سخنی دیگر می فرماید: «هر امتی را فتنه و آزمایشی است و فتنه امت من مال

است»(۸۸۶). بی گمـان، منظور رسول گرامی، مـال دوستی و خودمحوری در هزینه کردن دارایی و سـرمایه و غفلت از جـامعه است. بر این اساس، در گفتاری دیگر می فرماید: «این دینار و درهم، پیشـینیان شـما را هلاک کرد و شما را نیز هلاک خواهد کرد»(۹۳۲).

روشن است که مـال را می توان هماننـد ابزار مؤثری برای سـعادت و نیـک بختی جـامعه به کـار برد؛ چنـانچه پیامبر گرامی در حـدیثی می فرمایـد: «مال برای دست یابی به تقوا و پرهیزکاری خدا نیکو یاوری است»(۳۱۳۶). در فرهنگ دینی، همه کرامت هـا و بزرگواری هـای روحی در پرتو تقوا دست یـافتنی است و اگر مال، انسان را به تقوا برسانـد، بی گمان، آفت جامعه دینی نیست، بلکه ابزار سـعادت و سـربلندی است. چنین مالی نه تنها آفت نیست، آن چنان ارزشـمند است که اگر کسی در راه دفاع از آن کشته شـود، مقـامش این گـونه است که رسـول گرامی می فرمایـد: «هر کس در راه دفـاع از مـالش کشـته شود، شـهید است»(۲۸۲۰). نتیجه سخن، این است که آن مال دوستی که انسان را در محدوده خودخواهی و خودمحوری و فراموشی جامعه نگه می دارد، در انـدیشه نبوی، آفـتی بزرگ و مؤثر است. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در گفتـاری این آفت را این چنین تصـویر می کنــد: «دو گرگ گرســنه در آغــل برای گوســفندان، خطرنـاک تر از حبّ جـاه و مـال برای دیـن مرد مســلمان نیست»(۲۵۶۵).

* آسـیب دیگر جامعه دینی، رعایت نکردن حلال و حرام در کسب و دارایی است. رسول خدا صـلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «روزگاری بر مردم می آید که مرد اهمیت نمی دهد که مال چگونه به دست آورد؛ از حلال یا از حرام»(۲۳۶۴).

البته تحصیل مال از راه های حرام، پی آمدهای سختی در دنیا و آخرت

ص: ۱۷۱

خواهد داشت و چنین مالی برکت نخواهد داشت و به اصطلاح، بادآورده را باد خواهد بُرد. رسول گرامی اسلام، این حقیقت را این گونه بیان فرموده است: «هرکس مال از حرام به دست آورد، در حوادث سخت از دست خواهد داد»(۲۸۷۶). گذشته از این کیفر دنیایی، در آخرت هم برای کسی که از راه حرام به مال دست می یابد، کیفر سخت مقرر شده است. به این حدیث از پیامبر خدا بنگرید: «دنیا شیرین و دوست داشتنی است. هرکس در دنیا مالی از حلال به دست آورد و به حق خرج کند، خدایش پاداش دهد و او را داخل بهشت کند و هرکس مالی از غیر حلال به دست آورد و به ناحق خرج کند، خداوند او را به جهنم درآورد»(۱۵۹۶). از نمونه های آشکار رعایت نکردن حلال و حرام در کسب دارایی، مسئله رباست که از آفات اقتصادی جامعه به شمار می رود. گسترش رباخواری و نفوذ آن در میان همه افراد جامعه، از مسائلی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش بینی کرده و در گفتاری چنین فرموده است: «زمانی بر مردم خواهد آمد که هیچ کس نیست، مگر آنکه ربا خورد و اگر نخورد غبار آن به او رسد»(۲۳۶۵).

وقتی در جامعه ارتباطات مالی برقرار شود و به صورت شبکه و حلقه های زنجیر تعاملات اقتصادی صورت پذیرد، اگر یک حلقه آلوده به ربا شود، حلقه های دیگر نیز آلوده خواهند شد؛ هر چند میزان آلودگی متفاوت باشد که پیامبر آن را به غبار تعبیر کرده است.

* آسیب دیگر جامعه دینی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، دروغ محور شدن جامعه است. در جامعه دروغ محور، آن که حاکم است، دروغ گو است و آنچه حکومت می کند، دروغ است و آنچه محکوم است، صداقت و راستی است و آن که محکوم است راست گو است. اگر مسیر حرکت جامعه به

گونه ای باشد که همگان درصدد تصدیق دروغ و دروغ گو و تکذیب راستی و راست گو باشند، هیچ محیط قابل اعتمادی وجود نخواهد داشت؛ زیرا در پشت هر گفتار و کرداری و در پشت هر صحنه ای، امکان دروغ وجود دارد. رسول گرامی اسلام می فرماید: «زمانی بر مردم خواهد آمد که راست گو را تکذیب کنند و دروغ گو را تصدیق کنند»(۲۳۶۶). آفت یک جامعه دینی چیزی است که آن را از مسیر سعادت راستین منحرف کند و سعادت راستین جز در پرتو بندگی خالصانه برای خداوند متعال ـ که نتیجه اش پاداش های اخروی و رضایت او و دست یابی به بهشت است ـ دست یافتنی نیست. دروغ نیز آفتی است که درهای بهشت را به روی جامعه و فرد می بندد و درهای دوزخ را می گشاید. به این حدیث از پیامبر خدا بنگریم: «بر شما باد به راستی که دری از درهای بهشت است و از دروغ گویی بپرهیزید که از درهای دوزخ است»(۹۹۹ ـ ۱۹۷۸). آفت بودن دروغ در سخنی دیگر از پیامبر اکرم این گونه تبیین شده است: «راستی، مایه آرامش و دروغ، مایه تشویش است»(۱۸۶۴).

رسول خدا در گفتاری دیگر، آفت بودن دروغ را این گونه بیان فرموده است: «راستی کنید؛ اگرچه بپندارید که مایه هلاکت است زیرا که راستی مایه نجات است و از دروغ بپرهیزید اگرچه بپندارید مایه نجات است، زیرا که دروغ مایه هلاکت است»(۱۱۲۷).

* آسیب دیگر جامعه دینی، دین فروشی و دنیاگرایی است. این آسیب می تواند بستر مناسبی برای آفت های فراوانی باشد؛ زیرا اگر دین بر جامعه حکومت نکند و مردم بر محور دین حرکت نکنند، پای بندی به هیچ فضیلت اخلاقی در حدّ عالی قابل تصور نیست و ممکن است، هرکس با نوعی

ص: ۱۷۳

توجیه به راحتی دین را به بهای انـدک بفروشد تا بتواند به دنیا دست یابد. سـخن رسول گرامی اسـلام در این باره چنین است: «پس از من، امتم را فتنه ها فرا خواهد گرفت چون پاره های شب تاریک که در چنین شرایطی مرد صبحگاهان با ایمان است و شبانگـاه کـافر می گردد و در چنین شـرایطی گروه هـایی دین خود را به متـاع نـاچیز دنیا می فروشـند»(۲۴۱۹). شایـد در چنین شرایطی است که نگهـداری دین آن چنان دشوار است که رسول خدا می فرماید: «روزگاری بر مردم بیاید که هرکس بخواهد دین خود را نگهدارد، چنان باشد که آتش به دست گرفته باشد»(۳۲۰۵). و شاید در چنین موقعیتی است که انسان با ایمان آن چنان در جامعه تحقیر می شود که رسول خـدا می فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که انسان با ایمان در آن روزگار از بز خود خوارتر باشد»(۳۲۰۶). برای مقابله با این آفت، باید جایگاه حقیقی دین شـناسایی شود؛ زیرا انسان به میزان ارزشـمندی یک چیز و آگاهی ای که درباره آن دارد، برای آن سـرمایه گذاری و هزینه می کند. دین نیز باید برای انسان شناسایی شود تا آگاهانه در راهش هزینه کنـد و با آفات آن مقابله کند. رسول خدا صـلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «هرکس که در راه دفاع از دینش کشته شود، شهید شده است»(۲۸۷۱).

مصـادیق دیگری که به گونه ای آسـیب پـذیری جـامعه از راه بی اعتنایی به دین محسوب می شود، در سـخنان رسول گرامی، آفت های دین مطرح شـده است. حضـرت در سـخنی، زمامـداران بد را آفت دین معرفی کرده و فرموده است: «هرچیزی آفتی دارد و آفت دین، زمامداران بد هستند»(۲۲۵۵). شاید این زمامداران بد کسانی باشند که نزدیکی به آنها نه تنها پی آمد مثبتی ندارد، بلکه تأثیر منفی و مخرّب نیز بر دین انسان دارد. چنانچه رسول خدا

می فرمایـد: «کسانی از امت من در دین آگاهی پیدا می کنند و قرآن می خوانند، ولی می گویند: ما نزد حاکمان و زمامداران می رویـم و از دنیـای آنهـا بهره می گیریـم، ولی دیـن خـود را از آنـان دور نگـه می داریم که آسـیب نبینـد، ولی چنین چیزی نخواهـد شـد؛ زیرا همان طور که از درخت فتاد جز خار نمی توان چیـد، از نزدیکی به زمامـداران بی دین جز گناهان بهره ای نتوان گرفت»(۸۳۸).

آفت دیگری که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله برای دین معرفی کرده، حسـادت و کینه ورزی است. آفت بودن این دو چیز برای دین، امری روشن است؛ زیرا پیام دین، دوستی و صـمیمیّت با انسان ها و بندگان خداوند است و هر چیزی که این پیام را از بین بـبرد، آفت دین است؛ همـان گـونه که رسـول گرامی فرمـوده است: «بیمـاری امت هـای قبـل در شـما نفوذ کرده است. حسادت و کینه ورزی که از میان برنـده دین است، نه از میان برنـده مو. سوگنـد به خـدایی که جان محمّد به دست اوست، به بهشت نمی رویـد مگر ایمان بیاوریـد و ایمان نیاوریـد مگر همـدیگر را دوست بداریـد. آیا می خواهید شـما را از کاری آگاه سـازم کـه اگر انجـام دهیـد، مـایه دوسـتی شـما نسبت به یکـدیگر می شـود؟ به همـدیگر سـلام کنیـد و آن را در میـان خـود بگسترانید»(۱۵۵۵). رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در سـخنی دیگر در معرفی یکی از آفـات دین می فرمایـد: «هوا آفت دین است»(۱). و نیز در گفتـاری دیگر سـه چیز را آفت دیـن دانسـته و فرمـوده اسـت: «آفت دین سه چیز است: ۱. دانای بـدکار ۲. پیشوای ستم کار ۳. مجتهد نادان»(۴).

از مجموع سـخنان پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فهمیـده می شود که هرچه بـا روح دین مخالف باشـد، آفت دین است؛ هر چند در قالب دین و تحت پوشـش دین خودنمایی کند. چون عدالت و آگاهی و کار نیک و پیروی از حق و حاکمیت دوستی و صمیمیّت از پیام های اصلی دین است، آنچه این پیام ها

ص: ۱۷۵

را نادیده بگیرد، آفت دین است، همان گونه که در اندیشه والای نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشاهده کردیم.

* آفت دیگر جامعه دینی، بی اعتنایی به پاکیزگی و بهداشت است. حقیقت دین، زیباسازی روح و روان، در پرتو بندگی خالصانه است و جسم و تن ابزار روح است و هر دو در یکدیگر اثر گذار و از یکدیگر اثرپذیر هستند. زیبایی جسم و پاکیزگی و بهداشت ظاهر، بر زیبایی و بهداشت روح و روان اثر می گذارد. گذشته از این پی آمد که در زندگی شخصی هر فردی خود را نشان می دهد، پای بندی به پاکیزگی و بهداشت در زندگی اجتماعی نیز دارای تأثیر است. پیش گیری از برخی از انحرافات اخلاقی به ویژه در امور جنسی که آفتی بزرگ برای جامعه دینی است، در پرتو پای بندی به پاکیزگی و بهداشت ممکن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حقیقت را این گونه بیان می فرماید: «لباس های خود را بشویید و موهای خود را کوتاه کنید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید؛ زیرا بنی اسرائیل ـ برخی از یهودیان ـ چنین نکردند در نتیجه زنان آنها زناکار شدند»(۳۷۷).

* آفت دیگری که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آن هشدار داده است، شراب خواری است. حضرت در حدیثی می فرماید: «از هیچ فتنه ای که خطرناک تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم»(۲۶۱۱).

راز خطرناک بودن این آفت برای جامعه دینی، نقش مخرّب و ویرانگری است که شراب دارد. همان گونه که در معارف دینی مطرح شده و پیامبر گرامی نیز به آن تصریح کرده است: «همه گناهان را در خانه ای نهاده و کلید آن را در شراب خواری قرار داده اند»(۱۳۰۷). توضیح این سخن آن است که: خداوند برای

معاصی و شرور، قفل هایی قرار داده است و باب دروغ و شر و معصیت خدا بسته شده است و قفل آن عقول انسانی است. اگر کسی هتّاکی و سفّاکی کند و خانه کسی را خراب کند، هر عاقلی به او می گوید چرا این کار را می کنی؟ عقل او نیز به او می گوید چرا این کار را می کنی؟ بنابراین، عقل ها همه مانع معصیت هستند ولی کلید همه این قفل ها که به در معاصی زده شده است، شراب است؛ زیرا عقل انسان شراب خوار زایل می شود. عقل که زایل شد، در برابر معاصی و شرور مانعی نیست. پس شراب، کلید همه قفل هاست؛ یعنی همه قفل هایی را که به روی بدی ها زده شده است، می گشاید و شراب خوار هر معصیت و خراب کاری را مرتکب می شود.(۱) در سخنی دیگر رسول گرامی می فرماید: «از شراب بپرهیزید که کلید همه بدی هاست»(۵۹).

* آسیب دیگری که جامعه را تهدید می کند و قداست و عظمت یک جامعه را از بین می برد، بی اعتنایی به حقوق افراد ضعیف و ناتوان آن جامعه است. حیات معنوی هر اجتماعی، در گرو احقاق حق و احیای عدالت و مبارزه با باطل و بی عدالتی است. هر اندازه که به این اصل بی مهری شود، جامعه انسانی نیز از حیات معنوی و قداست و کرامت بی بهره می شود و این از آفاتی است که هر اجتماع و نیز جامعه دینی را تهدید می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «خداوند ملّتی را که حق ضعیفان خود را نمی دهد، تقدیس نمی کند»(۷۱۸). پای بندی به حق، اصلی است فراگیر که از تبعیض در

۱- ۱. آیت اللّه بهاءالدینی رحمه الله، سلوک معنوی، ص ۱۲۶.

آن در فرهنگ دینی به شـدت نهی شـده است. هرکسـی با هر عقیـده ای و از هر نژادی و در هر موقعیتی باید از حق خود بهره مند باشد و به حق دیگران نیز پای بند و ملتزم باشد. ارزشـمندی حق گویی در هر شرایطی آن چنان است که پیامبر گرامی می فرماید: «پرهیزکارترین مردم آن است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید»(۴۳). و در حدیثی دیگر می فرماید: «حق را بگو اگرچه تلخ باشد»(۲۱۰۱). یکی از آفاتی که مانع حق محوری انسان می شود، ترس از ارزیابی دیگران است. رسول گرامی در این بـاره می فرمایـد: «ترس مردم، شـما را از رعـایت حقی که می دانیـد، بـاز نـدارد»(۲۴۸۸). هر چنـد از نظر ظـاهر، حق مـایه خواری باشـد، در حقیقت، حق محوری به عزتمنـدی نزدیـک تر است تا باطل محوری. رسول گرامی این حقیقت را این چنین بیان فرموده است: «کسی که در مقابل حق خوار شود، عزیزتر از آن است که به وسیله باطل عزت بجوید»(۱۲۰۴).

مُردگان

هرچنـد منظور اصـلی از جامعه و زنـدگی اجتماعی، روابط میان زنـدگان است، مردگان در هر جامعه ای زنده های دیروزند و هرکـدام، روزی در همین جامعه زنـده بوده اند و امروز هرچند حضور فیزیکی ندارند، از چند نظر حاضـرند و باید حقوق آنها محترم شـمرده شود. نخست اینکه بـا مردن افراد هرچنـد برخی از اختیارات و حقوق آنها ساقط می شود، برخی دیگر از حقوق آنها هم چنان برقرار و محترم است. دیگر اینکه بسـتگان هر شخص مرده به اعتبار ارتباطی که با او دارند، دارای حقوقی هستند که از نظر اجتماعی و دینی بایـد به دیده احترام به آنها نگاه شود. دین اسـلام که جامع ترین و آخرین آیین توحیدی است، در این زمینه نیز دستورهای زنده و سازنده دارد.

نخستین وظیفه در این زمینه آن است که از بدگویی درباره او خودداری شود؛ زیرا هرچند جسم فرد در زیر خاک پنهان است، آبروی او مانـدگار و زنده است و باید محترم شـمرده شود. رسول گرامی اسـلام می فرماید: «هرگاه دوست و رفیقی از شـما از دنیا رفت، در حریم او وارد نشویـد و از او بـدگویی نکنید»(۲۴۱). در گفتاری دیگر می فرمایـد: «مردگان را دشـنام مدهید که آنها به اعمالی که از پیش

فرستاده اند، رسیده اند».

همان گونه(۲۴۵۶) که گفته شد، به دلیل روابط معنوی حاکم میان مردگان و زنده ها، گاه یک برخورد با مرده بر زندگی زنده تأثیر می گذارد. این موضوع به ویژه در زمینه مسائل آبرویی بیشتر مشهود است. هیچ کس نمی پسندد که پس از مرگ فردی از بستگانش درباره او بدگویی بشنود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ظرافت تمام این حقیقت را این گونه تبیین فرموده است: «مردگان را دشنام مدهید که زندگان آزرده شوند»(۲۴۵۷).

بزرگواری اخلاق اقتضا می کند که نه تنها نسبت به مردگان بدگویی صورت نگیرد، جز خوبی درباره آنها گفته نشود. رسول گرامی که خود برای تکمیل بزرگواری های اخلاقی مبعوث شده است، در این زمینه می فرماید: «نیکی های مردگان خود را یاد کنید و از بدی هایشان چشم بپوشید»(۲۴۹). در جمله ای دیگر این گونه می فرماید: «زبان خود را از بدگویی مسلمانان باز دارید و اگر کسی از آنان مُرد، درباره او به نیکی سخن بگویید»(۲۶۴).

نکته دیگر در ارتباط با مردگان، شرکت در مراسم تجهیز و مقدمات به خاک سپاری آنان است. این کار گذشته از تمرین برای آمادگی بهتر برای چنین سفری، برای انسان لطافت روحی و تحول سازنده و مثبت را به دنبال دارد. رسول گرامی که در آموزه های الهی اش به جسم و جان و دنیا و آخرت امّت توجه کرده است، در این زمینه می فرماید: «قبرها را زیارت کن تا آخرت را یادآور شوی و مردگان را غُسل بده؛ زیرا زیر و رو کردن جسد بی حرکت، موعظه ای کامل است. بر مردگان نماز گزار شاید بدین وسیله غمگین شوی؛ زیرا شخص غمگین روز رستاخیز در سایه خدا در معرض همه نیکی هاست»(۱۷۰۱). در گفتاری دیگر

چنین فرموده است: «به زیارت قبرها روید که آخرت را به یاد شما می آورد»(۱۷۰۷).

ص: ۱۸۱

فرهنگ برخورد با گرفتاران

در زنـدگی اجتماعی همه افراد از شـرایط یکسان زندگی برخوردار نیسـتند. در این میان، برخی به علل مختلفی دچار گرفتاری ها و مشـکلات و هسـتند. برخورد با هر فردی به دلیل شـرایط ویژه او، نیازمند ظرافت و موقعیت شناسی است. نخستین نکته در برخورد با گرفتاران، تغییر نگرش به آنان است. به ویژه در گرفتاری های ناخواسـته بایـد با دید توحیدی به آنها نگریسـته شود. رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید: «وقتی دیدید خداوند فقر و مرض را بر بنده ای فرود آورد، می خواهد او را تصـفیه کند»(۲۱۱).

نکته دیگر این است که حریم انسان های گرفتار باید محترم شـمرده شود و از هر گونه زخم زبان و طعنه که مایه دل آزردگی آنها می شود، خودداری گردد؛ زیرا زنـدگی دنیا محل پیدایش حوادث رنگارنگ است و ممکن است همین صـحنه ای را که امروز انسـان آن را تماشـا می کنـد و زبـان به طعن می گشایـد، فردا خود به آن مبتلاـ شود. بر این اساس است که رسول خـدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «بلا به سـخن وابسـته است. اگر کسـی دیگری را به شـیر خوردن از سـگی سـرزنش کند خود نیز از آن سگ شـیر خواهد خورد»(۱۱۱۵). این گفتار رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هشداری است که انسان ها با دقت و مراقبت بیشتری در

ص: ۱۸۲

این زمینه برخورد کنند و هیچ گاه آن چنان به خود اعتماد نداشته باشند که بپندارند همیشه در شرایط طبیعی و مطلوب و دور از گرفتاری ها و مشکلات به سر خواهند برد، بلکه پیوسته باید با توکل بر خدا و اعتماد به او، خود را به دستش بسپارند. رسول گرامی اسلام در این باره چنین هشدار می دهد: «بلا به سخن وابسته است. وقتی بنده ای می گوید: «به خدا هرگز این کار را نمی کنم،» شیطان همه کارها را بگذارد و سخت دل بستگی کند تا آن شخص را به گناه وادارد»(۱۱۱۴). گرفتاری هایی که بر اثر گناهان برای افراد پیدا می شوند نیز از این قانون مستثنا نیستند و انسان پیوسته باید خود را در معرض گرفتاری و آسیب پذیری بداند و با توکل به حق و با تلاش و انجام وظیفه، در برابر چنین گرفتاری هایی موضع گیری کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «هرگاه اهل بلا را دیدید از خداوند طلب عافیت کنید»(۲۱۰). نکته دیگر در زمینه چگونگی ارتباط با گرفتاران و مبتلایان استفاده از فرصت است؛ زیرا در انسان های گرفتار به دلیل درگیری با مشکلات و سختی ها، حالت رقّت قلب و توجه به خدا مشاهده می شود. به همین دلیل، ارتباط روحی آنان با خدا راحت تر از دیگران است و بر این اساس، دعای آنان مؤثرتر خواهد بود. از همین رواست که رسول گرامی اسلام در سخنی می فرماید: «دعای مؤمن مبتلا را غنیمت بشمارید»(۳۷۴).

رمز غنیمت شمردن دعای مبتلا ـ که بیمار هم نمونه ای از انسان مبتلاست ـ را رسول خدا در حدیثی دیگر چنین بیان می کند: «بیماران را عیادت کنید و از آنان بخواهید که برای شما دعا کنند؛ چون دعای بیمار مستجاب و گناه او آمرزیده است»(۱۹۹۲).

البته درباره مجلس عیادت از بیمار باید به همه جوانب دقت شود که رعایت حال بیمار یکی از آنهاست؛ به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «از همه عبادت ها با فضیلت تر و با ارج تر آن است که از پیش بیمار زود برخیزی»(۴۱۲). نکته دیگر که در ارتباط با گرفتاران و بیماران مطرح است، بهره گرفتن از ابزار معنوی صدقه برای دست یابی به بهبود و رفع گرفتاری هاست و نیز استفاده از سلاح دعا برای مقابله با بلا و گرفتاری و پایداری در صحنه های امتحان است. رسول گرامی اسلام در این رابطه می فرماید: «اموال خود را به وسیله زکات نگهداری کنید و بیماران خود را با صدقه درمان کنید و برای مقابله با بلا، خود را به دعا مجهز کنید»(۱۳۸۴).

ص: ۱۸۴

حق محوری

یکی از آموزه های اساسی و محوری در آیین اسلام، التزام به حق و پای بندی به آن در همه شئون زندگی است. حق می تواند دارای مراتب و مصادیق بسیاری باشد. از توحید و معارف بلند دینی تا حقوق متعارف و رایج میان انسان ها همه در عنوان حق مشترک هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ـ که از سوی حق مطلق برای اقامه حق و دعوت همگان به حق و تنظیم شئون زندگی فردی و اجتماعی بر محور حق مبعوث گشته است ـ در سخنان متعددی، این موضوع حیاتی را با تعبیرهای مختلفی مطرح کرده است.

نخستین نکته در این زمینه، ارزشمندی حق گویی و حق محوری است که نوعی زیبایی معنوی به شمار می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «زیبایی، درستی گفتار مطابق با حق است و کمال، نیکی رفتار مطابق با راستی است»(۱۳۲۴).

نکته دیگر، پای بندی به حق در همه حالات و شرایط است. این چنین نیست که بتوان از حق استفاده ابزاری کرد و هر کجا با مصلحت اندیشی ما مطابق بود، آن را اظهار کنیم و هر کجا احساس ضرر و خطر کردیم، آن را

کنار بگذاریم. پای بندی به حق، آن چنان مهم و ارزشمند است که می تواند معیاری برای ارزیابی تقوای انسان به شمار آید.

رسول گرامی در سخنی می فرماید: «با تقواترین مردم کسی است که حق گو باشد؛ خواه به سود او باشد یا به زیان او»(۴۳). گاهی ترس از دیگران مانع حق محور بودن انسان می شود که این هم از نظر اسلام، ناپسند و غیرمنطقی است. به این جمله از پیامبر بنگرید: «ترس از مردم شما را از قیام به حقی که می دانید، باز ندارد»(۴۷۷، ۲۴۸۸).

آفت دیگری که ممکن است حق محور بودن را تهدید کند، خشم و غضب است. انسان ها در این حالت از عقل و تدبیر در اقدام هایشان کمتر بهره می گیرند و چه بسا برای فرونشاندن خشم خود حق را زیرپا بگذارند. رسول گرامی می فرماید: «سه چیز است که در هر کس باشد، صفات ایمان در او کامل است آنکه وقتی خشنود شد، به باطل نگراید و وقتی خشمگین شد، از حق تجاوز نکند و وقتی قدرت یافت، به آنچه برای او نیست دست نیازد»(۱۲۷۵).

البته حق گویی و حق محور بودن گاهی در ظاهر به زیان انسان است و برای ذایقه انسان شیرین نیست. تلخی حق گویی می تواند یکی دیگر از آفات آن باشد. به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حق را بگو اگرچه تلخ باشد»(۲۱۰۱). اگر انسان شیرینی معنوی حق محور بودن را بداند و بیابد، راحت تر و سریع تر به آن پای بند می شود؛ زیرا خواری در برابر حق، چیزی جز عزت و سربلندی نیست و در برابر، عزت در پرتو باطل، جز خواری نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که در مقابل حق خوار شود، عزیزتر از آن است که به باطل عزت جوید»(۱۲۰۴).

نکتـه دیگری که در موضـوع حـق محـوری مطرح است، حـق پـذیری انسـان از همه افراد است؛ زیرا حـق، موضـوعی است که تبعیض در آن راه نـدارد و بایـد از هرکس و هر نژاد و در هر فرهنـگ و شـرایط زمـانی و مکـانی محـترم شـمرده شـود. رسول گرامی اسـلام در این باره می فرمایـد: «حق را از همه کس بپـذیر از کوچک و بزرگ، اگرچه دشـمن و بیگانه باشد و ناحق و باطل را رد کن و نپذیر از کوچک و بزرگ، اگرچه دوست و نزدیک باشد»(۴۲۸).

نکته دیگری که در موضوع حق محوری مطرح است، جایگـاه آن در جـامعه و روابـط اجتمـاعی و تأثیر آن در معنویت اجتماع است. رسول گرامی اسـلام، رمز قداست امت ها را احقاق حق ضـعیفان جامعه می داند و در سخنی می فرماید: «خداوند، ملتی را که حق ضعیفان خود را نمی دهند، تقدیس نمی کند»(۷۱۹).

ص: ۱۸۷

مستمندان و مستضعفان

تهی دستان و مستمندان در فرهنگ اسلامی، جایگاه ویژه و ممتازی دارند. درباره رسیدگی به آنان و مراعات شرایط زندگی آنها تأکید و سفارش بسیار شده است. وضعیت معیشتی آنان و نوع زندگی آنها برای دیگر افراد جامعه به ویژه ثروتمندان یک آزمایش الهی است. در حقیقت، خداوند حقوق قطعی مستمندان را در زندگی و سرمایه های ثروتمندان قرار داده است تا آشکار شود که آنها در میدان زندگی و صحنه امتحان چگونه رفتار می کنند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، به پیروی از قرآن کریم، در این زمینه توصیه های فراوانی کرده است که محور همه توصیه ها، برقراری یک رابطه صمیمی و دوستانه با مستمندان و تهی دستان است. حضرت در حدیثی می فرماید: «با فقیران دوستی کنید _ با کمک کردن به آنها برای خود جایگاهی نزد آنان درست کنید _ زیرا در روز قیامت دولتی بزرگ دارند»(۲۹). هرچند کارهایی را که هدف از آنها تقرب به خداوند متعال و دست یافتن به رضایت اوست؛ با معادلات دنیایی و توجیهات مادی و اقتصادی نمی توان ارزیابی کرد. حتی اگر انسان به دنبال پاداش فراوان اخروی و سود نامتناهی در جهان دیگر است، باز هم کمک کردن به فقیران از راهکارهای اصلی آن است؛ زیرا آن

که در قیامت صاحب دولت و قدرت است، در آن روز می تواند پاسخ گوی احسان های امروز دنیا باشد.

ارزشمندی و اهمیت دوستی با فقیران و مستمندان به اندازه ای است که کلید بزرگ ترین نعمت پروردگار بر انسان ها؛ یعنی بهشت، با این دوستی به انسان واگذار می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر چیزی را کلیدی است و کلید بهشت، دوستی مستمندان و فقیران است»(۲۲۶۲).

نکته دیگر در ارتباط با مستمندان و تهی دستان، تواضع است که رمز رهایی از کبر و خودبزرگ بینی است. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید: «فروتنی کنید و با فقیران و بیچارگان هم نشین شوید تا در پیشگاه خدا بزرگ محسوب شوید و از کبر و خودبزرگ بینی رها گردید»(۱۱۸۶). در سخنی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هم نشینی با فقیران از نشانه های فروتنی است»(۱۳۲۲).

نکته دیگر در ارتباط با تهی دستان و فقیران، نا امید نکردن آنهاست. هرچند انسان در برخی از شرایط آمادگی کمک به آنان را به نحو مطلوب و پسندیده ندارد، ولی از آنجا که کمک به آنان بسیار دارای ارزش و اهمیت است، شایسته است که در هیچ شرایطی دست ردّ بر سینه آنها نگذارد. پیامبر رحمت می فرماید: «هرگاه فقیری از شما چیزی درخواست کرد چیزی در دستش قرار دهید اگرچه یک قطعه سُم سوخته باشد»(۱۳۱). و در سخنی دیگر می فرماید: «چیزی به سائل بدهید اگرچه نصف خرما باشد»(۲۴۴۸).

اهمیت کمک کردن به سائل به اندازه ای است که رسول گرامی می فرماید: «به گدا چیزی بده اگرچه سوار بر اسب به نزد تو آمده باشد»(۳۴۷، ۲۲۶۸). کمک کردن به فقیران و مستمندان می تواند مصادیق مختلفی داشته باشد که

خوراندن غذا به آنها یکی از نمونه های روشن است. ارزشمندی این کار را رسول گرامی در حدیثی این گونه بیان می فرماید: «غذا دادن به مسلمان گرسنه از عوامل دست یابی به آمرزش الهی است»(۳۰۳۵). در سخنی دیگر می فرماید: «برترین کارها آن است که گرسنه ای را سیر کنی»(۴۰۳). حضرت در گفتاری دیگر در زمینه ارزشمندی اطعام به مسکین می فرماید: «سه نفر روز قیامت، هنگامی که سایه ای جز سایه عرش نیست در سایه آن جای دارند... سومین نفر کسی است که غذایی تهیه کند و به مهمان خود بخوراند و پذیرایی او را کامل کند، آن گاه یتیم و مسکین را بر آن غذا بخواند و آنها را برای رضای خدا غذا دهد»(۱۲۲۰).

نکته دیگر در مورد مستمندان و فقیران، رعایت انصاف و عدالت در حق آنان است؛ زیرا در چنین شرایطی، انسان باید خود را فقیر و مستمندی تصور کند که نیازمند کمک است و باید همان گونه که دوست دارد با او رفتار شود، با فقیر و مستمند رفتار کند. رسول گرامی این حقیقت را این گونه بیان می فرماید: «آنچه خودتان نمی خورید، به مستمندان نخورانید»(۲۴۶۵). نکته پایانی در این بخش این است که نگاه انسان باید به فقیر و نیازمند، یک نگاه توحیدی باشد و درخواست فقیر را مصیبت و بدشانسی نداند، بلکه این گونه که رسول خدا می فرماید، به آن بنگرد: «درخواست کننده ای که بر در انسان با ایمان می آید، هدیه خدا برای اوست».(۳۱۶۴)

وجدان کاری _ کار و تلاش

دین اسلام، دینی پویا و بالنده است که پیروان خویش را به تلاش و نشاط و تحرک و فعالیت فرا می خواند. مسلمان نمی تواند بی تحرک، خمود، گوشه نشین و افسرده باشد. اولیای دین و پیشوایان معصوم، به ویژه رسول گرامی اسلام در همه عمر خویش، با تلاش، جدیت و نشاط به وظایف الهی خود عمل کردند تا پیروان آیین آسمانی اسلام، با الگو قرار دادن آنها، مسیر صحیح زندگی را هرچه بهتر بپیمایند.

کار و تلاش در آموزه های نورانی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله ، جایگاهی ویژه دارد. نخستین نکته در این زمینه، ضرورت به کار گرفتن تمام تلاش و کوشش است. به این حدیث بنگرید: «بهترین مردم آن است که همه کوشش خود را به کار می برد»(۴۱۷). چنانچه ملاحظه شد، وظیفه اصلی هرکس، به کار گرفتن تلاش است که نیازمند همت عالی است، ولی اینکه انسان در میدان عمل چقدر موفق می شود، سخن دیگری است. انسان مأمور است که تلاش خود را به کار گیرد و در حد توان بکوشد. رسول خدا در سخنی دیگر می فرماید: «خداوند کوشش را بر شما مقرّر کرده است. پس بکوشید»(۷۰۹).

ص: ۱۹۱

هرچنـد توان انسان محـدود است و در عرصه عمل نمی توانـد به آنچه می خواهـد، دست یابد، آرزوی او محدود نیست و می توانـد آنچه را نمی تواند انجام دهد، آرزو کند. این کار باعث می شود که همواره انگیزه تلاش و کوشـش در او زنده بماند و برای رسیدن به آرزوهایش هرچه بیشتر بکوشد و روحیه کار و فعالیت را در خود بالنده نگاه دارد. پیامبر گرامی این واقعیت را این گـونه تـبیین می فرمایـد: «مؤمن را این گونه می بینی که در کـار خیر هرچه در توان دارد تلاش می کنـد و هرچه را توان ندارد آن را آرزو می کند».(۱۱۲۵)

هرچنـد کـار انواع مختلفی دارد و کـار بـدنی یکی از آنهـاست، درباره کار بـدنی، آن هم به منظور پاسـداری از عزّت نفس و پرهیز از سربار دیگران شدن تأکید بیشتری شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «اگر یکی از شما ریسـمان بردارد و به کوه برود و هیزم جمع آوری کند و آن را بفروشد و از این راه خود را سـیر کند و نیز به این وسـیله صدقه بدهد، برای وی بهتر است که از مردم چیزی درخواست کند»(۲۲۰۸، ۲۳۶۷).

و در روایتی دیگر حضرت می فرماید: «بهترین کسب ها، کسبی است که کارگر با دست انجام می دهد و در آن خیرخواهی و دل سوزی داشته باشد»(۱۴۹۵). طبیعی است که کار بدنی همراه با سـختی و مشقّت است، ولی چون تلاش برای دست یابی به حلال، کاری ارزشـمند و پسـندیده است، سـختی ها و مشـقّاتی که انسان در این راه متحمّل می شود نیز ارزشمند است؛ به این حـدیث از رسـول گرامی بنگریـد: «افتـادنی در راه کسب حلال در پیشـگاه خداونـد از یـک سـال شمشـیر زدن بـا فضـیلت تر است»(۲۲۷۷). تلاش برای اداره خود و خانواده در دیـدگاه پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله آن چنان ارزشـمند است که همتای جهاد در راه خدا دانسته شده است:

«جهاد آن نیست که انسان در راه خداونـد متعال شمشـیر زند، بلکه جهاد آن است که انسان بار زندگی پدر و مادر و فرزند را متحمل گردد. هرکس بار زنـدگی خویش را بردارد که سـربار مردم نشود، در حال جهاد است»(۲۳۷۷). از این گفتار حضرت فهمیده می شود که میدان تلاش برای اداره زندگی نیز میدان جهاد و جبهه نبرد است، ولی نبرد با دشـمن خارجی نیست، بلکه نبرد با دشـمنان عزّت و آبرو و بزرگواری روان انسان است. نبرد با مجموعه عواملی است که اگر این تلاش نباشـد از هر سو به ارزش های انسانی انسان هجوم می برند. انسانی که کنار سـفره خویش می نشـیند و از دست رنج خود اسـتفاده می کند، لذتی احساس می کنـد که توصـیف ناپـذیر است؛ زیرا از بهترین خوردنی ها بهره منـد است. رسول خدا صـلی الله علیه و آله در این بـاره می فرمایـد: «هیـچ کس غـذایی بهتر از آنچه از دست رنـج خویش خورد، نخواهـد خورد. همانـا حضـرت داوود پیامبر از دست رنـج خویش می خورد»(۲۶۲۰). اهمیـت تلاـش برای اداره زنـدگی و از بین بردن زمینه هـای نیـاز به دیگران و پرهیز از سربار مردم شدن، آن چنان است که حضـرت در گفتاری می فرماید: «بهترین شـما آن نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگـذارد و نیز کسـی نیست که آخرت خویش را برای دنیـایش واگـذارد. بهترین شـما آن است که از دنیا و آخرت بهره گیرد؛ زیرا دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و شما خود را سربار مردم نکنید»(۲۳۹۳).

سربار مردم شـدن آن چنان ناپسـند و زشت است که پی آمدش را رسول گرامی در حدیثی چنین بیان می فرماید: «هرکس بار خـویش را بـه دوش مردم افکنــد ـ بـا تنبلی و بی حوصــلگی خـود را ســربار مردم کنـد ـ ملعون و از رحمـت خداونـد دور است»(۲۷۴۲). گذشته از دوری از رحمت الهی که نتیجه سربار مردم شدن

ص: ۱۹۳

است در دنیا نیز بی حوصلگی و خستگی و گریز از کار و تلاش، پی آمدهایی دارد که محروم بودن از آسایش و زندگی راحت، یکی از آنهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «هرکس خستگی و ملامت بر او چیره شود، راحت و آسایش از او کوچ کند و دور شود»(۳۰۵۶).

دو نکته در پایان این بخش شایان یادآوری است: نخست اینکه در فرهنگ اسلامی افزون بر توصیه به تلاش و فعالیت، به اتقان و محکم کاری نیز سفارش فراوان شده است. محکم کاری و اتقان در هر کاری متناسب با همان کار است و هیچ کاری از این دستور [رعایت اتقان و محکم کاری]مستثنا نیست؛ زیرا کاری با نتیجه و ثمربخش است که ضوابط و معیارهای لازم در آن رعایت شود. در غیر این صورت، تلاشی بدون نتیجه و فعالیتی بی فایده است و خداوند و عقل انسان کار لغو و بیهوده را تأیید نمی کند. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هر یک از شما هر کاری که انجام می دهد، آن را با اتقان انجام دهد»(۲۲۱). یکی از راهکارهایی که باید در زمینه دست یابی به اتقان در کارها به آن توجه کرد، واگذار کردن کارها به اهل آنها و کارشناس است. طبیعی است که انجام کار به دست کارشناس و کاردان و آگاه به کار میزان اتقان آن کار را بالا می برد. رسول گرامی اسلام در حدیثی، یکی از نشانه های فرا رسیدن قیامت را واگذاری کار به نااهلان معرّفی کرده است(۲۴۶). از آن رو که در آستانه واقع شدن رستاخیز و تحقق شرایط آخرالزمان، کارها از مجرای طبیعی خود منحرف می شوند، این حدیث نشان می دهد که واگذاری کارها به نااهلان و ناآشنایان به کارها نیز یک ناهنجاری اجتماعی و انحراف است.

ص: ۱۹۴

نکته دوم این است که افراط و تفریط در هیچ کاری پسندیده و صحیح نیست و رعایت اعتدال ضروری و لازم است. رسول گرامی اسلام در حدیثی می فرماید: «مدارا در معاش از دانش مرد است»(۳۰۴۶). رفیق بودن با کار و تلاش و زندگی وقتی معنی می دهد که انسان با رعایت اعتدال و میانه روی، از هر کاری که مایه خستگی و ملالت یا بی حوصلگی و کسالت است، بپرهیزد. در سخنی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «در طلب معتدل باشید»(۱۰۴۳).

ص: ۱۹۵

مشاوره

افراد در هر جامعه ای در زمینه های مختلفی به یکدیگر نیازمند هستند. گاهی این نیازمندی در زمینه فکری و راهنمایی و ارشاد است. مشاوره و آگاهی از نظر خیرخواهانه دیگران، یکی از راهکارهایی است که برای پاسخ گویی به این نیاز در زندگی اجتماعی وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خود به طور مستقیم، وحی الهی دریافت می کرد و به حسب ظاهر نیازی به مشاوره دیگران نداشت از سوی خداوند متعال مأموریت داشت که با امّت مشاوره کند؛ هرچند تصمیم گیرنده نهایی شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، تکریم امت و پاسداری از شخصیّت انسانی آنان با این مشاوره تأمین می شد.

رسول گرامی اسلام در آموزه های حیات بخش خود جنبه های گوناگون این مسئله را بررسی فرموده و امت را ارشاد کرده است. نخستین نکته در این زمینه آن است که انسان باید خیرخواه دیگران باشد؛ خواه از او راهنمایی و مشاوره بخواهند یا نخواهند. رسول گرامی اسلام در حدیثی می فرماید: «هرگاه کسی از شما در خاطر خود خیری و نصیحتی برای برادر خود می یابد، به او یادآوری کند»(۲۴۵).

خیرخواهی برای دیگران از حقوقی است که بر عهده هر مسلمانی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان برخی از حقوق متقابل مسلمانان می فرماید: «حق مسلمان، بر مسلمان شش چیز است: ۱. وقتی او را دیدی، بر او سلام کن ۲. وقتی تو را دعوت کرد، بپذیر ۳. وقتی با تو مشورت کرد و از تو خیرخواهی و نصیحت خواست، خیرخواهانه نظرت را بگو ۴. وقتی عطسه کرد و حمد خدا را به جا آورد، برایش طلب عافیت کن ۵. وقتی بیمار شد، از او عیادت کن ۶. هرگاه از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش شرکت کن»(۱۳۹۲). طبیعی است در فضایی که مشاوره حاکم است، افراد از نظر یکدیگر بهره مند می شوند و با استفاده از نظریه ها و خیرخواهی های متقابل سود می برند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری به این بُعد مشورت اشاره کرده و می فرماید: «بگذارید مردم از یکدیگر فایده برند و وقتی یکی از شما از برادر خویش مشورت و راهنمایی خواست، او خیرخواهانه نظرش را بگوید»(۱۵۷۳).

نکته دیگر اینکه، انسانی که طرف مشورت است، افزون بر پذیرش مشاوره، باید در اظهار نظر خویش نیز صراحت داشته باشد تا کسی که درخواست مشورت کرده است، دچار سردرگمی نشود. رسول گرامی می فرماید: «وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند، وی باید رأی خود را با صراحت بگوید»(۱۷۵).

نکته دیگر در مورد وظیفه فردی که با او مشورت می شود، امانت داری و پرهیز از خیانت است. رعایت این نکته، گذشته از پاداش اخروی، دارای این پی آمد طبیعی نیز هست که تا زمانی که هدفش خیرخواهی و ارشاد دیگران است، خداوند به او رأی و نظر درست را الهام می کند، ولی اگر قصد خیانت داشته باشد، از این نعمت معنوی و بهره روحی محروم

می شود. پیامبر رحمت در این زمینه می فرماید: «مرد تا هنگامی که برای تقاضاکنندگان مشاوره قصد خیرخواهی و دل سوزی داشته باشد، از اصابت رأی و نظر بهره مند است، ولی هرگاه بخواهد خیانت کند، خداوند متعال، این واقع نگری و اصابت رأی را از او می گیرد»(۶۲۲).

بخش دیگر سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مربوط به آثار مشورت و وظایف کسی است که تقاضای مشورت می کند. نخستین نکته این است که باید با کسی مشورت کرد که عاقل باشد تا بتواند انسان را به خوبی راهنمایی کند. طبیعی است که نوع انسان ها با عقل متوسط خود، خوب و بد را تشخیص می دهند و به طور معمول در این تشخیص اولیه نیازی به راهنما ندارند، ولی در مواردی که انسان بر سر دو راهی باید گزینه ای را انتخاب کند که آثار منفی و پی آمدهای مخرّبش کمتر باشد، نیازمندی انسان به راهنما و مشاور بیشتر احساس می شود. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «از عاقل راهنمایی بخواهید تا به رشد برسید و او را نافرمانی نکنید تا پشیمان شوید»(۲۷۵).

به آثار مثبت مشاوره نیز در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره شده است. نخستین اثر و فایده ای که بر مشاوره مترتب می شود، همیاری و تعاون است؛ زیرا آن کس که از فکر دیگران بهره می گیرد، پشتیبانی مطمئن و نیرومند، او را حمایت می کند. رسول گرامی می فرماید: «پشتیبان و کمکی مطمئن تر از مشورت نیست»(۲۵۰۶). فایده دیگر مشاوره، پیش گیری از پشیمانی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده است: «هر کس مشورت کند، پشیمان نشود»(۲۵۰۹ _ ۲۵۸۹). نکته دیگر این است که هیچ گاه خودرأیی و

خودمحوری مایه خوشبختی و سعادت نیست. در برابر، هیچ گاه مشورت مایه بدبختی انسان نمی شود، بلکه برعکس، مشورت به دلیل اینکه فکر خیرخواهانه دیگران را در اختیار انسان می گذارد، مایه نیک بختی انسان می شود. خودرأیی چون زمینه محروم شدن انسان را از فکر دیگران فراهم می کند، مایه بدبختی انسان است. پیامبر رحمت این حقیقت را چنین تبیین می فرماید: «هیچ کس از راه مشورت، بدبخت نشد و هیچ کس از خودأیی و بی نیاز دانستن خود از رأی دیگران، خوشبخت و سعادتمند نشد»(۲۵۷۰).

فایده دیگر مشورت، رهایی و نجات از هلاکت است. البته هلاکت تنها نابودی فیزیکی نیست که جسم انسان دچار حوادث شود و از میان برود، بلکه هلاکت معنوی و نابودی فکری و روحی آثار و پی آمدهای منفی اش خطرناک تر از نابودی جسمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «هیچ کس پس از مشورت هلاک نخواهد شد»(۲۲۹۶).

فایده دیگر مشورت، دست یابی به رشد و عنایت الهی است. البته این در صورتی است که در انتخاب مشاور دقت شود و هر کسی برای مشورت برگزیده نشود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «هرکس اراده کاری کند و با مرد مسلمانی درباره آن مشورت کند، خدا او را به درست ترین کارها موفق گرداند»(۲۹۶۲).

وسیله نقلیّه ـ مرکب سواری

توجه به جنبه های متنوع زندگی و پاسخ گویی به نیازهای مختلف زندگی انسان، حقیقتی است که در دستورها و توصیه های پیشوایان معصوم علیهم السلاممشهود است. گستردگی ارتباطات و رشد همه جانبه زندگی اجتماعی و ضرورت استفاده بهینه از امکانات و لزوم همراهی به موقع و متناسب با شرایط مختلف زمانی و مکانی، اقتضا می کند که به موضوع وسیله نقلیّه سواری نگاه جدیدی شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که آورنده آخرین و کامل ترین آیین الهی است، به این موضوع نیز توجه داشته است. همان گونه که تطبیق مفاهیم کلی در دستورهای دینی بر مصادیق روشن در هر عصر و زمان، امری طبیعی و تردیدناپذیر است، در زمینه وسیله سواری نیز باید دستورهای کلّی بر جزئیات منطبق شود تا پیام های لازم و قابل فهم دریافت شود.

نخستین نکته این است که بهره مندی از مرکب راهوار، در کنار عوامل دیگر، از نشانه های سعادت و خوشبختی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «سه چیز مایه خوشبختی است و سه چیز مایه بدبختی است. آنچه مایه خوشبختی است: ۱. زن پارسایی است که دیدارش تو را مسرور سازد و در غیاب خودت بر پاکدامنی اش و امانت داری او به اموالت مطمئن باشی. ۲. مرکب راهوار که تو را به مقصد برساند و تو را از

جمع دوستان همراهت جدا نکند. ۳. خانه ای وسیع که جای فراوان داشته باشد. آنچه مایه بدبختی است: ۱. زنی است که دیدارش، تو را دلگیر سازد و تو مجبور باشی بدزبانی اش را تحمل کنی و در غیابت به پاکدامنی اش و امانت داری اش نسبت به اموالت مطمئن نباشی. ۲. مرکب کند رفتار که اگر او را بزنی، تو را به رنج و سختی افکند و اگر آن را به حال خود واگذاری، تو را از یارانت جدا کند. ۳. خانه ای کوچک که جای کم داشته باشد»(۱۲۴۲).

از این حدیث نبوی می توان فهمید که زن و خانه و مرکب سواری که با ویژگی های مثبتشان نشانه خوشبختی انسان هستند، در هر عصری تعریف ویژه ای دارند؛ همان طور که اصل خانه برای آسایش و آرامش و امنیت انسان است و نمی توان نوع مصالح آن را از جنس خاصی دانست، بلکه منظور محلی است که اهداف مورد انتظار خانه را پاسخ گو باشد. همین طور مرکب سواری با توجه به زندگی هر عصری معنای ویژه خود را دارد. در سخنی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «سه چیز مایه سعادت مرد مسلمان است: ۱. همسایه خوب ۲. خانه وسیع ۳ _ مرکب خوش رفتار»(۱۲۵۷ _ ۲۷۶۱).

در گفتاری دیگر، مرکب راهوار را در کنار دو نعمت دنیایی دیگر معرفی کرده و می فرماید: «سه چیز از نعمت های دنیوی است، هرچند برای دنیا نعمتی وجود ندارد؛ زیرا نعمت و آسایش و آرامش حقیقی در قیامت است: ۱. مرکب راهوار ۲. زن شایسته و پارسا ۳. خانه وسیع»(۱۲۸۹).

ص: ۲۰۱

مسکن

یکی از نیازهای اساسی انسان ها، مسکن است. در فرهنگ دینی، مسکن از عوامل آرامش و از مکان های آسایش معرّفی شده است. در سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسئله مسکن از جنبه های مختلف ارزیابی شده است که بیانگر اهمیت این مسئله در اندیشه والای آن حضرت است. بلند نظری رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه ای است که نه تنها بهره مندی از اصل خانه را برای هر انسانی لازم می داند، منزل وسیع و بزرگ را گزینه بهتر و نشانه سعادت می شمارد و می فرماید: «سه چیز مایه سعادت مرد مسلمان است: ۱. همسایه خوب ۲. خانه وسیع ۳. مرکب خوش رفتار»(۱۲۵۷، ۲۷۶۱). از این سخن حضرت، شاید بتوان فهمید که سعادت را باید با تلاش و کوشش به دست آورد و این چنین نیست که بدون تلاش و همت، همه آرزوها تحقق یابند. همان گونه که می توان با دقت و تحقیق همسایه خوب برگزید و همان گونه که با تلاش و جدیت می توان با تحصیل دانش به سعادت معنوی دست یافت. دست یابی به سعادت در پرتو بهره مندی از خانه ای بزرگ نیز نیازمند تلاش و جدیت و بلند همتی است. این سخن رسول گرامی اسلام، دعوت امت مسلمان به سوی همت و جدیت و تلاش برای نیل به خوشبختی و سعادت

ص: ۲۰۲

است. در گفتاری دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله منزل وسیع را از نعمت های دنیا معرفی کرده و فرموده است: «سه چیز از نعمت های دنیاست، هرچند نعمت پایدار در دنیا نیست: ۱. مرکب راهوار ۲. زن شایسته و نیکوکار ۳. خانه وسیع»(۱۲۸۹).

و در سخنی دیگر، منزل وسیعی را که جای فراوان داشته باشد، نشانه سعادت و در مقابل، منزل کوچک را که جای کم داشته باشد، نشانه بدبختی معرفی کرده است(۱۲۴۲). اهمیت منزل و تلاش در نگهداری آن در فرهنگ دینی آن چنان است که انسان نباید پولی را که از فروش منزل به دست می آورد، بدون دلیل برای غیر آن هزینه کند، بلکه باید آن را برای تهیه منزل دیگر خرج کند. به این سخن از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بنگرید: «هرکس خانه ای بفروشد و پس از فروش، پول آن را برای تهیه خانه ای دیگر خرج نکند، معامله ای که با آن پول می کند، برکت ندارد»(۲۹۳۱).

طبیعی است که نبودن برکت تنها جنبه معنوی ندارد، بلکه منظور این است که در شرایط عادی و بدون اینکه اضطراری در کار باشد، اصل بر این است که هرکس دارای خانه ای باشد و بدون دلیل خود را از داشتن خانه محروم نکند که در این صورت، هر کار دیگری با آن پول بکند، چون منزلی ندارد، کار با برکتی نخواهد بود؛ زیرا تلاش های اقتصادی انسان وقتی جهت دار و مثبت است که در جایی به اسم خانه خود را نشان بدهد. بر این اساس، در سخنی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله خانه را حرم و حریم انسان معرّفی کرده است و نگهبانی و پاسداری از آن را لازم دانسته است(۱۵۸۲).

در حدیثی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهره مندی از منزلی را که انسان در آن مستقر شود، مایه نجات دانسته و فرموده است: «سه چیز مایه نجات است: زبان

خود را نگه داری و بر گناه خویش گریه کنی و در خانه خویش مستقر گردی»(۱۲۷۰).

محروم بودن از برکت در فروش خانه را در سخنی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه می شنویم: «هرکس بدون ضرورت خانه ای را بفروشد، خداوند تلف کننده ای را بگمارد که قیمت آن را تلف کند»(۲۹۳۳).

پس از آشنایی با جایگاه ارزشمند منزل، در فرهنگ سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نکاتی چند در مورد جنبه های دیگر منزل باید رعایت شود. نکته اول، پرهیز از حرام در ساختمان سازی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید؛ که مایه ویرانی و خرابی است»(۳۸).

نکته دیگر، رعایت پاکیزگی و بهداشت منزل است که این مسئله نیز در فرهنگ دینی جایگاه ممتازی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی می فرماید: «خداوند خوش بو است و بوی خوش را دوست دارد. پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد. بزرگوار است و بزرگواری را دوست دارد. بخشنده است و بخشش را دوست دارد. پس جلوی خانه هایتان را پاکیزه نگهدارید و مانند یهودان نباشید»(۷۰۳). در حدیثی دیگر، رسول گرامی اسلام می فرماید: «شستن ظرف ها و پاکیزگی حیاط مایه بی نیازی است»(۲۰۳۱).

نکته دیگر این است که انسان به شکرانه نعمت منزل، باید در حدّ توان خویش با پذیرایی از مهمان در خانه، مایه برکت را برای خود به دست آورد. به این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنید: «هر چیزی را زکاتی است و زکات خانه اتاق مهمان خانه است»(۲۲۵۸).

نکته دیگر، رعایت حقوق همسایه است. یکی از حقوق همسایه اولویّت او در خرید منزل همسایه خویش است، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگاه

خواستید خانه یا مِلک خود را بفروشید، نخست به همسایه خود پیشنهاد دهید»(۱۶۸). و در حدیثی دیگر فرموده است: «همسایه خانه در خرید خانه همسایه، مقدم است»(۱۲۹۸). یکی دیگر از حقوق همسایه در مورد منزل این است که چیزی مانع حقوق طبیعی او نشود. رسول گرامی در این زمینه می فرماید: «حق همسایه آن است که اگر بیمار شد، از او عیادت کنی و اگر از دنیا رفت، همراه جنازه اش بروی و اگر تقاضای قرض کرد، بدهی و اگر چیزی به او رسید، به او تبریک بگویی و اگر مصیبتی دید، به او تسلیت بگویی و ساختمان خود را از ساختمان او بالاتر قرار ندهی و جریان باد را با این کار بر او نبندی»(۱۲۸۷).

مسافرت

مسافرت، از ضرورت های زندگی اجتماعی در هر عصر و دوره ای است. اسلام که جامع ترین و آخرین دین الهی است، به این نیاز زندگی انسان ها نیز توجه داشته است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله جنبه های گوناگون این مسئله را ارزیابی کرده است. نکته اول در موضوع مسافرت این است که مسافرت ها با همراهی کسی باشد و از تنها مسافرت کردن نهی شده است»(۴۶۴). این همراهی، هرچند موقت و مقطعی است، چنین نیست که نیاز به تحقیق و آشنایی نداشته باشد؛ زیرا اطمینان به هم سفر، شرط آسایش و آرامش در سفر است و افزون بر آن، ممکن است همین آشنایی موقت و مقطعی به دوستی درازمدت بینجامد. بنابراین، ضرورت تحقیق درباره هم سفر بهتر احساس می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید به دست آورد»(۱۳۱۶). در حدیثی دیگر می فرماید: «پیش از خریدن خانه، همسایه بجویید و پیش از سفر رفیق بیابید»(۴۸۰). تحقیق درباره هم سفر می تواند در زمینه های مختلف باشد ولی محور آن باید مربوط به مسائلی باشد که بدون آنها مسافرت برای انسان ناگوار و تلخ می شود. یکی از مسائلی که در مسافرت

بیشتر از دیگر جنبه ها به آن احتیاج است، مسئله امور مالی و نوع خرج کردن و پرهیز از تنگ نظری در این زمینه است. طبیعی است که شرایط مسافرت با شرایط زندگی در شهر و محل اقامت متفاوت است؛ یعنی چه بسا برخی از اقدامات در شرایط غیر مسافرت، غیر ضروری و یا مصداق ولخرجی و اسراف باشد، ولی در مسافرت نه تنها ناروا نیست، ضروری و لازم است. بر این اساس، افرادی را باید برای هم سفر شدن انتخاب کرد که بدون دلیل، بهانه جو و به ویژه در مسائل مالی تنگ نظرنباشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «با مردم خوش اقبال و توانگر مسافرت کنید»(۱۷۱۸). معلوم است که سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معنای هم سفر نشدن با فقیر و تهیدست نیست؛ زیرا چه بسا تهی دستی که روحیه توانگری و بزرگواری دارد و اصلاً تنگ نظر نیست، لایق هم سفر شدن است و بی گمان، ثروتمندی که روحیه تنگ نظری و بخل و امساک دارد، هم سفر خوبی نخواهد بود. نکته دیگر در مسئله مسافرت، توجه به آثار مختلف مسافرت است. نخستین اثر آن، تندرستی و سلامتی است؛ زیرا تنوع شرایط جغرافیایی، زمینه را برای تحول شرایط روحی فراهم می کند و به طور طبیعی، بسیاری از دغدغه های روحی و افکار مخرّب در مسافرت به فراموشی سپرده می شود. رسول گرامی می فرماید: «به حج بروید تا بی نیاز شوید و مسافرت کنید تا تندرست و سالم بمانید»(۱۳۴۹). البته مسافرت هم در دست یابی به سلامتی مؤثر است. چه بسا بیماری انسان در پرتو سفر بهبود یابد و هم در حفظ و نگهداری سلامتی مؤثر است؛ یعنی سفر، عاملی است برای پاسداری از سلامتی. در حدیثی دیگر، حضرت می فرماید: «سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت بیابید»(۱۷۲۶). نقش

دیگر مسافرت، گذشته از تندرستی و سلامتی، دست یابی به غنیمت و بهره مندی از روزی است. گاهی انسان باید برای تنوع در شرایط اقتصادی زندگی، از جایی که زندگی می کند، کوچ کند ـ هرچند موقّت و مقطعی ـ شاید خداوند روزی او را در شهرها و محیط های دیگری قرار داده است یا اینکه باعث گشایش در زندگی اش بشود. به این حدیث از پیامبر خدا بنگرید: «مسافرت کنید تا تندرست شوید و روزی بیابید»(۱۷۲۶).

مسافرت گذشته از آثار دنیایی همچون تندرستی و غنیمت یافتن، آثار معنوی نیز دارد که یکی از آنها استجابت دعای مسافر است. این عنایتی است که پروردگار در حق مسافر دارد؛ زیرا مسافر در شرایطی است که از زندگی عادی و روزانه خویش دور است و در غربت به سر می برد. شاید به دلیل همین شرایط زندگی، مورد لطف خداوند مهربان است و افزون بر روزی و تندرستی که به او می دهد، دعایش را نیز بدون پاسخ نخواهد گذاشت. البته مسافر هم باید قدردان این موهبت باشد و زمینه های محروم شدن خود را از این موهبت با دست خود فراهم نسازد و سفرش را به معصیت و نافرمانی از خداوند آلوده نکند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «دعای سه نفر را خداوند برخود لازم دانسته که رد نکند: ۱. دعای روزه دار تا زمانی که افطار کند. ۲. دعای ستم دیده تا زمانی که داد خود را نگرفته است. ۳. دعای مسافر تا به وطن خود بازگردد»(۱۲۵۵). و در گفتاری دیگر می فرماید: «سه دعا بدون شک مستجاب می شود: ۱. دعای ستم دیده ۲. دعای مسافر ۳. نفرین پدر در حق فرزند که دعای علیه فرزند است»(۱۲۵۹).

نکته آخر در مسئله مسافرت، عوارض و پی آمدهای طبیعی و منفی

ص: ۲۰۸

احتمـالی آن است؛ زیرا مسـافرت به گونه ای جـدا شـدن از شـرایط زنـدگی عـادی و طبیعی است و پـذیرفتن شـرایط جدیـد و ناخواسته و تحمل کردن شرایطی است که چه بسا مطلوب انسان نیست. به همین دلیل، رسول گرامی می فرماید: «سفر، پاره ای از عذاب است»(۱۷۶۶). بر این اسـاس، لازم است که انسان با انتخاب دقیق هم سـفر و دقت در جوانب مختلف مسافرت تا می تواند از بروز عوارض منفی آن جلوگیری کند یا از شدت آنها بکاهد.

ص: ۲۰۹

عوامل غم و اندوه

یکی از مسائل مطرح شده در فرهنگ دینی، بررسی عوامل مؤثر در پیدایش و رشد غم و اندوه و آثار و پی آمدهای آن و بررسی عوامل از بین برنده غم و اندوه است. در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که روان شناس حقیقی فرد و جامعه است و با آموزه های آسمانی خویش، همگان را به هدایت و سعادت فرا می خواند، نیز به این مسئله توجه شده است. نخستین موضوع، آشنایی با عوامل غم آفرین از دیدگاه رسول گرامی است. یکی از این عوامل، دل بستگی به دنیا و علاقه مندی به آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «علاقه به دنیا، غم و اندوه را زیاد می کند»(۱۶۹۵، ۱۷۱۳). دل بستگی به دنیا نه تنها غم و اندوه می آفریند، تن و جان را خسته می کند؛ زیرا به زحمت افکندن بدن بیش از حدّ نیاز و توجه دادن دل و روان به آنچه هدف مقدس و ارزشمند نیست، حرکت در مسیر غیر فطری است؛ در نتیجه، باعث خستگی تن و جان می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «علاقه به دنیا، تن و جان را خسته می کند»(۱۷۱۴). به همین دلیل، انسان تا می تواند، باید خود را از غم دنیا دور نگه دارد. رسول گرامی اسلام در سخنی می فرماید: «هرچه می توانید خود را از غم های دنیا فارغ نگه دارید؛ زیرا هرکه بزرگ ترین

ص: ۲۱۰

غصه اش دنیا باشـد، خداوند مالش را فراوان کند و فقر او را روبه رویش قرار دهد، ولی هرکس بزرگ ترین غصه و اندوهش آخرت باشد، خداوند کارهایش را سامان بخشد و بی نیازی را در دلش قرار دهد»(۱۱۶۹).

یکی دیگر از عوامل پیـدایش غم و انـدوه، قرض است. هرچند قرض گرفتن و قرض دادن یکی از ضـرورت ها و جزو اصول و محورهـای مهـم زنـدگی اجتمـاعی اسـت، از آن رو کـه حفـظ آرامش روح و بهـداشت روان از هر چیز دیگری مهم تر است، قرض گرفتن نبایـد بـدون دلیل باشـد؛ زیرا پول و سـرمایه بایـد مایه راحتی و رفاه انسان باشـد و اگر مایه رنـج و تشویش خاطر انسـان شود، بایـد از آن پرهیز کرد. قرض گرفتن بی دلیـل و تنها به بهانه های ساختگی، هم روحیه قناعت و ساده زیستی را در انسـان از بین می برد و هم مایه دغـدغه های روحی است. به همین دلیل، رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله در گفتاری می فرماید: «از قرض بپرهیزید که مایه اندوه در شب و خواری در روز است»(۹۹۰).

غـم و انـدوهی کـه بـا قرض گرفتن برای انسـان پیـدا می شـود، پی آمـدهای منفی دیگری نیز دارد که یکی از آنهـا، خجـالت کشـیدن از دیگران و احساس خواری است. از همین رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «غمی چون غم قرض نیست»(۲۵۱۱).

بحث دیگر، آشنایی با عوامل غم زدا در سخنان رسول گرامی است. نخستین عامل که از عوامل بسیار مهم و اصلی است، زهد و بی رغبتی به دنیا است. پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله در حـدیثی می فرماید: «زهد در دنیا تن و جان را آسایش می دهد و دل بستگی به آن غم و اندوه را فزونی می دهد»(۱۷۱۳، ۱۷۱۴). با توجه به

جایگاه زهد در فرهنگ دینی، نقش غم زدایی آن در زندگی روشن است؛ زیرا زهد به معنای تن پروری و فرار از کار و تلاش و مسئولیت نیست، بلکه به معنای کار و تلاش برای بازدهی بیشتر و مصرف کمتر است؛ یعنی انسان تمام توان خود را به کار بگیرد و خودش به حداقل راضی باشد تا دیگران در پرتو تلاش او راحت زندگی کنند و بر سر سفره احسان او بنشینند و بهره ببرند. بدیهی است که این چنین روحیه ای، متناسب با روحی بلند و نیازمند ظرفیت وجودی بسیار گسترده است و صاحب چنین روحیه ای بی گمان از آرامش روحی برخوردار و بهره مند است. یکی دیگر از عوامل غم زدا در سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، صدقه است، رسول خدا در حدیثی می فرماید: «از غم ها و غصه ها به وسیله صدقه جلوگیری کنید و آنها را با صدقه جبران کنید. خداوند با صدقه سختی و رنج را از شما دور می سازد و شما را بر دشمنانتان پیروز می کند»(۱۱۳۴). صدقه چون نوعی خارج شدن از خودخواهی است و به نحوی دگر دوستی است، موجب وسعت روح و بلندی نظر می شود و روح بزرگ، راحت تر و بهتر با غم ها و غصه ها مقابله و آنها را در خود هضم می کند. عامل دیگر برای مبارزه با غم و اندوه، ایمان و اعتقاد به مقدرات الهی است؛ زیرا بسیاری از غم ها و غصه ها معلول ناآگاهی از مصالح و مقدّرات نظام هستی اند. البته این به معنای بی تعهدی و گریز از مسئولیت نیست، بلکه به این معناست که انسان با تمام دقت وظیفه اش را بشناسد و با تمام توان آن را انجام دهد ولی نتیجه اش هرچه شد، نباید باعث غم و اندوه او شود. باید بداند که افزون بر آنچه انسان می بیند و می فهمد، حقایقی وجود دارند که در اختیار او نیستند، ولی با اعتقاد داشتن به آنها خاطرش

آسوده و خیالش راحت می شود. رسول گرامی در سخنی می فرماید: «ایمان به مقدرات، غم و اندوه را از بین می برد»(۱۰۶۸). و در حدیثی دیگر می فرماید: «غم بسیار مخور و بر اندوهت نیفزا؛ زیرا آنچه مقدرّ است، رخ می دهد و آنچه روزی ات کرده اند، به تو می رسد»(۲۴۸۰).

نکته دیگر، این است که برخی از غم ها و اندوه ها ارزشمند و مفید هستند و نه تنها نباید از آنها دوری کرد، برای تحصیل آنها باید تلاش و برنامه ریزی شود. در فرهنگ دینی، این حزن ها ممدوح هستند. برای نمونه، به این سخن از رسول خدا صلی الله علیه و آله بنگرید: «به زیارت قبرها برو تا آخرت را به یاد آوری و مردگان را غُسل بده؛ زیرا زیر و رو کردن جسد بدون حرکت، موعظه ای رساست و بر مردگان نماز بگزار، شاید به این وسیله محزون و غمگین شوی؛ زیرا شخص محزون، روز قیامت در سایه خدا در معرض همه نیکی هاست»(۱۷۰۱).

در فرهنگ دینی، غصه دار بودن برای آخرت، امری ممدوح و پسندیده است و پی آمدهای سازنده و مثبتی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «هرکس بزرگ ترین غصه اش، آخرت باشد خداوند کارش را سامان دهد و بی نیازی او را دلش قرار دهد»(۱۱۶۹). شاید همین غم و غصه است که مایه دست یابی به جایگاهی ویژه در بهشت می شود. رسول گرامی اسلام می فرماید: «همانا در بهشت درجه ای است که جز غم دیدگان بدان نمی رسند»(۸۶۵).

بحث دیگر در این موضوع، آثار و پی آمدهای منفی غم و اندوه است. یکی از پی آمدهای آن، پیری زودرس است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی می فرماید: «غم و اندوه نیمی از پیری است»(۱۲۰۳ _ ۳۱۷۲). حضرت در گفتاری دیگر این حقیقت را این گونه بیان فرموده است: «هر کس غمش بسیار باشد تنش رنجور

گردد»(۳۰۰۲).

از سخنان رسول خدا در این قسمت به روشنی ارتباط متقابل روح و بدن فهمیده می شود؛ زیرا اندوه روحی که مایه فشار بر روان انسان می شود، بر بدن او تأثیر می گذارد و نشانه های این تأثیر همچون پیری و بیماری پدیدار می شوند.

ص: ۲۱۴

حقوق حیوانات

مکتبی که برای هـدایت و سـعادت همه انسـان هـا تـا روز قیامت از سوی خداونـد حکیم ارائه شـده، پاسـخ گوی همه نیازهای روحی و جسمی و فردی و اجتماعی انسان هاست. چگونگی ارتباطات گوناگون انسان ها با حیوانات نیز در این مکتب بررسی شـده است. رسـول گرامی اسـلام بخش هـای مختلفی از حقوق مربوط به حیوانـات را در سـخنان خویش مورد توجه قرار داده است. دقتی دوباره در این سخنان، روشنگر راه صحیح زندگی و هدایت بخش خواهد بود.

نخستین محور در سـخنان حضـرت، توجه به پرهیز از شـکار بیهوده است. حضـرت در سخنی می فرماید: «هر حیوان ـ پرنده یا غیر پرنده ـ به ناحق کشته شود، روز قیامت با کشنده خویش مخاصمه می کند»(۲۶۷۰).

از این سـخن می توان فهمیـد که هرچنـد زندگی انسان به اسـتفاده از حیوانات مختلف نیازمند است، این نیازمندی، نمی تواند اساس عـدالت و انصاف را از بین ببرد. بر این پایه، کشـتن حیوانات بـدون نیاز یا بدون اینکه خطری از سوی آنها متوجه انسان هـا شود، بـاعث گرفتاری آنها در روز قیامت می شود. پیام این حـدیث نبوی این است که همان خداونـد حکیم و رازقی که به بندگانش اجازه بهره گرفتن از

حیوانات را داده است، آنان را از کشتن بدون دلیل حیوانات نهی کرده و اجازه نداده است که حق محوری که اصلی مهم در زندگی اجتماعی است، با هر بهانه ای دچار آسیب شود.

زشتی و ناپسندی شکار با هدف سرگرمی، در گفتاری دیگر از حضرت این گونه بیان شده است: «هرکس گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت نزد عرش خداوند بیاید و فریاد بزند و بگوید: «پروردگارا از این شخص بپرس که چرا من را بدون اینکه برایش منفعتی داشته باشم کشته است»(۲۷۶۳). در حدیث دیگری می فرماید: «هرکس گنجشکی را به ناحق بکشد، خداوند روز قیامت از او بازخواست کند»(۲۹۱۸).

* محور دیگر در سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجه به عذاب الهی در برابر رعایت نکردن حقوق حیوانات است. حضرت در گفتاری می فرماید: «زنی داخل آتش جهنم شد، برای آنکه گربه ای بسته بود و چیزی به او نخورانید و نگذاشت از چیزهای روی زمین بخورد تا آنکه مرد»(۱۵۵۹). پیام این حدیث نبوی آن است که جلوگیری از آزادی طبیعی حیوانات تا مرزی که مزاحمتی برای انسان ها نداشته باشند، باعث عذاب الهی است».

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی، توجه به آمرزش الهی در برابر رسیدگی به حیوانات است. همان گونه که اذیت کردن حیوانات، به هر نحو، باعث عذاب الهی است، رسیدگی و مهربانی به آنها مایه جلب رحمت الهی خواهد بود. حضرت در حدیثی می فرماید: «زنی بدکاره مورد آمرزش الهی قرار گرفت؛ زیرا که بر سگی گذشت که بر لب چاهی از تشنگی نزدیک به مرگ بود، او کفش خویش را از پای در آورد و به کمک روسری خود از چاهی آب تهیه کرد و به سگ داد برای همین کار آمرزیده شد»(۲۰۳۵). پیام این حدیث نبوی آن است که ارتباط محبت آمیز با یک حیوان آن هم یک تشنه، آن چنان در خور اهمیت و

ارزشـمند است که می توانـد گناهـان فراوان یک زن بـدکاره را محو و او را شایسـته دریافت آمرزش الهی کنـد. در این زمینه حضـرت در سـخنی دیگر می فرماید: «هرکس رحم کند، اگرچه نسبت به سر بریدن گنجشکی باشد، خداوند روز قیامت به او رحم کند»(۳۰۱۳). و در گفتـار دیگر می فرمایـد: «حتی به یـک بُز اگر رحم کنی خداونـد به تـو رحم خواهـد کرد»(۳۱۷۸). روش دیگری که رسول گرامی اسلام برای توجه دادن انسان ها به رعایت حقوق حیوانات و مهربانی با آنها از آن بهره گرفته، این است که برخی از حیوانـات را مـایه برکت دانسـته است و فرموده است: «برکت در پیشـانی اسـبان است»(۱۱۰۹). یا فرموده است: «گوسفند مایه برکت است»(۲۰۴۳).

کسـی که با این نگاه به چنین حیواناتی بنگرد، بی گمان در چگونگی ارتباط خود با آنها بیشتر دقت می کنـد و به برکت های الهی بی مهری نمی کند.

ص: ۲۱۷

دنیا و آخرت

در جهان بینی رسول گرامی اسلام، ارتباطی عمیق، میان دنیا و آخرت و اثرپذیری و اثرگذاری متقابل میان آن دو وجود دارد. این گونه نیست که نتوان از دنیا برای نیل به آخرت و یا از آخرت برای اداره صحیح زندگی دنیا بهره گرفت. چگونگی این ارتباط و وظیفه حساس و ظریف انسان در این زمینه، در کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله تبیین شده است. توجه به این کلمات، بیانگر راه صحیح زندگی و هدایت بخش انسان در راه رسیدن به هدایت و سعادت راستین است.

* نخستین محور در سخنان رسول گرامی اسلام، استفاده از دنیا برای رسیدن به آخرت و توجه هم زمان به هر دو آنهاست. حضرت در حدیثی می فرماید: «دنیای خویش را اصلاح کنید و برای آخرت خویش بکوشید چنان که گویی فردا خواهید مُرد»(۳۱۹). براساس تعالیم حضرت، انسان با ایمان نمی تواند تنها نگاهش را متوجه دنیا کند و از آخرت چشم بپوشد یا برعکس، بلکه باید هم زمان با رعایت اولویت و ضرورت به هر دو توجه کند. حضرت در سخنی می فرماید: «گرفتاری مؤمن از همه مردم بیشتر است؛ زیرا باید به کار دنیا و آخرت هر دو رسیدگی کند»(۳۵۰).

ص: ۲۱۸

اهمیتِ توجه هم زمان به دنیا و آخرت و برنامه ریزی دقیق برای استفاده صحیح از هر یک از آن دو، در این سخن از رسول گرامی آشکار است که می فرماید: «چنان کارکن که گویی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که گویی فردا خواهی مُرد»(۳۶۷). در حدیث دیگر می فرماید: «بهترین شما کسی نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگذارد یا آخرتش را برای دنیا واگذارد، بلکه باید به گونه ای باشد تا از هر دو بهره بگیرد؛ زیرا دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و شما سربار مردم نباشید»(۲۳۹۳).

رسول گرامی در دعایی که از قرآن کریم فرا گرفته است، بهره گرفتن صحیح از دنیا و آخرت را این گونه بیان می کند: «بار خدایا، ای پروردگار ما، در دنیا و آخرت به ما نیکی عنایت کن و ما را از عذاب دوزخ مصون نگهدار»(۵۲۵).

رسول خدا همین واقعیت را در دعایی دیگر این گونه بیان می کند: «بار خدایا دین مرا که حافظ کار من است و دنیای مرا که زندگی من در آن است و آخرت مرا که بازگشتم به سوی آن است، اصلاح فرما»(۴۹۸).

* محور دیگر، در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به رابطه دنیا و آخرت و ضرورت بهره گرفتن از دنیا برای آخرت است. حضرت در حدیثی می فرماید: «هر بنده ای باید از خویش و از دنیای خویش برای آخرت خویش و از جوانی قبل پیری و از زندگی پیش از مرگ بهره بگیرد؛ زیرا که پس از دنیا خانه ای جز بهشت و جهنم نیست»(۲۳۶۸).

حضرت در حدیثی دیگر، رابطه میان دنیا و آخرت را این گونه بیان می فرماید: «ساعت هایی که انسان در این دنیا آزار و اذیت می بیند، ساعت های اذیت دیدن در آخرت را نابود می کند»(۱۷۱۹). در گفتار دیگر

می فرماید: «شیرینی دنیا، تلخی آخرت و تلخی دنیا، شیرینی آخرت است»(۱۴۰۰). ضرورت بهره گرفتن از دنیا برای آخرت را در حدیثی دیگر از رسول گرامی چنین می خوانیم: «همانا دنیا سبز و شیرین است، خداوند شما را در آن، جا داده است و می نگرد که شما چگونه در آن رفتار می کنید؛ پس از دنیا بپرهیزید». در حدیث دیگر می فرماید: «دنیا ملعون است و هرچه در آن است، ملعون است؛ مگر چیزی که رضای خدا با آن به دست بیاید»(۱۶۰۵، ۱۶۰۴).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به جایگاه حقیقی دنیا و نقش مخرب دنیاگرایی است. حضرت در سخنی می فرماید: «تا هنگامی که مستی نادانی و مستی دنیا دوستی از شما پدیدار نشود، شما به خداوند خویش ایمان و اطمینان دارید»(۵۵۷). از این حدیث می توان فهمید که محبت به دنیا می تواند محبت به خدا را در دل انسان کم رنگ و حتی بی رنگ کند و بی ایمانی و اطمینان نداشتن به خداوند از عوارض محبت دنیاست. تأثیر منفی دنیاگرایی را حضرت در حدیث دیگر این گونه بیان می کند: «آیا کسی هست که روی آب راه رود و پاهایش تر نشود؟ همین طور انسان دنیا خواه از گناهان مصون نخواهد ماند»(۷۲۲).

حضرت در حدیثی بی ارزشی دنیا را این گونه بیان می کند: «خداوند وقتی دنیا را آفرید، روی از آن بگردانید و چنان در نظر خدا ناچیز بود که بر آن ننگریست»(۷۲۴). در حدیثی دیگر می فرماید: «خداوند مخلوقی که در نظر او مبغوض تر از دنیا باشد، نیافریده است و از بس آن را دشمن دارد از هنگام آفرینش بر آن نگاه نکرده است»(۷۲۴).

بی ارزشی دنیا در پیشگاه خداوند، آن گونه است که حتی راضی نیست بنده با ایمان از آن بهره ای داشته باشد. حضرت در حدیثی می فرماید: «خداوند چون بنده مؤمن خود را دوست دارد، از دنیا پرهیزش می دهد. همان گونه که شما

مریض خود را از بیم بیماری از خوردن و نوشیدن پرهیز می دهید»(۷۲۷).

در سخنان رسول گرامی اسلام، عوارض منفی دنیادوستی و دنیامحوری با تعبیرهای مختلفی به چشم می خورد. حضرت در گفتاری می فرماید: «دوست داشتن دنیا اساس همه اشتباه ها و گناهان است»(۱۳۴۲). و در حدیث دیگر می فرماید: «علاقه به دنیا غم و اندوه را زیاد می کند و شکمبارگی دل را سخت می کند»(۱۶۹۵).

بدیهی است که نکوهش دنیا در این سخنان، مربوط به مواردی است که انسان بیش از حد ضروری و نیاز به آن توجه کند و آن را اولویت خود بداند یا اینکه از دنیا برای رسیدن به آخرت بهره نگیرد. حضرت در این زمینه می فرماید: «دنیا را به اهل آن واگذارید. هرکس از دنیا بیشتر از نیاز خود بگیرد، ناآگاهانه اقدام به مرگ خویش کرده است»(۱۵۷۱).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، مشروعیّت استفاده از دنیا بر محور حق و حلال است. حضرت در حدیثی می فرماید: «دنیا شیرین و سبز و با طراوت است. هرکس از آن مطابق حق بهره گیرد، برایش مایه برکت است و چه بسا کسانی که در دنیا در خواهش های خود فرو می روند، ولی روز قیامت جز آتش بهره ای ندارند»(۱۵۹۴). در سخنی دیگر چنین می فرماید: «دنیا شیرین و دوست داشتنی است. هرکس در آن مالی از حلال به دست آورد و به حق خرج کند، خدایش به او پاداش دهد و او را داخل بهشت گرداند، ولی هرکس مالی از غیر حلال به دست آورد و به ناحق خرج کند، خداوند او را در دوزخ فرود آورد»(۱۵۹۶).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به این نکته است که دنیا اولویت نیست، بلکه ارزش دنیا به استفاده ای است که در مسیر

رسیدن به آخرت از آن می شود. حضرت این واقعیت را در دعایی این گونه یادآور می شود: «خدایا از ترس خود، آن قدر نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از طاعت خود آن قدر به ما عنایت کن که ما را به بهشت برساند و از یقین آن قدر به ما عطا کن که مصیبت های دنیا را بر ما آسان کند و ما را تا هنگامی که زنده می داری، از چشم و گوش و نیروی خود بهره مند فرما و آن را تا آخرین لحظه برای ما محفوظ نگه دار و خشم انتقام ما را بر کسانی قرار ده که بر ما ستم روا داشته اند و ما را بر کسانی که با ما دشمنی می کنند، پیروز فرما و مصیبت ما را در دینمان قرار نده و دنیا را بزرگ ترین غم ما و نهایت دانش ما قرار نده و کسی را که بر ما رحم نمی کند، بر ما چیره مگردان»(۵۰۳). پیام این بخش از دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله این است که برنامه زندگی انسان مؤمن نباید به گونه ای باشد که تمام تلاش و توانش متوجه تأمین دنیا باشد. اگر کسی به عالمی فراتر و وسیع تر از دنیا آگاهی نداشته باشد، طبیعی است که تمام تلاش و توانش متوجه تأمین دنیا باشد، ولی کسی که همه چیز را برای آخرت و جهان دیگر می خواهد، هیچ گاه بلوغ علمی اش را منحصر در دنیا نمی کند و بر این اساس، نوع نگاهش به دنیا عوض می شود و در نتیجه؛ عملکردش نیز متناسب با نگاهش خواهد شد.

پی آمدهای منفی زندگی براساس دنیامحوری و اولویت قرار دادن دنیا در حدیث نبوی این گونه تبیین شده است: «بنده اگر دل در آخرت بسته باشد، خداوند دارایی او را به اندازه کفاف قرار دهد و بی نیازی را در دل او جا می دهد و او پیوسته احساس بی نیازی می کند، ولی اگر دل به دنیا بسته باشد، خداوند دارایی او را فراوان سازد و فقر و نیازمندی اش را در پیش رویش قرار دهد و او پیوسته احساس فقر می کند»(۶۵۲). پیام این حدیث نبوی آن است که خاصیت رفتن به سوی دنیا و تلاش برای دست یافتن بیش از اندازه نیاز و ضرورت به آن، حالت سیرناپذیری برای انسان

پدیـد می آورد که پیوسـته احساس نیازمندی می کند و با وجود بهره مندی از ثروت فراوان، خود را فقیر می داند؛ چون آنچه را که دارد، نسـبت به آنچه نـدارد، کم و ناچیز می داند. نقطه مقابل این انسان، کسـی است که هدف نهایی اش آخرت است. چنین کسـی بـا بهره منـدی از زنـدگی ضـروری دنیـا پیوسـته احسـاس بی نیازی می کنـد؛ چون آنچه را دارد، برای رسـیدن به آخرت کافی می داند و چون هدف بزرگ زندگی اش را با آنچه از دنیا دارد، می تواند تأمین کند، خود را بی نیاز می داند.

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام توجه به ضـرورت و ارزشـمندی کـار و تلاش برای دست یابی به روزی و اداره زنـدگی دنیاست. حضـرت در حـدیثی می فرمایـد: «روزی را در نهانگاه های زمین بجویید»(۳۲۳). در گفتاری دیگر، فضـیلت کار و تلاش را این گونه بیان می کند: «پاک ترین کسب ها آن است که مرد با دست خود کار کند»(۳۳۲). و در سخنی دیگر چنین می فرمایـد: «بهترین کسب هـا معـامله ای است که نـادرستی در آن نباشـد و کـاری است که مرد با دست خود انجام می دهد»(۴۱۴). رسول گرامی، نه تنهـا بر کـار و تلاش و کـار بـدنی تأکیـد کرده، بلکه به کـار گرفتن تمام تلاش و توان را معیار فضـیلت دانسـته و فرمـوده اسـت: «بهـترین مردم آن اسـت کـه همـه کوشـش خـود را بـه کـار می گیرد»(۴۱۷). کســالت و بی حوصـلگی و طفره رفتن از کار برای زندگی دنیا و اداره آن و خود را سـربار جامعه کردن، امری ناپسند و زشت است. تا آنجا که رسول گرامی در سـخنی می فرمایـد: «عاجزترین مردم کسـی است که از کار دنیا ناتوان باشـد»(۳۳۷). البته رعایت موازین دینی و اخلاقی و توجه به اینکه درآمد انسان از راه حلال باشد، اصلی تغییرناپذیر است. حضرت در حدیثی می فرماید:

«بهترین، کارها کسب حلال است»(۳۸۸). در گفتاری دیگر می فرماید: «لباس نوپوش و با نیک نامی زندگی کن»(۴۷۹). پیام این سخن آن است که تلاش مثبت و سازنده حتی برای حفظ ظاهر و آراستگی از نظر لباس که مایه سرفرازی و نیک نامی در جامعه می شود، امری ستودنی است.

* نکته دیگر در زمینه تلاش برای اداره زندگی آبرومند دنیا این است که برنامه ریزی دقیق و نظم برای تأمین یک زندگی خوب نه تنها ناشایست نیست که برآن تأکید هم شده است. حضرت در حدیثی می فرماید: «اصلاح معیشت از دانش مرد است و به دست آوردن چیزی که زندگی تو را اصلاح می کند، دنیا دوستی نیست»(۳۰۴۷). البته پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال در هر کاری پسندیده و نیکو است. رسول گرامی می فرماید: «ای مردم، تقوای خدا را رعایت کنید و در کسب و کار برای اداره زندگی معتدل باشید؛ زیرا هیچ کس نمی میرد تا روزی خود را به پایان برد اگرچه روزی او دیر برسد. پس تقوای الهی را رعایت کنید و در کسب و کار معتدل باشید»(۱۰۴۳).

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی، توجه به اصل انتخاب آخرت بر سر دو راهی دنیا و آخرت است. حضرت در حدیثی می فرماید: «سه چیز است که در هر کس باشد ایمانش کامل است: ۱. مردی که در راه خدا از سرزنش سرزنشگران هراسی ندارد. ۲. کسی که در هیچ کاری ریا نمی کند. ۳. کسی که وقتی در برابر دو کار قرار بگیرد که یکی مربوط به دنیاست و دیگری مربوط به آخرت، کار آخرت را بر می گزیند»(۱۲۴۴).

انتخاب آخرت بر سر دوراهی انتخاب دنیا و آخرت، امری روشن و انتخابی عاقلانه است؛ زیرا آنچه ماندنی است، باید بر آنچه نابود شدنی است، مقدم شود. رسول گرامی در این زمینه فرموده است: «هرکس دنیایش را دوست بدارد به آخرتش زیان زده است و هرکس آخرتش

را دوست بدارد و به دنیایش زیان وارد کرده است؛ پس آنچه را باقی است، بر آنچه فانی و زوال پذیر است برگزینید»(۲۹۸۵).

ص: ۲۲۵

آسیب شناسی گناهان

همان گونه که بندگی و فرمانبرداری در پیشگاه خداوند متعال باعث کمال روح و آرامش خاطر است، معصیت و گناه نیز در روح انسان تأثیر منفی و مخرّب دارد. رسول گرامی اسلام در سخنانش برخی از پی آمدهای گناهان را بازگو کرده است که توجه به آنها روشنگر مسیر هدایت و سعادت است.

* نخستین نکته در این زمینه، توجه به نقش شهوات زودگذر در غم و اندوه دراز مدت است. رسول گرامی می فرماید: «چه بسیار که شهوت یک ساعته مایه رنج و اندوه طولانی گشته است»(۴۷۳). سرّ گفتار رسول خدا یا این است که گناه در دنیا باعث اندوه دراز مدت در سرای دیگر است یا اینکه در همین دنیا انسان گناه کار با آلوده ساختن روح و جان خویش، پیوسته احساس خسارت و اندوه دارد.

* نکته دیگر در سخنان رسول گرامی توجه به نقش مخرّب گناهان جنسی است. حضرت در حدیثی می فرماید: «مردم بیشتر از همه به واسطه دو چیز به دوزخ می روند: ۱. دهان ۲. عورت»(۶۰۷، ۲۵۲۸). نفوذ شیطان در زمینه گناهان جنسی، آن چنان است که حضرت در سخنی می فرماید: «بدانید که هیچ مردی با

زن نـامحرم خلوت نمی کنـد، جز آنکه سومی آنها شـیطان است»(۴۷۸). طـبیعی است که هر بـدی و آلودگی و گنـاه در زمینه منـاسب رشـد می یابـد و گناهـان جنسـی زمینه بسـیار مناسبی برای حضور شـیطان و فریفته شـدن انسان است. بر همین اساس، حضـرت در جمله ای می فرماید: «از گفت وگو با زنان بپرهیزید؛ زیرا هرگاه مردی با زنی خلوت کند، اندیشه رابطه نامشـروع با او را در سـر می پرورانـد»(۱۰۰۴). یکی دیگر از عوارض گناهـان جنسـی، پیـدایش مرگ هـای ناگهانی است. حضـرت در حـدیثی فرموده است: «کسـانی که بی عفتی و روابـط جنسـی نامشـروع میـان آنهـا رواج یابـد، مرگ ناگهـانی در میانشان زیاد شود»(۱۴۵۷).

* محور دیگر در سـخنان رسول خـدا، توجه به نقش کلیدی شـراب خواری در گناهان و بدی هاست. حضـرت در حدیثی می فرماید: «همه گناهان را در خانه ای نهاده و کلید آن را در شراب خواری قرار داده اند».

سر گفتار(۱۳۰۷) حضـرت این است که عقل عامل بازدارنـده انسان از بـدی ها و گناهان است و نیز هدایتگر او به سوی خوبی ها و پاکی هاست و چون شـراب بهره منـدی از این نعمت را از انسان می گیرد، همه بدی ها و گناهان به دنبال شـراب خواری در زنـدگی پدیـد می آیند. بر همین اساس، حضـرت در سـخنی دیگر، فرموده است: «شـراب مجموعه _ یا جمع کننده _ همه گناهان است»(۱۵۴۶).

از آنجا که شـراب، کلید همه بدی ها و گناهان است، در حقیقت، شـراب خوار هرچند ادعای مسلمانی داشته باشد، بهره ای از اسلام ندارد و اگر با آلودگی به همین رفتار ناشایست از دنیا برود، به مرگ جاهلیت مرده است. به این حدیث بنگرید: «شراب مادر ناپاکی هاست. هرکس بنوشد، تا چهل روز نمازش پذیرفته نیست

و اگر بمیرد و در شکم او شراب باشد، چنان است که به مرگ جاهلیت مرده است»(۱۵۴۴).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر، نمونه ای دیگر از پی آمد منفی و ویرانگر شراب خواری که در بی عفتی ظهور پیدا می کند را این گونه بیان می فرماید: «شراب مادر بدی هاست و از همه گناهان بزرگ بزرگ تر است. هرکه آن را بنوشد، باک ندارد که با مادر و خاله و عمه خود هم بستر گردد»(۱۵۴۵). راز گفتار رسول اکرم این است که با خوردن شراب، عقل زایل می شود و در چنین زمینه ای، هرکار بی خردانه ای ممکن است از شراب خوار صادر شود.

نفوذ شیطان در مجاری ادراکی شراب خوار و به عهده گرفتن سرپرستی او، خطر دیگری است که گناه شراب خواری ایجاد می کند. به این گفتار حضرت بنگریم: «بنده تا شراب ننوشد، عرصه دین بر او گشاده باشد ولی زمانی که شراب نوشید خداوند پرده اش را از روی بردارد ــ و هیچ گونه عیب پوشی از او ندارد ــ و در چنین شرایطی، شیطان ولی و سرپرست او شود و گوش و چشم او شود و او را به سوی هر بدی براند و از هر نیکی باز دارد»(۲۲۹۱).

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به آسیبی است که از ترک امر به معروف و نهی از منکر به افراد و جامعه وارد می شود. حضرت در حدیثی می فرماید: «شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید. در غیر این صورت، خداوند بدهای شما را بر شما مسلّط می کند و در چنین شرایطی خوبان شما دعا می کنند، ولی دعای آنها مستجاب نمی شود»(۲۲۱۸). راز گفتار حضرت در این است که به طور معمول، در شرایطی که بدان حاکمیت دارند، دعاهای خوبان در ارتباط با ناهنجاری های موجود جامعه و تغییر شرایط حاکم است و چون زمینه حاکمیت بدان را ترک امر به معروف و نهی از منکر فراهم ساخته

است، در حقیقت، شرایط موجود به دست افراد جامعه درست شده است و جامعه ای که خودش با بی توجهی و بی اعتنایی، بلای خود ساخته را به ارمغان آورده، حق ندارد با دعا، خواهان تغییر این شرایط و دفع بلا باشد.

* محور دیگر در سخنان رسول گرامی اسلام، توجه به بیماری های اقتصادی و گناهانی است که در حوزه امور مالی پدید می آیند. رشوه و ربا یکی از مشکلات جامعه است که آلوده شدن فضای جامعه به آن، آسیب های فراوانی را به جامعه تحمیل می کند. حضرت در حدیثی می فرماید: «هر جامعه ای که ربا در میان آنها رواج یابد، مبتلاـ به قحطی و کمبود شوند و هرگروهی که رشوه در میان آنها رواج یابد، به ترس دچار گردند»(۲۶۹۳).

شاید راز گفتار حضرت این باشد که در جامعه ای که گرفتار رباست، انگیزه های صحیح اقتصادی و تلاش های تولیدی و اشتغال آفرین، کم کم از بین می روند. افراد پولدار جامعه نیز با سود پول خود می خواهند زندگی کنند و این زمینه حاکمیت سرمایه و پول در جامعه می شود و هرکس بیشتر دارد، بیشتر بتواند با پولش دادوستد کند؛ یعنی پول در برابر پول و این فرجامی جز نابودی منابع طبیعی و انحراف جریان صحیح اشتغال ندارد. قحطی در همین بستر پدید می آید و در زمینه آلودگی جامعه به رشوه نیز چون رشوه نوعی ضایع کردن حقوق افراد است، در نتیجه هم گیرنده رشوه و هم دهنده آن همواره احساس گناه و ناپاکی و نوعی ترس دارند. البته قحطی و ترس می تواند معلول عوامل ظاهری و طبیعی باشد و خداوند برای تنبیه و عقوبت چنین جامعه ای، قحطی و ترس را بر آنها مستولی سازد. رسول گرامی محرومیت انسان از روزی به واسطه گناه را چنین بیان می کند:

«همانـا انسان به سـبب گناه از روزی محتوم، محروم می شود»(۶۲۴). چون ربـا یکی از بزرگ ترین گناهان به شـمار می رود، جامعه گرفتار آن ممکن است به وسیله قحطی از رزق عمومی محروم شود.

* محور دیگر در سـخنان رسول گرامی اسـلام، توجه به نقش مخرب پیروی از هوا و هوس است. از آنجـا که دل بسـتن هوس بازانه و بی خردانه به یک چیز، مایه کج فهمی و از بین رفتن بصیرت است، حضرت در گفتاری می فرماید: «از هوس بپرهیزید که انسان را کور و کر می کند»(۱۰۰۱).

در سـخنی دیگر، پیروی از هوا را از عواملی معرفی کرده که مـایه هلاکت و نابودی انسان می شود: «سه چیز هلاکت آفرین و سه چیز نجات بخش است، ولی چیزهایی که نابود کننـده اند، عبارتند از: بخلی که در برابرش اطاعت کنند و هوسـی است که از آن پیروی شود و خودبزرگ بینی انسان است...»(۱۲۹۰)

راز سـخن رسول خـدا این است که در جـامعه هوس محور، جـایی برای خردورزی و ضوابـط عقلانـی نیست و هرجامعه ای به همـان انـدازه که از عقلانیت و انـدیشه صـحیح دور شود، از سـعادت راستین محروم می شود و این چیزی جز هلاکت معنوی نیست.

* محور دیگر در این زمینه، توجه به آسـیب خیـانت در زنـدگی است. از آنجـا که خیـانت، پیمودن مسـیری است که خالی از عـدالت و انصاف و امانت است؛ به صورت طبیعی، جامعه از راه درستِ رسـیدن به فضـیلت ها محروم است و در جامعه ای که پاکی اخلاقی و معنوی حاکم نباشـد، برکت حضوری نـدارد و چنین جامعه ای محکوم به فقر و ناداری است. رسول گرامی در حدیثی می فرماید: «خیانت زمینه ساز فقر است»(۱۵۴۷).

* محور دیگر در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه به پی آمد سخت تلاش برای دست یابی به ستایش مردم، به بهای نافرمانی خداست. حضرت در این زمینه می فرماید: «هرکس ستایش مردم را در پرتو نافرمانی خداوند طلب کند،همان کسانی که او را ستایش کرده اند، روزی سرزنش و ملامتش می کنند»(۲۷۸۴).

شاید راز سخن رسول گرامی این باشد که چون تحصیل رضایت مردم در همه شرایط، ممکن نیست، مردم تا زمانی لب به ستایش انسان می گشایند که احساس کنند، منفعتی از سوی او نصیبشان می شود و هرگاه این احساس فروکش کند، نه تنها زبان ستایش آنها بسته خواهد شد که همان افراد زبان به ملامت و توبیخ او باز می کنند. شاید رمز این سخن این باشد که خاصیت نافرمانی خدا این است که جایگاه انسان را در دیدگاه افراد تنزل می دهد و حتی ستایشگران انسان هم به صورت مقطعی از او تعریف می کنند و برای همیشه گناه و نافرمانی از خداوند نمی تواند عاملی برای ستایش از انسان باشد؛ زیرا کسی که از انسان گناهکار ستایش می کند، به واسطه گناهانی که از او سر می زند، او را ستایش می کند و گناه دیر یا زود، جاذبه کاذب خود را از دست می دهد و ستایش ها تبدیل به ملامت و سرزنش می شوند.

* نکته دیگر در سخنان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله توجه به آسیبی است که مقام دوستی و مال دوستی به دین انسان مسلمان وارد می کند. حضرت در حدیثی فرموده است: «دو گرگ گرسنه در داخل برای گوسفندان خطرناک تر از حب جاه و مقام و حب مال برای دین مسلمان نیست»(۲۵۶۵). شاید راز سخن حضرت این باشد که انسان مقام دوست و مال پرست حاضر است برای دست یابی به

این هدف از همه چیز حتی دین خود دست بردارد.

ص: ۲۳۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹